



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
ریاست پوهنتونهای خصوصی

شراکت در جرم از دیدگاه فقه و قانون

رساله ماستری

محصل: محمد موسی (شاگرد)

استاد راهنما: دکتور رفیع الله (عطاء)

سال تحصیلی 1399 هـ ش - 1441 هـ



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
ریاست پوهنتون های خصوصی

شراکت در جرم از دیدگاه فقه و قانون

رساله ماستری

محصل : محمد موسی (شاکر)

استاد رهنما : دکتور رفیع الله (عطاء)

سال : 1399 هـ ش - 1441 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم محمد موسی (شاکر) ولد بشیر احمد ID نمبر Sh-msf-96-240 محصل دور پنجم فقه و قانون
از رساله ماستری خویش زیر عنوان: شراکت در جرم از دیدگاه فقه و قانون
بـه روز جمعه ۱۱/۱۱/۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس
بررسی هیأت تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) نورپوره (نمره به حروف) گردید،
موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.
اعضای هیأت تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور مصباح الله عبد الباقي	عضو هیأت	
۲	دکتور نجیب الله صالح	عضو هیأت	
۳	دکتور رفیع الله عطاء	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

آمر بورد ماستری

اهداء

- ❖ به پدر و مادر بزرگوارم ، رمز نیکوکاری و احسان، آنانیکه در تربیه و پرورش من هر نوع رنج، زحمت و تلاش را متقبل شدند و برای همیشه مشعل راه هدایت در زندگی ام بوده و میباشند .
- ❖ به برادران و خواهرانم که بهترین حمایت کننده گانم در مسیر تحصیل علم و دانشم بودند و راه طولانی و صعب العبور آنها بر من هموار نمودند و از هیچ نوع احسانی در حق من دریغ ننمودند .
- ❖ به همسر بزرگوارم ، رمز وفاداری و احسان و شریک مسیر پر خم و پیچ زندگی ام .
- ❖ به استادان فرهیخته پوهنتون اسلامی ساینس و تکنالوژی هرات که اولین کلید ثمر بخش و پر بهای علوم اسلامی را برایم هدیه کردند .
- ❖ به استادان عالیقدر پوهنتون سلام کابل که هر یکی از آنها نمونه فهم دقیق شریعت و اسوه درک اصیل فهم احکام شرعی میباشند .
- ❖ به استاد راهنمای فرهیخته ام ، از مؤسسين پوهنتون سلام ، رمز علم و دانش ، نمونه صبر و بردباری ، اسوه تقوا و اخلاق نیکو جناب دکتور رفیع الله عطاء .
- ❖ به همراهان و تشویق کننده گان مسیر علم و دانشم ، دوستان صمیمی ام از سرزمین هرات باستان هر یک محمد عبده ، درویش احمد جامی و محمد موسی نوری .
- ❖ به تمامی راهروان علم و دانش و علمای ربانی ، آنانیکه برای زدودن غبار جهل و گمراهی و خرافات و زنده نمودن سنت اصیل پیامبر در جامعه تلاش مینمایند .
- ❖ به تمامی مجاهدین راه حق که صرف به خاطر اعلاى کلمه الله جهاد مینمایند .
- ❖ به تمامی مسلمانان موحد

این عمل ناچیز را هدیه مینمایم و از الله متعال خواستارم که آنها خالص برای رضای خود بگرداند و روز قیامت آنها در جمله حسناتم قرار دهد .

محمد موسی شاکر

تقدیر و تشکر

سپاس بیکران آن ذاتی را که رحمت او شامل همه کاینات شده و ذره ای از این کاینات از قدرت و علم او خارج نیست و درود و سلام بی پایان بر پیامبر آخرین او که رحمت برای جهانیان فرستاده شده و بر آل و اصحاب پاک طینت وی که نور اسلام و عدالت را در دنیا گسترش دادند .

جا دارد که از وزارت محترم تحصیلات عالی در زمینه مساعد نمودن فضای مناسب در داخل کشور در چوکات موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی برای ادامه تحصیل به هموطنان عزیز فراهم نموده است کمال قدردانی و تشکر نمایم .

و هم چنین جا دارد که از اداره محترم پوهنتون سلام که در زمینه بالابردن سطح علم و دانش فرزندان این مرز و بوم در تمامی رشته ها تلاش خسته گی ناپذیر مینماید صمیمانه ابراز تشکر و قدردانی نمایم، و تشکر فراوان از اداره پوهنهی شرعیات پوهنتون سلام که تلاش زیادی را برای فراهم نمودن زمینه اکادمیک غرض ادامه تحصیل برای محصلین و محصلات انجام داده است .

از اداره محترم بورد ماستری که در خم و پیچ مسیر طولانی تحصیل علم ودانش راهنمای راه ما بودند، و استادان نخبه و ورزیده را برای تدریس در این مرکز بزرگ به ما معرفی نمودند، و وقت کافی را بخاطر تکمیل تیزس در اختیار ما گذاشتند نهایت قدردانی و تشکر مینمایم .

از تمامی استادان دلسوز، مشفق و زحمت کش این پوهنتون که شب و روز بخاطر نشر فرهنگ اصیل اسلامی و اشاعه مفاهیم ناب شریعت اسلامی برای محصلین و محصلات این مرز و بوم تلاش خسته گی ناپذیر مینمایند صمیمانه سپاسگزارم و از الله متعال برای شان در دنیا توفیق روز افزون و در آخرت درجه های عالی را در بهشت برین خواهانم .

از استاد راهنمایم محترم دکتور رفیع الله عطاء که زحمت اشراف و راهنمایی رساله ماستری ام را متقبل شدند صمیمانه سپاسگزاری مینمایم، از الله متعال توفیق هرچه بیشتر وی را در تمامی امور زندگی، برکت در علم و دانش پر منفعت، وسعت در رزق و روزی حلال و سعادت و نیک بختی دنیا و آخرت را برایش خواستارم .

محمد موسی شاکر

خلاصه بحث

شکی نیست که شناخت شراکت در جرم، انواع آن و اندازه مسئولیت جزایی هر یک از شرکاء نقش مهمی در تامین امنیت افراد، جوامع و جلوگیری از جرایم دارد، ناگفته نماند که پیگیری و ردیابی شرکای جرمی در تامین امنیت داخلی کشور رول بسزایی دارد که با گرفتاری شرکای جرمی هسته اصلی آنها متلاشی شده و توطئه های آنان نقش بر آب میگردد که این امر در جلوگیری از جرایم دیگر و جلوگیری از اضطرابات داخلی کشور نقش بسیار مهمی را بازی میکند.

روشی را که در نوشتن این بحث اختیار نموده ام روش کتابخانه ای میباشد که به شکل مقایسوی آنرا انجام داده ام و برای یافتن معلومات به کتاب های معتبر و موثق منابع احکام شریعت اسلامی مانند تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و قواعد فقهی مراجعه نموده ام و در کنار آن از رساله های علمی، فرهنگ لغت ها و کود جزای کشور نیز استفاده نموده ام، و در بعضی موارد از روش تحلیلی نیز کار گرفته ام که احکام را از مسایل فقهی و مواد قانونی برداشت نموده ام.

در این بحث در فصل اول مفاهیم کلی در مورد شراکت در جرم را واضح ساخته ام، و این مفاهیم عبارت از تعریف شراکت در جرم، مفهوم الفاظ مرتبط به هر یکی از آنها، ارکان عمومی جرم و ارکان عمومی شراکت در جرم میباشد، و هم چنین جرایم را به اساس امکان اشتراک در آن و عدم آن واضح ساخته ام. شراکت در جرم آن است که افراد متعدد یک جرم را مرتکب شوند و هر یکی در تنفیذ آن سهم بگیرند یا مباشر جرم را در تنفیذ آن کمک، تشویق و معاونت نمایند، و ارکان عمومی جرم عبارت از رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی آن میباشد، و شراکت در جرم دو رکن عام دارد که یکی تعدد مجرمین میباشد و دیگری منسوب شدن یک عمل جرمی و ارتکاب آن به آنان میباشد.

در فصل دوم شراکت مباشر در جرم و تمامی مسایل مربوط به آن را به بحث گرفته ام، و این نوع شراکت عبارت از سهم گیری تمامی شرکای جرمی در تنفیذ رکن مادی جرم به شکل مستقیم و بدون واسطه میباشد، و از لحاظ قواعد فقهی شرکای مباشر به هر حال مسئول عمل جرمی خود میشوند، خواه قصد جرم و ضرر رساندن به دیگران را داشته باشند یا نداشته باشند، و از لحاظ کود جزا نیز مسئول بوده و به مجازات جرمی که در آن اشتراک نموده باشند محکوم میگردند.

در فصل سوم شراکت غیر مباشر در جرم و تمامی احکام مربوط به آن را مورد بررسی قرار داده ام، و این نوع شراکت عبارت از اتفاق شریک با مباشر جرم در ارتکاب عمل جرمی و یا تشویق و اعانت وی میباشد، و یا گروه جرمی را سازماندهی و رهبری نماید و خودش در تنفیذ رکن

مادی جرم دخالت نمی نماید . و از لحاظ قواعد فقهی شریک غیر مباشر زمانی مسئول عمل جرمی است که قصد تجاوز به دیگران و ایجاد عمل جرمی را داشته باشد، و یا در صورت جدا شدن از مباشر جرم در ضرر رساندن به مجنی علیه موثر باشد و یا اینکه مجازات مباشر امکان پذیر نباشد. و از لحاظ کود جزای کشور شریک غیر مباشر نیز مسئول عمل جرمی خود بوده ولی برخلاف احکام فقه اسلامی به یک درجه پایین تر از جزای جرم مرتکبه محکوم میگردد، اما سازمانده جرم به مجازات شدیدتری محکوم میگردد که عبارت از یک و نیم چند جزای جرم مرتکبه میباشد.

در فصل چهارم اسباب تشدید، تخفیف و سقوط مجازات شریک را ذکر کرده ام که از جمله اسباب تشدید مجازات شریک در فقه اسلامی و کود جزا صفت جرمی، صفت فاعل و قصد شریک جرم، اشتراک چند نفر در جرح و ضرب مجنی علیه، اشتراک در هتک حرمت مسکن، قصد دنی یکی از شرکای جرمی، تجاوز جنسی گروهی و غیره میباشد، و از جمله اسباب تخفیف مجازات شریک در فقه اسلامی و کود جزا شراکت طفل و دیوانه همراه بالغین در جرم قتل و یا شراکت خطاکار و قصد کننده، وادار شدن چند نفر به دادن رشوت و تغییر وصف جرم شریک میباشد، و اسبابی مانند شراکت پدر همراه دیگران در قتل پسرش، شراکت شریک در سرقت مال شریکش، شراکت طفل و یا دیوانه در جرایم حدود و قصاص همراه بالغین و مجازات نشدن فاعل از جمله اسباب سقوط مجازات شریک جرم میباشد.

در اخیر امیدوارم که رساله هذا کمکی در راستای برطرف نمودن ابهام و غموض در مورد تمامی مسایل شراکت در جرم باشد و برای محصلین و دوست داران علم و دانش سودمند واقع گردد .



فهرست مطالب

اهداء	أ
تقدیر و تشکر	ب
خلاصه بحث	ج
مقدمه	1
1- اهمیت موضوع :	1
2- اسباب انتخاب موضوع :	2
4- سوالات اصلی تحقیق :	3
5- سوالات فرعی تحقیق :	3
6- پیشینه تحقیق :	4
7- مواد و روش تحقیق :	5
8- اهداف تحقیق :	6
9- خطه و پلان تحقیق :	6
فصل اول	8
معنی ، مفهوم و ارکان شراکت در جرم	8
مبحث اول : مفهوم شراکت در جرم	8
مطلب اول : مفهوم شراکت در لغت :	8
مطلب دوم : مفهوم شراکت در اصطلاح فقه :	11
مطلب سوم : مفهوم شراکت در اصطلاح قانون :	11
مطلب چهارم : مفهوم جرم در لغت :	12
مطلب پنجم : مفهوم جرم در اصطلاح فقه :	13
مطلب ششم : مفهوم جرم در اصطلاح قانون :	15
مبحث دوم : شرح الفاظ مرتبط به شراکت در جرم	17
1- مباشر جرم :	17
2- فاعل جرم :	17
3- مسبب جرم :	18

- 19..... 4 - مشوق جرم:
- 20..... 5 - معاون جرم:
- 21..... 6 - مساعد جرم:
- 21..... 7 - سازمان دهنده جرم:
- 22..... 8 - اتفاق شرکاء بر جرم:
- 23..... 9 - توافق شرکاء بر جرم:
- 24..... 10 - تعاقب شرکاء در جرم:
- 25 مبحث سوم: ارکان شراکت در جرم**
- 25 مطلب اول: ارکان عمومی جرم در فقه اسلامی:
- 26 مطلب دوم: ارکان عمومی جرم در قانون:
- 27 مطلب سوم: ارکان عمومی شراکت در جرم در فقه و قانون:
- 28..... 2 - وحدت جرم:
- 28 انواع تعدد مجرمین:
- 28..... الف - تعدد ضروری:
- 29..... ب - تعدد عارضی:
- 29 انواع وحدت جرم:
- 29..... الف - وحدت مادی جرم:
- 30..... ب - وحدت معنوی جرم:
- 31 مبحث چهارم: انواع جرایم از حیث امکان اشتراک در آن و عدم آن**
- 31 مطلب اول: جرایمی که بدون اشتراک صورت نمیگیرد:
- 32 مطلب دوم: جرایمی که بدون اشتراک صورت میگیرد:
- 33 مطلب سوم: جرایمی که با اشتراک و عدم آن هر دو صورت میگیرد:
- 34 فصل دوم**
- 34 شراکت مباشر در جرم و احکام آن**
- 34 مبحث اول: مفهوم شراکت مباشر در جرم**
- 34 مطلب اول: تعریف شراکت مباشر (مستقیم) در جرم:
- 36 مطلب دوم: انواع شراکت مباشر در جرم:
- 39 مبحث دوم: مسئولیت جزایی شریک مباشر در فقه اسلامی و قانون**

- 39 مطلب اول : معنی و مفهوم مسئولیت جزایی در فقه اسلامی :
- 41 قواعد کلی شریعت در مورد شراکت در جرم
- 42 مطلب دوم : قواعد فقهی مرتبط به مسئولیت فاعل و مباشر جرم :
- 50 مبحث سوم : مجازات شراکت مباشر در جرم
- 52 مطلب اول : مجازات فاعل و مباشر جرم در فقه و قانون :
- 54 مطلب دوم : مجازات شریک مباشر جرم در فقه و قانون :
- 56 مطلب سوم : مجازات متفق جرم در فقه و قانون :
- 59 مبحث چهارم : مجازات شریک مباشر در جرایم مختلف
- 59 مطلب اول : مجازات شریک مباشر جرم قتل در فقه و قانون :
- 65 مطلب دوم : مجازات شریک مباشر جرم جرح اعضاء در فقه و قانون :
- 68 مطلب سوم : مجازات شریک مباشر جرم سرقت در فقه و قانون :
- 70 مطلب چهارم : مجازات شریک مباشر جرم راهزنی در فقه و قانون :
- 72 مطلب پنجم : مجازات شریک مباشر جرایم تعزیری در فقه و قانون :
- 75 فصل سوم
- 75 شراکت غیر مباشر (سببی) در جرم و احکام آن
- 75 مبحث اول : مفهوم شراکت غیر مباشر در جرم
- 75 مطلب اول : تعریف شراکت غیر مباشر در جرم :
- 76 مطلب دوم : انواع شراکت غیر مباشر در جرم :
- 80 مبحث دوم : مسئولیت جزایی شریک غیر مباشر در فقه و قانون
- 80 مطلب اول : قواعد فقهی مرتبط به مسئولیت متسبب جرم :
- 83 مطلب دوم : اجتماع مباشر و متسبب :
- 85 مطلب سوم : مسئولیت مباشر و متسبب جرم :
- 86 مبحث سوم : مجازات شریک غیر مباشر در فقه و قانون
- 86 مطلب اول : مجازات معاون جرم در فقه و قانون :
- 88 مطلب دوم : مجازات سازمانده جرم در فقه و قانون :
- 92 مبحث چهارم : مجازات شریک غیر مباشر در جرایم مختلف
- 92 مطلب اول : مجازات شریک غیر مباشر در جرم قتل :

- 98 مطلب دوم : مجازات مسبب جرم در جرم جرح اعضاء :
- 99 مطلب سوم : مجازات مسبب جرم در جرم سرقت :
- 100 مطلب چهارم : مجازات مسبب جرم در جرم راهزنی :
- 103..... فصل چهارم**
- 103..... مبحث اول : اسباب تشدید ، تخفیف و سقوط مجازات شراکت در جرم**
- 103 مطلب اول : اسباب تشدید مجازات شریک جرم در فقه اسلامی :
- 104 مطلب دوم : اسباب تشدید مجازات شریک جرم در قانون :
- 104..... الف - قصد دنی یکی از شرکاء از جرم :
- 104..... ب - شراکت در جرم ضرب یا جرح :
- 104..... ج - شراکت در جرم هتک حرمت مسکن :
- 105..... د - شراکت در جرم تجاوز جنسی :
- 105..... ه - شراکت در گروه سازمان یافته جرمی :
- 105 مطلب سوم : اسباب تخفیف مجازات شریک جرم در فقه اسلامی :
- 106..... الف - شراکت طفل و دیوانه در قتل عمد همراه با بالغان :
- 106..... ب - شراکت خطا کار و قصد کننده در جرم قتل :
- 106 مطلب چهارم : اسباب تخفیف مجازات شریک جرم در قانون :
- 106..... الف - وادار شدن چند نفر به رشوت دادن :
- 106..... ب - تغییر وصف جرم شریک :
- 108 مطلب پنجم : اسباب سقوط مجازات شریک جرم در فقه اسلامی :
- 108..... الف - شراکت پدر یا سارقین در سرقت مال پسرش :
- 109..... ب - شراکت خطا کار و قصد کننده در جرم قتل :
- 109..... ج - شراکت شریک با سارقین در سرقت مال شریکش :
- 109..... د - شراکت طفل یا دیوانه همراه بالغین در جرایم حدود و قصاص :
- 110 مطلب ششم : اسباب سقوط مجازات شریک جرم در قانون :
- 113..... مبحث دوم : مناقشه**
- 119..... نتیجه گیری**
- 123..... پیشنهادات**
- 124..... فهرست آیات قرآنی**
- 126..... فهرست احادیث نبوی**

129.....	فهرست اعلام
131.....	فهرست مصادر و مراجع
139.....	خلاصة البحث
141.....	SUMMARY OF THE RESEARCH

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين و على آله و صحابته أجمعين و من دعا بدعوته إلى يوم الدين .

سپاس الله متعال را که این جهان را با قدرت بی نظیر خود آفرید و انسان را اشرف مخلوقات گردانید و او را تنفیذ کننده حکم و قانون خود در زمین آفرید و با ارسال پیامبران و کتاب ها قانون زندگی را به وی تعلیم داد، و درود بر پیامبر رحمت که بهترین الگوی عملی قانون الهی بودند و امت خود را به تمامی راه های خیر راهنمایی، و از تمامی راه های شر آنها را بر حذر داشته است، و درود بر یاران پاک وی که نمونه های راستین تقوا و عمل صالح و برپا کننده گان نظام عدل الهی در زمین الله برای بنده گان الله بودند.

1 - اهمیت موضوع :

الف - از آنجائیکه حفظ منافع انسانها و دفع مفسدات از آنها از مقاصد شریعت اسلامی است چنانچه الله تعالی میفرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الأنبياء/107) و نفرستادیم تو را مگر رحمت برای جهانیان . مفسرین گفته اند که مقتضای رحمت این است که شریعت وی مصالح و منافع انسانها را در نظر گرفته و مفسدات و اضرار را از آنها دور نماید. امام قرطبی میفرماید: «پیامبران برای رحمت خلق شده اند و محمد صلی الله علیه وسلم خودش رحمت خلق شده است، بنا براین امان برای تمامی مخلوقات است و زمانیکه الله تعالی او را مبعوث گردانید مخلوقات تا روز دمیدن در صور از عذاب در امان شدند و پیامبران دیگر به این درجه قرار نگرفتند و به این سبب نبی علیه السلام میفرماید: (أنا رحمة مهداة)¹ خبر میدهد که خودش رحمت برای مخلوقات از جانب الله است و مهداة یعنی هدیه الله برای مخلوقاتش است»²

و شریعت اسلامی همه راه های جلب مصالح و دفع مفسدات را برای انسانها نشان داده است و آن هم در دو کلمه خلاصه میشود یکی انجام دادن اوامر و دیگری ترک کردن نواهی، و به این ترتیب منافع انسانها که عبارت از دین، جان، ابرو و حیثیت، عقل و مال میباشد همه در امن میباشند، الله

1- صحیح : رواه الحاكم في المستدرک برقم 99 عن أبي هريرة رضي الله عنه و رواه ابن أبي شيبة في مصنفه برقم 144 والبيهقي في دلائل النبوة برقم 61 والدارمي برقم 15 كلهم عن أبي صالح . صححه الحاكم في المستدرک والألبانی في صحیح الجامع الصغير برقم 4110 ج 10 ص 57 .

2- القرطبي، أبو عبدالله محمد بن أحمد: الجامع لأحكام القرآن، ج 1 ص 984، دار الكتب المصرية، القاهرة - مصر ، ط 2، 1384 هـ 1964 م

تعالی میفرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهُمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (الأأنعام/82) و کسانی که ایمان آورده اند و ایمان خود را به ظلم آغشته نکرده اند برای شان امنیت است و ایشان راه یافتگان هستند. مفسرین میگویند که مراد از ایمان آوردن تصحیح نمودن عقیده و انجام دادن اعمال صالحه است و مراد از ظلم شرک و گناهان دیگر است که امنیت تمامی منافع انسانها را مختل میسازد و آنرا زیر سوال میبرد.

ب - از آنجائیکه جرم با تمامی انواع آن منفعت انسانها را با چالش مواجه میسازد و حتی آنرا از بین میبرد، و مجرمین و شرکای جرمی کسانی هستند که چنین چالش ها و مشکلات را به میان می آورند و مردم را از برخورداری منافع شان محروم میسازند، بسیار مهم است که جرم و مجرم شناخته شود، شرکای جرمی شناخته شوند، چند نوع شرکاء وجود دارند و مسئولیت جرمی هر کدام از شرکاء تا چه حد است؟ و شریعت و قانون چه قسم مجازات را برای شریک جرم در نظر گرفته است؟ و در کدام حالات جزای شان تشدید میابد و یا تخفیف میشود و در کدام حالات جزای شان ساقط میگردد؟

بنا بر این شناخت مجرمین و شرکای جرمی و احکام متعلق به آن اهمیت بسیار زیادی در حفظ مصالح مردم دارد و با تعیین نمودن جزای مناسب برای هر یک از شرکای جرمی، ضروریات مردم از قبیل دین، خون، عقل، مال و ابروی شان از تجاوز و پایمال شدن در امان میمانند، و به این ترتیب سعادت دنیا و آخرت نصیب شان میگردد.

2 - اسباب انتخاب موضوع :

موضوع فوق را نظر به اسباب زیر انتخاب نموده ام :

1 - نوشتن بحث و یا رساله در یکی از موضوعات فقه اسلامی و قانون یکی از مکلفیت های هر محصل در پایان دوره ماستری میباشد، به این اساس تصمیم گرفتم تا در مورد شراکت در جرم رساله ای را ترتیب نمایم .

2 - در دنیای امروز مجرمین در ارتکاب جرایم شان حرفه ای شده اند و جرایم را با طریقه های جدید و پیشرفته انجام و در بعضی حالات جرم با اشتراک چند نفر صورت میگیرد که در این صورت تعیین نمودن اندازه مسئولیت جرمی هر یک از شرکاء مشکل است بنا براین لازم است که

احکام اشتراک در جرم مورد بحث قرار گیرد، انواع اشتراک دانسته شود و برای تحقق عدالت جزای متناسب با جرم به مجرم یا شرکای جرمی داده شود.

3 - اکثر نویسندگان در مورد بخش خاص فقه و قانون رساله های را ترتیب داده اند، مثلاً در مورد قتل و انواع آن، حدود و قصاص، تعزیرات و غیره بحث های زیادی وجود دارد، اما در مورد بخش عام فقه و قانون یعنی بخش جرایم و جزاها به ندرت بحثی دیده میشود تا احکام آنرا واضح سازد، لذا تصمیم گرفتم تا رساله ای را در این بخش بنویسم .

4 - از آنجائیکه جرایم در کشور ما رو به ازدیاد است و هر روز انواع جدید آن رخ میدهد و بعضی از جرایم به شکل پیچیده آن رخ میدهد که شناخت مجرم اصلی آن و شرکای جرمی آن مشکل میباشد و بخاطر آوردن امنیت و آرامش در جامعه لازم است که احکام شراکت در جرم بصورت تفصیلی مورد بحث قرار گیرد.

4 - سوالات اصلی تحقیق :

سوالات اصلی این تحقیق به شکل زیر است :

1 - شراکت در جرم از لحاظ فقه اسلامی و قانون چیست ؟ و از نظر فقه و قوانین نافذ کشور چه مشابهت ها و تفاوت ها دارد ؟

2 - شریک جرم کیست ؟ و فرق آن با فاعل اصلی یا مباشر جرم چیست ؟

3 - مجازات شراکت در جرم از دیدگاه فقه اسلامی و کود جزایی کشور چیست ؟

5 - سوالات فرعی تحقیق :

سوالات فرعی این تحقیق شامل موارد زیر میباشد :

1 - چند نوع شراکت در جرم در فقه اسلامی و قانون وجود دارد ؟

2 - شراکت مباشر یا مستقیم با شراکت سببی در فقه اسلامی و قانون از هم چه فرق دارد ؟

3 - آیا در فقه اسلامی برای مجازات شریک جرم کدام قواعد فقهی کلی وجود دارد یا نه ؟

4 - مجازات شراکت در جرم چه وقت تشدید و چه زمانی تخفیف و در کدام حالات سقوط مینماید؟

5 – آیا مجازات شریک مباشر یا مستقیم با شریک سببی در فقه اسلامی و قانون یکسان است یا خیر؟

6 – پیشینه تحقیق :

در مورد موضوع شراکت در جرم فقهاء در کتاب های فقه باب و یا فصل خاص را در مورد آن تخصیص نداده اند و به این ترتیب مسائل شراکت در جرم بطور پراکنده در ابواب مختلف فقه ذکر شده است، مثلا مسئله قتل یک شخص توسط چند نفر یا یک گروه، گرفتن شخص برای کس دیگر که او را به قتل برساند و مانند اینها در کتاب جنایات ذکر شده است، اشتراک چند نفر در سرقت از یک منزل و همکاری سارقین با هم در کتاب سرقت ذکر شده است، اشتراک چند نفر یا یک جماعت در راهزنی و یا بغاوت در کتاب های قطع طریق و بغاوت کننده گان ذکر شده است، و به این ترتیب مسائل آن در کتاب های فقه متفرق است. بنا براین لازم است تا همه احکام مربوط به شراکت در جرم در یک رساله مستقل جمع آوری گردد تا یک مرجع آسان و قابل استفاده برای اهل علم و دستداران دانش گردد.

اما در عصر حاضر رساله های زیادی در مورد شراکت در جرم تألیف شده است که همه آنها رساله های ماستری از پوهنتون های خارجی به زبان عربی هستند و قابل استفاده برای هموطنان ما نیست، بنا بر این لازم است که یک رساله مستقل درین مورد به یکی از زبانهای رسمی کشور نوشته گردد، اینک به بعضی از آنها اشاره مینمایم:

الف – رساله ماستری بنام (أحكام الاشتراك في الجريمة في الفقه الإسلامي) تألیف کامل محمد حسین عبدالله حامد، از پوهنتون نجاح وطنی فلسطین در سال 2010 م .

ب – رساله ماستری بنام (التحريض على الجريمة في الفقه الإسلامي و النظام السعودي) تألیف فهد بن مبارک العرفج، از پوهنتون نایف العربیه عربستان سعودی در سال 2006 م .

ج – رساله ماستری بنام (المساهمة الجنائية في الشريعة الإسلامية) تألیف رائد احمد القطی، از پوهنتون اسلامی غزه فلسطین در سال 2001 م .

و مانند اینها رساله های دیگری هم وجود دارد که همه آنها به زبان های خارجی بوده و اگر به شکل مقایسوی بین فقه و قانون باشد، آنرا به اساس قوانین کشور های خودشان مقایسه نموده اند، بنا بر این نیاز است که رساله ای در همین موضوع اولاً به یکی از زبانهای رسمی کشور و ثانیاً به شکل مقایسوی بین فقه اسلامی و قانون یا کود جزای کشور ما تألیف گردد.

7 - مواد و روش تحقیق :

روش تحقیق در این رساله کتابخانه ای میباشد که به شکل نظری، وصفی و تحلیلی آنرا انجام داده ام، برای یافتن معلومات به کتابهای مختلف مانند تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، قواعد فقهی، فرهنگ لغت ها و رساله های علمی مراجعه نموده ام، موضوعات و مسایل را از لابلائی کتاب ها جمع آوری نموده، و آنها را در قالب فصول، مباحث و مطالب تقسیم بندی نمودم تا اینکه رساله هذا به پایه اكمال رسید، و هم چنین از روش تحلیلی نیز درین رساله استفاده نموده ام که بعضی مسایل را از احکام فقهی و مواد قانونی برداشت و استنباط نموده ام ، و به طور خلاصه روش زیر را در نوشتن این بحث به کار برده ام :

- 1 - مشخص نمودن آیات قرآن کریم با ذکر سوره و شماره آیه آن .
- 2 - تخریج احادیث نبوی و آثار صحابه از کتاب های معتبر حدیث همراه با بیان درجه حدیث (صحیح و ضعیف بودن آن) اگر در صحیحین (بخاری و مسلم) نباشد .
- 3 - مراجعه به کتاب های تخریج در مورد صحت و ضعف احادیث .
- 4 - نقل مستقیم اقوال اهل علم از کتاب های اصلی شان ، مگر اینکه نقل مستقیم امکان نداشته باشد و توثیق نصوص و آرای مذاهب به کتاب های معتبر شان .
- 5 - ذکر اقوال مختلف در مسایل اختلافی همراه با قائلین شان و بیان نظر راجح بعد از مقارنه و مقایسه بین دلایل مختلف در حد امکان .
- 6 - ذکر مواد قانونی کود جزای کشور به تعقیب هر مسئله در صورت نیاز .
- 7 - تمرکز بر موضوع بحث و اجتناب از حاشیه روی و یا بیرون شدن از آن .
- 8 - استعمال عبارات و الفاظ قابل فهم در متن رساله و اجتناب از الفاظ معلق و پیچیده .
- 9 - تهیه چهار فهرست در آخر رساله : فهرست آیات قرآنی ، فهرست احادیث نبوی ، فهرست اعلام و فهرست مصادر و مراجع .

8 - اهداف تحقیق :

این بحث یا تحقیق اهداف زیر را تعقیب مینماید :

- 1 - بیان نمودن احکام مربوط به شراکت در جرم به شکل واضح و به صورت مقایسوی بین فقه اسلامی و کود جزای کشور .
- 2 - شناخت انواع شراکت در جرم و بیان احکام متعلق به هر یکی از آنها از دیدگاه فقه اسلامی و کود جزای کشور .
- 3 - شناخت قواعد کلی فقه اسلامی در مورد شراکت مباشر یا مستقیم و شراکت غیر مباشر یا سببی و درک فهم دقیق و عمیق فقهاء اسلام از استنباط چنین قواعد از نصوص قرآن و سنت .
- 4 - شناخت موقف شریعت اسلامی و قانون در مورد شریک جرم و اینکه احکام کدام یک از آنها در جلوگیری از جرم موثر بوده و منافع افراد و جامعه را بهتر تضمین مینماید .

9 - خطه و پلان تحقیق :

این رساله در مقدمه، سه فصل و خاتمه به شکل زیر تقسیم بندی میگردد :

مقدمه

فصل اول : معنی ، مفهوم و ارکان شراکت در جرم

مبحث اول : مفهوم شراکت در جرم

مبحث دوم : شرح الفاظ مرتبط به شراکت در جرم

مبحث سوم : ارکان شراکت در جرم

مبحث چهارم : انواع جرایم از حیث امکان اشتراک در آن و عدم آن

فصل دوم : شراکت مباشر در جرم و احکام آن

مبحث اول : مفهوم شراکت مباشر در جرم

مبحث دوم : مسئولیت جزایی شریک مباشر در فقه اسلامی و قانون

مبحث سوم : مجازات شراکت مباشر در جرم

مبحث چهارم : مجازات شریک مباشر در جرایم مختلف

فصل سوم : شراکت غیر مباشر در جرم و احکام آن

مبحث اول : مفهوم شراکت غیر مباشر در جرم

مبحث دوم : مسئولیت جزایی شریک غیرمباشر در فقه اسلامی و قانون

مبحث سوم : مجازات شریک غیر مباشر در فقه اسلامی و قانون

مبحث چهارم : مجازات شریک غیر مباشر در جرایم مختلف

فصل چهارم : اسباب تشدید، تخفیف و سقوط مجازات شریک

مبحث اول : اسباب تشدید، تخفیف و سقوط مجازات شریک جرم

مبحث دوم : مناقشه

نتیجه گیری

توصیه ها

فهرست آیات قرآنی

فهرست احادیث نبوی

فهرست اعلام

فهرست مصادر و مراجع

فصل اول

معنی ، مفهوم و ارکان شراکت در جرم

مبحث اول : مفهوم شراکت در جرم

مطلب اول : مفهوم شراکت در لغت :

به طور کلی شراکت در لغت دارای معانی زیر میباشد :

1 - مختلط شدن و یکجا شدن : « الشَّرْكََة والشَّرْكََة سِوَاء: مَخَالِطَةُ الشَّرِيكِيْنَ، شَرَكْتُ بِه مَعْنَايَ يَكْجَا شَدْنِ دُو شَرِيْكَ مِيْبَاشِد. اَشْتَرَكُ الْأَمْرَ: اِخْتَلَطَ وَالتَّبَسُّ. اَمْرٌ مَشْتَرَكٌ شَدَّ يَعْْنِي مَخْتَلَطٌ وَ پَوْشِيْدِه شَد.»¹

2 - شریک شدن و سهمیم شدن : « اَشْتَرَكُ الرَّجُلَانِ: كَانُ كُلُّ مِنْهُمَا شَرِيْكَ الْآخَرِ، دُو مَرْدٌ بَا هَمْ اَشْتَرَاكَ كَرَدْنِدْ يَعْْنِي هَر يَكُ اَز اَنَهَا شَرِيْكَ دِيْگَرِي شَدَّ وَ شَارَكْتُ فُلَانًا: صَرْتُ شَرِيْكَه، وَ بَا فُلَانِي مَشَارَكْتُ نَمُوْدَمْ يَعْْنِي شَرِيْكَ اَوْ شَدَمْ، شَرَكْتُهُ فِي الْبَيْعِ وَ الْمِيْرَاثِ، اَوْ رَا دَر بَيْعِ وَ مِيْرَاثِ شَرِيْكَ نَمُوْدَمْ يَعْْنِي بَرَايِ اَوْ دَر اَن سَهْمِ دَادَم.»²

3 - مساوات : یکی دیگر از معانی شراکت مساوات اشخاص در حقی از حقوق میباشد : « طَرِيْقٌ مَشْتَرَكٌ: يَسْتَوِي فِيْهِ النَّاسُ، وَ رَوِي عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ: (النَّاسُ شَرَكَاءٌ فِي ثَلَاثٍ فِي الْمَاءِ وَ الْكَلَا وَ النَّارِ)³ اَي مَسْتَوُوْنَ فِيْهٖ، رَاهُ مَشْتَرَكٌ اَن اَسْتُ كِه مَرْدَمْ دَر اَن حَقِّ بَرَابَرِ دَارَنْدِ وَ اَز نَبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايْتُ اَسْتُ كِه فَرَمُوْد: مَرْدَمْ دَر سَه چِيْزِ شَرِيْكَ هَسْتَنْد: اَبُ وَ عَلْفُ وَ اَنْتَشُ (هِيْزَمِي كِه تَوْسَطِ اَن اَنْتَشُ رَوْشَن نَمَايَنْد) يَعْْنِي دَر اَن بَرَابَرِ هَسْتَنْد.»⁴

1- ابن منظور ، محمد بن مكرم بن علي : لسان العرب ، ج 10 ص 448، دارالمعارف ، د ط - د ت . الزبيدي ، محب الدين السید مرتضى : تاج العروس ، ج 27 ص 228 ، دار الهداية ، د ط - د ت . مصطفى ، إبراهيم وآخرون : المعجم الوسيط ، ج 1 ص 480 ، دارالدعوة ، استانبول - ترکیه ، د ط - 1410 هـ 1989 م .

2- ابن منظور : همان ج 10 ص 449 - الزبيدي : همان ، ج 27 ص 228 - مصطفى ، إبراهيم وآخرون : همان ، ج 1 ص 480 .
3- ضعيف : رواه أحمد 364/5 ، وأبو داود 3477 ، ضعفه الألبانی فی مختصر إرواء الغلیل ج 1 ص 306 .

4- ابن منظور : همان ، ج 10 ص 450 - الزبيدي : همان ، ج 27 ص 228 .

4 - داشتن حصه و نصیب : یکی دیگر از معانی شراکت داشتن نصیب و بهره از یک شیء است : « أَشْرَكَ بِاللَّهِ جَعَلَ لَهُ شَرِيكَاً فِي مَلِكِهِ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ عَبْدِ لَقْمَانَ أَنَّهُ قَالَ لِابْنِهِ : ﴿ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴾ لقمان/13 شریک آورد به الله یعنی کسی را در پادشاهی او شریک گردانید الله تعالی از بنده خود لقمان نقل مینماید که به فرزند خود چنین فرمود: ای پسر من به الله شریک نیاور که بدون شک شرک ظلم بزرگ است . و قوله تعالی: ﴿ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴾ (طه/32)، أي اجعله شریک لی، و فرموده الله تعالی: و أَشْرَكَهُ فِي أَمْرِي: یعنی او را در این کار من شریک گردان، و یقال: فلان یشارك فی علم کذا: له نصیب منه. فلانی در چنین علمی شریک میشود یعنی بهره و نصیبی از آن دارد. شَرِكٌ فلاناً فی الأمر شَرِكاً و شَرِكَةٌ و شَرِكَةٌ: کان لكل منهما نصیب منه با فلانی در کاری شرکت کرد یعنی برای هر یک از آنها حصه و نصیبی بود.¹

« اشتراک از (اشترک) گرفته شده و مجرد آن (شَرِكٌ) میباشد، و شرکه فی الأمر: اینکه برای هر یک از آنها حصه و نصیبی باشد. و یا اینکه برای هر یک از مشترکین و یا بر علیه او جزئی از یک شیء باشد»²

در قرآن کریم مشتقات لفظ شرک بسیار زیاد آمده است که معانی متعدد دارد از جمله آنها :

الف - به معنای مساوات : فرموده الله تعالی: ﴿ فَهُمْ شُرَكَاءٌ فِي التُّلْتِ ﴾ (النساء/12) یعنی آنها در یک سوم حصه مال میراثی شریک اند. امام طبری میفرماید: « مراد از برادران و خواهران در این جا برادران و خواهران مادری هستند، اگر یک نفر بود برایش سدس مال است و اگر بیشتر از یک نفر بودند همه در ثلث مال شریک هستند یعنی مذکر و مونث شان باهم برابر هستند»³

ب - به معنای سهیم گردانیدن و شریک گردانیدن: فرموده الله تعالی از زبان موسی علیه السلام: ﴿ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴾ (طه/32) یعنی او را در امرم شریک گردان. امام قرطبی میگوید: « امر موسی علیه السلام نبوت و رسالت بود و از الله جل جلاله در خواست کرد که برادرش را در نبوت شریک او گرداند»⁴ فرموده الله تعالی از زبان لقمان حکیم: ﴿ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ﴾ (لقمان/13) یعنی ای

1- ابن منظور : همان ، ج 10 ص 450 - الزبيدي : همان ، ج 27 ص 228 - مصطفی ، إبراهيم و آخرون : همان ، ج 1 ص 480.
2- قلعي ، دكتور محمد رواس : معجم لغة الفقهاء ، ص 69 ، دارالنفائس ، بيروت - لبنان ، ط 2 ، 1408 هـ 1988 م.
3- الطبري ، الإمام محمد بن جرير: جامع البيان عن تأويل آي القرآن ، ج 8 ص 62 ، مؤسسة الرسالة ، بيروت - لبنان ، ط 3 ، 1404 هـ .
4- القرطبي ، أبو عبدالله محمد بن أحمد: الجامع لأحكام القرآن ، ج 1 ص 573 ، دار الكتب المصرية ، القاهرة - مصر ، ط 2 ، 1384 هـ 1964 م

پسرم به الله شریک نیاور . شیخ محمد علی صابونی¹ میگوید : « یعنی هیچ کس از انسان یا بت یا فرزند را به الله جل جلاله شریک نساز »²

ج - به معنای مساوی بودن : فرموده الله تعالی: ﴿فَأَيُّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ﴾

(الصافات/33) یعنی آنها در روز قیامت در جزای شرک و کفر شریک هستند. شیخ السعدی³ میفرماید: « آنها (رؤساء کفر و پیروان شان) روز قیامت در جزای کفر با هم شریک هستند همانطوریکه در دنیا بر کفر شریک هم بودند، و لو که مقدار جزای شان به اساس جرم شان متفاوت باشد »⁴

پس چنین نتیجه میگیریم که معنای شراکت پیرامون کلماتی چون اختلاط، حصه و نصیب، دخالت، سهم مساوی داشتن و التباس می چرخد، و در آیات قرآنی به معنای حصه و نصیب مساوی داشتن در اشیای محسوسی مانند مال میراثی و عذاب جهنم و یا حصه و نصیب متفاوت داشتن در صفات معنوی مانند اشتراک موسی و هارون علیهما السلام در نبوت و اشتراک غیر الله با الله جل جلاله در عبادت و مانند اینها آمده است و در مورد موضوع بحث ما در حقیقت شریک جرم با فاعل اصلی آن در ارتکاب عنصر مادی آن دخیل و با او یکجاشده و در آن حصه و نصیب مساوی دارد.

1- شیخ محمد علی صابونی یکی از بارزترین علمای معاصر اهل سنت و جماعت و متخصص در علم تفسیر قرآن در سال ۱۹۳۰ میلادی در شهر حلب سوریه چشم به جهان گشود. وی در سال ۱۹۵۲ در رشته الشریعه از پوهنتون الازهر فارغ التحصیل گشت. سپس در سال ۱۹۵۴ مدرک بین المللی در رشته قضاوت شرعی را به دست آورد. و نزدیک به سی سال در پوهنهی «الشریعه والدراسات الاسلامیه» و پوهنهی «التربیه» عربستان سعودی مشغول به تدریس بود. بعد از آن پوهنتون «ام القرى» وی را به عنوان محقق علمی در مرکز تحقیقات علمی و احیای تمدن اسلامی تعیین نمود. در سال ۲۰۰۷ م جایزه بین المللی دبی، به خاطر تلاشهای پی در پی وی در خدمت به اسلام و مسلمانان به وی اختصاص یافت. کتاب «صفوه التفاسیر» و «روائع البیان فی تفسیر آیات الأحکام» از آثار مشهور وی هستند. ترجمه و تحقیق: خالد ایوبی نیا - <http://sozimihrab.org/>

2- الصابونی، الشیخ محمد علی : صفوة التفاسیر ، ج 2 ص 491 ، دار القلم العربی حلب - دار النمیر ، دمشق - سوریه ، د ط - د ت .
3- ایشان علامه‌ی پرهیزگار و متقی، فقیه، اصولی و مفسر عبدالرحمن بن ناصر از بنی عمرو یکی از شاخه‌های بزرگ قبیله بنی تمیم می‌باشد. این دانشمند گرامی به تاریخ دوازدهم ماه محرم سال: 1307 هـ در شهر عنیزه (یکی از شهرهای عربستان سعودی) چشم به جهان گشود. از جمله تألیفات ایشان: خلاصة التفسیر، القواعد الحسان، الفتاوی، بهجة قلوب الأبرار و غیره می‌باشد. بزرگترین اثرش تفسیر «تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان» یا تفسیر سعدی می‌باشد. در این تفسیر منهج منحصر به فرد خود را داشته است، به جانب هدایتی قرآن اهتمام ویژه نموده و اثر آن در پیراستگی دلها و استقامت در دین و دنیا را بررسی کرده و به شیوه‌ی مختصر و زیبا توضیح داده است. بالاخره قبل از طلوع فجر روز پنجشنبه 23 جمادی الثانی سال: 1376 هـ به عمر نود و نه سالگی به لقاء الله شتافت..
<https://www.aqedeh.com/>

4- السعدی ، الشیخ عبدالرحمن بن ناصر : تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ، ص 825 ، دار السلام للنشر والتوزیع ، الرياض - السعودیه ، ط 2 ، 1422 هـ - 2002 م .

مطلب دوم : مفهوم شراکت در اصطلاح فقه :

همانطوریکه قبلاً گذشت یکی از معانی شراکت اختلاط میباشد، فقهاء همین معنای لغوی را با معنای اصطلاحی آن در فقه ربط داده و به اساس آن شراکت در جرم را تعریف نموده اند ، که در باب جنایات شراکت به معنای یکجا شدن دو یا بیشتر از دو نفر به منظور ارتکاب اعمال جرمی میباشد.

استاد عبدالقادر عوده¹ میفرماید: « شراکت در جرم این است که جرم را افراد متعدد مرتکب شوند و هر یکی در تنفیذ آن سهم بگیرد یا همراه دیگری در تنفیذ آن کمک و معاونت نماید » سپس میفرماید که: « اشکال شراکت از چهار حالت خالی نیست : مجرم در تنفیذ عنصر مادی جرم سهم میگیرد یا همراه دیگری در تنفیذ جرم اتفاق مینماید یا او را بر ارتکاب جرم تشویق مینماید یا او را در ارتکاب جرم به اشکال مختلف معاونت مینماید بدون اینکه در تنفیذ آن سهیم شود و در همه این حالات شریک جرم نامیده میشود خواه شریک مادی جرم باشد یا نباشد »²

مطلب سوم : مفهوم شراکت در اصطلاح قانون :

ماده 58 کود جزایی کشور در مورد شریک جرم چنین مشعر است: « شریک شخصی است که در ارتکاب یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم، آگاهانه و به طور مستقیم با فاعل یا فاعلین دیگر سهیم باشد »³

بنا براین شراکت در جرم از نظر کود جزا عبارت از سهم گیری دو نفر و یا بیشتر از آن در اعمال جرمی میباشد که موضوع مورد بحث ما همین شراکت در جرم بوده و آنرا به بحث خواهیم گرفت .

¹ - عبد القادر عوده : قاضی و حقوقدان مصری که در سال 1906 در قریه کفر الحاج شریبئی از قریه های مرکز شریبئی متولد شد، در سال 1330 هـ از مدرسه ابتدائیه المنصوره فارغ شد، به زراعت مشغول شد و سپس دوباره برگشت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال 1348 هـ سند بکلوریا را بدست آورد، بعد از آن به پوهنحی حقوق در قاهره شامل شد و در سال 1930 م به درجه ممتاز از آن فارغ گردید. به تاریخ 9 دسامبر سال 1954 م همراه پنج نفر دیگر از بزرگان اخوان المسلمین به تهمت شراکت در ترور جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر اعدام گردید. از تالیفات مهم وی : التشریح الجنائی الاسلامی میباشد. <https://ar.wikipedia.org/>

2- عوده ، عبدالقادر : التشریح الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی ، ج 1 ص 357 ، دار الکتاب العربی ، بیروت - لبنان ، د ط .
3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا ، مصوب سال 1396 هـ ش .

مطلب چهارم : مفهوم جرم در لغت :

جرم در لغت دارای معانی متعدد میباشد از جمله آنها :

1 - تجاوز و گناه : « الجُرم: التعدي والذنب، جرم به معنای تجاوز و گناه بوده و في الحديث: (إِنَّ أَعْظَمَ الْمُسْلِمِينَ فِي الْمُسْلِمِينَ جُرْمًا مَنْ سَأَلَ عَنْ شَيْءٍ لَمْ يُحَرِّمْ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فَحُرِّمَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَجْلِ مَسْأَلَتِهِ)¹ و در حدیث آمده است که: بزرگترین مسلمانان در میان مسلمانان از لحاظ جرم و گناه کسی است که در مورد چیزی که بر مسلمانان حرام نشده سوال نماید و به سبب سوال وی بر آنها حرام گردید. و في التنزيل العزيز: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا﴾ (المائدة/8) أي لا يحملنكم بغض قوم على الاعتداء عليهم، در قرآن آمده است: دشمنی با قومی شما را بر تجاوز کردن بر آنها وادار نسازد. ²»

2 - جنایت کردن : « جرم إليهم و عليهم جريمة : جنى جنایة، به آنها یا بر آنها جرم را مرتکب شد یعنی جنایت کرد. ³»

3 - کسب کردن و کار کردن : « فلان جريمة أهله أي كاسيهم. و خرج يجرم أهله أي يكسيهم، فلانى جریمه اهل خود است یعنی کاسب و نفقه آور آنها است، و بیرون شد که به اهل خود جریمه کند یعنی به خاطر آنها کسب و کار مینماید. ⁴»

4 - قطع کردن : « جرم الشيء : قطعه، جرم الشيء یعنی آن شی را قطع کرد ⁵»

« جنایت به معنای گناه و جرم است و جمع آن جنایات است، و در اصطلاح عبارت از فعل یا ترک یا سبب است که به نفس یا غیر آن ضرر برساند و مجازات دنیوی را واجب گرداند ⁶»

بنا بر این بطور خلاصه جرم در لغت معنای متعددی دارد که همه آنها بر محور الفاضی مانند : گناه، معصیت، جنایت و تعدی می چرخند .

1- صحیح : رواه البخاري برقم 6859 عن سعد بن أبي وقاص و رواه مسلم برقم 4349 و أبو داود 3994 و أحمد 1438 كلهم عن عامر بن سعد عن أبيه .

2- ابن منظور ، محمد بن مكرم بن علي : لسان العرب ، ج 12 ص 90 - 92 . الزبيدي ، محب الدين السيد مرتضى : تاج العروس ، ج 31 ص 385-386 . مصطفى ، إبراهيم و آخرون : المعجم الوسيط ، ج 1 ص 118 .

3- ابن منظور: همان، ج 12 ص 90 - 92. الزبيدي : همان، ج 31 ص 385-386. مصطفى ، إبراهيم و آخرون : همان ، ج 1 ص 118 .

4- ابن منظور : همان ، ج 12 ص 92 .

5- الزبيدي : همان ، ج 31 ص 386 . مصطفى ، إبراهيم و آخرون : همان ، ج 1 ص 118 .

6- قلعي ، دكتور محمد رواس : معجم لغة الفقهاء ، ص 167 .

مطلب پنجم : مفهوم جرم در اصطلاح فقه :

فقهاء مفهوم جرم را در کتاب های فقه به لفظ الجنایه ذکر کرده اند، جرم و جنایت دو لفظ مترادف هستند که به معنای گناه و معصیت و هر کار زشتی را که انسان انجام میدهد در برمیگیرد.

جرم و جریمه در لغت به معنای گناه است و در اصطلاح : «جرائم ممنوعات شرعی است که الله تعالی توسط حد یا تعزیر از آن منع کرده است»¹

« ایرادی که بر تعریف ماوردی برای جرایم گرفته میشود اینست که در برگیرنده تمامی جرایم نیست، مثلاً قصاص را ذکر ننموده است مگر در تعریف آنرا به حد تعبیر نموده است تا قصاص را در برگیرد..... و همراه با این اولی تر و صحیحتر این است که بین حدود و قصاص فرق کرده شود؛ چون بین آنها فرق های زیادی وجود دارد، از مهم ترین آن این است که در حدود حق الله غالب است در حالیکه در قصاص حق بنده گان غالب است و بنا براین شفاعت در قصاص بخلاف حدود جاز است»²

امام محمد ابوزهره³ در تعریف جرم میگوید: « انجام دادن ممنوعات و ترک نمودن اوامر شرعی جرم میباشد یا به عبارت عام تر: نافرمانی از آنچه که الله تعالی به حکم شرع شریف امر کرده است جرم میباشد»⁴

در ادامه مینویسد: « این تعریف عام بوده و خاص نیست ؛ چون هر معصیت را شامل میشود و به این ترتیب جرم، گناه و خطاء به معنای واحد هستند؛ چون همه آنها به نافرمانی الله تعالی در آنچه امر و نهی نموده جمع میشوند و برابر است که این نافرمانی جزای آن دنیوی باشد یا جزای آن اخروی باشد، اما فقهاء به جرایم از لحاظ سلطه قضاء بر آن و جزاهای دنیوی که شارع برای آنها تعیین نموده است نظر می اندازند و به این ترتیب جرایم را خاص بر اعمالی که در بردارنده جزای دنیوی که قاضی صلاحیت تنفیذ آنرا دارد اطلاق مینمایند»⁵

1- الماوردی، علی بن محمد: الأحكام السلطانية ، ص 322، دار الحديث ، القاهرة- مصر، 1427 هـ 2006 م .

2- العرفج ، فهد بن مبارك : التحريض على الجريمة في الفقه الإسلامي والنظام السعودي ، ص 14 ، رياض - السعودية ، 2006 م .

3- محمد بن احمد بن مصطفى معروف به محمد ابوزهره فقیه، مورخ و متکلم، محقق معاصر مصری قرن چهاردهم قمری، دارای تالیفات فراوانی در علوم قرآنی میباشد، در سال 1316 ه.ق در شهر «محلّة الکبری» واقع در غرب مصر در به دنیا آمد. او در همان دوران کودکی قرآن را حفظ کرد و پس از آن به آموختن علوم شرعی، عربی، انسانی و تجربی پرداخت. در سال 1331 ه.ق در شهر طنطا به «الجامع الاحمدی» پیوست و سه سال در آنجا علم آموخت و در سال 1334 ه.ق در مدرسه «القضاء الشرعی» به تحصیل مشغول و در سال 1344 ه.ق از آنجا فارغ التحصیل شد. و در عین حال در سال 1346 ه.ق از «دارالعلوم» مدرک دیپلم گرفت. وی در سال 1395 ه.ق درگذشت. از تالیفات مهم وی زهرة التفاسیر، احکام التركات والموارث، الجريمة والعقوبة في الفقه الاسلامي وغيره میباشد. <https://wikinoor.ir/>

4- أبوزهره ، إمام محمد : الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي ، ص 20 ، دارالفکر العربي ، القاهرة - مصر ، 1998 م .

5- أبوزهره : همان ، ص 20 .

دکتور وهبه زحیلی¹ میگوید: « جرم و جنایت در اصطلاح شرعی دارای دو معنی عام و خاص میباشد، در معنای عام جرم و جنایت هر عملی را که شرعا حرام باشد شامل میشود، خواه بر نفس انسان واقع شود یا بر مال ویا بر غیر از آنها صورت گیرد، یعنی انجام دادن نواهی ویا ترک کردن اوامر میباشد . اما معنای دوم جرم و جنایت اصطلاح خاص فقهاء میباشد و آن اینکه لفظ جنایت را بر هر تجاوزی که بر نفس انسان یا اعضای بدن وی صورت میگیرد اطلاق مینمایند مانند: قتل، جرح و ضرب. و فقهاء این مسایل را تحت عنوان کتاب الجنایات مانند احناف و یا تحت عنوان کتاب الجراح مانند شوافع و حنبلی ها ویا تحت عنوان باب الدماء مانند مالکی ها بحث مینمایند²»

در الدر المختار آمده است: « جنایت در لغت اسمی برای ارتکاب هر نوع شر و بدی است و شرعا اسمی است برای هر عمل حرام که بر مال یا نفس واقع شود، و فقهاء غصب و سرقت را به جرائمی که بر مال واقع میشود و جنایت را به جرائمی که بر نفس و اعضاء واقع میشود اختصاص داده اند³»

دکتور عبدالکریم⁴ زیدان در کتاب خود المفصل در تعریف جرم به نقل از ماوردی مینویسد: « جرائم عبارت امور ممنوعه شرعی است که الله تعالی توسط حد یا تعزیر آن را منع کرده است» سپس در شرح آن مینویسد: از این تعریف دانسته میشود که جرم در شریعت اسلامی باید دربرگیرنده امور ذیل باشد:

1- وهبه بن مصطفى زحیلی دمشقی فقیه، حقوق دان، مفسر، و از دانشمندان سختکوش سوریه که بیشتر نوشته‌های ایشان اختصاص به فقه و اصول فقه دارد، وی فرزند شیخ مصطفى زحیلی می‌باشد که در شهر دیر عطیه از نواحی دمشق در سال 1351 هجری قمری مطابق 1932 میلادی متولد گشت. تحصیل دوران ابتدایی را در همان شهر و دوران بعدی را در پوهنهی شرعیات در دمشق سپری نمود و در سال 1956 میلادی دکترای خود را از پوهنهی شرعیات در پوهنتون، الازهر دریافت نمود. ابتدا به عنوان مدرس پوهنهی شرعیات در پوهنتون دمشق در سال 1963 مشغول به کار شد. سپس به عنوان معاون پوهنهی و سرانجام بعنوان رئیس بخش فقه اسلامی و مذاهب آن به حرکت علمی، فرهنگی خود استمرار بخشید و حدود هفت سال نیز در پوهنتون های بنغازی و امارات دبی به عنوان رئیس پوهنهی شریعت و قانون ایفاء نقش نمود. دکتور وهبه زحیلی در روز شنبه 8 آگوست 2015م مطابق با 23 شوال 1436ق در شهر دمشق سوریه در سن 83 سالگی درگذشت. آثار مشهور وی: اصول الفقه الاسلامی 2 مجلد - الفقه الاسلامی و ادلته 8 مجلد - التفسیر المنیر 16 مجلد. -

<https://wikinoor.ir/>

2- الزحیلی، الدکتور وهبه، الفقه الإسلامی وأدلته، ج 7 ص 5611.

3- ابن عابدین، محمد امین: رد المحتار علی الدر المختار، ج 6 ص 527.

4- شیخ علامه دکتور عبدالکریم زیدان، دانشمند و متفکر مشهور اسلامی، یکی از علمای اهل سنت عراق و یکی از پیشگامان علم اصول فقه و فقه اسلامی بود. در سال 1921م در بغداد دیده به جهان گشود.. علامه زیدان به دانشکده الشریعة الاسلامیة وابسته به دانشگاه قاهره ملحق شد و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در این دانشکده، مدرک دکترای خود را در سال 1962م از دانشگاه قاهره دریافت نمود. و ایشان به حیث استاد فقه اسلامی و رئیس بخش فقه اسلامی در پوهنهی حقوق پوهنتون بغداد، و استاد فقه اسلامی و رییس بخش اصول دین در پوهنتون ادبیات در پوهنتون بغداد، استاد متمرکس (لقبی که در عراق به ندرت به استادی داده میشود) پوهنتون بغداد، ناظر کل اخوان المسلمین عراق ایفای وظیفه نموده است آثار مشهور وی: المفصل فی أحكام المرأة والبییت المسلم فی الشریعة الإسلامیة در 11 جلد - الوجیز فی اصول الفقه - الوجیز فی شرح القواعد الفقهیة فی الشریعة الإسلامیة. این دانشمند معروف جهان اسلام، در سن 97 سالگی روز دوشنبه 7 جدی 1392هـ- مصادف با 27 ژانویه 2014 در صنعاء پایتخت یمن دارفانی را وداع گفت. <http://aqeedeh.com/>

1 - اینکه از جمله ممنوعات شرعی باشد یعنی از جمله اموری باشد که شریعت اسلامی انجام دادن آن را نهی کرده و آنرا حرام دانسته باشد و بر مرتکب آن جزاء مرتب شود و جزاء همانطوریکه معلوم است یا بر ترک واجب لازم میشود و یا بر انجام دادن فعل حرام، پس مراد از ممنوعات شرعی که جرم محسوب میگردد ترک واجب و یا انجام دادن فعل حرام در شریعت اسلامی میباشد .

2 - اینکه حرام بودن فعل و حرام بودن ترک از جانب خود شریعت باشد، اگر این حرمت از جانب کس دیگر باشد پس این عمل ممنوع در اصطلاح شرعی جرم محسوب نمیشود.

3 - اینکه بر ارتکاب عمل ممنوع شرعی از جانب شریعت اسلامی جزایی مرتب شود که بر فاعل این عمل ممنوع شرعی تطبیق میشود»¹

بطور خلاصه اینکه جرم در اصطلاح عام فقهاء کلمه ای است که در بردارنده مخالفت از تمامی اوامر و نواهی شریعت میباشد، یعنی ترک اوامر شرعی و انجام دادن نواهی شرعی هر دو جرم محسوب میگردد، و امور ممنوعه شرعی خواه برای آن در شریعت جزا تعیین شده باشد که عبارت از حدود و قصاص میباشد و خواه برای آن جزا تعیین نشده باشد که عبارت از جرایم تعزیری میباشد، همه اینها از نظر فقه اسلامی جرم محسوب میگردد، چنانچه تعریف ماوردی و ابوزهرة به آن صراحت دارد، اما در اصطلاح خاص فقهاء جرم و جنایت عبارت از تعدی و تجاوز به نفس انسان یا یکی از اعضای وی میباشد و باید داری عناصر مشخص باشد چنانچه دکتور عبدالکریم زیدان به آن اشاره کرده است.

درین رساله من لفظ جرم را به معنای عام فقهاء استعمال نموده ام، یعنی جرایمی که برای آن از جانب شریعت جزا تعیین شده باشد مانند حدود ، قصاص و دیات، یا کدام جزایی برای آن تعیین نشده باشد مانند تعزیرات، برای تمامی جرایم لفظ جرم را به این اصطلاح عام بکار برده ام .

مطلب ششم : مفهوم جرم در اصطلاح قانون :

ماده 27 کود جزا در مورد مفهوم جرم چنین صراحت دارد: « جرم، ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدابیر تأمینی تعیین گردیده باشد»²

1- زیدان، الدکتور عبدالکریم: المفصل فی أحكام المرأة والبيت المسلم، ج 5 ص 9، مؤسسة الرسالة، بیروت - لبنان، ط 1، 1413 هـ 1993 م.

2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا ، مصوب سال 1396 هـ ش .

از ماده فوق الذکر چنین فهمیده میشود که یک عمل یا امتناع از عمل زمانی جرم محسوب میشود که دارای خصوصیات زیر باشد:

1 - ارتکاب عمل یا امتناع از عمل در این قانون جرم محسوب گردیده باشد، پس اگر یک عمل یا امتناع از عمل در این قانون جرم محسوب نگردیده باشد جرم نیست، یعنی اصل قانونیت جرم و جزا یا عنصر قانونی جرم باید در آن وجود داشته باشد، چنانچه فقره اول ماده هفتم کود جزا چنین مشعر است: «هیچ عملی جرم شمرده نمیشود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد» و فقره دوم ماده هشتم کود جزا که میگوید: «جرم شمردن و تطبیق هر نوع جزا بر عملی که در این قانون جرم شناخته نشده و برای آن جزا معین نشده باشد، جواز ندارد»¹

2 - عناصر جرم مذکور مشخص باشد، یعنی عنصر قانونی، مادی و معنوی جرائم در آن وجود داشته باشد، پس یک عمل یا امتناع از عمل زمانی جرم محسوب میشود که در قانون جرم بودن آن به صراحت ذکر شده باشد (عنصر قانونی جرم)، و شخص عمل مذکور را که مخالف احکام قانون است انجام داده باشد (عنصر مادی جرم) و شخص جرم مذکور را با قصد جرمی، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن انجام داده باشد (عنصر معنوی جرم)، بنا بر این اگر یک عمل یا امتناع از عمل عناصر فوق را نداشته باشد جرم نیست.

3 - برای عمل یا امتناع از عمل مخالف قانون مجازات تعیین شده باشد، مثلاً برای ارتکاب اعمالی مانند: رشوت، اختلاس، تزویر، غصب، اختطاف و غیره در قانون مجازات در نظر گرفته شده است، پس ارتکاب این اعمال جرم محسوب میگردد و برای اشخاص که مبتلا به امراض روانی هستند تدابیر تأمینی در قانون برای آنها در نظر گرفته شده تا مرتکب جرم نگردند. فقره دوم ماده هفتم کود جزا چنین مشعر است: «هیچ جزایی را نمیتوان تطبیق نمود، مگر این که در این قانون تصریح شده باشد» و فقره دوم ماده هشتم کود جزا: «جرم شمردن و تطبیق هر نوع جزا بر عملی که در این قانون جرم شناخته نشده و برای آن جزا معین نشده باشد، جواز ندارد»²

بطور خلاصه جرم در اصطلاح قانون عبارت از عمل و یا ترک عمل است که به اساس آن جرم محسوب گردیده باشد و واضح است که قانون، جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم مینماید، اما مرتکب جرایم حدود و قصاص را به احکام شریعت اسلامی فقه احناف حواله داده است تا به اساس آن مجازات شود، بنا بر این به چنین نتیجه میرسیم که دایره احکام فقه اسلامی وسیعتر، شامل تر و

1- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: همان.

2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: همان.

کامل تر بوده و تمامی جرایم اعم از حدود و قصاص و تعزیر را تنظیم مینماید و احکام و جزاهای مربوط به هر کدام را مورد بحث قرار میدهد، اما دایره احکام قانون محدود بوده که تنها جرایم تعزیری را تنظیم مینماید و احکام و جزاهای قانونی مربوط به آن را مورد بحث قرار میدهد .

مبحث دوم : شرح الفاظ مرتبط به شراکت در جرم

1 – مباشر جرم : مباشر در لغت به معنای کسی که یک عمل را مستقیم و بدون واسطه انجام دهد میباشد، در المعجم الوسیط آمده است: « باشر الأمر: تولاہ بنفسه. و باشر الفعل: فعله من غیر وساطة »¹ امر را مباشرت کرد یعنی خودش انجام دادن آنرا به عهده گرفت، و فعل را مباشرت کرد یعنی آنرا بدون واسطه انجام داد.

علی حیدر² در درالحکام در تعریف مباشر می نویسد: « مباشر کسی است که تلف شدن به عمل وی حاصل شود، بدون اینکه میان تلف شدن و عمل وی فعل فاعل دیگری در میان بیاید »³

دکتور وهبه زحیلی مینویسد: « مباشرت این است که در تلف کردن و حصول آن بدون واسطه تاثیر نماید و علت مرگ باشد، و قتل به مباشرت این است که شخص مجرم، مجنی علیه را بدون واسطه به فعلی که منجر به هلاکت شود از بین ببرد، مانند جرح و ذبح توسط کارد و خفه نمودن که این کارها به ذات خود منجر به مرگ مجنی علیه میشود »⁴

بنابر این مباشر کسی است که جرم را خودش و بدون واسطه شخص دیگر انجام دهد، مانند قتل شخص توسط شمشیر، کارد، خفه نمودن و غیره.

2 – فاعل جرم : فاعل در لغت به معنای انجام دهنده فعل میباشد، در المعجم الوسیط آمده است: « الفاعل: العامل والقادر و من يستأجر لأعمال البناء والحفر و نحوهما »⁵ فاعل یعنی عامل و توانا و کسیکه برای کارهای ساختمانی و حفر چاه و مانند آن به کار گماشته میشود.

ماده 57 کود جزا در مورد فاعل جرم چنین صراحت دارد: « فاعل شخصی است که عمل مادی جرم را به تنهایی یا به اشتراک دیگران مرتکب شده باشد »¹

1- مصطفی ، ابراهیم و آخرون : المعجم الوسیط ، ج 1 ص 58 .

2- علی حیدر افندی نابغه فقهاء و فخر قضاة و علماء عصر خود بود و مدرس مجلة الأحكام در مدرسه حقوق در شهر آستانه و رئیس ستره محکمه و امین فتاوی و وزیر عدلیه سابق در دولت عثمانی بود، درر الحکام شرح مجله الاحکام ج 1 ص 3 مقدمه.

3- حیدر ، علی : درر الحکام شرح مجلة الأحكام ، تعریب : المحامي فهمي الحسيني ، ج 1 ص 91 ، دار عالم الکتب ، الرياض – السعودية ، طبعه خاصة 1423 هـ 2003 م .

4- الزحیلی ، الدکتور وهبة ، الفقه الإسلامی وأدلته ، ج 7 ص 5632 .

5- مصطفی ، ابراهیم و آخرون : همان ، ج 2 ص 695 .

بنا بر این فاعل و مباشر هر دو مترادف هستند و به معنای انجام دهنده عمل یا جرم به تنهایی یا با مشارکت دیگران میباشد که به ذات خود سبب حدوث ضرر در نفس، اعضای بدن یا مال گردد.

3 - مسبب جرم : سبب در لغت عبارت از هر چیزیکه واسطه برای چیز دیگر است میباشد، در المعجم الوسیط آمده است: «السبب: الحبل و کل شیء یتوصل به إلی غیره، و فی الشرع ما یوصل إلی الشئ و لایؤثر فیه کالوقت للصلاة» سبب به معنای ریسمان می آید و هر چیزیکه وصل کننده به غیر باشد، و در شریعت آن است که وصل کننده به چیزی شود بدون آنکه در آن تاثیر نماید مانند وقت برای نماز .²

اما در اصطلاح فقه مسبب آن است که به طور غیر مستقیم سبب ضرر به مجنی علیه میشود، دکتر عبدالکریم زیدان در کتاب المفصل میفرماید: «اما نسبت جرم به جانی از لحاظ سبب آن است که علت مرگ مجنی علیه شود، اما جانی خودش این کار را انجام نداده است بلکه بواسطه چیزی دیگری مانند: شهادت دروغ بر شخص بیگناه مبنی بر اینکه او قاتل است، و همین شهادت دروغ سبب حکم اعدام بر وی شود و بالفعل اعدام شود، لکن همین شهادت دروغ به ذات خود سبب اعدام جانی نشده بلکه جلاد که حکم اعدام را تنفیذ مینماید سبب اعدام وی شده است» و سپس ادامه داده مینویسد:

سبب در شریعت بر سه قسم است :

1 - حسی: مانند اکراه، مثلا شخصی کسی دیگری را به کشتن شخص دیگر به اکراه ملجئ و ادار نماید و آن شخص را از بین ببرد .

2 - شرعی: مانند حکم قاضی به اساس شهادت دروغ بر قتل یک شخص، بناء شخصی که بر علیه او دو نفر به سبب قتل یک شخص شهادت داده اند به حکم قاضی کشته میشود، چون قاضی به اساس شهادت شاهدان به امر شارع به قصاص حکم مینماید، پس اگر دروغ شاهدان ظاهر شود آنها سبب قتل شخص مذکور شده اند.

1- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .
2- مصطفی ، ابراهیم و آخرون : همان ، ج 1 ص 411 .

3 - عرفی: مانند تقدیم نمودن غذای مسموم به مهمان، و او به سبب خوردن آن فوت نماید چون عرف بر این است که مهمان معمولاً غذای که به او تقدیم میشود آنرا تناول مینماید پس این تقدیم نمودن سبب مرگ وی میشود.¹

کود جزای کشور معاونت در جرم را با تمامی اشکال آن سبب جرم میداند چنانچه فقره اول ماده 59 چنین مشعر است: «معاونت در جرم به معنی دخالت در عمل مجرمانه به شکل سببیت است طوریکه معاون در ارتکاب عمل مادی جرم دخالت مستقیم نداشته باشد»

فقره دوم ماده 59 تمامی حالات معاونت در جرم را که عبارت از تحریک، تهدید، تطمیع، تشویق، موافقت با مجرم اصلی و اجراء اعمال تجهیزاتی یا تسهیلاتی به او است چنین بیان کرده است: «شخص در یکی از حالات آتی معاون جرم شناخته میشود:

1 - به ارتکاب جرم شخص را تحریک، تهدید، تطمیع یا تشویق نماید، یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد.

2 - به ارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم به اثر همین موافقت بوجود آید.

3 - فاعل جرم را به نحوی از انحاء در اعمال تجهیزاتی یا تسهیلاتی ارتکاب جرم با داشتن علم به آن، کمک نماید و جرم در اثر همین کمک به وجود آید.²

بطور خلاصه مسبب جرم از لحاظ فقه و قانون کسی است که بطور غیر مستقیم سبب رساندن ضرر به مجنی علیه شود، خواه این سبب حسی باشد یا شرعی و یا عرفی چنانچه در فقه آمده است، و خواه سبب جرم تحریک، تهدید و تشویق یا موافقت بر جرم و تهیه وسایل و تجهیزات برای ارتکاب جرم باشد چنانچه در قانون ذکر شده است.

4 - مشوق جرم: مشوق اسم فاعل از شَوْقُ يَشْوِقُ تشویقاً است و به معنای ترغیب نمودن به کاری است، و از کلمات مترادف آن اغراء و تحریض است که هر دو به معنای تشویق نمودن است، در المعجم الوسیط آمده است: «أغرى الإنسان و غیره بالشئ: حرّضه علیه» انسان یا موجود دیگری را به چیزی اغراء نمود یعنی او را به آن تشویق نمود و در مورد تحریض مینویسد: «حرّضه علی الشئ: حثه علیه، و فی التنزیل العزیز: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ﴾ (الانفال/65)» او را

1- زیدان ، الدكتور عبدالکریم : المفصل فی أحكام المرأة والبيت المسلم ، ج 5 ص 332 .

2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

بر چیزی تحریض نمود یعنی او را بر آن تشویق نمود و در قرآن آمده است که: ای پیامبر مومنان را به جنگ تشویق کن.¹

مشوق جرم در اصطلاح فقه عبارت از کسی است که شخص دیگر را به ارتکاب جرم تشویق مینماید ولی خودش در اجرای آن دخالت نمیکند، « تشویق عبارت از تأثیر بر دیگری و انگیزه دادن وی به ارتکاب جرم میباشد، برابر است که این تشویق به اساس وعده دادن، تهدید کردن، فریب دادن و یا مانند آن هر چیز دیگری باشد که منکر شمرده شده و تحت عنوان معصیت و نافرمانی داخل شود »²

استاد عبدالقادر عوده میگوید: « منظور از تشویق ترغیب نمودن مجرم به ارتکاب جرم است و مهم اینست که ترغیب، انگیزه ارتکاب جرم شده باشد، پس در موارد که شخص ترغیب شده تصمیم ارتکاب جرم را در آینده داشته باشد ولو تشویق و ترغیبی نباشد، نمیتوانیم بگوئیم که تشویق مجرم را وادار به ارتکاب جرم نمود، و برابر است که تشویق اثری در ارتکاب جرم داشته باشد یا نداشته باشد به اساس قواعد شریعت میتوان بر تشویق کننده بطور مستقل جزا تعیین نمود، چون تشویق به ارتکاب جرم، معصیت و گناه بوده، و امر به انجام دادن منکر میباشد »³

کود جزای کشور نیز مشوق جرم را مجرم دانسته و او را در زمره معاون جرم قلمداد کرده است، تعریف و حالات معاونت در جرم قبلا در مطلب مسبب جرم ذکر گردید .

5 - معاون جرم : معاون عبارت از مساعد و کمک کننده با دیگر میباشد، و معاون جرم در اصطلاح فقه عبارت از شخصی است که کسی دیگر را در ارتکاب جرم کمک نماید و این شخص نیز شریک جرم به سبب میباشد.

« اعانت در جرم در اصطلاح فقهی عبارت از این است که شخصی کسی دیگر را در ارتکاب جرم کمک نماید و او که قبلا با او در ارتکاب آن موافقت نداشته باشد و بدون اینکه فعل جرم را خودش مرتکب شود اشتراک در جرم از طریق کمک کردن، زمینه تکمیل نمودن جرم و اتمام آن را برای شریک مباشر آسان میگرداند، برابر است که این کمک کردن قبل از شروع نمودن به ارتکاب جرم باشد مانند: تهیه نمودن وسایل لازم برای ارتکاب جرم مانند آوردن سلاح برای قتل مجنی علیه، یا تهیه نمودن کلید های لازم برای سرقت منزل، و یا اینکه کمک کردن در اثناء ارتکاب

1- مصطفی ، إبراهيم و آخرون : المعجم الوسيط ، ج 2 ص 651 .

2- العرفج ، فهد بن مبارك : التحريض على الجريمة في الفقه الإسلامي والنظام السعودي ، ص 33 .

3- عوده ، عبدالقادر : التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي ، ج 1 ص 367 .

جرم باشد مانند: مراقبت از راه و آسان نمودن زمینه خروج شریک مباشر از محل جرم بعد از سرقت از منزل»¹

کود جزای کشور معاونت در جرم را دخالت سببی در جرم میداند و این معاونت خواه به شکل تحریک، تهدید، تطمیع یا تشویق باشد یا به شکل حیل و فریب باشد، یا سوء استفاده از قدرت باشد یا با شخص دیگری در ارتکاب آن موافقت نماید و یا اینکه وسایل و تجهیزات را برای فاعل جرم مهیا سازد، چنانچه در فقره دوم ماده 59 کود جزا که قبلاً ذکر گردید، آمده است.

6 - مساعد جرم : مساعد نیز در لغت به معنای معاون و کمک کننده میباشد، در المعجم الوسیط آمده است: « ساعده علی الأمر مساعده و سعاداً: عاونه. و أسعد فلاناً: أعانه. يقال: أسعدت النائحة الثکلی: أعانتها علی البکاء والنوح »² او را در کاری مساعدت کرد یعنی معاونت کرد، و فلانی را مساعدت کرد یعنی معاونت کرد، گفته میشود: نائحة زن بیوه را کمک کرد یعنی او را بر گریه کردن و نوحه سرایی معاونت کرد.

« مساعدت در قانون عبارت از کمک کردن مجرم به شکلی از اشکال در ارتکاب یک جرم کامل میباشد »³

« مساعدت عبارت از تقدیم نمودن کمک به فاعل جرم به هر شکلی که باشد و جرم بر اساس آن ارتکاب یابد، از این تعریف واضح میشود که کمک کننده به فاعل وسایل و امکاناتی را تقدیم مینماید که زمینه ارتکاب جرم را میسر میسازد یا آنرا برایش آسان میگرداند و یا موانع فراروی وی را برطرف میسازد یا حداقل آنرا ضعیف میسازد »⁴

در کود جزای کشور ما کلمه مساعد ذکر نشده است، اما در حقیقت مساعدت همان معاونت است و همه احکام مربوط به معاون جرم بر وی تطبیق میشود.

7 - سازمان دهنده جرم : فقره اول ماده 60 کود جزا سازمان دهنده را چنین تعریف کرده است: « سازمان دهنده شخصی است که گروه سازمان یافته جرمی را تشکیل، رهبری، هدایت یا سازماندهی نماید »⁵

1- عبدالله حامد ، کامل محمد حسین : أحكام الاشتراك في الجريمة في الفقه الإسلامي ، ص 31 ، نابلس - فلسطين 2010 م .

2- مصطفی ، إبراهيم و آخرون : همان ، ج 1 ص 430 .

3- عبدالله حامد ، همان ، ص 32 .

4- المطيري ، ضاوي جزاع : المسؤولية الجنائية للاشتراك بالمساعدة ، ص 29 ، رسالة ماجستير من جامعة الشرق الأوسط ، 2011 م .

5- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا .

منظور از تشکیل این است که شخص سازمان دهنده، یک گروه را به خاطر ارتکاب اعمال جرمی تاسیس مینماید، مثلاً موافقت چند نفر را به خاطر ایجاد یک گروه جرمی بدست می آورد و عملاً این گروه را تشکیل میدهد، و منظور از رهبری و هدایت این است که اعضای این گروه در ارتکاب اعمال جرمی تابع امر سازمان دهنده هستند، و مراد از سازماندهی این است که گروه مذکور را مدیریت مینماید، بنا بر این کلمه سازماندهی هم به معنای هدایت و رهبری است.¹

8 - اتفاق شرکاء بر جرم : کلمه اتفاق که معادل آن تقارب است در لغت به معنای اجتماع، تعاون، اتحاد، تقارب و غیره می آید، الفاظ تواطؤ و تضافر مترادف آن هستند، در المعجم الوسیط آمده است: «اتفق مع فلان : وافقه، و اتفق الاثنان: تقاربا و اتحدا»² با فلانی اتفاق نمود یعنی موافقت کرد و دو شخص اتفاق نمودند یعنی متحد و نزدیک شدند .

در الموسوعة الفقهية آمده است: «التواطؤ معناه في اللغة التوافق، والتماؤ في اللغة الاجتماع والتعاون، يقال: تماؤوا على الأمر: إذا تعاونوا، و في حديث عمر أنه قتل سبعة نفر برجل قتلوه غيلة و قال: لو تماؤا عليه أهل صنعاء لأقذتهم به، و في رواية: لقتلتهم (لَوْ تَمَاءًا عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتُهُمْ جَمِيعًا)³ يقول: لو تضافروا عليه و تعاونوا و تساعدوا. والتضافر معناه التعاون والتجمع، يقال: تضافر القوم إذا تعاونوا و هذه الألفاظ متقاربة في المعنى بل كالمترادفة»⁴

تواطؤ در لغت به معنای توافق است، و تماؤ در لغت اجتماع و تعاون را گویند، گفته میشود: بر کاری تماؤ کردند زمانیکه با همدیگر تعاون نمایند، و در حدیث عمر آمده است که او هفت نفر را بخاطر قتل یک مرد قصاص نمود و گفت: اگر اهل صنعاء همگی بر قتل او اجتماع و اتفاق نمایند، آنها را بواسطه او بدون شک قصاص خواهم کرد، و در روایتی آمده: آنها را بدون شک قتل خواهم نمود، میگوید: اگر بر ضد او اجتماع، معاونت و مساعدت نمایند. و تضافر به معنای معاونت و جمع میباشد، گفته میشود: قوم تضافر نمودند زمانیکه با هم معاونت نمایند و این الفاظ در معنی با هم نزدیک بلکه باهم مترادف هستند .

اما در اصطلاح فقه، فقهاء در مورد مفهوم اتفاق و تماؤ اختلاف نظر دارند، و درین مورد دو نظر وجود دارد چنانچه دکتور وهبه زحیلی در کتاب خود الفقه الاسلامی می نویسد: «ملاحظه میشود

1- بنیاد آسیا: شرح کود جزا، ج 1 ص 210 و 211، چاپ خانه سعید، کابل - افغانستان، چاپ اول 1398 هـ ش .

2- مصطفی، ابراهیم و آخرون: همان، ج 2 ص 1046 .

3- صحیح: رواه مالك في المؤطأ برقم 1368 ج 5 ص 317 عن سعيد بن المسيب، و ابن أبي شيبه 145 و عبدالرزاق 18075 في مصنفيهما والدارقطني برقم 3511. صححه الألباني في مختصر إرواء الغليل برقم 2201 ج 1 ص 437 .

4- وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، الكويت: الموسوعة الفقهية، ج 14 ص 112 .

که فقهاء در مورد تعیین معنای تمالؤ اختلاف کرده اند: احناف، شوافع و حنابله در رای راجح میگویند: تمالؤ عبارت از توافق اراده و تصمیم مجرمین بر یک فعل میباشد و لوکه بین آنها اتفاق قبلی وجود نداشته باشد ، طوریکه جرم را مرتکب میشوند یعنی بر ارتکاب جرم در آن واحد اجتماع مینمایند و لو که تدبیر و اتفاق قبلی وجود نداشته باشد .

و مالکی ها میگویند: تمالؤ به معنای تعاهد و اتفاق است و آن اینکه دو شخص یا بیشتر از آن قصد کشتن شخص و یا لت و کوب او را نمایند، پس تمالؤ اتفاق قبلی بر ارتکاب جرم را می طلبد، و تنها توافق بر تجاوز تمالؤ شمرده نمیشود»¹

« تمالؤ تفاهم قبلی بین مجرمین بر تنفیذ جرم است »² و هم چنین استاد عبدالقادر عوده میگوید: « تمالؤ اتفاق قبلی بین مجرمین مباشرین مبنی بر ارتکاب جرم میباشد، به این معنی که همه آنها قبل از ارتکاب جرم رسیدن به یک هدف معین را قصد دارند، و در اثناء وقوع جرم بر احداث آنچه بر آن اتفاق کرده بودند با هم معاونت مینمایند، پس وقتیکه دو نفر با هم بر کشتن شخص سوم اتفاق نمایند، بعد از آن برای تنفیذ این جرم اقدام نمایند، و یکی از آنها او را به چاقو ضربه زند و انگشت دست او را قطع نماید، و نفر دومی او را ذبح نماید، هر دو نفر متمالی و منفق جرم قتل محسوب میشوند و هر دو آنها مسئول جرم قتل به سبب این اتفاق هستند »³

کود جزای کشور در مورد مفهوم اتفاق در جرم نظر مالکی ها را گرفته و آن را در ماده 70 چنین تعریف کرده است: « اتفاق در جرم عبارت است از اتحاد منظم و پیهم دو یا بیش از دو شخص بمنظور ارتکاب جنحه یا جنایت »⁴

9 – توافق شرکاء بر جرم : توافق به معنای اتفاق و عدم اختلاف است، چنانچه در المعجم الوسیط آمده است : « توافقت الجماعة : اتفقت و تظاهرت، و توافقوا في الأمر: تقاربوا »⁵

یک جماعت با هم توافق کردند یعنی اتفاق و تعاون کردند، و بر امری توافق کردند یعنی باهم نزدیک شدند.

اما در اصطلاح فقه توافق آن است که مجرمین یک جرم را بدون اتفاق و اراده قبلی مرتکب شوند، استاد عبدالقادر عوده میگوید: « توافق معنای آن اینست که اراده مجرمین برای ارتکاب جرم

1- الزحیلي ، الدكتور وهبة ، الفقه الإسلامي وأدلته ، ج 7 ص 5635 – 5636 .

2- عبدالله حامد ، همان ، ص 35 .

3- عوده ، عبدالقادر : التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي ، ج 1 ص 361 .

4- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

5- مصطفی ، إبراهيم و آخرون : همان ، ج 2 ص 1047 .

بدون اینکه بین آنها اتفاق قبلی وجود داشته باشد سوق داده شود، بلکه هر یکی از آنها تحت تاثیر انگیزه شخصی و فکر عارضی خود عمل مینماید، همانطوریکه این حال در اکثر مشاجرات که ناگهانی واقع میشود دیده میشود، پس اهل مشاجره بدون اتفاق قبلی جمع میشوند و هر یکی از آنها بر اساس آنچه که رغبت ذاتی و فکر عارضی وی به او املاء مینماید عمل مینماید، در این حالت و امثال آن گفته میشود که بین مشارکین توافق وجود دارد لکن هر یکی از آنها از نتیجه فعل خود مسئول است و از نتیجه غیر از او سوال نمیشود»¹

کود جزای کشور توافق یک شخص با دیگری را برای ارتکاب جرم در جمله معاونت در جرم آورده است، به این معنی که اگر یک شخص با فاعل یا مباشر جرم بر اجرای یک عمل جرمی توافق نماید شخص مذکور معاون جرم قلمداد میگردد و به جزای معاونت در ارتکاب جرم محکوم میگردد، بند دوم فقره دوم ماده 59 چنین مشعر است: «به ارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم به اثر همین موافقت بوجود آید»²

10 - تعاقب شرکاء در جرم : تعاقب در لغت انجام دادن کاری به نوبت است، در المعجم

الوسیط آمده است: «تعاقب الشیئان: خلف أحدهما الآخر. وفي الحديث: (إن لله ملائكة يتعاقبون فيکم)³ و تعاقب القوم في الشئ أو الأمر: تناوبوه. و تعاقب على الشئ: تعاونوا علیه»⁴

دو شی تعاقب کردند یعنی یکی از آنها جانشین دیگری شد. و در حدیث آمده است: بدون شک الله جل جلاله دارای ملائکه های است که به نوبت پیش شما می آیند. و قوم در مورد شئی یا کاری تعاقب کردند یعنی آنرا به نوبت گرفتند. و بر چیزی تعاقب کردند یعنی با یکدیگر بر آن تعاون و همکاری کردند.

«تعاقب این است که یک شخص جرم را مرتکب شود، سپس شخص دیگری به فعل دیگری آن جرم را تعقیب نماید، هر یکی به شکل انفرادی جرم را انجام دهد بدون اینکه بین مجرمین اتفاق قبلی بر تنفیذ رکن مادی جرم وجود داشته باشد»⁵

دکتور وهبه زحیلی در مورد قتل مباشر به اساس تعاقب مینویسد: «قتل مباشر به اساس تعاقب مانند اینکه شخصی شکم کسی را پاره نماید، بعد از آن کسی دیگری می آید و گردن او را قطع

1- عودة ، همان ، ج 1 ص 360 - 361 .

2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

3- صحیح : رواه ابن خزيمة برقم 322 ج 2 ص 82 عن أبي هريرة رضي الله عنه .

4- مصطفی ، إبراهيم و آخرون : همان ، ج 2 ص 613 .

5- عبدالله حامد ، همان ، ص 37 .

مینماید، پس قصاص بر شخص دومی است اگر قتل عمدی باشد، و اگر قتل خطا باشد پس دیت بر قبیله او لازم است چون او قاتل است نه شخص اولی که بر او فقط تعزیر لازم است. و این حالت به افراد هر یک از شرکاء صورت میگیرد نه در حالت اجتماع، پس بین آنها توافق قبلی وجود ندارد»¹

مبحث سوم : ارکان شراکت در جرم

مطلب اول : ارکان عمومی جرم در فقه اسلامی :

ارکان جمع رکن و به معنای پایه و اساس میباشد، در المعجم الوسیط آمده است: «الركن: أحد الجوانب التي يستند إليها الشيء و يقوم بها ، والركن جزء من أجزاء حقيقة الشيء، يقال : ركن الصلاة و ركن الوضوء»²

رکن یکی از جوانب که یک شیء به آن تکیه مینماید و بر آن برپا میشود میباشد، و رکن جزء از اجزاء حقیقت یک شیء میباشد ، گفته میشود : رکن نماز و رکن وضوء .

ارکان جرم در فقه اسلامی بطور عموم سه رکن است که عبارت از رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی میباشد، چنانچه استاد عبدالقادر عوده در کتاب التشریح الجنائی الإسلامی میگوید: «جرم به طور عموم دارای سه رکن است که باید در آن متوفر باشند و آنها عبارت اند از :

1 – باید نصی وجود داشته باشد که جرم را منع کرده و آنرا قابل مجازات بداند، که در اصطلاح فقهی امروز این عنصر را بنام عنصر شرعی جرم مینامیم .

2 – انجام یافتن عمل تشکیل دهنده جرم، برابر است که انجام دادن عمل باشد یا امتناع از عمل، که این رکن را در اصطلاح فقهی امروزی بنام عنصر مادی جرم مینامیم .

3 – اینکه مجرم مکلف باشد یعنی مسئول جرم باشد، و این عنصر را بنام عنصر معنوی جرم مینامیم.

اینها ارکان عمومی جرم هستند که به طور عموم موجودیت آن در هر جرم لازم است، لکن موجودیت این ارکان از موجودیت ارکان خصوصی هر جرم ما را بی نیاز نمیسازد، تا بتوانیم به

1- الزحيلي ، الدكتور وهبة ، الفقه الإسلامي وأدلته ، ج 7 ص 5634 .
2- مصطفى ، إبراهيم و آخرون : همان ، ج 1 ص 370 .

اساس آن مجرم را مجازات نمائیم ، مانند رکن گرفتن مال بطور مخفیانه در سرقت، و رکن جماع در جرم زنا و ارکان خصوصی دیگر که جرائم معین به ذات خود بر آنها استوار هستند»¹

به طور خلاصه ارکان عمومی جرم در فقه اسلامی سه رکن هستند که موجودیت آنها در هر جرم برای مجازات مجرم لازمی است و در پهلوی آن ارکان خصوصی هر جرم نیز جهت تکمیل شرایط جرم و تطبیق مجازات بر مجرم در نظر گرفته میشود، مثلاً در جرم قتل عمد رکن قانونی آن عبارت از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی است که این عمل را منع نموده و آنرا جرم قلمداد کرده است و برای مرتکب آن مجازات یعنی قصاص را مدنظر گرفته است و رکن مادی آن عبارت از اقدام مجرم به این عمل ممنوع میباشد که بر خلاف اوامر و نواهی شریعت حیات یک شخص بیگناه را از بین ببرد و رکن معنوی آن عبارت از اینکه شخص مسلمان و مکلف یعنی عاقل و بالغ و بدون کدام حقی جرم مذکور را مرتکب شود .

در مورد شراکت در جرم نیز شرکای جرمی باید عمل و یا ترک عملی را انجام دهند که نصوص شریعت و مواد قانون آن را جرم قلمداد کرده، و آنرا قابل مجازات دانسته باشد که این عنصر بنام عنصر شرعی یا قانونی جرم میباشد، و هم چنان عمل یا ترک عمل مذکور توسط شرکای جرمی یا به شکل مباشر و یا به شکل غیر مباشر به مرحله تنفیذ و اجرا در آمده باشد یعنی هر یکی از شرکاء به شکل مباشر یا غیر مباشر در ارتکاب آن سهم داشته باشد که این عنصر بنام عنصر مادی جرم میباشد، و اینکه هر یک از شرکای جرمی در وقت ارتکاب جرم اهلیت داشته باشد یعنی هر یکی از آنها عاقل و بالغ باشند تا به اساس آن مجازات بالای آنها تطبیق شود.

مطلب دوم : ارکان عمومی جرم در قانون :

کود جزای کشور ما با الهام از فقه اسلامی ارکان جرم را سه رکن معرفی کرده، که عبارتند از : رکن قانونی جرم ، رکن مادی جرم و رکن معنوی جرم :

فقره اول ماده 32 کود جزا در مورد عنصر قانونی جرم چنین مشعر است: « عنصر قانونی جرم عبارت از تصریح عمل جرمی و جزای معین آن در این قانون می باشد »²

و ماده 33 کود جزا در مورد عنصر مادی جرم چنین مشعر است: « عنصر مادی جرم عبارت است از ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به

1- عوده ، همان ، ج 1 ص 111 .
2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد»¹

و ماده 38 کود جزا در مورد عنصر معنوی جرم چنین مشعر است: «عناصر معنوی جرم عبارت است از قصد جرمی ، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن یا خطای جرمی»²

به طور خلاصه کود جزای کشور نیز عناصر عمومی جرم را همان سه عنصر معرفی کرده است که فقه اسلامی از آن نام برده است، مثلاً در جرم رشوت عنصر قانونی آن عبارت از ماده قانونی است که این عمل را جرم دانسته و برای مرتکب آن مجازات را مدنظر گرفته است و عنصر مادی آن عبارت از اقدام یک شخص به عمل مذکور برخلاف حکم قانون میباشد و عنصر معنوی آن قصد یک شخص به ارتکاب عمل مذکور همراه با علم و آگاهی وی به جرم بودن عمل مذکور و نتیجه آن میباشد .

و در مورد شراکت در جرم نیز عناصر فوق برای تکمیل شدن جرم شرکاء لازمی است یعنی همه آنها باید عمل یا ترک عمل را انجام دهند که در قانون جرم قلمداد شده باشد و برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد، و تمامی شرکاء بطور مستقیم یا غیر مستقیم در ارتکاب آن سهم داشته باشند یعنی آن را با همکاری یکدیگر به مرحله اجراء درآورند و هم چنین همه آنها در وقت ارتکاب جرم عاقل و بالغ بوده و نیت جرم را داشته و همراه با علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن باز هم آنرا مرتکب شوند.

مطلب سوم : ارکان عمومی شراکت در جرم در فقه و قانون :

شکی نیست که شراکت در جرم به ذات خود جرم بوده و مرتکب آن قابل مجازات میباشد چنانچه الله تعالی میفرماید : ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائده/2) ترجمه : و بر گناه و تجاوز یکدیگر را کمک ننمائید . و نبی علیه السلام میفرماید : (لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَأَهْلَ الْأَرْضِ اشْتَرَكُوا فِي دَمِ مُؤْمِنٍ لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ فِي النَّارِ)³ یعنی اگر اهل آسمانها و اهل زمین در ریختن خون یک مسلمان اشتراک نمایند، الله تعالی همه آنها را در جهنم سرنگون مینماید، از این لحاظ شراکت در جرم نیز دارای

1 - وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

2 - وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

3 - صحیح لغیره : رواه الترمذی برقم 1318 عن أبي سعيد الخدري وأبي هريرة رضي الله عنهما ج 5 ص 279 و قال : هذا حديث غريب . صححه الألباني في صحيح و ضعيف سنن الترمذی برقم 1398 ج 3 ص 398 .

ارکان عمومی میباشد، که علاوه بر ارکان عمومی جرم دو رکن دیگر در شراکت در جرم اضافه میگردد، که عبارت اند از : تعدد مجرمین و وحدت عمل جرمی و نسبت ارتکاب آن به آنها میباشد، استاد عبدالقادر عوده درین مورد چنین میگوید: « اشتراک در جرم چه مباشر باشد یا غیر مباشر دارای دو شرط عام بوده، که موجودیت آنها برای اثبات اشتراک در جرم لازم است و این دو شرط عبارت اند از:

1 - تعدد مجرمین : یعنی اینکه مجرمین متعدد باشند، اگر متعدد نباشند اشتراک چه مباشر باشد یا غیر مباشر صورت نمیگیرد .

2 - وحدت جرم : یعنی اینکه به مجرمین ارتکاب یک فعل حرام که در قانون برای آن جزا در نظر گرفته شده نسبت داده شود، پس اگر عمل نسبت داده شده به آنها در قانون، جزا نداشته باشد جرم نیست و در نتیجه اشتراک هم بوجود نمی آید¹

انواع تعدد مجرمین :

« تعدد مجرمین بر دو نوع است: تعدد ضروری و تعدد عارضی .

الف - تعدد ضروری : آن است که جرم به شکل بدیهی وقوع آن از یک شخص به تنهایی تصور نمیشود بلکه ناممکن است. و از جمله مثالهای تعدد ضروری موارد زیر است :

1 - جرم ربا یا سود خوری : معلوم است که این جرم سود دهنده و سود گیرنده را تقاضا مینماید و فعل هر دو آنها جرم و حرام است، اگر کاتب و شاهدی وجود داشته باشند آنها نیز به مانند شان گناهکار میشوند، و دلیل بر آن فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم است: (لَعْنُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكِلَ الرَّبَا وَمُؤَكَّلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيهِ وَقَالَ هُمْ سَوَاءٌ)² . یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم گیرنده ربا و دهنده آن را و کاتب و دو شاهد آن را لعنت کرده است و گفت که آنها با هم برابر اند.

2 - جرم رشوت : معلوم است که مجرمین این جرم رشوت دهنده و رشوت گیرنده هستند و حتی شریعت واسطه بین هر دو را نیز مجرم میداند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

1- عوده ، همان ، ج 1 ص 359 . و القططي ، رائد أحمد : المساهمة الجنائية في الشريعة الإسلامية ، ص 25 ، غزة - فلسطين 2001 م .
2- صحیح : رواه مسلم برقم 1598 و أحمد برقم 304 عن جابر رضي الله عنه و رواه أبوداود برقم 3333 والترمذي 1206 وابن ماجه 2277 عن ابن مسعود رضي الله عنه، انظر: اللحيان ، الشيخ عبدالله بن عبدالعزيز : أضواء السنة ، ص 391 ، مكتبة التوبة ، رياض - السعودية ، ط 2 ، 143 هـ .

(لعن الله الراشي والمرتشي والرائش الذي يمشي بينهما)¹ یعنی الله تعالی رشوت دهنده و رشوت گیرنده و کسی که بین آنها واسطه میشود لعنت کرده است.

3 - جرایم مشاجرات : برابر است که بین دو نفر و یا بیشتر از آن باشد و برابر است که قصداً باشد یا خطاء، هر یکی از آنها مسئولیت فعل عمدی یا خطائی خود را دارد، و واضح است که جرایم مشاجرات بین اشخاص بدون تعدد شان صورت نمیگیرد.

ب - تعدد عارضی : این نوع تعدد در جرایمی که امکان وقوع آن از یک شخص یا یک گروه امکان دارد وجود دارد، چون طبیعت این جرایم با جرایم که قبلاً ذکر شد فرق دارد، و از مثالهای آن میتوان جرایم تجاوز بر نفس و یا اعضای بدن، سرقت، غصب و غیره را نام برد «²

انواع وحدت جرم :

« تحقق یافتن وحدت جرم به دو عنصر نیاز دارد: یکی وحدت مادی جرم و دیگری وحدت معنوی جرم میباشد.

الف - وحدت مادی جرم : مراد از وحدت مادی جرم این است که همه اشتراک کننده گان در ایجاد رکن مادی جرم متحد باشند، و بعد از آن برابر است که افعال مجرمین به مباشر باشد یا به شکل سببیت، و علاوه بر آن اشتراک کننده گان باید در دو عنصر دیگر نیز متحد باشند و آن عبارت از اتحاد نتیجه جرمی و اتحاد رابطه افعال مجرمین با یکدیگر در مورد این نتیجه جرمی به اساس سببیت، مثلاً اگر گروهی قصد قتل یک شخص را داشته باشند باید افعال شان به سوی یک نتیجه جرمی واحد که عبارت از ازهاق روح مجنی علیه است سوق داده شود، اما اگر بعضی قصد قتل او را داشته باشند و بعضی قصد جرح او را داشته باشند مشارکت جرمی بمیان نمی آید.

و قاعده در فقه اسلامی این است که وحدت مادی جرم متحقق میشود و لو که افعال مجرمین از لحاظ قوت با هم متفاوت باشند مادامیکه یکی از آنها عمل دیگری را قطع نکرده باشد.

اما عنصر دیگر که عبارت از ارتباط افعال جرمی به نتیجه جرمی به طریق سببیت میباشد، بعد از آن برابر است که افعال به طریقه مباشر باشند یا سببیت تا زمانیکه به جرم و نتیجه جرمی

1- ضعيف : رواه الحاكم في المستدرک برقم 7168 والطحاوي في مشكل الآثار برقم 4949 كلاهما عن ثوبان رضي الله عنه . ضعفه الألباني في ضعيف الجامع الصغير برقم 4684 و قال في السلسلة الضعيفة والموضوعة : منكر - رقم 1235 ج 3 ص 381.
2- القططي ، همان ، ص 26 - 28 با اندکی تصرف .

ارتباط داشته باشند، و مثال افعال مباشر ضربه زدن مجنی علیه در جرم قتل است و مثال افعال سببی گرفتن مجنی علیه برای قتل و مراقبت نمودن از راه میباشند.

ب - وحدت معنوی جرم : وحدت معنوی به معنای وجود رابطه ذهنی که اشتراک کننده گان در جرم را با هم جمع مینماید میباشد و این وحدت در اتفاق قبلی آنها بر تنفیذ جرم نهفته است، همانطوریکه در آگاهی یک شریک از افعال شریک دیگر بقصد عجله در تکمیل نمودن جرم نهفته است.

وحدت معنوی جرم یک عنصر مهم در تعیین مسئولیت جرمی اشتراک کننده گان میباشد به نحویکه در حالت اتفاق قبلی همه شان مسئول جرم هستند و در حالت توافق شان بر جرم زمینه اشتراک شان در جرم قابل بحث نیست بلکه هر شریک مسئول عمل جرمی خود میباشد. و از این جا واضح میگردد که وجود عنصر وحدت معنوی جرم به ذات خود منجر به اشتراک جرمی میگردد و لو که شریک کدام عملی از اعمال جرمی را مرتکب نشده باشد که در نزد مالکی ها بنام تمالؤ یاد میشود¹

در قانون کشور ما از فحوای ماده 58 و فقره های ماده 59 کود جزا ارکان شراکت در جرم چنین استنباط میشود:

الف - شریک در ارتکاب عنصر مادی جرم دخالت مستقیم داشته باشد، ودر غیر آن شریک جرم نیست .

ب - شریک در حین ارتکاب جرم با فاعل یا فاعلین جرم سهیم باشد، اگر سهیم نباشد شراکت به میان نمی آید.

ج - معاون جرم به شکل سببیت در عمل مجرمانه دخالت داشته باشد، یعنی در عنصر مادی جرم دخالت مستقیم ندارد، ولی مجرم یا مجرمین را به ارتکاب جرم تحریک، تهدید، تطمیع یا تشویق نماید، یا در ارتکاب جرم با دیگری موافقت نماید و جرم در اثر همین موافقت بوجود بیاید و یا اعمال تجهیزاتی یا تسهیلاتی را برای سهولت ارتکاب جرم به مجرمین انجام دهد .

با مقایسه شرح عنصر وحدت مادی جرم برای شرکای جرمی مباشر و غیر مباشر در فقه اسلامی و کود جزای کشور ما دانسته میشود که هر دو در بیان عنصر مادی جرم و شراکت شرکای جرمی در آن به شکل مباشر و غیر مباشر موافق بوده و کدام اختلافی با هم ندارند.

1- القططی ، همان ، ص 29 - 31 با اندکی تصرف .

مبحث چهارم : انواع جرایم از حیث امکان اشتراک در آن و عدم آن

جرایم انواع و اقسام مختلف به اعتبارات مختلف دارد ، مثلا به اساس جسامت جزا به سه قسم تقسیم میشوند که عبارتند از: حدود، قصاص و دیات و تعزیرات، و به اساس قصد و اراده مجرم به دو نوع یعنی جرایم مقصودی و جرایم غیر مقصودی، و به اساس عمل یا ترک عمل به دو قسم جرایم ایجابی و جرایم سلبی، و به اساس کیفیت ارتکاب آن به دو نوع جرایم بسیط و عادی و جرایم موقت و غیر موقت، و به حسب طبیعت خود به جرایم ضد اجتماع و جرایم ضد افراد و جرایم عادی و سیاسی تقسیم میشود.

اما ما این همه تقسیمات را مورد بحث و بررسی قرار نمیدهیم، آنچه برای ما مهم است این است که جرایم با انواع مختلف آن اشتراک در آن امکان دارد یا نه؟ چون موضوع مورد بحث ما شراکت در جرم است و باید بدانیم که آیا همه جرایم به اساس شراکت صورت میگیرد یا خیر؟ و جرایم که بدون شراکت صورت میگیرد کدام ها است تا در بحث خود از آن صحبت ننمائیم، به این اساس جرایم از لحاظ امکان شراکت در آن و عدم آن به سه قسم تقسیم میشود:

مطلب اول : جرایمی که بدون اشتراک صورت نمیگیرد :

یک عده جرایم بدون شراکت و اشتراک چند نفر در آن صورت نمی گیرد، چون این نوع جرایم بسیار بزرگ بوده و تاثیر آن بالای یک عده زیادی از مردم است، یک شخص به تنهایی خود نمیتواند آن را مرتکب شود.

« بعضی از جرایم بدون مشارکت و اشتراک صورت نمیگیرد و واقع شدن آن به شکل انفرادی بوسیله یک شخص نادر است، و آن عبارت از جرم حرابت یا قطع طریق است که در ارتکاب آن باید مجموعه از افراد بر تجاوز و معصیت اتفاق، تعاون و همکاری نمایند، و به این خاطر الله متعال در قرآن کریم آن را بر خلاف دیگر حدود به لفظ جمع ذکر کرده و فرموده است: ﴿ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ

اللَّهِ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ﴾ (المائدة/33) ترجمه : بدون شک جزای کسانی که با الله و رسول او میجنگند و کوشش فساد

در زمین مینمایند اینست که کشته شوند یا به دار آویخته شوند و یا دست ها و پاهایشان بر خلاف یکدیگر قطع کرده شود یا اینکه از روی زمین نفی کرده شوند (محبوس گردند). در حالیکه در مورد

زنا گفته است: ﴿الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾ (النور/2) ترجمه: زن زناکار و مرد زناکار را هریکی از آنها صد دره بزنیید. و در مورد سرقت فرموده است: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ

فَأَقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾ (المائدة/38) ترجمه: دست های مرد سارق و زن سارقه را قطع نمائید¹

شیخ محمد علی السایس² می نویسد: « محاربین کسانی هستند که به اساس قدرت و قوت جمع میشوند ، یکدیگر را حمایت مینمایند و قصد ضرر رساندن به ارواح و اموال مسلمانان یا اهل ذمه را دارند، و کوشش فساد در زمین که عبارت از نا امن نمودن راه بوسیله حمل سلاح و اذیت نمودن مردم است مینمایند برابر است که همراه آن قتل نفوس و گرفتن اموال صورت گیرد یا نگیرد³»

مطلب دوم : جرایمی که بدون اشتراک صورت میگیرد :

بعضی از جرایم دیگر امکان وقوع آن بدون شراکت وجود دارد، یعنی یک شخص میتواند به تنهایی جرایم مذکور را مرتکب شود و امکان اشتراک در آن وجود ندارد، حتی اگر چندین نفر در آن اشتراک نمایند هر یکی از آنها به عنوان فاعل اصلی جرم مجازات میشود.

« نوع دیگر جرایم شخصی است که واقع شدن آن بغیر از یک شخص به ذات خود امکان ندارد، چون در رکن مادی آن مشارکت جنایی وجود ندارد و از این لحاظ جرایم فردی محض هستند حتی و لو که تصور ارتکاب آن از طرف یک گروه امکان داشته باشد هر یکی از آنها به اساس اینکه فاعل اصلی جرم بوده و آن را به تنهایی مرتکب شده مجازات میشود مانند: جرم قذف ، زنا و نوشیدن شراب، و به این اساس جزای شرعی حد قذف در حادثه افک بر بعضی از مرتکبین آن تطبیق شد و بر بعضی دیگر تطبیق نشد به اساس اینکه هر مجرم مسئولیت جرم خود را به تنهایی و به طور مستقل و جداگانه از دیگران متحمل میشود، بنابر این رسول الله صلی الله علیه وسلم هریک از حسان بن ثابت، مسطح بن أثاثه و حمنه بن جحش را به جزای حد قذف دره زدند، و ابن سلول را ترک نموده او را دره نزدند تا اینکه حد دره زدن وی سبب کفاره جزای اخروی وی نگردد و عذاب

1- الکربولی ، أحمد عبید جاسم : المساهمة الجنائية بين الشريعة والقانون ، ص 9 ، بحث منشور في مجلة جامعة الأنبار للعلوم الإسلامية ، الأنبار - العراق ، المجلد الثالث ، العدد الثاني عشر ، كانون الأول 2011 م .

2- استاد دكتور محمد علی السایس در مرکز مطوبس ولایت کفر الشیخ مصر متولد شد، سند لیسانس را در سال 1926 بدست آورد و در سال 1829 درجه دکتوراه را با درجه ممتاز بدست آورد، به عنوان استاد در پوهنهی شرعیات و سپس معاون و بعد از آن ریاست آن را به عهده گرفت، به عنوان مرشد علم اصول فقه شناخته میشود، عضو مجلس اعلی الازهر و عضو هیئت کبار علماء بود، برایش جوایز زیاد علمی و مالی در مناسبات مختلف بخاطر تقدیر از عمل وی داده شد، مولفات زیادی در علم حدیث و فقه و اصول دارد و از مهم ترین کتاب های وی تفسیر آیات الاحکام، تاریخ التشریح الاسلامی و غیره میباشد . <https://al-maktaba.org/>

3 - السایس ، محمد علی : تفسیر آیات الأحکام ، ج 2 ص 413 ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1421 هـ 2001 م

سخت تر را در روز قیامت متحمل شود، چون حد سبب کفاره گناهان است بر شخصی که بر او جاری شده است چنانچه از رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است»¹

مطلب سوم : جرایمی که با اشتراک و عدم آن هر دو صورت میگیرد :

یک نوع جرایم دیگر وجود دارد که با اشتراک و عدم آن هر دو صورت گرفته میتواند مانند جرایم قتل و سرقت که هم یک شخص میتواند آنرا به تنهایی انجام دهد و هم میتواند با مشارکت دیگران آنرا مرتکب شود.

« جرایمی وجود دارد که امکان وقوع آن از فرد و جماعت هر دو امکان دارد، چون عنصر مشارکت جنایی در آن از لحاظ مادی و معنوی هر دو فراهم است مانند که در جرایم سرقت و قتل وجود دارد، مگر جمهور علماء در سرقت شرط کرده اند که هر یکی از آنها به اندازه نصاب مال را سرقت نماید یا از مال مسروق به اندازه نصاب سهم هر یک از آنها گردد، اما جرایم قتل امکان دارد که یک جماعت آنرا مرتکب شود همانطوریکه یک شخص نیز میتواند آنرا مرتکب شود»²



1 - الکریولی : همان ، ص 9 .
2 - الکریولی : همان ، ص 10 .

فصل دوم

شراکت مباشر در جرم و احکام آن

مبحث اول : مفهوم شراکت مباشر در جرم

قبلا در فصل اول در تعریف شراکت در جرم ذکر نمودیم که شراکت در جرم عبارت از سهم گیری دو نفر و یا بیشتر از آن به منظور ارتکاب یک عمل جرمی میباشد، و این سهم گیری در تنفیذ جرم در صورتیکه با شراکت همه مجرمین در رکن مادی جرم باشد به نام شراکت مباشر یا مستقیم نامیده میشود، که ما در ذیل شراکت مباشر در جرم را مختصرا توضیح داده و روش های عملی آن را بیان خواهیم کرد.

مطلب اول : تعریف شراکت مباشر (مستقیم) در جرم :

همانطوریکه قبلا ذکر نمودیم که شراکت مباشر یا مستقیم عبارت از آن است که شرکای جرمی همه در تنفیذ رکن مادی جرم حضور داشته باشند و با همکاری یکدیگر عملا جرم را به پایه اكمال برسانند درین مورد استاد عبدالقادر عوده میگوید: « این نوع اشتراک در حالت تعدد مجرمین که همه آنها عنصر مادی جرم را مرتکب میشوند دیده میشود که امروزه بنام تعدد فاعلان اصلی جرم یا اشتراک بیشتر از یک فاعل اصلی جرم در عمل جرمی میباشد، لکن فقهاء به این نوع اشتراک بعضی از انواع اشتراک سببی را ملحق مینمایند و حکم هر دو را یکی میدانند و لو که شریک سببی خودش در تنفیذ رکن مادی جرم دخالت نمی نماید، و به این اساس انواع زیر شرکاء مباشر میباشد:

1 - کسیکه جرم را به تنهایی یا همراه دیگری مرتکب میشود، پس کسیکه انسانی را به قتل برساند یا اسباب خانه وی را سرقت نماید، مجرم مباشر جرم قتل و سرقت نامیده میشود، و اگر دو یا سه نفر در قتل یک شخص اشتراک نمایند و هر یک از آنها تیری را به طرف مجنی علیه پرتاب نماید که سبب مرگ مجنی علیه شود هر یکی از آنها شریک مباشر جرم قتل گفته میشود، و اگر اسباب خانه شخصی را از محل محفوظ سرقت نمایند هر یکی از آنها سارق گفته میشود.

2 - شریک متسبب زمانی که آله دست شریک مباشر باشد و او را به هر شکلی که بخواهد به حرکت در آورد مباشر جرم نامیده میشود و بر تائید این مبدأ در بین فقهاء کدام اختلافی وجود ندارد لکن در تطبیق آن اختلاف دارند، پس کسیکه شخص غیر ممیز و یا شخص دارای نیت نیک را به

قتل شخصی امر نمود، در این صورت امر در نزد امام مالک، شافعی و احمد رحمهم الله فاعل مباشر جرم شمرده میشود ولو که عمل مادی جرم را انجام نداده است، چون مامور به عنوان یک وسیله در دست امر است و او را به هر شکلی که خواسته باشد حرکت میدهد، اما امام ابوحنیفه امر را مباشر جرم نمیداند مگر اینکه امر او اکراه بر مامور باشد، پس اگر امر او به درجه اکراه نرسد فقط شریک سببی جرم بوده و مباشر جرم نیست و حکم مباشر را هم نمیگیرد»¹

امام محمد ابوزهره میگوید: «جرم همانطوریکه از یک نفر بر مثلش واقع میشود، از طرف یک جماعت بر فرد نیز واقع میشود، احیانا یک جماعت بر قتل یک شخص معاونت مینمایند، مانند اینکه دو نفر در قتل یک شخص اشتراک نمایند، یکی از آنها او را بسته نماید و دیگری او را از بین ببرد یا اینکه هر دو نفر همزمان او را با یک ضربه از بین ببرند، یا اینکه چندین نفر در قتل یک نفر تعاون و همکاری نمایند، یکی از آنها جرم را مرتکب شود و دو نفر یا بیشتر از آن دفاع کننده گان را از او منع نمایند، یا اینکه یک نفر جرم قتل را مرتکب شود و شخص دیگری راه را مراقبت نماید تا کمک کننده گان را منع نموده و جرم تکمیل گردد، و این شخص مشترک شمرده شده و ریبئه (کسانیکه از محل مرتفع مراقب دشمن خود باشند تا بصورت ناگهانی آنها را غافلگیر ننمایند) نامیده میشود و جزای آن جزای مباشر جرم در نزد بعضی از فقهاء میباشد، چون اگر بیراهه ساختن کمک کننده گان از طرف وی نمیبود جرم به صورت کامل واقع نمی شد.

و از این شکل ها و مانند اینها دانسته میشود که اشتراک در جرم یا اشتراک مباشر است که همه مجرمین در عنصر مادی جرم دخیل باشند، یا اشتراک به سببیت است یا اشتراک مباشر از بعضی آنها و اشتراک به سببیت از بعضی دیگر، و همه این شکل ها در آن شراکت صورت گرفته است و لو که انواع و اقسام آن متعدد و متفاوت باشد»²

پس چنین نتیجه میگیریم که شراکت مباشر عبارت از اشتراک دو یا بیشتر از دو نفر در ارتکاب عمل جرمی، طوریکه هر یکی از آنها به نوبه خود در آن سهیم بوده و در عنصر مادی آن دخالت داشته باشند و یکی از اجزای جرم را مرتکب شده باشند، اما این اشتراک یعنی اشتراک مباشر به سه شکل صورت میگیرد که عبارت اند از: تمالؤ یا اتفاق، توافق و تعاقب شرکاء در جرم میباشد که تعریف و مفهوم هر یک از آنها در فصل قبلی در مبحث دوم و مطلب سوم گذشت.

1- عودة، عبدالقادر: التشریح الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، ج 1 ص 360 - 362 .
2- أبوزهرة، إمام محمد: الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي، ص 292 .

کود جزای کشور ما شراکت مباشر در جرم را در فقره اول ماده 58 تحت عنوان شریک جرم چنین تعریف کرده است: «شریک شخصی است که در ارتکاب یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم، آگاهانه و به طور مستقیم با فاعل یا فاعلین دیگر سهیم باشد»¹ از این فقره دانسته میشود که شراکت مباشر در جرم دارای مفهوم ذیل است:

الف - شراکت مباشر یعنی سهم داشتن در یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم با فاعل اصلی آن میباشد، یعنی فاعل اصلی در تمامی اعمال مادی جرم دخالت دارد اما شریک جرم در تمامی اعمال مادی جرم نه بلکه در یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم دخیل است.

ب - شراکت فوق باید آگاهانه باشد، به این معنی که شریک میدانند که فاعل اصلی چه جرمی را انجام میدهد و چه هدف دارد با هم او را همراهی مینماید به این معنی اگر کسی از قصد جرمی فاعل جرم آگاهی نداشته باشد ولی ناخود آگاه او را همراهی نمود شریک جرم شمرده نمیشود یعنی اینکه در جرایم عمدی شراکت صورت میگیرد و در جرایم غیر عمدی شراکت صورت نمیگیرد.

ج - شراکت مباشر باید به طور مستقیم با فاعل اصلی جرم صورت گیرد، اگر بصورت غیر مستقیم با فاعل جرم همکاری داشته باشد در آن صورت معاون گفته شده و شریک نیست.

مطلب دوم: انواع شراکت مباشر در جرم:

معنای اصطلاحی شراکت مباشر را قبلاً در مطلب اول ذکر نمودیم و حال انواع شراکت مباشر را با ذکر یک مثال در مورد آن (شراکت مباشر در جرم قتل) را با بیان حالات آن ذکر مینمائیم، به طور عموم شراکت در جرم قتل به دو نوع است: شراکت مباشر و شراکت سببی که هر یکی را با تعریف و چگونگی اجرای حالات آن ذکر مینمائیم:

مباشرت عبارت از ارتکاب عمل جرمی بدون واسطه و دخالت شخص دیگر میباشد، علی حیدر در شرح مجله الاحکام می نویسد: «مباشر کسی است که تلف شدن به فعل او حاصل شود بدون اینکه بین تلف کردن و فعل او واسطه ای در میان بیاید»²

شراکت مباشر در جرم قتل: شراکت را قبلاً تعریف کرده بودیم و گفته بودیم که شراکت عبارت از سهم گیری دو یا بیشتر از دونفر به منظور ارتکاب عمل جرمی میباشد، طوریکه هر یک از شرکاء در تنفیذ رکن مادی جرم سهم داشته باشند.

1- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا .

2- حیدر، علی: درر الحکام شرح مجلة الأحکام، تعریب: المحامي فهمي الحسيني، ج 1 ص 91 .

و قتل عبارت از ازهاق روح آدمی است به هر وسیله که باشد، جرجانی قتل را چنین تعریف کرده است: «قتل عبارت از فعلی است که خروج روح توسط آن از بدن حاصل میشود»¹ شیخ ابومالک میگوید: «قتل عبارت از فعل بنده است که زنده گی توسط آن از بین میرود یا عبارت از کشیدن روح آدمی توسط فعل آدمی دیگر»²

بنا بر این شراکت مباشر در جرم قتل عبارت از اشتراک دو یا بیشتر از دو نفر در کشیدن روح یک انسان که عنصر مادی جرم را مستقیماً و بدون واسطه انجام دهند و این شراکت به سه شکل زیر صورت میگیرد:

الف - شراکت اتفاقی در جرم قتل: مفهوم اتفاق در جرم قبلاً در فصل اول گذشت و گفته شد

که از لحاظ فقه اسلامی برای آن دو نظر وجود دارد، نظر جمهور علماء که احناف، شوافع و حنبلی ها میباشد اینست که اتفاق اتحاد اراده مجرمین در هنگام ارتکاب جرم میباشد اگر چه اتفاق قبلی بین آنها بر این جرم نباشد، و نظر مالکی ها این بود که اتفاق عبارت از تفاهم و تصمیم قبلی شرکاء بر ارتکاب جرم میباشد طوری که در مرحله تنفیذ آن را به اساس تصمیم و پلان قبلی که بر آن توافق کرده بودند به اجراء در میاورند.

فقهاء این نوع شراکت را در کتاب جنایات بنام مسئله (قتل الجماعة بالواحد) ذکر کرده اند، بنابر این شراکت اتفاقی در قتل این است که مجرمین قبل از اقدام به قتل با هم اتفاق مینمایند و یا تصمیم میگیرند که این جرم را مرتکب شوند و سپس در وقت تنفیذ آن بعضی حضور می یابند و بعضی غایب میشوند و یا بعضی از آنها عنصر مادی جرم را مرتکب میشوند و بعضی آنرا مرتکب نمی شوند و به طور خلاصه عنصر مهم در شراکت اتفاقی جرم قتل، تصمیم و اراده قبلی مجرمین مبنی بر ازهاق روح یک شخص میباشد.

ب - شراکت توافقی در جرم قتل: مفهوم توافق نیز قبلاً گذشت و آن اینکه مجرمین یک عمل

جرمی را بدون اینکه بین آنها اتفاق قبلی صورت گرفته شده باشد مرتکب شوند، و در نتیجه هر شریک از عمل جرمی خود مسئول بوده و از جرم شریک دیگرش مسئول نیست.

اشکال توافق در سه مورد به شکل زیر بیان شده است: «اختلافی در بین فقهاء نیست که مسئولیت جزایی هر شریک که در ارتکاب جرم شرکت کرده بود به او ملحق میشود و از عمل جرمی شریک خود بخاطر مباشرت هر مجرم که قصد احداث نتیجه جرمی را داشت مسئول نمی

1- الجرجانی: معجم التعريفات، ص 144، دار الفضيلة، القاهرة - مصر، د ط - د ت.

2- کمال، الشیخ أبو مالک: صحیح فقه السنة، ج 4 ص 170.

باشد،..... و اندازه مسئولیت جزایی هر یک از شرکاء به اساس مثال ها و اشکال توافق شرکاء در جرم قتل که به شکل زیر بیان میگردد دانسته میشود :

شکل اول : اینکه اراده شرکاء بر جرم قتل یک شخصی متفق شود، و هر یک از شرکاء مباشر قتل شود و فعل هر یک از مجرمین به طور منفردانه کشنده باشد و در از هاق روح مجنی علیه دخیل باشد و امکان شناخت فعل هر شریک از دیگری به طور جداگانه میسر باشد، پس در این صورت هریک از شرکاء مسئول عمل جرمی خود میباشد و در اینجا مسئولیت شان از قتل عمد است.

شکل دوم : اینکه اراده شرکاء بر جرم قتل یک شخص متفق شود و فعل یکی از آنها در از هاق روح مجنی علیه دخیل نباشد، و امکان شناخت آن باشد، پس او در این صورت به غیر از نتیجه جرمی خود مسئولیت دیگری ندارد و آن عبارت از جرح مجنی علیه نه قتل او، و آن هم به اساس نظر اهل خبره مورد قبول میباشد.

شکل سوم : اینکه اراده شرکاء بر جرم قتل یک شخصی متفق شود لکن امکان تمیز بین افعال مجرمین که در احداث وفات مجنی علیه و یا عدم آن موثر بود وجود نداشت، پس در این صورت مجرمین از فعل جرح در جرم نه قتل مجنی علیه به علت یقینی بودن آن مسئول میباشند.

و مالکی ها در این صورت مخالفت کرده چنانچه میگویند: وقتیکه عمل مجرمین از یکدیگر تشخیص داده نشود و هر یک از آنها قصد قتل داشتند پس آنها مسئول جرح نبوده بلکه مسئول قتل میباشند و در توضیح این مطلب گفته اند: اما قصد لت و کوب بدون اتفاق قبلی واجب کننده قتل برای همه بوده وقتیکه ضربه ها از هم تشخیص داده نشود، یا تشخیص داده شود و مساوی باشد، و یا مساوی نباشد و صاحب ضربه قویتر و جلوتر دانسته نشود و کس دیگری جزا داده شود و این همه در صورتی است که شخص وفات نموده باشد یا به امکان کشنده نفوذ کرده باشد و یا مغمور باشد تا اینکه از بین رفت. و در حالت جراحت گفتند: اگر جراحات بدون اتفاق قبلی باشد و جراحات از یکدیگر تشخیص داده شود از هر یکی به اندازه آنچه مرتکب شده قصاص گرفته میشود، اما در حالت اتفاق قبلی از همه آنها به اندازه همه جراحات قصاص گرفته میشود، خواه جراحات تشخیص داده شود یا نشود»¹

1- عبدالله حامد، کامل محمد حسین: أحكام الاشتراك في الجريمة في الفقه الإسلامي، ص 129 - 131.

ج - شراکت تعاقبی در جرم قتل : مفهوم شراکت تعاقبی قبلا در فصل اول گذشت و آن اینکه مجرمین اعمال جرمی را بالای یک شخص، جداگانه و به تعقیب یکدیگر انجام دهند، بدون اینکه بین آنها اتفاق یا توافق قبلی مبنی بر ایجاد رکن مادی جرم صورت گرفته باشد.

« احکام شراکت در جرم به روش تعاقبی و تعیین اثر الحاقی هر جرم به طور واضح به اساس مثالها و جرایم که مجرمین به شکل تعاقبی در آن اشتراک مینمایند معلوم و مشخص میگردد، مثلا شخصی کسی را از بالای کوه به پایین پرتاب مینماید و شخص دیگری در پایین کوه او را توسط شمشیر در هوا قبل از رسیدن به زمین دو نیم مینماید، و از جمله آنها اینکه کسی دست شخصی را قطع نماید بعد از آن شخص دیگری بیاید و پای وی را قطع نماید، و از جمله آنها اینکه شخصی شکم کسی را پاره نماید و روده هایش را بیرون آورد و بعدا شخص دیگری بیاید و گردنش را قطع نماید و مانند این مثالها که شراکت تعاقبی در جرم بر آن صدق مینماید¹»

مبحث دوم : مسئولیت جزایی شریک مباشر در فقه اسلامی و قانون

مطلب اول : معنی و مفهوم مسئولیت جزایی در فقه اسلامی :

معنای مسئولیت جزایی این است که هر شخص مسئول اعمال جرمی است که در حالت صحت عقل و اراده و بدون کدام اکراه و عذر دیگری آنرا مرتکب میشود، و شریعت هر جزایی را که برای همان جرم تعیین کرده باشد باید آنرا متحمل شود، اگر قصاص باشد باید قصاص گردد، اگر دیت باشد باید آنرا اداء نماید، اگر حبس باشد باید محبوس گردد، اگر غرامت مالی باشد باید آنرا بپردازد و به همین شکل هر جزایی را که شریعت تعیین کرده بود باید آنرا متحمل شود.

استاد عبدالقادر عوده میگوید : « معنای مسئولیت جنایی در شریعت این است که هر انسان نتایج افعال حرام را که در حالت اختیاری در حالیکه اهداف و نتایج آن را درک مینماید مرتکب شود تحمل نماید، پس کسیکه عمل حرامی را انجام دهد در حالیکه اراده آنرا ندارد مانند شخص مستکره یا بیهوش، از جنایت وی سوال نمیشود، و کسیکه عمل حرامی را انجام دهد در حالیکه اراده آنرا دارد لکن معنای آنرا درک نمی نماید مانند طفل و دیوانه، اینها هم از عمل شان پرسیده نمیشود.

بنا بر این مسئولیت جزایی در شریعت اسلامی بر سه رکن استوار است : اول اینکه انسان عمل حرام را مرتکب شود. دوم اینکه فاعل این عمل دارای اراده و اختیار باشد. و سوم اینکه به معنی و

1- عبدالله حامد : همان ، ص 132 .

نتیجه این عمل درک و آگاهی داشته باشد. پس هر زمانیکه این سه اصل به میان آمد مسئولیت جزایی نیز به میان می آید و اگر یکی از آنها از بین رفت مسئولیت جزایی نیز از بین می رود.¹

شکی نیست که احکام شریعت اسلامی بر مبنای جلب مصالح و منافع و دفع مفسد و اضرار استوار است و نظام جزایی اسلام و جزاهای تعیین شده برای بعضی از جرایم یکی از مصالح مذکور می باشد که الله تعالی بخاطر حفظ نظام اجتماعی جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و فساد آن را وضع کرده است و این یکی از مظاهر عدل و رحمت الله تعالی بر بندگانش می باشد، و نظام جزای اسلام مانند دیگر نظام ها بر اساس اصول و قواعدی استوار است که مصالح انسانها را تحقق بخشیده و مفسد را از آنها دور مینماید، از جمله آن این است که جزاها برای منع و بازداشتن مجرمین از ارتکاب دوباره آن می باشد و دیگر اینکه مجازات به اندازه جرم می باشد که در آن افراط و تفریط صورت نمیگیرد و هم چنان جزاها عام بوده بر هر کسی که جرم را مرتکب شود تطبیق میشود و کدام فرقی بین مجرمین صورت نمیگیرد.

استاد عبدالقادر عوده در مورد اساس مسئولیت جزایی در احکام شریعت اسلامی چنین میگوید : « شریعت اسلامی محلی را برای مسئولیت غیر از انسان زنده و مکلف نمیشناسد، و هر زمانیکه وفات نمود مکلفیت ها از وی برداشته شده و دیگر محلی برای مسئولیت نمیشناسد. و شریعت اسلامی اطفال را از آنچه مردان را معاف نمی نماید معاف نموده است مگر اینکه به سن بلوغ برسند، نظر به فرموده الله تعالی : ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (النور/59) ترجمه : و زمانیکه اطفال به سن بلوغ رسیدند باید در وقت داخل شدن به خانه اجازه بگیرند همانطوریکه کسانی که قبل از آنها اجازه گرفتند. و نظر به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : (رَفَعَ الْقَلَمَ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ)² یعنی قلم از سه نفر برداشته شده است (مکلف نیستند) از شخص خوابیده تا زمانیکه بیدار شود و از طفل تا وقتیکه بالغ گردد و از دیوانه تا وقتیکه عاقل شود.

1- عوده ، عبدالقادر : التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي ، ج 1 ص 392 .

2- رواه ابوداود برقم 3825 باب في المجنون يسرق او يصيب حدا، عن علي بن ابيطالب رضي الله عنه، ج 11 ص 481. صححه الألباني في صحيح و ضعيف سنن أبي داود برقم 4403 ج 9 ص 403 و في صحيح و ضعيف سنن الترمذي برقم 1423 ج 3 ص 423 .

و شریعت شخص مستکره و فاقد ادراک را مواخذه نمی نماید، نظر به فرموده الله تعالی : ﴿إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ (النحل/106) ترجمه : مگر کسیکه مورد اکراه واقع گردد و قلبش مطمئن به ایمان باشد. و نظر به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : (رفع عن أمتي الخطأ والنسيان، وما استكروها عليه)¹ یعنی از امت من گناه خطا و فراموشی و آنچه بر آن مورد اکراه واقع شده اند برداشته شده است. و از جمله قواعد اساسی در شریعت اسلامی این است که الله متعال میفرماید : ﴿أَلَا تَرَوْا وَازِرَةً وَزَرَ أُخْرَى * وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (النجم/38 و 39) ترجمه : اینکه هیچ گناهکاری گناه کس دیگری را برنمیدارد و اینکه برای انسان جز از سعی وی چیزی نیست . پس از هر انسان جز از جنایتش پیرسان نمی شود، و به جرم کس دیگری مواخذه نمیشود هر چند رابطه نزدیکی با وی داشته باشد. و از جمله قواعد اساسی در شریعت این است که هر آنچه حرام نشده باشد در آن رخصت است و کدام جزایی بر انجام آن وجود ندارد، و هر زمانیکه حرام گردید مجازات آن از وقت آگاهی به حرام شدن آن بالای مرتکبین تنفیذ میگردد، و قبل از آن در فرموده الله متعال داخل است که میفرماید: ﴿عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ﴾ (المائدة/95) ترجمه : الله متعال از آنچه در گذشته انجام شده عفو نموده است.²

قواعد کلی شریعت در مورد شراکت در جرم

قواعد فقهی در حقیقت مبادی عمومی فقه اسلامی میباشند که متضمن احکام شرعی عام بوده و بر وقایع و حوادث که در تحت آن داخل است منطبق میشود، و فقهاء کرام این قواعد را از نصوص شرعی و یا روح شریعت استنباط کرده اند، و به اساس آن احکام مسایل و جزئیات فقهی را استخراج کرده اند، در مورد شراکت در جرم نیز یک سلسله قواعد کلی در شریعت وجود دارد که مسئولیت هر یک از مجرمین را تعیین مینماید که ما در ذیل آنرا با اندکی شرح و توضیح بیان مینمائیم :

¹- صحیح : رواه الطبرانی برقم 1430 و السیوطی فی جمع الجوامع برقم 12911 کلاهما عن ثوبان رضي الله عنه وابن حبان في صحيحه برقم 7342 عن ابن عباس رضي الله عنهما . صححه الألباني في مختصر إرواء الغلیل برقم 2566 ج 1 ص 511 و صححه أيضا في صحيح و ضعيف الجامع الصغير برقم 5828 ج 13 ص 200 .

²- عودة : همان ، ج 1 ص 382 .

مطلب دوم : قواعد فقهی مرتبط به مسئولیت فاعل و مباشر جرم :

قبلا ذکر نمودیم که فاعل و مباشر جرم کسی است که جرم را خودش و بدون واسطه یا دخالت شخص دیگر انجام داده باشد و تنها خودش عنصر مادی جرم را مرتکب شده باشد، برابر است که مباشر جرم یک نفر باشد یا چندین نفر با هم سهیم باشند، و حال قواعد فقهی را که مسئولیت مباشر را بیان میکند با معنی و مفهوم آن، شرح مختصر و همراه با مثال واضح میسازیم:

1 - قاعده : « إذا اجتمع المباشر والمتسبب ، يضاف الحكم إلى المباشر »¹ یعنی زمانیکه در

بوجود آوردن یک جرم مباشر و متسبب هر دو جمع شوند، حکم جرم به مباشر نسبت داده میشود.

علامه سیوطی این قاعده را به این لفظ آورده است: « إذا اجتمع السبب أو الغرور والمباشرة ،

قدمت المباشرة »² یعنی اگر سبب و مباشرت با هم جمع شود ، مباشرت مقدم میشود .

و علامه ابن نجیم آن را به عبارت زیر آورده است: « إذا اجتمع المباشر والمتسبب ، أضيف

الحكم إلى المباشر »³ یعنی اگر مباشر و متسبب با هم جمع شوند، حکم به مباشر نسبت داده میشود.

الف - معنای قاعده : دکتور عبدالکریم زیدان در معنای این قاعده میگوید: « زمانیکه مباشر

فعل یعنی فاعل ذاتی و متسبب آن یعنی منجر شونده و رساننده به وقوع آن با هم جمع شوند، حکم به

مباشر جرم نسبت داده میشود؛ چون فاعل علت موثر است و اصل در احکام این است که به علت

های موثر آن نه به اسباب وصل کننده آن نسبت داده شود، چون علت های موثر نزدیک تر و قویتر

است، بنا بر این متسبب کسی است که بین فعل وی و اثر مرتب شده بر آن، فعل فاعل مختار متخلل

شده است پس مباشر به نسبت دادن حکم نزدیکتر از متسبب است »⁴

ب - مثال های قاعده : 1 - اگر کسی حفره یا چاهی را در راه عام بدون اجازه حکومت حفر

نماید، و شخصی کس دیگر را در آن پرتاب نماید یا حیوانی را در آن بیاندازد، شخص پرتاب کننده

یا اندازنده ضامن است و دیت یا عوض مالی بر ذمه او است؛ چون او به ذات خود تلف کننده مباشر

است اما حفر کننده چاه فقط متسبب است؛ چون حفر چاه و لو که منجر به تلف شود لکن به تنهایی

خود منجر به تلف شدن نمی شود مادامیکه دافع یا پرتاب کننده که مباشر است نباشد.⁵

1- جماعة من العلماء : مجلة الأحكام العدلية ، مادة رقم 90 ، ص 33 ، المطبعة الأدبية ، بيروت - لبنان ، د ط ، 1302 هـ .
2- السيوطي ، الإمام جلال الدين عبدالرحمن : الأشباه والنظائر ، ص 162 ، دار الكتب العلمية ، بيروت - لبنان ، ط 1 ، 1403 هـ 1983 م .
3- ابن نجيم ، العلامة زين الدين بن إبراهيم : الأشباه والنظائر ، دار الكتب العلمية ، ص 135 ، بيروت - لبنان ، ط 1 ، 1419 هـ 1999 م .
4 - زيدان ، الدكتور عبدالكريم : الوجيز في شرح القواعد الفقهية ، ص 154 ، مؤسسة الرسالة ناشرون ، بيروت - لبنان ، ط 2 ، 143 هـ 2011 م .
5 - الزحيلي ، الدكتور وهبة ، الفقه الإسلامي وأدلته ، ج 7 ص 5644 .

2 - اگر شخصی سارق را به مال کسی راهنمایی نماید، و سارق آن مال را سرقت نماید پس جزا و غرامت بر سارق است؛ چون او مباشر جرم است و بر راهنمایی کننده چیزی نیست چون او متسبب است. و ملاحظه میشود که سرقت و انداختن حیوان در چاه فعل فاعل مختار میباشد و حکم که عبارت از غرامت باشد به آن تعلق میگیرد، و علت تلف شدن دلالت و راهنمایی یا حفر نیست بلکه علت آن اختیار نادرست فاعل میباشد.

3 - کسی که کارد و یا سلاح را به طفل دهد تا آنرا بگیرد اما او خود را به آن از بین برد، پس بر دهنده سلاح غرامت نیست چون او متسبب است، بلکه غرامت بر خود طفل است چون او مباشر است، مگر متاخرین احناف میگویند که رای مختار اینست که غرامت بر او است.

4 - اگر کسی طناب را که حیوان توسط آن در خانه حیاط دار بسته شده است باز نماید و کس دیگر غیر از او دروازه را باز نماید و حیوان بیرون شد پس غرامت تنها بر باز کننده دروازه است چون او مباشر این عمل است.¹

ج - استثناءات این قاعده : علامه عبدالرحمن سیوطی در کتاب خود الاشباه والنظائر بعضی از استثناءات را برای این قاعده ذکر کرده است و اشاره کرده است که اگر مباشر از حقیقت حال بی خبر و جاهل باشد و جرم را مرتکب شود بر او ضمان و تاوان نمی آید، وی چنین میگوید: «از این قاعده بعضی از شکل ها مستثنی میشود از جمله آنها: اگر کسی گوسفندی را غصب کرد و سپس قصابی را به ذبح آن امر کرد و او به حقیقت حال جاهل بود، پس تاوان قطعاً بر غاصب است. و از جمله آنها اگر اهل فتوی کسی را به اتلاف کردن چیزی فتوا دادند سپس اشتباه بودن فتوا معلوم شد، پس تاوان بر مفتی است. و از جمله آنها اگر جلاد کسی را به امر امام ظلماً به قتل برساند و او به ظلم امام جاهل باشد، پس تاوان بر امام است. و از جمله آنها اگر کسی مال گمشده ای را به یک قومی وقف گرداند، و درآمد آن را بر آنها صرف کرد سپس صاحب آن او را مستحق شد پس تاوان بر وقف کننده است بخاطر فریب دادن دیگران»²

علامه ابن نجیم نیز بعضی از حالات را استثناء کرده میگوید: «بعضی مسایل از این قاعده بیرون میشود، از جمله آنها: اگر کسیکه مال نزد او به امانت گذاشته شده، سارق را به آن راهنمایی نماید بخاطر ترک حفظ مال ضامن است. و از جمله آنها فتوی دادن به تاوان گرفتن از سخن چین و نمام است، بخاطر غالب شدن سخن چینی بر مردم و این قول متاخرین است. و از جمله آنها اگر کسی

1- الزحیلی، الدكتور وهبة: نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجناحية، مثال های 2-3 و 4 ص 165-166.
2- السيوطي: همان، ص 162.

کاردی را به طفل داد تا آنرا برایش بگیرد، اما کارد بر او افتاد و او را زخم نمود تاوان بردهنده کارد به طفل است»¹

از این قاعده بعضی حالات مستثنی است که گاهی تنها متسبب بغیر از مباشر مسئول عمل جرمی است و گاهی متسبب و مباشر هر دو مسئول عمل جرمی هستند :

1 - مسئولیت متسبب به تنهایی : متسبب زمانی به تنهایی مسئول است که متعدی باشد و مسئول بودن مباشر مشکل باشد به علتی که یا غیر مسئول است و یا وجود ندارد و یا شناخته شده نیست، چنانچه در این مثال ها واضح است :

الف - اگر کسی به طفلی کارد را بسپارد تا برایش بگیرد، و کارد بر او فرود آمد و او را مجروح ساخت در این صورت غرامت بر شخص دهنده کارد است چون سبب در این جا مشتمل بر معنای تعدی است بخاطریکه طفل کدام عملی را انجام نداده است و او مسئول نمیشود و کارد به طبیعت خود وسیله جارحه است. و مانند آن یک طفل سه ساله که حق حضانت او بر مادرش است، اگر مادرش از خانه بیرون شد و این طفل در آتش افتاد مادرش مسئول است.

ب - اگر شخصی چهار پایی را راند و این چهارپا شخصی یا اموالی را زیر پا کرد، پس غرامت اشخاص و اموال تلف شده از شخصی که حیوان را رانده است گرفته میشود، چون سبب به تنهایی خود در حادثه تاثیر نموده و بین این سبب و تلف شدن اشخاص و اموال فعل فاعل مختار واسطه نشده است.

ج - شاهدان که در پیشگاه قاضی به دروغ شهادت داده بودند در مورد ضایع کردن مال شخص مدعی علیه ضامن هستند همراه با اینکه آنها متسبب هستند و از قاضی خواسته نمی شود و لو که مباشر است چون او در حکم خود معذور است.

د - اگر کسی بواسطه آب باران پایش لغزید و سپس در چاهی که شخصی آن را بدون حق حفر نموده بود افتاد و هلاک شد، صاحب چاه ضامن است چون او متسبب است و فاعل مباشر که مسئول گذاشتن آب است یافت نمیشود.

ه - اگر کسی بواسطه سنگی که معلوم نیست چه کسی آنرا در راه مانده است زمین بخورد و سپس به چاهی بیافتد، حفر کننده چاه ضامن است؛ چون او متسبب است و شناختن شخص مباشر که سنگ را گذاشته بود متعذر است.

1- ابن نجیم : همان ، ص 136 .

2 - ضامن بودن متسبب و مباشر هر دو : متسبب و مباشر زمانی هر دو ضامن هستند که اگر سبب از مباشر جدا شود به تنهایی در اتلاف شی تاثیر داشته باشد، مانند اینکه در راندن حیوان صاحبش و شخص دیگری که بر آن سوار است جمع شوند و ضامن بر هر دوی آنها است؛ چون راندن حیوان به تنهایی سبب اتلاف می‌گردد و لو که شخصی بر آن سوار نباشد.

و هم چنین اگر کسی حیوانی را به اجازه صاحبش به چوب زد، بعدا انسانی را زیر پا کرد پس ضامن بر هر دو آنها است چون شخص چوب زننده به منزله صاحب حیوان است، اما اگر حیوان را بدون اجازه راکب آن به چوب زد، و حیوان کسی را به دست یا پای خود زد و او از بین رفت یا با انسانی فورا تصادم نمود یا جهش زد و سواره را به زمین زد ضامن بر کسی است که او را چوب زده است نه کسی که سوار آن است.

و به طور خلاصه متسبب و مباشر هر دو شریک غرامت و تاوان هستند زمانیکه قوه مباشرت و تسبب با هم برابر باشد به نحویکه سبب به تنهایی خود در اتلاف شی عمل نماید و تنها متسبب مسئول تاوان است وقتیکه فعل او از مباشر قویتر باشد و در غیر این حالات اصل عام تقدیم مباشر بر متسبب است.¹

2 - قاعده : «المباشر ضامن و إن لم يتعمد»² یعنی مباشر جرم، مسئول تاوان است و لو که قصد آنرا نداشته باشد.

الف - معنای قاعده : علی حیدر در شرح این قاعده مینویسد: « یعنی برابر است که مباشر قصد تلف کردن مال غیر را داشته باشد یا نداشته باشد ضامن است و فرق میان مباشر و متسبب این است که برای ضامن بودن متسبب متعدی بودن وی شرط است و مباشر به هر حال ضامن است و سبب آن این است که مباشرت علت مستقل و سبب ذاتی برای تلف کردن است، بنا بر این اسقاط حکم آن به ادعای عدم قصد و تعدی جائز نیست و از آنجائیکه سبب علت مستقل برای تلف کردن نیست لازم است که عمل مقترن به قصد و تعدی باشد تا واجب کننده ضامن گردد»³

دکتور وهبه زحیلی می نویسد: « صحیح تر در این قاعده این است که گفته شود (و إن لم يتعمد) یعنی و لو که متعدی نباشد، در ضامن اموال قصد و اراده جنائی اعتبار ندارد و خطا و عمدیت در آن برابر است، لذا کسانی مانند دیوانه و طفل که قصد ندارند ملزم به تضمین اند چون قصد یا عمدیت از

1- الزحيلي، الدكتور وهبة: نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجنائية، ص 166 - 169 .

2- جماعة من العلماء: مجلة الأحكام العدلية، مادة رقم 92، ص 33.

3- حيدر، علي: درر الحکام شرح مجلة الأحكام، تعريب: المحامي فهمي الحسيني، ج 1 ص 93 .

آنها تصور نمی شود و این نکته ای است که مباشر را از متسبب جدا میسازد، در تسبب موجودیت تعدی و تجاوز برای ضمان شرط است اما در مباشرت تعدی شرط نیست، پس مباشر مسئول تلف کردن اموال است و لوکه تعدی نکرده باشد و متسبب مسئول آن نیست مگر اینکه متعدی باشد»¹

مولانا محمد تقی عثمانی² در کتاب خود (بحوث فی قضایا فقهیه معاصره) این قاعده را بلفظ (المباشر ضامن و إن لم یکن متعدیا) آورده و گفته است: « بعضی از فقهاء صفت متعدی بودن را برای مباشر در ضمان شرط کرده اند، در حالیکه اکثر فقهاء ذکر کرده اند که برای تضمین مباشر تعدی شرط نیست، مثلاً امام زلیعی در تبیین الحقائق میگوید: (و دیگر آن سببیت است و تعدی در آن شرط نیست، و به مثابه حفر کردن چاه در ملک خود میگردد و در مباشرت شرط نیست) و ابن غانم³ بغدادی گفته است: (مباشر ضامن است و لو که متعمد و متعدی نباشد، و متسبب ضامن نیست مگر اینکه متعدی باشد). و شیخ مصطفی الزرقاء⁴ در کتاب ارزشمند خود (الفعل الضار والضمنان فیه) این تعارض را برطرف کرده است و حاصل آن این است که تعدی در دو معنی استعمال میشود که باید بین آن فرق گذاشت.

معنای اول برای تعدی تجاوز کردن فعل به حق غیر یا ملکیت محفوظ وی است و معنای دوم برای تعدی انجام دادن عملی است که در ذات خود ممنوع باشد، صرف نظر از اینکه به حدود غیر تجاوز نماید یا ننماید. بنا براین تعدی به معنای اول نیز برای تضمین مباشر شرط است، اما تعدی به معنای دوم برای تضمین مباشر شرط نیست، پس کسیکه غذای غیر را در حالت مخمسه بخاطر برطرف کردن هلاکت از خودش بدون اجازه وی تناول نمود، این فعلش جایز بوده بلکه واجب است، و از او تعدی به معنای دوم صادر نشده است لکن از جهتی که در ملک غیر تصرف کرده صادر

1- الزحلی، الدكتور وهبة: نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجنائية، ص 171.

2- استاد مفتی محمد تقی عثمانی در پنجم ماه شوال سال ۱۳۶۲ ق برابر با ۳ اکتبر ۱۹۴۳ در دهکده (دیوبند)) از توابع سهارنپور هندوستان دیده به جهان گشود. در پنجم ماه شوال ۱۳۷۲ ق هنگامی که کودکی هشت ساله بود، درس نظامی را آغاز کرد. استاد عثمانی پس از هشت سال تکاپو در ماه رجب ۱۳۷۹ ق عمامه فضیلت را به سرپست. در سال ۱۹۶۷ م با رتبه دوم موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته حقوق دانشگاه کراچی شد و در سال ۱۹۷۰ م با رتبه اول، مدرک فوق لیسانس زبان و ادبیات عرب را از دانشگاه پنجاب کسب کرد. استاد عثمانی در سال ۱۹۶۰ م برابر با ۱۳۸۰ ق، به تدریس در رشته های حدیث، فقه و... پرداخت. علاوه بر تدریس، مدت قابل توجهی از عمرش را در دارالافتای دارالعلوم کراچی به مسئله خطیر فتوانویسی صرف کرد. <http://www.avayesunnat.com/>

3- ابو محمد غانم بن محمد بغدادی فقیه حنفی میباشد، از جمله کتاب های وی: ملجأ القضاة عند تعارض البينات و مجمع الضمانات میباشد که در سال 1027 هـ از تالیف آن فارغ شده است. <https://shamela.ws/>

4- مصطفی احمد الزرقاء از مشهورترین علمای فقه معاصر در سال 1322 هـ موافق با 1904 م در شهر حلب سوریه در خانواده متدین چشم به جهان گشود، پدرش شیخ احمد الزرقاء مولف کتاب شرح القواعد الفقهیه میباشد، قرآن را در خردسالی اش حفظ کرد، در سال 1933 م از دو فاکولته حقوق و ادبیات یکجا فارغ شد و درجه اول را بدست آورد، بعد از آن در سال 1947 م سند دپلوم در شریعت اسلامی از پوهنچی حقوق پوهنتون القاہرہ بدست آورد. شیخ زرقاء دو سلسله در تالیف دارد یکی بنام سلسله فقهی در چهار جلد و دیگری سلسله قانونی در سه جلد میباشد. این دانشمند سوری به تاریخ 19 ربیع الاول سال 1420 هـ موافق 3 جون سال 1999 م بعد از اذان نماز عصر در حالیکه نشسته و فتاوی را تنقیح و باب گذاری مینمود وفات کرد. <https://ar.wikipedia.org/>

شده است پس ضمان بر او واجب است، و هم چنین اگر پای انسانی لغزید یا بیهوش گردید و بر مال کس دیگر افتاد و آنرا تلف نمود بر او ضمان لازم است و لوکه عمل ممنوع را انجام نداده است.

و بدون شک این فرقی را که شیخ مصطفی الزرقاء ذکر کرده است مناسب و واضح است و به سبب آن تعارض بین کسانیکه تعدی را برای تضمین مباشر شرط کرده اند و کسانیکه آنرا شرط نکرده اند برطرف میشود، بنا براین نتیجه چنین است: مباشر هر زمانیکه ضرری را در نفس بیگناه یا بدن وی یا در مال او ایجاد نمود ضمان خسارت بر عهده او است و لو که این ضرر از جانب وی به سبب فعلی که در ذات خود مباح و بدون قصد وی باشد صادر شده باشد¹

ب - مثالهای قاعده : 1 - اگر کسی چیزی را در راه مردم نظر به عذری گذاشت و پای شخصی به آن اصابت کرد و به زمین افتاد و آن شی بدون قصد وی از بین رفت، شخص سقوط کننده مسئول ضمان است. و اگر کسی پوست میوه ای را در راه انداخت و حیوانی به سبب آن لغزید مسئول است چون شرعا به این کار امر نشده است، پس ضامن آنچه به سبب آن واقع شده میباشد و اگر کسی پایش لغزید و بر مال کس دیگر افتاد و آنرا تلف کرد ضامن است (م 913 مجله)²

2 - در ماده 914 مجله آمده است: اگر کسی مال شخص دیگری را به گمان اینکه مال خودش است از بین برد، ضامن است چون جهالت اگر او را از گناه معاف نماید او را از ضمان معاف نمی نماید؛ چون این مال حق بنده است و ضمان آن به عمدیت و قصد او بستگی ندارد.

3 - ماده 916 مجله می نویسد: اگر طفلی مال غیر را تلف کرد ضمان از مال او لازم است و اگر مال نداشت تا غنی شدن او انتظار میشود، و ولی او مسئول نمی باشد و ضمان بر طفل تلف کننده لازم است و لو که غیر ممیز باشد چون او مباشر است و ضمان تابع مباشرت است و به خاطر لازم شدن ضمان بر تلف کننده، عقل و تمیز او شرط نیست.³

4 - اگر شخص خوابیده بر چیزی منقلب شد و آنرا شکست ضمان بر او لازم است، و اگر شخصی از دیوار بالای شخص دیگر در راه سقوط کرد و آنرا کشت دیت مقتول بر او لازم است، همانطوریکه شخص خوابیده بر دیگری منقلب شود و او را از بین ببرد ضامن است.

1- العثماني، محمد تقي: بحوث في قضايا فقهية معاصرة، ص 295 - 296.

2- الزحيلي، الدكتور وهبة: نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجناحية، ص 171.

3- زيدان، الدكتور عبدالكريم: الوجيز في شرح القواعد الفقهية، مثال های 2 و 3 ص 157.

5 - یک کشتی به غرق شدن نزدیک شد و بعضی از کشتی سواران کالای کس دیگر را در آب انداختند تا اینکه کشتی سبک گردد، در همان حال ضمان قیمت کالا بر او لازم است.¹

3 - **قاعده: « يضاف الفعل إلى الفاعل لا الأمر ما لم يكن مُجْبِرًا »**²، یعنی فعل به فاعل نسبت داده میشود نه امر کننده تا وقتی که اکراه کننده نباشد.

الف - معنای قاعده: « فعل یعنی حکم آن به فاعل نسبت داده میشود، و فعل به امر کننده آن نسبت داده نمیشود، و چون امر از امر کننده سبب مییابد و فاعل علت است و اصل در معلومات این است که به علت های آن نسبت داده شود چون آنها در آن موثر هستند و به اسباب آن نسبت داده نمی شوند، چون اسباب در کل وصل کننده به فعل هستند و وصل کننده پائین تر از تاثیر کننده است. و این حکم زمانی اعتبار دارد که امر کننده، اجبار کننده و اکراه کننده فاعل بر فعل نباشد، اگر اکراه کننده بود در آن صورت حکم فعل به او نسبت داده میشود نه به فاعل، چون فاعل در این صورت به منزله یک آله در دست اکراه کننده میگردد³»

دکتور وهبه زحیلی می نویسد: « مراد از فعل در این جا تجاوز بر اموال و نفوس است و فاعل همان مباشر فعل تجاوز یا تعدی است و اجبار کننده همان امر کننده شخص اکراه شده بر ارتکاب فعل بدون حق و بدون رضا مییابد⁴»

ب - مثالهای قاعده: 1 - اگر شخصی کسی دیگر را به اتلاف مال انسان یا به قتل او امر کرد و او امر صادر شده به خود را اجرا کرد، در این صورت مامور مسئول جرم واقع شده می باشد، چون امر نمودن به تصرف در مال غیر باطل است و قاعده اباحت در نفوس جاری نمی شود، و قصاص نظر به شبهه ساقط می شود، مگر اینکه مامور بر ارتکاب فعل تحت اکراه ملجئ واقع شده، در این صورت شخص اکراه کننده مسئول است.

2 - اگر کسی دیگری را به اجرای عقدی امر نمود، مامور از تنفیذ مقتضای عقد مسئول مییابد، مگر اینکه عقد به اساس اکراه واقع شود در آن صورت از شخص اکراه کننده سوال میشود و امر او باطل و لغو مییابد.

1- الزحيلي، الدكتور وهبة: نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجناحية، مثال های 4 و 5 ص 172 .

2- جماعة من العلماء: مجلة الأحكام العدلية، مادة رقم 89، ص 33 .

3- الزرقاء، أحمد بن محمد: شرح القواعد الفقهية، ص 443، دار القلم، دمشق - سورية، الطبعة الثانية 1409 هـ 1989 م .

4- الزحيلي: همان، ص 175 .

3 - کسیکه دیگری را به گرفتن مال غیر امر نماید، پس تاوان بر گیرنده است نه امر کننده چون امر کردن بر ملک غیر درست نیست.¹

استثناءات این قاعده : دکتر عبدالکریم زیدان می گوید: « ضابط در مسایل و صحیح بودن استثناء و عدم آن در این قاعده این است که: هر آنچه امر در آن صحیح نباشد، پس غرامت بر مامور بدون امر است، و هر جای که امر در آن صحیح باشد پس ضمان بر امر لازم میشود » مثلا اگر مامور اجیر خاص برای امر باشد و به کار او چیزی تلف شد بدون اینکه از کار عادی خود تجاوز نماید، ضمان بر استاذ امر او است مانند اینکه لباس به اثر کوبیدن او پاره شود پس غرامت بر استاذ امر او است. و اگر شخصی مردی را به باز کردن دروازه ای در دیوار غیر امر کرده و گفت: در دیوار من برایم دروازه باز کن پس غرامت بر باز کننده دیوار است و به امر برمیگردد.²

و اگر مامور فریب خورده باشد باز هم غرامت بر امر است، مانند این مثالها:

1 - اگر شخصی طفلی را به پاره کردن لباس شخصی یا قتل او امر نماید، پس تاوان در ابتداء بر مال طفل می آید بعد از آن او میتواند قیمت تاوان را به امر راجع نماید بخاطریکه او وی را فریب داده است و چون او قاصر العقل بوده و در حکم آله دست است.

2 - اگر شخصی کسی دیگر را به ذبح گوسفند امر نماید و او آنرا ذبح نمود، بعد از آن برای ذبح کننده معلوم شد که گوسفند ملکیت غیر بود، پس تاوان اولاً بر مامور می آید بعد از آن او آنرا از امر گرفته میتواند بخاطریکه او را فریب داده است.

و به طور خلاصه مسئولیت تاوان در اعمال غیر مشروع بر عهده شخص مباشر است مگر در چهار حالت که مسئولیت تاوان بر شخص امر است و عبارتند از:

الف - در حالت تنفیذ امر به سبب اکراه ملجئ: و آن عبارت از اکراهی است که همراه آن برای انسان قدرت و اختیار باقی نمی ماند.

ب - تنفیذ امر حاکمی که ظالم است و مردم از نافرمانی او در هراس اند، چون امر وی اکراه و قانون الزامی است که باید اجراء شود، و فاعل آن استثناءً نظر به قاعده شرعی که میگوید: لاطاعة لمخلوق في معصية الخالق، معذور است.

ج - تنفیذ امر پدر در مواردی که شرعا برایش جایز است .

1 - الزحيلي، الدكتور وهبة: نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجناية، مثال های 1 - 2 و 3 ص 175 - 176 .
2 - زیدان، الدكتور عبدالکریم: الوجيز في شرح القواعد الفقهية، ص 161 .

د - تنفیذ امر نظر به مکر و فریب و خدعه از طرف آمر.¹

مبحث سوم : مجازات شراکت مباشر در جرم

شکی نیست که دین مقدس اسلام بخاطر تحقیق مصالح بنده گان و دفع مفسد و اضرار از آنها در دنیا و آخرت آمده است و مقصد دین اسلام در این دو کلمه خلاصه می شود، و تمامی احکام شریعت اسلامی اعم از اوامر و نواهی همه مشتمل بر جلب مصالح یا منافع و دفع مفسد و اضرار از انسانها می باشد، خواه انسانها آن را درک نمایند یا درک ننمایند، پس به اثر عمل کردن به اوامر و نواهی شریعت سعادت دنیا و آخرت نصیب انسانها میگردد.

دکتر عبدالکریم زیدان می نویسد: « بدون شک مقاصد اسلام که استقراء نصوص شرعی بر آن دلالت می نماید عبارت از تحقیق مصالح بنده گان و دفع مفسد و اضرار از آنها در دنیا و آخرت میباشد، و به این ترتیب سعادت حقیقی در زندگی دنیوی و اخروی آنها محقق می شود، و محققین علمای اسلام به این نکته تصریح نموده اند، امام عز بن عبدالسلام² گفته است: « بدون شک همه احکام شریعت مصالح است که یا دفع مفسد و یا جلب منافع می باشد » شیخ الاسلام ابن تیمیه گفته است: « بدون شک شریعت اسلامی بخاطر تحصیل مصالح و تکمیل آن، و تعطیل مفسد و تقلیل آن آمده است » و شاگرد او امام ابن قیم الجوزیه میگوید: « مبنی و اساس شریعت بر حکمت ها و مصالح بنده گان در دنیا و آخرت استوار است و همه احکام آن عدالت، رحمت، منافع و حکمت ها است » و امام شاطبی در موافقات خود می نویسد: « شریعت اسلامی بخاطر مصالح بنده گان وضع شده است »

و در واقع آنچه را این امامان بزرگوار ذکر کرده حق بوده و یک صفت ثابت برای اسلام می باشد که نصوص شرعی بر آن دلالت مینماید، و در اینجا کافی است که نص قرآنی را که در مورد تعلیل رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان شده ذکر نمایم که در برگیرنده آنچه علماء فوق ذکر

1- الزحلی، الدكتور وهبة: نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجنائية، ص 176 - 177 .

2- ابو محمد عز الدین عبدالعزیز بن عبدالسلام ملقب به سلطان العلماء و شیخ الاسلام در سال 577 هـ موافق با 1181 م در دمشق تولد گردید و در آنجا بزرگ شد و علوم شرعی و عربی را آموخت و تدریس در مسجد جامع اموی را بدوش گرفت، و به علم خود شهرت یافت تا اینکه طلاب علوم شرعی از دیگر سرزمین ها پیش او می آمدند همانطوریکه در نصیحت و خیر خواهی حاکمان و مخالفت با آنها در صورت زیر پا کردن احکام شرع مشهور شد و این کار سبب رفتن وی به محبس بعد از آن به هجرت بسوی مصر شد و در آن جا بحیث قاضی القضاات تعیین شد و به تدریس و افتاء مشغول شد و مردم را برای جهاد و مبارزه با مغول ها تشویق نمود و خودش در جهاد شرکت نمود و در سال 660 هـ موافق با 1262 م در قاهره وفات نمود. از کتاب های مشهور وی قواعد الاحکام فی مصالح الانام و الامام فی بیان ادله الاحکام وغیره میباشد. <https://ar.wikipedia.org/>

کرده اند می باشد، الله تعالی فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الانبياء/107) ترجمه: ما ترا نفرستادیم مگر رحمت برای جهانیان. و از جهتی رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم رحمت برای جهانیان است چون متضمن تحقیق مصالح بنده گان در دنیا و آخرت شان می باشد و مفسد و اضرار را از آنها دفع می نماید¹

امام قرطبی میفرماید: «پیامبران برای رحمت خلق شده اند و محمد صلی الله علیه وسلم خودش رحمت خلق شده است، بنا براین امان برای تمامی مخلوقات است و زمانیکه الله تعالی او را مبعوث گردانید مخلوقات تا روز دمیدن در صور از عذاب در امان شدند و پیامبران دیگر به این درجه قرار نگرفتند و به این سبب نبی علیه السلام میفرماید: (أنا رحمة مهداة)² خبر میدهد که خودش رحمت برای مخلوقات از جانب الله است و مهداة یعنی هدیه الله برای مخلوقاتش است»³

حافظ ابن کثیر در تفسیر آیه فوق می نویسد: «الله تعالی خبر میدهد که او محمد صلی الله علیه وسلم را رحمتی برای جهانیان گردانیده است یعنی او را رحمت برای همه آنها فرستاده است، پس کسیکه این رحمت را قبول نماید و شکر گذار این نعمت باشد در دنیا و آخرت نیک بخت میگردد و کسیکه آنرا رد نماید و ناشکری آن را نماید در دنیا و آخرت بد بخت میگردد، و امام مسلم در صحیح خود از ابی هریره مرفوعاً روایت می نماید که برای رسول الله گفته شد بر مشرکین دعا کن، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لِعَانًا وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً)⁴ یعنی من به صفت لعنت کننده فرستاده نشده ام بلکه به عنوان رحمت فرستاده شده ام، و در حدیث دیگر آمده است: (إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مَّهْدَاةٌ)⁵ یعنی من به عنوان رحمت به جهانیان هدیه شده ام»⁶

1- زیدان ، عبدالکریم : أصول الدعوة ، ص 289 ، المكتبة الحقانية ، بشاور - باكستان ، د ط - د ت . وزیدان ، الدكتور عبدالکریم : الوجيز في أصول الفقه ، ص 240 ، دار نشر الكتب الإسلامية ، لاهور - باكستان ، د ط - د ت .
2- صحیح : قبلاً تخریج آن در مقدمه گذشت .
3- القرطبي ، أبو عبدالله محمد بن أحمد : الجامع لأحكام القرآن ، ج 1 ص 984 .
4- صحیح : رواه مسلم برقم 4704 عن أبي هريرة رضي الله عنه .
5- صحیح : رواه ابن أبي شيبه برقم 141 و الحاكم 99 و البيهقي 61 و الدارمي 15 كلهم عن أبي صالح عن أبي هريرة رضي الله عنه . صححه الحاكم في المستدرک والألباني في صحیح الجامع الصغير برقم 4110 ج 10 ص 57 .
6- ابن کثیر ، أبو الفداء عماد الدين : تفسير القرآن العظيم ، ج 2 ص 525 ، دار طيبة ، الرياض - السعودية ، ط 2 ، 1420 هـ 1999 م . و الصابوني ، الشيخ محمد علي : صفوة التفاسير ، ج 2 ص 277 ، دار القلم العربي حلب - دار النمير ، دمشق - سورية ، د ط - د ت .

ابن رجب حنبلی¹ در (جامع العلوم و الحكم) مینویسد: « و آنچه در عموم فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم (لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ)² داخل میشود این است که الله تعالی بنده گان خود را قطعاً به انجام آنچه برایشان ضرر برساند مکلف نکرده است، و بدون شک آنچه ایشان را به آن امر مینماید عین منفعت دین و دنیای شان است، و آنچه ایشان را از آن منع کرده است عین فساد دین و دنیای شان است»³

بنا بر این اسلام با تمامی احکام خود رحمت برای جهانیان می باشد، چون در تمامی احکام آن مصالح و منافع انسانها نهفته است و مفسد و ضررها را از آنها دور می سازد و این مشخصه در تمامی نظامهای اسلام هویدا است، مانند نظام عقیده، نظام عبادت، نظام اخلاق، نظام اجتماع، نظام معاملات، نظام افتاء، نظام اقتصاد، نظام حکم و سیاست و دیگر نظام ها، ناگفته نماند که حتی نظام جرائم و جزاها یا نظام جنائی اسلام بر اساس رحمت برای انسانها وضع کرده شده است، و اسلام به منظور مبارزه با جرائم از دو روش و طریقه کار میگیرد: روش وقایوی یا جلوگیری از جرائم قبل از وقوع آن و روش معالجوی یا تنفیذ جزاها بر مجرمین بعد از وقوع جرائم که هر دو روش ضامن سعادت و سلامتی برای انسانها در دنیا و آخرت می باشد.

مطلب اول : مجازات فاعل و مباشر جرم در فقه و قانون :

قبلاً در فصل اول در مورد مفهوم فاعل و مباشر جرم صحبت نمودیم، و بیان نمودیم که فاعل و مباشر جرم کسی است که جرم را مستقیماً و بدون واسطه مرتکب میشود و یا آنرا انجام میدهد، بنا بر این هم در فقه اسلامی و هم در قانون فاعل و مباشر جرم چه یک نفر باشد یا چندین نفر به جزای معینه جرم که مرتکب شده محکوم میشود.

1- عبدالرحمن فرزند احمد فرزند رجب شیخ امام علامه حافظ زین الدین ابوالفرج فرزند امام قاری محدث شهاب الدین ابوالعباس بغدادی دمشقی حنبلی، حدیث را از محمد فرزند خباز و ابراهیم فرزند داود عطار و میدومی و ترمذی شنیده است، و شرح بخاری را شروع نمود تا اینکه به کتاب الجنائز رسید، و ادامه کتاب طبقات الحنابلة را بر کتاب قاضی ابویعلی محمد بن حسین فراء نوشت، و یکی از امامان عالم، زاهد و عمل کننده به شریعت بود تا اینکه در ماه رجب سال 795 هـ در دمشق وفات نمود و در مقبره باب الصغیر دفن گردید. المنهل الصافی والمستوفی بعدالوافی لیوسف بن تغری بردی الاتابکی جمال الدین ابوالمحاسن ج 2 ص 95 .

2- صحیح : رواه البيهقي في السنن الكبرى والدارقطني برقم 3124 وابن عبد البر في التمهيد، کلهم عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه . صححه الألباني في إرواء الغلیل برقم 2175 ج 1 ص 432 .

3- ابن رجب، الإمام زين الدين بن شهاب الدين: جامع العلوم والحكم، ص 681، دار ابن كثير، دمشق - بيروت، ط 2، 1432 هـ 2011 م .

امام سرخسی در المبسوط میفرماید: «مباشر و غیر مباشر در حد قطع طریق در نزد ما یکسان اند و در نزد امام شافعی صرف بر کسی که مباشرت قتل و گرفتن مال را کرده باشد حد تنفیذ می‌گردد»¹

امام ابن الهمام میفرماید: «اگر کسی دیگری را به ذبح گوسفندی امر نماید و او آنرا ذبح نماید بعداً معلوم گردید که گوسفند از دیگری است، مأمور ضامن است و آنرا به امر برمیگرداند؛ چون ذابح مباشر و امر مسبب است و ترجیح به مباشرت است»²

ابن قدامه فقیه حنبلی می نویسد: «اگر شاهدان و حاکم و ولی همه به قصد خود برای کشتن مقتول اقرار کردند، پس قصاص بر ولی است چون او قصداً و بدون حق مباشر قتل است و مناسب است که بر دیگران چیزی واجب نشود چون آنها متسبب هستند و مباشرت حکم سبب را باطل می نماید مانند پرتاب کننده شخص به چاه و حفر کننده آن»³

و در جای دیگری می نویسد: «اگر کسی مردی را گرفت و دیگری آن را کشت، قاتل کشته میشود و گیرنده تا زمان مرگ محبوس میگردد، و در قصاص شدن قاتل اختلافی نیست؛ چون او کسی را که با او مساوی است عمداً بدون حق به قتل رسانده است، اما گیرنده اگر نداند که قاتل او را از بین می برد چیزی بر ذمه او نیست؛ چون او متسبب است و قاتل مباشر است و حکم متسبب به آن ساقط میگردد»⁴

امام خرشی⁵ مالکی می نویسد: «اگر کسی چاهی را در زمین دیگری حفر نمود و شخص دیگری چیزی را در آن انداخت و از بین رفت، در این صورت پرتاب کننده بر حفر کننده چاه در ضمان مقدم است؛ چون او مباشر است و مباشر بر متسبب مقدم است»⁶

1- السرخسی، الإمام شمس الدین أبوبکر محمد بن أحمد: المبسوط، ج 11 ص 455، دار المعرفة، بیروت - لبنان، د ط، 1406 هـ.
2- ابن الهمام، الإمام کمال الدین محمد بن عبدالواحد: فتح القدير على الهداية، ج 23 ص 456، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، القاهرة - مصر، ط 1، 1389 هـ.
3- ابن قدامه، موفق الدین عبدالله بن أحمد المقدسي: المغني، ج 18 ص 294، دار الفکر، بیروت - لبنان، ط 1، 1405 هـ.
4- ابن قدامه: همان، ج 19 ص 26..... و النووي، الإمام أبو زكريا محي الدين: المجموع شرح المذهب، ج 18 ص 384، دار الفکر، بیروت - لبنان، د ط، د ت.
5- محمد پسر عبدالله الخرشي مالکی ابو عبدالله، اولین کسیکه ریاست الازهر را به عهده گرفت و شخصیت فقیه، شریف و پرهیزگار بود، از جمله کتاب های وی الشرح الكبير بر متن خليل و شرح صغير بر همان متن میباشد و این دو شرح بر اساس مذهب مالکی نوشته شده، وی در قاهره زندگی نمود و در همان جا در سال 1101 هـ فوت نمود. موسوعة الأعلام، وزارة الأوقاف المصرية، ج 1 ص 202.
6- الخرشي، أبو عبدالله سيدي محمد: شرح مختصر خليل، ج 18 ص 376، دار صادر، بیروت - لبنان، د ط، د ت.

کود جزای کشور ما به تأسی از احکام فقه اسلامی فاعل یا مباشر جرم را مسئول جرم که مرتکب شده تلقی مینماید، فقره دوم ماده 57 چنین مشعر است: «فاعل به جزای معینه جرم مرتکبه محکوم میگردد»¹

بطور خلاصه از اقوال فقهاء و ماده قانون چنین برداشت میشود که کسیکه فاعل یا مباشر یا شریک مباشر یک جرم باشد، مانند جرم قتل، راهزنی، سرقت، قطع و جرح اعضاء، از بین بردن مواشی، فاسد نمودن کشت و زراعت و مانند اینها، در این صورت به جزای معینه این جرایم محکوم میگردد، و در صورتیکه در یک جرم مباشر و مسبب هر دو جمع شوند مباشر جرم در مسئولیت از آن جرم بر مسبب مقدم است چنانچه از اقوال فقهاء فهمیده میشود و چنانچه قبلاً در فصل دوم در مبحث قواعد فقهی مرتبط به مسئولیت مباشر و مسبب جرم این موضوع به وضاحت بیان شد.

مطلب دوم: مجازات شریک مباشر جرم در فقه و قانون:

در مورد تعریف شریک نیز در فصل اول معلومات داده شد و گفته شد که شریک کسی است که آگاهانه و با قصد جرمی فاعل یا فاعلین اصلی جرم را در ارتکاب رکن مادی جرم کمک نماید، شریک نیز در فقه اسلامی و قانون به جزای جرم که در آن اشتراک نموده محکوم میگردد.

امام کاسانی در بدائع الصنائع می نویسد: «حالت انفرادی و اجتماعی در واجب نمودن جزای کامل به اثر قتل شکار نزد ما مساوی است، حتی اگر یک جماعتی از احرام داران در قتل شکاری اشتراک نمایند، در نزد اصحاب ما بر هر یکی از آنها جزای کامل واجب میگردد»²

امام ابن الهمام در فتح القدير می نویسد: «اگر یک جماعتی در سرقت اشتراک نمودند و به هر یکی از آنها ده درهم رسید، دست همه آنها قطع میگردد، و اگر کمتر از نصاب به هر یکی رسید دست های شان قطع نمیگردد؛ چون سرقت نصاب کامل، واجب کننده قطع است و بر هر یکی از آنها به اساس جنایت اش واجب میگردد، پس نصاب کامل در حق او اعتبار دارد»³

امام ابن رشد مالکی می نویسد: «جمهور فقهاء امصار میگویند که یک گروه به علت قتل یک نفر کشته میشوند، از جمله آنها مالک و ابوحنیفه و شافعی و ثوری و احمد و ابو ثور و دیگران، برابر است که گروه زیاد باشد یا کم، و این گفته عمر رضی الله عنه است و از او روایت است که گفت:

1- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا.

2- الكاساني، الإمام علاء الدين أبي بكر بن مسعود: بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج 5 ص 192، دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، ط 2، 1402 هـ 1982 م.

3- ابن الهمام: همان، ج 12 ص 200.

اگر اهل صنعاء همه در قتل او اتفاق نمایند همه آنها را به قتل خواهم رساند، اما داود و اهل ظاهر میگویند که یک گروه به علت قتل یک نفر کشته نمیشود، و این قول ابن الزبیر¹ و زهری² بوده و از جابر روایت است.³

امام نووی در شرح المذهب می نویسد: «اگر گروهی در قطع دست و یا جراحی که قصاص به آن لازم میشود اشتراک کردند و فعل آنها از یکدیگر تشخیص داده نشد، مثل اینکه یک گروه شمشیری را که در دست شان است بر دست کس دیگری بکشند و آن را قطع نمایند و یا بر سر او بگذارند و استخوان مجمله به اثر آن ظاهر گشت، دست هر یکی از آنها قطع میگردد و پوست سر هر یکی از آنها تا استخوان مجمله بریده میشود و این نظر ربیع، مالک و احمد است»⁴

ابن قدامه در المغنی می نویسد: «اگر گروهی در قتل یک انسان شرکت کردند و اولیاء مقتول کشتن قاتل را پسندیدند پس آنها چنین حق دارند، و اگر پسندیدند که بعضی را به قتل برسانند و بعضی را عفو نمایند و از دیگران دیت بگیرند پس چنین حق دارند»⁵

کود جزای کشور ما نیز مطابق احکام فقه اسلامی شریک را به مجازات جرمی که در آن همراه با دیگری اشتراک نموده محکوم نموده است و در فقره دوم ماده 58 چنین حکم کرده است: «شریک به مجازات جرمی که در آن اشتراک نموده است محکوم میگردد»⁶

از اقوال فقهاء که قبلاً ذکر شد چنین برداشت میشود که اشتراک در جرم قتل عمد به اساس نظر جمهور علماء بغیر از داود و اهل ظاهر واجب کننده قصاص برای همه اشتراک کننده گان است، اما در بقیه جرایم مانند سرقت، قطع و جرح اعضاء، جنایت بر احرام و غیره، جمهور فقهاء مذاهب سه گانه شافعی، مالکی و حنبلی جزا و قصاص را بر همه اشتراک کننده گان در جرایم فوق

1- عروه بن زبیر بن عوام در سال 26 هـ متولد شد و در سن 67 سالگی و در روایت دیگر در سن 94 سالگی وفات کرد، ابوبکر بن عبدالرحمن میگوید: علم برای یکی از سه نفر است: برای صاحب حسب که وی را مزین میسازد و یا برای صاحب دین که دین خود را با آن رهبری مینماید و یا یکجا شده با سلطان که علم خود را برای وی تحفه میدهد، و هیچ کس را نمیشناسم که این شروط در او جمع شده باشد بغیر از عروه بن الزبیر و عمر بن عبدالعزیز، زهری میگوید: عروه بحری از علم است که دلها آنرا تیره نمیسازد. طبقات الفقهاء ابو اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی الفیروز آبادی ج 1 ص 58.

2- امام حافظ محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب القرشی الزهری المدنی در سال 124 هـ وفات نمود، امام ذهبی از ابوصالح و او از لیث بن سعد نقل نموده میگوید: هیچ عالمی را به مانند ابن شهاب جامعتر نیافتم، اگر در ترغیب سخن میگفت گویی که غیر از وی کس دیگر درین مورد علم ندارد، و اگر از عرب و نسب آنها صحبت مینمود گویی: این علم را غیر از این شخص کس دیگر نمیداند، و اگر از قرآن و حدیث صحبت مینمود گویا کلامش این است، قره بن عبدالرحمن میگوید: زهری کتابی را غیر از کتاب که نسب قوم وی در آن ذکر بود نداشت. و زهری اولین کسی بود که در علم انساب در نزد عرب کتاب نوشت. طبقات النسائین لیکر أبوزید ج 1 ص 4 890.

3- ابن رشد، القاضي أبوالولید محمد بن أحمد: بداية المجتهد ونهاية المقتصد، ج 2 ص 326، دار الفكر، بیروت - لبنان، د ط، د ت.

4- النووي، الإمام أبو زكريا محي الدين: المجموع شرح المذهب، ج 18 ص 399.

5- ابن قدامه، موفق الدين عبدالله بن أحمد المقدسي: المغني، ج 19 ص 16.

6- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا.

لازم میدانند اما فقهاء مذهب حنفی در جرایم قتل خطا، جنایت بر احرام و قطع اعضاء یک جزا را بر گروه مجرمین قابل تطبیق میدانند یعنی یک دیت را در بدل قتل خطا و قطع یک عضو پرداخت نمایند و به نظر شان در جرم قطع یک عضو توسط یک گروه قصاص نیست بلکه یک دیت لازم است اما در جرم سرقت اگر مال مسروقه برای هر یک از مجرمین به اندازه نصاب میرسید درین صورت دست های همه شان قطع میگردد در غیر آن حد از آنها دفع میشود، و چنین به نظر میرسد که قانون نظر جمهور علماء را گرفته است.

مطلب سوم : مجازات متفق جرم در فقه و قانون :

در فصل اول در مورد مفهوم اتفاق در جرم توضیح داده شد و آن اینکه اتفاق در جرم عبارت از تصمیم و اراده قبلی مجرمین مبنی بر ارتکاب جرم میباشد که جرم را به اساس پلان منظم و از قبل تهیه شده عملی مینمایند، در فقه اسلامی و قانون متفق در جرم به جزای جرمی که مرتکب شده محکوم میگردد.

امام سرخسی میفرماید: « اگر یک جماعتی بر قتل یک مرد بوسیله سلاح اتفاق و اجتماع نمایند بر همه آنها قصاص لازم میگردد، و این حکم استحسانی است اما بر اساس قیاس قصاص لازم نمیشود؛ چون در قصاص مساوات اعتبار دارد و تایید این قیاس فرموده الله متعال است که میفرماید: ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ﴾ (المائدة/45) ترجمه: و بر آنها در تورات فرض گردانیده بودیم که یک نفس در مقابل یک نفس قصاص میگردد. و این آیه کریمه قصاص چندین نفس را در مقابل یک نفس نفی مینماید، لکن این قیاس را به علت آنچه از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت شده که ایشان در مورد هفت نفر از اهل صنعاء که مردی را به قتل رسانده بودند حکم قصاص را بالای شان صادر نموده و فرمودند: (لَوْ تَمَّالًا عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتَهُمْ بِهِ)¹ یعنی اگر اهل صنعاء همه بر قتل او اتفاق نمایند آنها را قصاص خواهم نمود²»

ابن رشد مالکی می نویسد: « اما در مورد قتل جماعت بواسطه قتل یک نفر جمهور علماء میگویند که قصاص میشوند از جمله آنها مالک، و ابوحنیفه و شافعی و احمد و ابو ثور و دیگران، برابر است که جماعت زیاد باشد یا کم و این قول عمر بن الخطاب رضی الله عنه است چنانچه از او

1- صحیح : رواه مالك في الموطأ برقم 670 رواية محمد بن الحسن و عبدالرزاق في مصنفه 18075 عن سعيد بن المسيب عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه. صححه الألباني في مختصر إرواء الغليل برقم 2201 ج 1 ص 437 .

2- السرخسي، الإمام شمس الدين أبوبكر محمد بن أحمد بن أبي سهل: المبسوط، ج 29 ص 310 .

روایت است که فرمودند: (لَوْ تَمَالَأَ عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتَهُمْ جَمِيعاً)¹ یعنی اگر اهل صنعا همه بر قتل

او اتفاق نمایند همه آنها را به قتل خواهیم رساند. اما داود و اهل ظاهر میگویند که یک جماعت در بدل یک نفر کشته نمی شود و این قول ابن الزبیر و زهری بوده و از جابر روایت است.²

امام شافعی در کتاب خود الام میفرماید: «مالک از طریق یحیی بن سعید³ و او از سعید بن المسیب روایت کرده است که عمر بن الخطاب رضی الله عنه پنج یا هفت نفر را به علت قتل مردی که غافلگیرانه او را از بین برده بودند به قتل رساند و فرمود: (لَوْ تَمَالَأَ عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتَهُمْ

جَمِيعاً)⁴ یعنی اگر اهل صنعا در قتل او اتفاق نمایند همه آنها را خواهیم کشت و بدون شک از تعدادی از مفتیان شنیدم و فتوای شان به من رسیده که ایشان میگویند اگر دو یا سه نفر یک شخص را قصداً به قتل برسانند، ولی آنها حق دارد همه آنها را بواسطه او بقتل برسانند، و آنچه در مورد دو نفر جائز باشد در صد نفر و بیشتر از آن نیز جائز است»⁵

شیخ ابن عثیمین⁶ در الشرح الممتع می نویسد: «جماعتی از اهل یمن در قتل یک مرد اشتراک نمودند و عمر رضی الله عنه امر نمود که همه آنها کشته شوند و فرمود: (لَوْ تَمَالَأَ عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ

1- صحیح : رواه مالك في الموطأ برقم 1561 برواية يحيى الليثي والبيهقي في السنن والآثار 5062 والبغوي في شرح السنة والشافعي في مسنده 898 وابن الأثير في جامع الأصول 7777 كلهم عن سعيد بن مسيب عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه . صححه الألباني في مختصر إرواء الغليل برقم 2201 ج 1 ص 437 .

2- ابن رشد ، القاضي أبو الوليد محمد بن أحمد : بداية المجتهد و نهاية المقتصد ، ج 2 ص 326 .

3- يحيى بن سعيد القطان التميمي حافظ يكي از امامان بزرگ است که از امام جعفر الصادق و امام مالک و حميد الطويل و ديگران روايت کرده است و امام احمد و ابن المديني و ديگران از او روايت کرده اند، امام احمد ميگويد: در عصر وي به مانند وي کسی نبود، و ابوزرعه ميگويد: او از جمله اشخاص مورد اعتماد و از جمله حفاظ بود، و ابن منجويه ميگويد: از جمله بزرگان اهل زمان خود از لحاظ حفظ و ورع و فهم و فضل و دين و علم بود و او کسی بود که برای اهل عراق رسم حديث را هموار ساخت و در جستجوی اشخاص مورد اعتماد و ترک روايت از ضعفاء بسيار دقت نظر نمود و در سال 198 هـ وفات نمود. طبقات الحفاظ للإمام جلال الدين السيوطي ج 1 ص 23.

4- صحیح : قبلا تخریج آن گذشت .

5- الشافعي ، الإمام أبو عبدالله محمد بن ادریس : الأم ، ج 6 ص 24 ، دار المعرفه ، بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1393 هـ .

6- ابو عبدالله محمد بن صالح بن محمد بن سليمان بن عبدالرحمن العثيمين الوهبي التميمي در شب 27 ماه مبارك رمضان سال 1347 هـ در شهر عنيزة ولايت قصيم عربستان سعودی متولد شد. از استادان مشهور وی شيخ عبدالرحمن السعدی، شيخ محمد الامين الشنقيطي و شيخ عبدالعزيز بن باز ميباشد. از معهد علمی فارغ گرديد سند ليسانس را از پوهنتون امام محمد بن سعود الاسلاميه در رياض بدست آورد. در سال 1374 هـ در معهد علمی به حيث مدرس تعيين شد، و در سال 1376 هـ امامت و خطابت مسجد جامع عنيزة را بعد از وفات استاد خود عبدالرحمن السعدی بدوش گرفت، بعد از آن به حيث استاد در پوهنحي شرعيات و اصول دين از سال 1398 تا 1399 هـ ايفای وظيفه نمود و هم چنین عضو مجلس علمی پوهنتون مذکور، عضو مجلس پوهنحي شرعيات و اصول دين، و عضو هيئت كبار علماء عربستان سعودی از سال 1407 هـ تا وفاتش بود، و در سال 1414 هـ جايزه ملك فيصل را بخاطر خدمت به اسلام دريافت نمود.

و در ماه شوال سال 1421 هـ در شهر جده عربستان سعودی وفات نمود و در مکه مکرمه خاک سپرده شد. المعجم الجامع في تراجم العلماء و طلبه العلم المعاصرين. اعداد : مجموعة من الباحثين في موقع ملتقى أهل الحديث ج 1 ص 298

لَقَاتِلَهُمْ بِهِ)¹ یعنی اگر اهل صنعا در قتل او اشتراک و توافق نمایند آنها را بواسطه قتل او خواهم کشت اما از لحاظ عقلی چون اینها یک شخص را قصدا کشتند و تجزیه نمودن قتل بر آنها غیر ممکن است چون امکان ندارد که هر یکی را پنج مرتبه به قتل برسانیم و قتل تجزیه نمیشود و برداشتن قتل از آنها ظلمی در حق مقتول میباشد؛ چون آنها او را از بین بردند پس چطور آنها کشته نشوند، بنا براین روایت و درایت هر دو واجب کننده قتل یک جماعت به سبب قتل یک شخص میباشد، به شرطی که بر قتل او اتفاق قبلی داشته و عمل هر یک از آنها در صورتیکه منفرد شود صلاحیت قتل را داشته باشد.²

کود جزای کشور ما نیز متفق جرم را قابل مجازات دانسته، چنانچه ماده 71 کود جزا چنین مشعر است: «مرتکب اتفاق در جنحه به حبس قصیر و در جنایت به حبس متوسط محکوم میگردد، مگر اینکه در این قانون طور دیگری پیش بینی گردیده باشد»³

مدت حبس قصیر طبق کود جزای کشور از سه ماه الی یک سال، و حبس متوسط از یک سال الی پنج سال می باشد، ماده 147 کود جزا چنین مشعر است: «مدت های حبس قرار ذیل است: 1 - حبس قصیر از سه ماه تا یک سال. 2 - حبس متوسط از یک سال تا پنج سال. 3 - حبس طویل بیش از پنج سال تا شانزده سال. 4 - حبس دوام درجه 2 بیش از شانزده سال تا بیست سال. 5 - حبس دوام درجه 1 بیش از بیست سال تا سی سال»⁴

در شرح کود جزا آمده است که: «قانون گذار در پایان ماده به یک صورت کلی مواردی را از مجازات این جرم استثناء کرده است، این استثناء به اتفاق در جرایم خاص اشاره میکند که قانون گذار برای آن مجازات شدیدتری پیش بینی کرده است، مانند اتفاق در جرایم تروریستی به حکم ماده 278 و جزء 10 ماده 238 درباره جرم توطئه یا تبانی برای گرفتن قدرت دولتی و هم چنین فقره 3 ماده 285 در خصوص جرم جعل پول و مسکوکات و فقره 2 ماده 52 قانون مبارزه با پول شویی و عواید ناشی از جرم که برای اتفاق در این جرم، مجازات خاصی را در نظر گرفته است»⁵

اما کود جزا در ماده 72 ذکر نموده است که در صورتیکه متفق جرم قبل از وقوع جرم به مراجع مربوط اطلاع دهد یا اطلاع وی سبب تثبیت هویت متهم یا متهمینی گردد که برای مراجع

1- صحیح: قبلا تخریح آن گذشت.

2- العثیمین، الشیخ محمد بن صالح: الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ج 14 ص 24 و 25.

3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا.

4- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: همان.

5- بنیاد آسیا: شرح کود جزا، ج 1 ص 241.

مربوط معلوم نباشد، از مجازات معاف می‌گردد، ماده 72 چنین می‌نگارد: «1 - مجازات مندرج ماده 71 این قانون بر اشخاصی تطبیق نمی‌گردد که از اتفاق در جرم به مراجع مربوط اطلاع دهند، مشروط بر اینکه اطلاع قبل از وقوع جرم صورت گرفته باشد. 2 - اطلاع دهنده بعد از آغاز جستجو و تفتیش مراجع ذیصلاح به شرطی از مجازات معاف می‌گردد که اطلاع وی سبب تثبیت هویت متهم یا متهمینی گردد که نزد مراجع مذکور معلوم نباشد»¹

بطور خلاصه به اساس نظر جمهور فقهاء مذاهب مختلف به غیر از داود و اهل ظاهر متفق در جرم به جزای معینه جرم مرتکب شده محکوم می‌گردد، مثلاً جزای اتفاق در جرم قتل عمد قصاص همه شرکاء میباشد یعنی متفق در جرم جزای وی عین جزای مباشر یا فاعل جرم است، اما قانون کشور ما در حصه متفق جزای کمتری را پیش بینی کرده است مثلاً جزای جرم جنحه در قانون بدیل حبس، جزای نقدی، حبس قصیر یا حبس متوسط میباشد، اما برای متفق آن حد متوسط جزا یعنی حبس قصیر را در نظر گرفته است و جزای جرم جنایت حبس طویل، حبس دوام درجه 2، حبس دوام درجه 1 و اعدام میباشد اما قانون برای متفق این جرم جزای پائین تر از آن یعنی حبس متوسط را تعیین کرده است.

مبحث چهارم : مجازات شریک مباشر در جرایم مختلف

مطلب اول : مجازات شریک مباشر جرم قتل در فقه و قانون:

اشتراک در جرم قتل یا به طریق مباشرت صورت می‌گیرد یا به طریق سببیت، و مباشرت قتل یا به اساس اتفاق شرکاء یا توافق شرکاء و یا تعاقب آنها صورت می‌گیرد، اما سببیت قتل یا به اساس اعانت یا به اساس تشویق و ترغیب و یا به اساس اکراه صورت می‌گیرد، و ما در ذیل به بعضی از این مسائل از دیدگاه فقه و قانون روشنی انداخته و حکم این نوع جرایم و جزای شراکت در آن را بیان خواهیم کرد.

شراکت در جرم قتل به اساس اتفاق شرکاء : این مسئله در فقه به عنوان قتل الجماعة بالواحد ذکر شده است و آن این است که گروهی یا جماعتی در قتل یک شخص اشتراک داشته باشند، و فقهاء در این مورد دو نظر دارند، جمهور علماء می‌گویند که همه اشتراک کننده گان به سبب قتل او قصاص میشوند و بعضی از فقهاء به این نظر اند که فقط بر آنها دیت لازم میشود و قصاص نمیشوند و

¹ - وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

بعضی دیگران به این نظر اند که یکی شان کشته میشود و از دیگران به اندازه حصه شان دیت گرفته میشود.

شیخ ابومالک¹ میگوید: «اگر یک گروهی در قتل یک شخص مسلمان و آزاد اشتراک نمایند و هر یکی از آنها عملی را انجام دهد که به تنهایی در قتل موثر باشد، بنا براین جمهور اهل علم از جمله امام ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد در روایت مشهور از او، گفته اند که همه آنها در بدل وی کشته میشوند، و این حکم از عمر و علی و ابن عباس و مغیره بن شعبه روایت است و ابن المسیب و حسن و عطاء و قتاده و ثوری و اوزاعی و اسحاق² و ابو ثور³ و دیگران به آن قائل هستند و دلائل شان قرار ذیل است:

1 - عمر بن الخطاب رضی الله عنه در مورد پسری که غافلگیرانه کشته شد چنین گفت: (لَوْ تَمَّالًا عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتُهُمْ جَمِيعًا)⁴ یعنی اگر تمامی اهل صنعاء در قتل او اتفاق نمایند همه آنها را خواهم کشت.

2 - از علی رضی الله عنه روایت است که او: (قتل ثلاثة قتلوا رجلا)⁵ یعنی سه نفر را به علت قتل یک مرد قصاص نمود.

3 - از عبدالله بن عباس روایت است که او گفت: (لو أن مئة قتلوا رجلا قتلوا به)¹ یعنی اگر صد نفر مردی را به قتل برسانند بواسطه قتل او کشته میشوند.

1- ابومالک کمال بن السید سالم عالم مصری معاصر است که از استادان وی مصطفی العدوی و مجدی عرفات و احمد العیسوی و بعضی از شیوخ کویت و سعودی اند ، از جمله کتابهای وی صحیح فقه السنه ، فقه السنه للنساء و غیره میباشد . <https://shamela.ws/>

2- محمد ابوالطیب بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم بن راهویه بن مخلد التمیمی الحنظلی میباشد و پدر کلان وی اسحاق امام مشهور میباشد و پدر وی محمد بن اسحاق هم چنان مشهور است، حدیث را از پدر خود و ابن حجر و ابن حنبل و ابن المدینی و ابو مصعب و یونس و دیگران از اهل خراسان و عراق و شام و مصر شنید، و در بغداد ابن مخلد و ابن نافع و دیگران از او حدیث را شنیدند، عالم فقه و دارای طریقه نیکو و راستگو در حدیث بود، در هنگام رجوع از حج در سال 294 هـ قرامطه او را به قتل رساندند و پسر وی محمد از امامان مذهب مالکی در عراق بود. الدبیح المذهب فی معرفة اعیان علماء المذهب لبرهان الدین ابراهیم بن علی بن محمد بن فرحون ج 1 ص 132 .

3- ابراهیم پسر خالد پسر ابوالیمان ابو ثور کلبی فقیه بغدادی از باران امام شافعی و نقل کننده اقوال قدیم او ، یکی از بزرگان معتمد و مورد اعتماد بود، و در مذهب امام شافعی کتاب های را تصنیف کرده که حدیث و فقه را با هم جمع کرده است ، در ابتدا به مذهب اهل رأی اشتغال داشت تا اینکه امام شافعی به عراق آمد و با او یکجا شد و از او پیروی نمود و مذهب اولی خود را ترک نمود و در سال 240 هـ در بغداد وفات نمود و در مقبره باب الکنائس دفن گردید. الأعلام للزکلی ج 1 ص 37 - الوافی بالوفیات لصلاح الدین خلیل الصفدی ج 2 ص 217 .

4- صحیح : رواه مالك في المؤطأ برقم 1368 ج 5 ص 317 عن سعيد بن المسيب ، وابن أبي شيبة 145 و عبدالرزاق 18075 في مصنفيهما والدارقطني برقم 3511 . صححه الألباني في مختصر إرواء الغلیل برقم 2201 ج 1 ص 437 .

5 - ضعيف : رواه ابن أبي شيبة في مصنفه . ضعفه الألباني في إرواء الغلیل برقم 2202 ج 7 ص 261 .

این فقهاء گفته اند: این عمل صحابه است که آنرا بدون توقیف انجام نمیدهند، همانطوریکه مخالف برای آنها پیدا نشده است پس اجماع و مانند آن است.

4 - و چون اگر قصاص به علت اشتراک ساقط شود منجر به تسارع مردم به قتل خواهد شد و منجر به اسقاط حکمت بازدارندگی و منع خواهد شد.

و بعضی از اهل علم از قتل یک گروه به سبب یک شخص منع نموده، و از این میان بعضی شان میگویند که بر همه آنها یک دیت لازم میگردد، و این حکم روایت دومی در مذهب امام احمد است و ربیع² و داود و ابن المنذر³ به آن قائل هستند و از ابن عباس حکایت شده است. و بعضی دیگر میگویند که یک نفر از آنها کشته میشود و از دیگران حصه شان از دیت گرفته میشود و این نظر از معاذ بن جبل و ابن الزبیر روایت است و ابن سیرین⁴ و زهری به آن قائل هستند. و همه اینها به این دلایل استدلال کرده اند:

1 - فرموده الله تعالی: ﴿الْحُرُّ بِالْحُرِّ﴾ (البقره/178) ترجمه: شخص آزاد در مقابل شخص آزاد قصاص

میگردد. و فرموده الله تعالی: ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ﴾ (المائده/45) ترجمه: بر آنها در تورات فرض کرده بودیم که یک نفس در مقابل یک نفس کشته میشود. گفته اند که مقتضای این دو آیت این است که بر قتل یک نفس در بدل یک نفس زیادت صورت نگیرد.

2 - و چون هر یکی از آنها برایش مساوی است پس چندین بدل در برابر مبدل واحد گرفته نمیشود همانطوریکه چندین دیت برای یک مقتول واجب نمیگردد «⁵

1 - رواه عبدالرزاق في مصنفه برقم 18082 عن ابن عباس رضي الله عنهما، ج 9 ص 479. إسناده واه جدا، ذكر هذا الألباني في إرواء الغليل ج 7 ص 261.

2- ربیع بن فروخ التیمی ابو عثمان امام، حافظ، فقیه، مجتهد و دارای آگاهی در رای بود و به این سبب به ربیع الرأی ملقب شد و در آن دست بالای داشت، بر برادران خود چهل هزار دینار صدقه نمود، و زمانیکه سفاح به مدینه آمد به دادن مقدار مالی به او امر نمود ولی او قبول ننمود. ابن الماجشون میگوید: هیچ کس را حافظ تر به سنت از ربیع نیافتم و در مدینه مفتی بزرگ بود و امام مالک فقه را از وی یاد گرفت، در سال 136 هـ در منطقه هاشمیه سرزمین انبار وفات نمود. الأعلام للزركلي ج 3 ص 17.

3- محمد بن ابراهیم بن المنذر نیشابوری فقیه مجتهد، از حفاظ و شیخ حرم مکه بود که در سال 242 هـ در نیشابور تولد شد. امام ذهبی میگوید: ابن المنذر صاحب کتاب های است که مانند آن تالیف نشده است، از جمله آنها المبسوط در فقه و الأوسط فی السنن والایجام والاختلاف، و الاشراف علی مذاهب اهل العلم و اختلاف العلماء و تفسیر القرآن، در سال 319 هـ وفات نمود. الأعلام للزركلي ج 5 ص 294 الوافي بالوفيات لصالح الدين خليل الصفي ج 1 ص 145 طبقات الحفاظ للإمام جلال الدين السيوطي ج 1 ص 65.

4- محمد بن سیرین البصری الانصاری امام وقت خود در علوم دین در بصره بود، و در سال 33 هـ در همان جا تولد و در سال 110 هـ وفات کرده است، در بزازی تجارت داشت، ناشنوا بود و علم فقه را یاد گرفت و حدیث را روایت کرده است و به تقوی و تعبیر خواب شهرت داشت، کتاب تعبیر خواب به او نسبت داده میشود که ابن ندیم آنرا ذکر کرده است. موسوعة الأعلام موقع وزارة الأوقاف المصرية ج 1 ص 275 - الأعلام للزركلي ج 6 ص 154.

5- کمال، الشیخ أبو مالک: صحیح فقه السنة، ج 4 ص 179 - 180.

این بود دلایل طرفین برای اثبات دعوی شان در مورد قصاص یک گروه به علت قتل یک نفر، و با توجه به دلایل طرفین نظر جمهور علماء که قائل به قصاص هستند به اساس دلایل زیر راجحتر می‌باشد:

الف - آیاتی را که اهل ظاهر به آن استدلال کرده اند، مفهوم آن مساوات در قصاص نیست بلکه مفهوم آن عدالت نمودن در قصاص است، چنانچه شیخ صابونی در تفسیر آیات الأحکام در مورد سبب نزول این آیت چنین می نویسد: «از قتاده رحمه الله روایت است که مردم دوره جاهلیت حصه ای از سرکشی و اطاعت از شیطان را داشتند، اگر یک قبیله ای از آنها که دارای قوت و قدرت بود و غلام آنها توسط دیگران کشته میشد به خاطر فخر کردن به برتری شان بر دیگران میگفتند که در عوض وی شخص آزاد از آنها را به قتل میرسانیم، و اگر زنی از قبیله شان کشته میشد میگفتند که در عوض وی مردی از آنها را به قتل میرسانیم، بنا بر این الله تعالی این آیت را نازل کرد ﴿الْحُرُّ

بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى﴾ (البقره/178)»¹

شیخ محمد علی السایس میگوید: «آیت کریمه بر این دلالت نمی نماید که یک گروه به علت قتل یک شخص کشته نشوند، چون این آیت در مورد منع غیرت جاهلی آمده است و آن اینکه یک قبیله به خاطر مقتول خود قاتل و غیر قاتل را میکشند و به این زیاده روی افتخار میکردند، بلکه آیه مبارکه دلیلی برای جمهور علماء است، چون مراد از قصاص قتل قاتل است هر کسی که باشد خواه یک نفر باشد یا یک جماعت و گروه باشد»²

بنا بر این مفهوم آیت این است که در قصاص ظلم صورت نگیرد یعنی تنها قاتل قصاص شود هر چند آنها زیاد باشند و کسانی که قاتل نیستند نباید به ناحق خون آنها ریخته شود.

ب - اجماع صحابه بر این که یک گروه به علت قتل یک نفر قصاص میشوند، چنانچه علامه ابن کثیر در تفسیر خود مینویسد: «مذهب امامان چهارگانه و جمهور علماء این است که یک گروه در بدل قتل یک نفر قصاص میشوند، و عمر بن الخطاب در مورد هفت نفر که به علت قتل پسری آنها را قصاص نمود فرمودند: (لَوْ تَمَالَأَ عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتُهُمْ)³ یعنی اگر اهل صنعاء بر قتل او اتفاق

1- الصابونی، الشیخ محمد علی: روائع البیان فی تفسیر آیات الأحکام من القرآن، ج 1 ص 171، دط - دت .

2- السایس، محمد علی: تفسیر آیات الأحکام، ج 1 ص 93، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، الطبعة الأولى 1421 هـ 2001 م .

3- صحیح: قبلا تخریج آن گذشت .

نمایند آنها را خواهم کشت، و در مورد این حکم و قول در زمان وی مخالفی از صحابه وجود ندارد پس به مانند اجماع است»¹

ج - قصاص یک گروه به علت قتل یک نفر موافق با مقاصد شریعت است و حفظ نفس یکی از انواع آن است، شیخ محمد علی السایس میگوید: «جمهور علماء به معنی و هدف قصاص توجه کرده اند و آن اینکه شارع قصاص را بخاطر حفظ نفوس وضع کرده است ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾ (البقره/179) ترجمه: و از برای شما در قصاص زنده گی است. و اگر مردم بدانند که یک گروه به علت قتل یک شخص کشته نمیشود، به قتل دشمنان شان به اساس اتفاق و اجتماع اقدام مینمایند و به هدف خود که قتل آنها است میرسند و به اساس اجتماع از قصاص نجات می یابند»²

کود جزای کشور مجازات جرم قتل عمد به اساس اتفاق قبلی را در صورت سقوط قصاص به اساس شبیهه و یا سبب دیگر اعدام یا حبس دوام درجه 1 تعیین کرده است، چنانچه بند 1 فقره 1 ماده 547 چنین مشعر است: «مرتکب قتل عمد در یکی از حالات ذیل به اعدام یا حبس دوام درجه 1 محکوم میگردد:

1 - در حالتی که قتل با برنامه ریزی قبلی و ترصد همراه باشد»³

شراکت در جرم قتل به اساس توافق شرکاء: توافق شرکاء بر جرم همانطوریکه قبلا بیان گردید عبارت از آن است که اراده مجرمین به ارتکاب جرم بدون اینکه بین آنها اتفاق قبلی صورت گرفته باشد سوق داده شود، و جرم به اساس همین اراده فعلی آنها صورت گیرد، بنا براین در این صورت هر مجرم از نتیجه عمل جرمی خود مسئول میباشد و از نتیجه عمل جرمی دیگران مسئول نمی باشد، استاد کامل محمد حسین سه شکل از اشکال توافق شرکاء در جرم قتل را با مسئولیت شرکاء چنین ذکر کرده است:

«**شکل اول:** اینکه اراده شرکاء در جرم بر قتل یک شخص متوافق شود، و هر شریک جرم قتل را مباشرت نماید و فعل هر مجرم به شکل انفرادی به ذات خود کشنده باشد و در از هاق روح مجنی علیه دخالت داشته باشد و امکان جدایی فعل و عمل هر شریک از دیگری وجود داشته باشد، بنابراین این هر شریک از عمل جرمی خود مسئول است و آن هم در اینجا عبارت از قتل عمد است.

1- ابن کثیر، أبوالفداء عمادالدین: تفسیر القرآن العظیم، ج 1 ص 156.

2- السایس، محمد علی: تفسیر آیات الأحكام، ج 1 ص 93.

3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا.

شکل دوم : اینکه اراده شرکاء در جرم بر قتل یک شخص متوافق شود، و عمل یکی از آنها در از هاق روح مجنی علیه دخالت ندارد و شناخت آن امکان دارد، پس او در این صورت از نتیجه عمل جرمی خود مسئول است و آن عبارت از جرح بدون قتل بوده و آن هم به اساس قول اهل خبره اعتبار دارد.

شکل سوم : اینکه اراده شرکاء در جرم بر قتل یک شخص متوافق شود، لکن افعال مجرمین از همدیگر تفکیک کرده نشود که کدام یکی در قتل شخص موثر بوده و کدام یکی موثر نبوده است، پس در این صورت از عمل جرمی خود یعنی جرح بدون قتل نظر به یقینی بودن آن مسئول میباشند. اما مالکی ها در مورد این شکل مخالفت کرده اند و گفته اند که اگر افعال مجرمین از هم تفکیک کرده نشود و هر یکی قصد قتل را داشتند پس آنها مسئول جرح نبوده بلکه مسئول قتل میباشند.¹

شراکت در جرم قتل به اساس تعاقب شرکاء : تعاقب همانطوریکه قبلا ذکر گردید عبارت از ارتکاب اعمال جرمی از طرف مجرمین بالای مجنی علیه به اساس تناوب و بدون اینکه میان شان اتفاق و یا مفاهمه قبلی صورت گرفته باشد میباشد.

« مثال در مورد تعاقب شرکاء بر جرم قتل این است که یک شخص دست کسی را از بند دست قطع نماید و دیگری تا آرنج آن را قطع نماید و شخص مجنی علیه فوت مینماید، در این مسئله علماء اختلاف دارند:

1 - احناف میگویند که قاتل مجرم دومی میباشد و قصاص بر او لازم است نه مجرم اول و سبب آن این است:

الف - چون به قطع دست از آرنج، سرایت اثر ناگوار آن از جنایت اولی به بقیه بدن قطع میگردد.

ب - اینکه مرگ مجنی علیه بعد از قطع دست او توسط شخص دومی و بعد از زایل شدن جنایت اولی به میان آمده است مانند اینکه زخم بهبود یابد، بنابراین شخص دومی مستحق جزا میباشد.

2 - امام شافعی و امام احمد رحمهما الله میگویند که یکی از این دو امر در نظر گرفته شود:

1- عبدالله حامد، کامل محمد حسین: أحكام الاشتراك في الجريمة في الفقه الإسلامي، ص 130 - 131.

اول - اگر زخم قبل از قطع دومی بهبود یافت، پس شخص دومی قاتل بوده و بر او قصاص یا دیت لازم می‌گردد و هم چنین حق دارد تا دست شخص اولی را قطع نماید یا نصف دیت را از او اخذ نماید.

دوم - اما اگر زخم از اثر قطع شخص اولی صحت یاب نگردد، پس هر دوی آنها قاتل هستند و بر آنها قصاص لازم است و اگر ولی مقتول آنها را عفو نمود بر آنها دیت لازم است و سبب آن این است:

الف - قطع شخص دومی جنایت شخص اولی را مانع نمیشود و حکم جنایتش را ساقط نمی‌سازد.

ب - و کسیکه می‌گوید جنایت شخص اولی و سرایت اثر آن از بین رفته قابل قبول نیست چون درد حاصل به اثر قطع اول هنوز موجود بوده بلکه درد قطع دومی به آن یکجا گردیده و نفس از تحمل کردن آن ناتوان گردیده و در نتیجه به سبب هر دو هلاک گردیده است و مسئولیت قتل به سبب اشتراک هر دو آنها در جرم بر ذمه آنها میباشد.

و نظر راجح در این مسئله آن است که شافعی‌ها و حنبلی‌ها آن را ذکر کرده اند به سبب فرقی که متناسب با تاثیر جنایت هر یکی از شرکاء در جرم میباشد و این معنی را نمیدهد که بخاطر تحقیق عدالت از مشروعیت احکام و تسکین درد و غم مجنی علیه، اگر کسی در یک جرمی شراکت نمود بنابر این به جنایت شریکش توجه نشود و لو که بین آنها اتفاق قبلی مبنی بر ارتکاب جرم نباشد¹

مطلب دوم : مجازات شریک مباشر جرم جرح اعضاء در فقه و قانون :

فقهاء کرام مسائل مربوط به تجاوز بر اعضای بدن انسان را در باب جنایت بر مادون نفس ذکر کرده اند، و آثار مختلف آن را از قبیل واجب شدن قصاص، لازم گردیدن دیت و غیره را ذکر کرده اند.

اشتراک یک گروه در قطع و جرح اعضاء : شیخ سید سابق² می‌نویسد: «اگر یک گروه در قطع عضو یا جرح که موجب قصاص باشد اشتراک نمایند و افعال آنها از یکدیگر تفکیک نگردد، در

¹- عبدالله حامد: همان، ص 132 - 133 .

²- ایشان در سال 1333 ه. ق/1915 م در یکی از قریه های ولایت منوفیه به نام اسطنها در کشور مصر دیده به جهان گشود. پس از چندی به مدارس الازهر پیوست و بعدها وارد فاکولته شرعیات شد. تا اینکه در سال 1366 ه. ق/1947 م موفق به اخذ درجه عالمی و اجازه ی تدریس از پوهنتون الازهر شد. حکومت مصر نشان علمی ممتاز را به جهت تقدیر از مقام شامخ علمی ایشان به وی عطا نمود. عربستان سعودی هم جایزه جهانی ملک فیصل را در سال 1414 ه/1994 م مشترکاً به ایشان و دکتر یوسف القرضاوی اعطا نمود. تا اینکه سید سابق

این صورت حنبلی ها میگویند که از همه آنها قصاص گرفته میشود، به سبب آنچه از علی رضی الله عنه روایت است که دو نفر شاهد نزد او بر علیه مردی به جرم سرقت شاهدهی دادند و دست او قطع گردید، سپس شخص دیگری آمد و شاهدان گفتند: سارق اصلی این است و در مورد شخص اول به خطا رفتیم، بنابر این شهادت آنها را در مورد شخص دومی رد کردند و تاوان دیت قطع دست شخص اول را بر نمه آنها لازم گردانید و فرمودند: (لو علمتُ أنّکُمَا تَعَمَّدْتُمَا لَقَطَعْتُکُمَا)¹ یعنی اگر میدانستم که شما قصدا شهادت دروغ میدهید دست های تان را قطع میکردم. و اگر افعال آنها متفرق بود یا هر یک از آنها طرفی از دست را قطع نمود پس بر آنها قصاص لازم نیست.

امام مالک و شافعی میگویند: هر زمانیکه امکان قصاص باشد از آنها قصاص گرفته میشود، بنابراین اعضای شان قطع میگردد و به سبب جراحات از آنها قصاص گرفته میشود مانند اینکه گروهی در قتل نفس اشتراک نمایند همه آنها به سبب یک نفس کشته میشوند، و احناف و ظاهری ها میگویند که دو دست در مقابل قطع یک دست قطع کرده نمیشود، اگر دو مرد دست کسی را قطع نمایند بر هیچ یک از آنها قصاص نیست بلکه بر هر کدام شان نصف دیت لازم است²

خلاصه اینکه در قطع و جرح اعضاء یا تلف نمودن منفعت آن بنا بر اختلاف فقهاء در ابتداء قصاص است در صورتیکه مماثلت در اندازه و محل قصاص امکان داشته باشد، در غیر آن دیت بر شخص مجرم لازم میگردد، و یا مجنی علیه میتواند مجرم را عفو نماید که این عفو سبب کفاره گناهانش میگردد.

کود جزای کشور مجازات ضرب و جرح اعضاء را در صورت موجود نبودن شرایط تطبیق قصاص و یا دیت با در نظر داشت اندازه ضرری که به مجنی علیه رسیده حسب احوال به حبس طویل و جزای نقدی به شکل زیر تعیین نموده است:

بالاخره در بعد الظهر روز یکشنبه 21 ذی القعدة سال 1420هـ برابر با 27 فبروری سال 2000 م این عالم ربانی و فقیه مبارز در حدود عمر هشتاد و پنج سالگی وفات نمود. آثار مشهور وی: کتاب مشهور (فقه السنه) که این کتاب را به پیشنهاد امام شهید حسن البنا نوشته تا جایی که خود امام و شیخ محمد الغزالی بر آن کتاب مقدمه نوشتند. در ضمن این کتاب برنده جایزه ملک فیصل شد.
<https://www.eslahonline.net/...>

1- صحیح: رواه البخاری فی ترجمه باب إذا أصاب قوم من رجل هل یعاقب... عن مطرف عن الشعبي رحمه الله، و رواه ابن الأثیر فی جامع الأصول برقم 1902 عن عامر الشعبي رحمه الله.
 2- السيد سابق: فقه السنة، ج 3 ص 37.

« ماده 576 : 1 - شخصی که عمدا دیگری را طوری مجروح یا مضروب کند که سبب از کار افتیدن عضوی از اعضای بدن یا منجر به معلولیت یا از بین رفتن یکی از حواس وی بطور دائمی گردد، به حبس طویل تا ده سال محکوم میگردد.

2 - شخصی که عمدا دیگری را طوری مجروح یا مضروب کند که سبب زایل شدن عقل مجنی علیه گردد، به حبس طویل بیش از ده سال محکوم میگردد.

3 - هرگاه عمل مندرج فقره 1 این ماده سبب معلولیت دائمی نگردد، مرتکب به حبس متوسط تا دو سال محکوم میگردد.

ماده 577 : هرگاه ضرب یا جرح سبب معلولیت و از کار افتیدن عضو نشده و سبب ناتوانی از کار گردد، مرتکب با نظر داشت مدت، قرار ذیل مجازات میگردد:

1 - در صورتی که منجر به ناتوانی از کار تا یک هفته گردد، به جزای نقدی از پنج هزار تا پانزده هزار افغانی.

2 - در صورتی که منجر به ناتوانی از کار بیش از یک هفته تا یک ماه گردد، به جزای نقدی از پانزده هزار تا سی هزار افغانی.

3 - در صورتی که منجر به ناتوانی از کار بیش از یک ماه تا سه ماه گردد، به حبس قصیر.

4 - در صورتی که منجر به ناتوانی از کار برای مدت بیش از سه ماه گردد، به حبس متوسط تا دو سال.

اما در صورتیکه ضرب و یا جرح توسط بیش از یک نفر صورت گرفته باشد، این مسئله در کود جزا از حالات مشدده این جرم به حساب می آید و مرتکب به حداکثر مجازات جرم ارتكابی محکوم میگردد، بند چهارم ماده 578 چنین مشعر است:

4 - در حالتی که عمل توسط بیش از یک نفر صورت گرفته باشد «¹

¹ - وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا .

مطلب سوم : مجازات شریک مباشر جرم سرقت در فقه و قانون :

سرقت را همانطوریکه قبلاً تعریف نمودیم عبارت از گرفتن مال غیر که به اندازه نصاب برسد از محل محرز به شکل سری و خفیه میباشد، در فقه اسلامی و قانون برای مرتکب جرم سرقت جزای حدی و تعزیری در نظر گرفته شده است که ما در ذیل به آن اشاره مینمائیم.

در الموسوعة الفقهية آمده است: «فقهاء اتفاق دارند بر اینکه جزای سارق قطع دست او است

نظر به فرموده الله تعالی: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ﴾ (المائده/38) ترجمه: دست های مرد و زن سارق را قطع نمائید این جزای عبرتناک برای آنها

از جانب الله تعالی به سبب آنچه کسب کرده اند میباشد و الله تعالی قوی و باحکمت است. و این حدی است که نبی علیه السلام در عهد خود بالای کسی که سرقت نموده بود تطبیق نمود چنانچه روایات متواتر درین مورد آمده است، و عمل خلفای راشدین هم به این شکل بدون کدام اعتراض جریان داشت و امت اسلامی نیز بر آن اجماع نموده است»¹

دکتور عبدالله بن سعد المحارب² در موسوعة الاجماع در مورد اشتراک یک گروه و سرقت مال که به هر کدام شان به اندازه نصاب سرقت سهم برسد، اجماع فقهاء را مبنی بر قطع دست همه شان نقل کرده است و میگوید: «ابن هبیره³ میگوید: علماء اتفاق دارند بر اینکه اگر یک جماعتی در سرقت اشتراک نمودند و برای هر کدام شان به اندازه نصاب مال بدست بیاید بر هر یکی از آنها قطع دست لازم است. و عبدالرحمن الجزیری گفته است: ائمه همه اتفاق دارند بر اینکه اگر جماعتی از سارقین در سرقت مالی اشتراک نمودند و هر یکی از آنها به اندازه نصاب سرقت، مال بدست آورد، حد سرقت بالای همه آنها تطبیق میگردد و دست های شان قطع میگردد»⁴

شیخ ابومالک در مورد اشتراک در جرم سرقت مینویسد: «اگر قیمت مال مسروق به نصاب برسد لکن به این اندازه نیست که حصه هر یک از شرکاء به حد نصاب برسد، در این حالت علماء

1- وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية : الموسوعة الفقهية ، ج 24 ص 335 – 336 .

2- شیخ عبدالله بن سعد بن عبدالعزيز المحارب درجه دکتوراه را از پوهنچی تعلیم و تربیه پوهنتون ملک سعود بدست آورد و عنوان رساله وی : مسائل اجماع در نصف کتاب الحدود میباشد. <https://www.alriyadh.com/>

3- یحیی بن هبیره بن محمد الزهری الشیبانی ابومظفر از بزرگترین وزرای دولت عباسی، عالم فقه و ادبیات بود، در سال 499 هـ در قریه ای در عراق تولد شد و در خوردهسالی خود به بغداد داخل شد، از تالیفات وی: الإيضاح والتبيين في اختلاف الأئمة المجتهدين، الإفصاح عن معاني الصحاح وغيره میباشد، در سال 560 هـ در بغداد وفات نمود. الأعلام للزركلي ج 8 ص 175 سير أعلام النبلاء للذهبي ج 39 ص 443 موسوعة الأعلام موقع وزارة الأوقاف المصرية ج 2 ص 84.

4- جماعة من العلماء : موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي ، ج 10 ص 52 .

در قطع دست های شان اختلاف دارند: احناف و شافعی ها میگویند که دست هیچ کدام شان قطع نمیگردد بلکه تعزیر میگردند. و مالکی ها و حنبلی ها میگویند: دست همه شان قطع میگردد برابر است که اشتراک مباشر در اخراج مال باشد یا شراکت به اخراج مال توسط بعضی و معاونت توسط بعضی دیگران، اما اگر بین شان تعاون صورت نگرفت و هر یکی به طور مستقلانه بعضی از مال مسروق را خارج نمود، بنابراین حد بر آنها تنفیذ نمیگردد مگر کسیکه نصاب کامل را خارج کرده باشد. شیخ ابومالک میگوید: قول راجحتر این است که اگر آنها در سرقت یک نصاب با هم اشتراک نمودند دست های شان قطع میگردد برابر است که یکبار آن را خارج کرده باشند یا هر یکی جزئی از آن را خارج کرده باشد و این اختیار شیخ الاسلام است، و احتیاجی برای منع از سرقت مال موجود است پس قطع دست لازم است»¹

کود جزای کشور ما در صورت ساقط شدن حد سرقت به شبهه و یا سبب دیگر اشتراک دو یا بیشتر از دو نفر در جرم سرقت را از حالات مشدده این جرم دانسته و مرتکب آن را به حبس طویل محکوم مینماید، چنانچه فقره 1 ماده 702 چنین مشعر است: «ارتکاب جرم سرقت در یکی از حالات ذیل مشدده شناخته شده، مرتکب به حبس طویل محکوم میگردد :

- 1 - بین غروب و طلوع آفتاب . 2 - توسط دو شخص یا بیشتر از آن . 3 - با حمل سلاح .
- 4 - با داخل شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده یا به یکی از ملحقات آن به وسیله بالا شدن از دیوار یا سوراخ کردن دیوار یا شکستادن دروازه یا پنجره، یا با استعمال کلید های ساخته گی یا هر شکل دیگری.
- 5 - با استفاده از لباس نظامی یا لباس سایر موظفین خدمات عامه یا به وسیله امر تزویر شده به ادعای این که از طرف مقامات با صلاحیت دولت صادر شده، یا با وسیله سازی یکی از ساکنین محل یا با استعمال سایر وسایل حيله آمیز.

6 - توسط کارگر به قصد وارد نمودن ضرر به کارفرما»²

1- کمال ، الشيخ أبو مالک : صحیح فقه السنه ، ج 4 ص 111 .
2 - وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا .

مطلب چهارم : مجازات شریک مباشر جرم راهزنی در فقه و قانون :

شیخ محمد سعید الصاغرچی¹ در کتاب خود الفقه الحنفی و أدلته در مورد جزای محاربین می نویسد: «امام شافعی در مسند خود در مورد راهزنان به سند از ابن عباس روایت مینماید که: اگر محاربین مردم را کشتند و مال را گرفتند، کشته میشوند و به دار آویخته میشوند، و اگر مردم را کشتند و مال را نگرفتند کشته میشوند و به دار آویخته نمیشوند، و اگر مال را گرفتند و مردم را نکشتند دست ها و پاهای شان به خلاف یکدیگر قطع شود، و اگر راه مردم را نا امن کردند و مال را نگرفتند از زمین نفی کرده میشوند، و دلیل این جزاها فرموده الله تعالی است که میفرماید: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ

الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (المائدة/33) ترجمه:

بدون شک جزای کسانی که با اولیای الله و رسول او میجنگند و در روی زمین کوشش فساد مینمایند اینست که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست ها و پاهای شان به خلاف یکدیگر قطع کرده شوند یا از زمین نفی کرده شوند، این رسوایی شان در دنیا است و در آخرت برای شان عذاب بزرگ است.²

اما در مورد ضمان یا تاوان اموالی که گرفته بودند در صورت موجودیت آنها به مالکین شان مسترد میگردد، و در صورت نبودن یا تلف شدن شان فقهاء اختلاف نظر دارند، دکتور وهبه زحیلی درین مورد چنین می نویسد: «فقهاء اتفاق دارند که اگر محاربین اموال مردم را گرفته بودند و حدود الله بر آنها جاری شد، در صورت موجودیت اموال گرفته شده به مالکین شان مسترد میگردد، اما اگر تلف شده بود یا وجود نداشت درین صورت احناف میگویند: حد و ضمان بر آنها یکجا جمع نمیگردد؛

¹- أسعد محمد سعید الصاغرچی دانشمند اسلامی سوری، متخصص در زمینه فقه حنفی، که در دمشق، سوریه زندگی می کرد. وی رئیس امام جامعه الاماوی در دمشق بود، و رهبر فقیه (فقیه) در سوریه بود As-Sagharji. متعلق به راسته صوفیان Shadhili بود. او نویسنده چندین کتاب است. یکی از برجسته ترین معلمان شیخ، دانشمند برجسته سوریه، الشیخ السید ابراهیم الیعقوبی بود. وی در 21 اگوست 2015 درگذشت و در مدینه قبرستان البقیع به خاک سپرده شد. <https://abadgar-q.com/>

2- الصاغرچی، الشیخ أسعد محمد سعید: الفقه الحنفی و أدلته، ج 2 ص 361 - 363.

نظر به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: (إِذَا أُقِيمَ عَلَى السَّارِقِ الْحُدُّ فَلَا غُرْمَ عَلَيْهِ)¹ یعنی زمانی که حد بر سارق جاری شد پس تاوان اموال بر او نیست.

اما مالکی ها، شافعی ها و حنبلی ها میگویند: حد و ضمان هر دو به مانند که در سرقت است جمع میگردد؛ چون مال، عینی است که در صورت باقی بودن به مالکش رد کرده میشود، پس اگر تلف شده بود ضمان آن لازم است مانند که بر او حد جاری نشود.²

کود جزای کشور ما برای جرم قطع طریق یا راهزنی در صورت سقوط حد، مجازات تعزیری ذیل را وضع کرده است.

« ماده 601 : فقره اول : هرگاه در جرم راهزنی شرایط اقامه حد تکمیل نگردد یا به نحوی از انحا جزای محکوم بها حد ساقط شود، مرتکب تعزیرا قرار ذیل مجازات میگردد:

1 - در صورتی که سبب تخویف عابرین شده باشد ، به حبس متوسط بیش از سه سال .

2 - در صورتی که سبب تخویف عابرین و گرفتن مال شده باشد ، به حبس طویل .

3 - در صورتی که سبب قتل شده باشد ، به اعدام .

فقره دوم : هرگاه مرتکب جرم راهزنی علاوه بر تخویف یا گرفتن مال عابرین، عمل تجاوز جنسی را نیز مرتکب شده باشد، در صورت عدم تکمیل شرایط تطبیق حد زنا به حبس دوام درجه 1 محکوم میگردد.

اما در مورد مجازات شرکای جرم راهزنی ماده 604 کود جزا چنین صراحت دارد: هرگاه یکی از راهزنان مرتکب یکی از اعمال مندرج ماده 600 این قانون گردد، سایر شرکاء به عین مجازات فاعل جرم محکوم میگردند. اعمال مندرج ماده 600 کود جزا عبارت از : (1- تخویف عابرین 2- گرفتن مال غیر با تهدید 3- قتل انسان 4- قتل انسان و گرفتن مال غیر) میباشد³

1- منقطع : رواه ابن عبدالبر فی التمهید عن المسور بن ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه حدیث رقم 43 ، ج 14 ص 383 . قال ابن عبدالبر فی التمهید : لیس بالقوي ولا تقوم به حجة ، وقال أيضا في الاستذكار : لیس بالقوي و غیر ثابت و روي منقطعاً و موصولاً ج 6 ص 564 ، وقال البيهقي في السنن الكبرى : مختلف فيه و روي منقطعاً ج 8 ص 277 ، وقال الدارقطني في سننه : مرسل ج 3 ص 104 .

2- الزحيلي ، الدكتور وهبة ، الفقه الإسلامي وأدلته ، ج 7 ص 5475 .

3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا .

مطلب پنجم : مجازات شریک مباشر جرایم تعزیری در فقه و قانون :

تعزیر در اصطلاح فقهاء عبارت از جزای تادیبی و توبیخی بر جرایمی است که در شرع برای آن جزا تعیین نشده است و اندازه آن به امام و حاکم مسلمانان مفوض شده است تا به اساس جلب مصالح و دفع مفسد آنچه را برای زجر و منع مجرمین مناسب می بیند تعیین نماید.

جرجانی¹ در التعریفات و المناوی² در تعاریف می نویسد: «تعزیر عبارت از تادیب پائین تر از حد بر گناهی که حد و کفاره بر آن نباشد است، از عزر گرفته شده و به معنای زجر و منع است»³

شیخ ابومالک می نویسد: «تعزیر در شرع عبارت از جزا بر جرمی که حد و قصاص در آن نباشد، مانند کسیکه مال کمتر از نصاب را سرقت نماید یا زن بیگانه را در غیر از فرج جماع نماید یا با همسرش لواطت نماید یا پائین تر از قذف دشنام دهد یا در ماه رمضان افطار نماید و مانند اینها که شرعا جزای معین ندارد»⁴

امام محمد ابوزهره می نویسد: «مرجع تعیین جزای جرایم تعزیری امام و یا حاکم است و او اندازه آن را به آنچه که نافع تر برای جامعه و بیشتر منع کننده برای مجرمین باشد تعیین مینماید، اگر گروهی در امری که برای جامعه مضر باشد اشتراک نمودند و کوشش ترویج دادن کالای بدون کیفیت را نمودند، یکی از آنها آن را خرید و دیگری مخلوط نمود و شخص سومی آنرا فروخت بنابر این همه آنها مجرم هستند و امام برای هر یکی از آنها جزای را که منع کننده مثل این جرم باشد تعیین مینماید..... و هم چنین کسیکه شراب را میسازد و دیگری آن را به فروش میرساند هر دو شریک جرم هستند و امام در مورد آن جزای را وضع مینماید که بیشتر بازدارنده بوده و از این شر جلوگیری به عمل آورد»⁵

1- سید شریف علی بن محمد بن علی الجرجانی از بزرگترین علمای زبان عربی بود در تاکو متولد شد و در شیراز درس خواند و در آنجا اقامت نمود تا اینکه وفات نمود، تقریباً دارای پنجاه تالیف میباشد که از جمله آنها التعریفات، شرح المواقف و شرح السراجیه میباشد و در سال 816 هـ وفات کرده است. موسوعة الأعلام موقع وزارة الأوقاف المصرية ج 1 ص 102.

2- محمد عبدالرؤف بن تاج العارفين ابن علی بن زین العابدین الحدادی المناوی القاهری از علمای بزرگ در دین و فنون مختلف میباشد، در سال 952 هـ در قاهره متولد شد برای بحث و تالیف خود را فارغ نمود و انسان کم خور و سحر خیز بود، سپس مریض شد و اعضای وی ضعیف گردید، بنا براین پسر وی تاج الدین محمد تالیفات را از وی املا میگرفت، او در حدود هشتاد تالیف دارد از جمله آنها فیض القدير، التوقيف علی مهمات التعاریف، الكبير والصغير والتام والناقص میباشد، در قاهره زندگی نمود و در سال 1031 هـ در آنجا وفات نمود. الأعلام للزركلي ج 6 ص 204.

3- الجرجاني: التعریفات، ص 56، دار الفضيلة، القاهرة - مصر، د ط - د ت. و المناوي، عبدالرؤف: التوقيف علی مهمات التعاریف، ص 101، دار عالم الكتب، القاهرة - مصر، ط 1، 1410 هـ 1990 م.

4- کمال، الشیخ أبو مالک: صحیح فقه السنة، ج 4 ص 158.

5- أبو زهره، محمد: الجريمة والعقوبة فی الفقه الإسلامي، ص 301.

اما در مورد چگونگی تعزیر فقهاء میگویند که تعزیر همانطوریکه به قول جائز است به فعل، غرامت مالی، تشهیر، نفی و حتی قتل در صورتی که مصلحت تقاضا نماید جائز است.

شیخ محمد التویجیری¹ می نویسد: «تعزیر عبارت از مجموعه از جزاها است که به نصیحت و وعظ و هجر و توبیخ و تهدید و هشدار دادن و برکنار نمودن از وظیفه و مانند اینها شروع میشود و به شدید ترین جزاها مانند حبس و شلاق زدن ختم میشود. و احیاناً تعزیر به درجه قتل هم میرسد زمانیکه مصلحت عمومی چنین تقاضا نماید مانند قتل جاسوس و مبتدع و کسیکه جرائم خطرناک را انجام داده است، و احیاناً تعزیر به تشهیر یا غرامت مالی یا تبعید نمودن و مانند اینها که مصلحت را برآورده ساخته و ضرر را دفع نماید میباشد»²

شیخ ابومالک میگوید: «شکی نیست که شریعت بر مبنای تحصیل مصالح و تقلیل مفساد استوار است، بنا بر این جزاهای تعزیری را به هدف بدست آوردن این مقصد و حاصل شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جرایمی که در آن حد و قصاص وجود ندارد جائز گردانیده است، و مقصد این است که نبی علیه السلام شخص خلاف کار را تعزیر نموده است و عمل به آن را برای اصحاب و خلفای خود جائز نموده است و فرموده است: (لَا يُجْلَدُ فَوْقَ عَشْرِ جَلْدَاتٍ إِلَّا فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى)³ ترجمه: از ده دره بیشتر زده نمی شود مگر در حدی از حدود الله تعالی»⁴

اما جزای شریک جرایم تعزیری از لحاظ قانون: واضح است که کود جزا برای تنظیم جرایم و جزاهای تعزیری وضع شده است، چنانچه فقره اول ماده دوم کود جزا چنین صراحت دارد: «این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم مینماید» بنابر این هر آنچه در این قانون از جرایم و جزاهای تعیین شده بر آن، ذکر شده است مربوط جرایم تعزیری و مجازات آن میباشد، و مرتکب جرایم حدود و قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات میگردد، چنانچه فقره دوم ماده دوم کود جزا درین باره صراحت دارد.

1- محمد بن ابراهیم بن عبدالله التویجیری در سال 1371 هـ در شهر بریده متولد شد، در سال 1395 هـ از پوهنهی شرعیات پوهنتون امام محمد بن سعود در ریاض فارغ شد، علوم شرعی را از علماء عصر خود مانند ابن باز و ابن عثیمین و بلیهی رحمهم الله فرا گرفت همانطوریکه از کتاب های علمای سلف مانند ابن تیمیه و ابن قیم و دیگران بهره گرفته است، مشهورترین مولفات وی: مختصر الفقه الاسلامی در یک جلد، موسوعه الفقه الاسلامی در پنج جلد و غیره میباشد. <https://www.shamela.ws/>

2- التویجیری، الشیخ محمد بن ابراهیم: مختصر الفقه الإسلامی، ص 953.

3- صحیح: رواه البخاری برقم 6848 و مسلم 1708 و أبوداود 4491 والترمذی 1463 وأحمد 45/4 کلهم عن أبي بردة رضي الله عنه.

أنظر: اللحيان، الشیخ عبدالله بن عبدالعزيز: أضواء السنة، ص 462.

4- کمال، الشیخ أبو مالک: صحیح فقه السنة، ج 4 ص 159.

شکی نیست که هر جرم یا توسط یک نفر صورت میگیرد یا با اشتراک و معاونت دیگران صورت میگیرد، کود جزا در پهلوی اینکه مجازات فاعل اصلی جرم را تعیین مینماید، مجازات شریک و معاون جرم را نیز مشخص کرده است، در مورد شریک جرم چنین حکم کرده است که به مجازات جرم که در آن با فاعل اصلی اشتراک نموده محکوم میگردد، چنانچه فقره دوم ماده 58 چنین حکم کرده است: «شریک به مجازات جرمی که در آن اشتراک نموده است محکوم میگردد»¹



1- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا .

فصل سوم

شراکت غیر مباشر (سببی) در جرم و احکام آن

مبحث اول : مفهوم شراکت غیر مباشر در جرم

مطلب اول : تعریف شراکت غیر مباشر در جرم :

شراکت غیر مباشر در جرم آن است که یک نفر دیگران را به ارتکاب جرم مساعدت، معاونت یا تشویق نماید یا اسباب و وسایل جرم را برایشان مهیا سازد، یا مجرمین را به محل جرم راهنمایی نماید و راه فرار را به آنها نشان دهد، و خودش در هنگام تنفیذ جرم دخالت نداشته باشد که این نوع شراکت را بنام شراکت غیرمباشر یا سببی مینامند، درین مورد امام محمد ابوزهره چنین میگوید :

« شراکت سببی آن است که بین قصد و اراده مجرم اراده دیگری در میان بیاید »¹

استاد عبدالقادر عوده چنین میگوید: « شراکت سببی شراکتی است که مجرم اصلی با شخص دیگر در ارتکاب عملی که قابل مجازات باشد متفق بوده و یا او را در ارتکاب آن تشویق یا اعانت نماید و در شریک شرط است که قصد و اراده اتفاق، تشویق و اعانت را داشته باشد، و اشتراک سببی بدون موجودیت شروط سه گانه بوجود نمی آید: شرط اول - عمل قابل مجازات که عبارت از جرم است. شرط دوم - وسیله این عمل جرمی که عبارت از اتفاق، تشویق و اعانت است. شرط سوم - قصد و اراده شریک از وسایل جرم (اتفاق، تشویق و اعانت) وقوع عمل جرمی باشد »²

در مورد معنی و مفهوم الفاظ اتفاق، تشویق و اعانت قبلا در فصل اول و مبحث دوم بحث نمودیم و در این جا آنرا اعاده نمی نمائیم، کود جزای کشور ما تمامی حالات غیر از شراکت مباشر را در ضمن شراکت سببی تحت عنوان معاون جرم آورده است، چنانچه فقره دوم ماده 59 در مورد حالات سببی جرم چنین مشعر است : « شخص در یکی از حالات آتی معاون جرم شناخته میشود:

1 - به ارتکاب جرم شخص را تحریک، تهدید، تطمیع یا تشویق نماید، یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد.

2 - به ارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم به اثر همین موافقت بوجود آید.

1- أبوزهرة، إمام محمد: الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي، ص 291.

2- عوده، عبدالقادر: التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي، ج 1 ص 365 - 366.

3 - فاعل جرم را به نحوی از انحاء در اعمال تجهیزاتی یا تسهیلاتی ارتکاب جرم با داشتن علم به آن کمک نماید و جرم در اثر همین کمک به وجود آید»¹ بنابراین این چنین نتیجه میگیریم که کود جزا در موافقت با فقه اسلامی شراکت سببی در جرم را که عبارت از تحریک، تهدید، تطمیع، تشویق، موافقت و یا اعانت در جرم میباشد، تعریف نموده است طوریکه جرم به اثر همین عناصر بوجود آید.

مطلب دوم: انواع شراکت غیر مباشر در جرم:

معنی و تعریف شراکت قبلاً گذشت و سبب را نیز تعریف نمودیم که عبارت از واسطه برای چیزی باشد و در اصطلاح شرعی سبب عبارت از عملی است که منجر به وقوع جرم گردد، علی حیدر در شرح مجلة الاحکام می نویسد: «متسبب عبارت از فاعل سببی است که منجر به وقوع یک عمل میگردد و خود سبب به ذات خود منجر به نتیجه جرمی نگردیده تا زمانی که توسط عمل عامل دیگر تعقیب نشود»²

بنابر این متسبب به ذات خود رکن مادی جرم را مرتکب نمیشود اما به سبب فعل فاعل دیگر منجر به نتیجه جرمی میگردد، و متسبب جرم انواع مختلفی دارد که ما در ذیل چند نوع از آن را همراه با یک مثال (قتل به سبب) ذکر مینمائیم.

الف - اکراه بر قتل: اگر کسی شخص دیگری را به قتل کسی وادار نماید، این نوع عمل به نام اکراه بر قتل میباشد و شراکت سببی در جرم قتل شمرده میشود که فقهاء کرام در مورد آن نظریات مختلف دارند، شیخ الاسلام ابن تیمیه در مجموع الفتاوی در مورد اکراه بر قتل چنین میگوید: «اگر کسی بر قتل شخص بیگناهی مورد اکراه قرار گرفت برایش قتل وی حلال نیست، و اگر او را به قتل رساند فقهاء در قصاص وی اختلاف دارند، اکثر فقهاء مانند مالک، احمد و شافعی در یکی از اقوال خود میگویند که قصاص بر مکره و مستکره هر دو واجب است، چون همه آنها در قتل اشتراک دارند، و ابوحنیفه میگوید قصاص بر مکره ظالم واجب است و مستکره به مانند یک وسیله برای وی میباشد و زفر میگوید که قصاص بر مستکره مباشر قتل لازم است، چون او مباشر است و

¹ - وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا.

² - حیدر، علی: درر الحکام شرح مجلة الأحکام، تعریب: المحامي فهمي الحسيني، ج 1 ص 91.

مکره متسبب است و اگر مانند آله میبود گناهکار نمیشد در حالیکه فقهاء اتفاق دارند که گناهکار میشود و ابویوسف میگوید بر هیچ یکی از آنها قصاص لازم نیست.¹

از جمله مسائلی که تحت این عنوان نیز مورد بحث قرار میگیرد مسئله گرفتن شخص توسط کسی و کشته شدن وی توسط شخص سومی میباشد، که فقهاء در این مسئله نیز اختلاف نظر دارند، شیخ عبدالرحمن الجزیری² در کتاب خود الفقه علی المذاهب الأربعة میگوید: «احناف، شافعی ها و حنبلی ها در یک روایت شان میگویند که قصاص بر قاتل است نه بر شخص گیرنده، چون او مباشر است و گیرنده به اتفاق آنها تعزیر کرده میشود که در نزد احناف و حنبلی ها حبس وی تا وقت مرگ است و در نزد شافعی ها مدت حبس به اساس مصلحت حاکم در طولانی بودن و کوتاه بودن آن متفاوت میباشد، و حنبلی ها در روایت دیگر میگویند که هر دو آنها مطلقاً کشته میشوند، اما مالکی ها میگویند که اگر گیرنده آن شخص را به قصد قتل بگیرد، قصاص بر هر دو آنها لازم است ولی اگر به قصد لت و کوب وی را بگیرد مباشر قصاص میگردد و گیرنده صد ضربه شلاق و یک سال تعزیرا حبس کرده میشود.»³

» از جمله مثالهای که به این باب منطبق میشود (گرفتن شخص توسط کسی و قتل او توسط دیگری) زیاد است بعضی از آنها را بدون ذکر تفصیل آن یاد آوری مینمایم:

- الف - اینکه شخصی مقتول را از ترک کردن جایش منع نماید تا قاتل بتواند او را به قتل برساند.
- ب - اینکه شخصی درجایی محبوس گردد که بیرون شده نتواند تا اینکه قاتل او را به قتل برساند.
- ج - اینکه شخصی کس دیگری را که از او فرار مینماید تعقیب نماید و شخص سومی با قطع کردن پایش او را از فرار کردن منع نموده و تعقیب کننده او را دریابد.
- د - اینکه دهن کسی را باز نماید تا شخص سوم او را بوسیله نوشاندن زهر به قتل برساند.
- ه - اینکه شخصی را بگیرد تا شخص دیگر کدام عضو او را قطع نماید.

1- ابن تیمیة، شیخ الإسلام أحمد بن عبدالحلیم: مجموع الفتاوی، ج 2 ص 255، جمع و ترتیب: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم و ابنه محمد، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة المنورة، د ط، 1416 هـ 1995 م.

2- عبدالرحمن بن محمد عوض الجزیری فقیه ازهری از اهل مصر است که در سال 1299 هـ - 1882 م در جزیره شندویل مرکز سوهاج در مصر متولد گردید، درس های خود را در الازهر فرا گرفت و علم فقه را به اساس مذهب امام ابوحنیفه از سال 1313 هـ تا سال 1326 هـ فرا گرفت، بعد از آن در الازهر تدریس نمود و در سال 1330 هـ به عنوان مفتش بخش مساجد در وزارت اوقاف مصر مقرر گردید، و بعداً رئیس مفتشین و سپس استاد پوهنهی اصول دین شد، و بعداً عضو هیئت علمای کبار گردید و در سال 1359 هـ موافق با 1941 م در حلوان وفات نمود. از مهم ترین آثار وی کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة میباشد. <https://ar.wikipedia.org/>

3- الجزیری، عبدالرحمن بن محمد: الفقه علی المذاهب الأربعة، ج 5 ص 145، مکتبه فریدیة، محله جنگی، پشاور-پاکستان، د ط، د ت. با تصرف در متن.

و - اینکه زنی را بگیرد تا شخص دیگری با او زنا نماید. و مانند اینها مثالهای زیادی وجود دارد که مجرمین از طریق کمک و معاونت در اتمام رکن مادی جرم مباشرین قتل را معاونت مینمایند»¹

ب - امر به قتل : امر به قتل نیز یکی از انواع شراکت سببی در جرم قتل میباشد و آن اینکه شخصی کس دیگر را به کشتن شخص سومی امر نماید و مامور امر وی را بجا آورد، در این صورت امر مسبب قتل بوده و مامور مباشر قتل می باشد و احکام آن نظر به حالت و سن شخص مامور و یا حالت امر متفاوت میباشد.

استاد عبدالقادر عوده میگوید: «اگر مامور طفل غیر ممیز و یا شخص دیوانه باشد، در این صورت در نزد امام مالک، شافعی و احمد از امر قصاص گرفته میشود، و در نزد امام ابوحنیفه از امر قصاص گرفته نمیشود، و اگر مامور شخص عاقل و بالغ باشد و امر سلطه و نفوذی بر وی نداشته باشد، در نزد امام مالک، شافعی و احمد از مامور قصاص گرفته میشود اما امر تعزیر کرده میشود، و اگر مامور شخص عاقل و بالغ باشد و امر بر او سلطه و نفوذ داشته باشد، در صورت که امر اکراه ملجئ باشد در نزد امام مالک و احمد از امر و مامور هر دو قصاص گرفته میشود، و اگر امر اکراه ملجئ نباشد در این صورت قصاص تنها بر مامور است و امر تعزیر کرده میشود، و قول راجح در نزد امام شافعی درحالت امر اکراه ملجئ این است که از هر دو قصاص گرفته میشود، و در نزد امام ابوحنیفه در حالت اکراه از امر قصاص گرفته میشود و اما مامور در صورتی که اکراه نباشد و امر از اهل آن صادر نشده باشد قصاص کرده میشود و اگر از اهل آن صادر شده باشد از مامور قصاص گرفته نمیشود.»²

ج - مسموم نمودن شخص : مسموم نمودن شخص نیز شراکت سببی در جرم قتل می باشد و احکام آن نظر به حالات آن و نظر به اختلاف علماء متفاوت میباشد، دکتور وهبه الزحیلی میگوید: «مسموم نمودن سبب قتل نفس است، در نزد احناف قصاص و دیت ندارد، لکن استغفار، حبس و تعزیر بر وی لازم است، اما در حالت اکراه برنوشاندن زهر قتل شبه عمد محسوب میگردد که قصاص در آن نبوده بلکه دیت بر عاقله آن واجب است، اما در نزد مالکی ها، حنبلی ها و شافعی ها مسموم نمودن شخص قتل عمد محسوب میگردد و برفاعل آن قصاص لازم است، هم چنین در نزد شافعی ها در حالت اکراه بر نوشاندن زهر قصاص لازم میشود، چون قتل عمد محسوب میگردد و در

1- عبدالله حامد، کامل محمد حسین: أحكام الاشتراك في الجريمة في الفقه الإسلامي، ص 142 .
2- عبدالقادر: التشریح الجنائي الإسلامي، ج 2 ص 141 - 142 .

حالت غیر اکراه قتل شبه عمد محسوب می‌گردد که واجب کننده دیت بوده و قصاص را در پی ندارد.¹

د - شهادت دروغ که موجب اعدام شخص گردد : شهادت دروغ نیز از جمله شراکت سببی در جرم قتل می‌باشد، چون در چنین مورد مباشر قتل شخص دیگر که عبارت از جلاد یا تنفیذ کننده قتل است می‌باشد و شهادت دروغ صرف سببی برای حکم نمودن قاضی به اعدام و به تعقیب آن تنفیذ حکم صورت گرفته است، و شهادت دروغ و حکم قاضی به اعدام به ذات خود کشنده و از بین برنده شخص نیستند تا اینکه جلاد آن را تطبیق یا تنفیذ نماید.

در الموسوعة الفقهية در مورد جزای شاهدان دروغ چنین آمده است: «شافعی ها و حنبلی ها می‌گویند اگر شاهدان بر علیه شخصی به آنچه که منجر به قتل وی می‌شود به دروغ شهادتی دادند مانند اینکه به ارتکاب قتل عمد، ارتداد و زنا در حالت احسان بر علیه او شهادت دادند و او به اثر شهادت آنها کشته شد، سپس از شهادت خود رجوع نمودند و به قصد شان بر کشتن شخص مذکور اقرار نمودند، بنا بر این به علت قصد کشتن وی به سبب شهادت دروغ بر آنها قصاص واجب است، اما مالکی ها و احناف می‌گویند که قصاص نه بلکه دیت واجب است، چون قتل به اساس شهادت دروغ قتل به سبب است و قتل به سبب معادل با قتل مباشر نیست، بنابراین اثر آن بر وجوب دیت منحصر می‌شود.»²

ه - تهیه اسباب و وسایل قتل برای قاتل : تهیه اسباب و وسایل قتل برای قاتل بدون اشتراک مباشر در جرم قتل یک نوع شراکت سببی می‌باشد، مثلاً در جرم قتل یک نفر سلاح را آماده می‌سازد و شخص دومی مجنی علیه را می‌گیرد و شخص سومی خودش جرم قتل را مباشرت مینماید، و همه شان شرکای جرم محسوب می‌شوند، البته با تفاوت اینکه بعضی شان شرکای مباشر و بعضی دیگر شرکای سببی جرم هستند.

«مسئولیت جزایی متوجه همه شان است یعنی همه آنها قصاص می‌شوند و این حکم بر اساس مذهب امام مالک است، اما شوافع و حنبلی ها می‌گویند که بین جزای شریک مباشر و شریک متسبب جرم جمع صورت نمی‌گیرد مگر اینکه رابطه سببیت بین هر دو نوع از شرکاء، سبب بمیان آمدن جرم شده باشد، مثلاً اگر کسی شخص دیگری را به قتل یک شخص تشویق نماید و جرم قتل به اثر همین تشویق به میان آید در این صورت تشویق کننده و مباشر جرم هر دو شریک جرم بوده و هر دوی

1- الزحیلی، الدكتور وهبة: الفقه الإسلامي وأدلته، ج 7 ص 5641 - 5643 با تصرف در متن .

2- وزارة الوفاق والشؤون الإسلامية، الكويت : الموسوعة الفقهية ، ج 11 ص 259 .

شان قصاص میشوند، اما اگر..... مباشر قتل مقتول را به سبب دیگری که به تشویق کننده ارتباط ندارد از بین ببرد، در این صورت مباشر جرم قتل مسئول عمل جرمی خود بوده و از تشویق کننده در این مورد سوال نخواهد شد.¹

مبحث دوم : مسئولیت جزایی شریک غیر مباشر در فقه و قانون

مطلب اول : قواعد فقهی مرتبط به مسئولیت متسبب جرم :

1 - قاعده : « المتسبب لایضمن إلا بالتعمد »² ، یعنی متسبب ضامن نمی شود مگر به قصد ضرر رساندن به دیگران.

الف - معنای قاعده : متسبب کسی است که عملی را که منجر به ضرر میگردد و توسط وسیله دیگری صورت میگیرد انجام میدهد، و تعمد انجام دادن یک عمل به قصد ضرر رساندن است، اما تعدی انجام دادن سبب بدون حق میباشد و از تعمد عامتر است و سبب تاوان میباشد برابر است که نیت داشته باشد یا نداشته باشد. و صحیح تر در قاعده همانطوریکه قبلا ذکر نمودم این است که گفته شود: **(إلا بالتعدي)** یعنی متسبب تاوانی نمی شود مگر با تعدی و تجاوز، و این بخاطری است که شرط تاوانی نمودن متسبب وجود تعدی و تجاوز است، برابر است که همراه قصد باشد یا نباشد.³

مولانا محمد تقی عثمانی میگوید: « لفظ این قاعده که در مجلة الأحكام آمده است برخلاف آنچه که جمهور فقهاء ذکر کرده اند میباشد، چون قصد ضرر رساندن شرطی برای تضمین مسبب نیست، بنا بر این اگر کسی چاهی را در ملک غیر حفر نمود و کسی در آن افتاد، در این صورت حفر کننده چاه ضامن است و لو که چاه را به نیت سقوط یک شخص در آن حفر نکرده باشد و عبارت صحیح در قاعده این است که ما ذکر کردیم و آن اینکه (المسبب لایضمن إلا بالتعدي) میباشد و لو که در ضرر رساندن و تجاوز متعمد نباشد..... و قابل ذکر است که تعدی که برای تضمین مسبب شرط است همان تعدی به معنای دوم (در بحث قاعده مباشر گذشت) میباشد، و آن اینکه فعل که سبب ضرر شده است در ذات خود ممنوع باشد (فعل مباح نباشد) و این نوع تعدی در تضمین مباشر شرط نیست»⁴

1- عبدالله حامد ، کامل محمد حسین : أحكام الاشتراك في الجريمة في الفقه الإسلامي ، ص 149 .

2- جماعة من العلماء : مجلة الأحكام العدلیة ، مادة رقم 93 ، ص 33 .

3- الزحيلي ، الدكتور وهبة : نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجناحية ، ص 172 - 173 .

4- العثماني ، محمد تقی : بحوث في قضايا فقهية معاصرة ، ص 303 - 304 .

ب - مثالهای قاعده : 1 - در ماده 923 مجله الاحکام آمده است: « اگر حیوان یک شخصی از دیگری گریخت و فرار کرد و گم شد تاوان لازم نمیشود، اما اگر آن را قصداً گریختاند غرامت بر او لازم میشود، و همین طور اگر حیوانی به سبب صدای تیر تفنگی که شکارچی آنرا به قصد شکار شلیک نموده است گریخت و زمین خورد و از بین رفت یا یکی از اعضای آن شکست غرامت لازم نمی شود، و اما اگر شکارچی شلیک را به قصد گریختاندن حیوان انجام داده باشد ضمان بر او لازم می شود»¹

2 - ماده 924 مجله الاحکام می نویسد: « اگر کسی حفره ای را در ملک خود بوجود آورد، و شخصی در آن افتاد ضامن نمی باشد، اما اگر حفره در ملکیت او نباشد بلکه در راه عام و بدون اجازه قاضی، یا در ملکیت غیر باشد و یا در ملکیت خودش ولی با سهل انگاری در بعضی از شروط که در اجازه نامه رسمی درج است همراه باشد درین صورت هر آنچه از نفس یا مال در حفره می افتد و از بین میرود ضامن است »

3 - در حقوق همسایگی اگر کسی دیوار خانه خود را ویران کرد و بر دیوار همسایه سقوط کرد و آنرا منهدم نمود تاوانی نمی شود، و اگر خانه خود را منهدم نمود و به سبب آن خانه همسایه ویران شد و قیمت بناء را از وی طلب نمود ضامن نمی شود.

4 - اگر شخصی آتشی را در روز بادی برافروخت نمود و او میداند که باد آنرا به مال دیگران میرساند و آنرا تلف میکند به سبب قصد ضرر رساندن به دیگران بر او غرامت لازم است.²

2 - قاعده : « جنایة العجماء جبار »³، یعنی جنایت حیوان هدر است تاوان ندارد .

الف - معنای قاعده : دکتر مصطفی زحیلی⁴ میگوید: « عجماء یعنی چهارپا و جنایت آن یعنی جرح آن و آنچه را از اضرار به نفس یا مال میرساند یا از آن صادر میشود، و جبار یعنی هدر و باطل بوده در آن مواخذه نیست، و بر صاحب آن کدام ضمانتی وجود ندارد زمانیکه به سبب فعل

1- زیدان ، الدكتور عبدالکریم : الوجیز فی شرح القواعد الفقهية ، ص 159 .

2- الزحیلی ، الدكتور وهبة : نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجنائية، مثال های 2-3 و 4 ص 173 - 174 .

3- جماعة من العلماء : مجلة الأحكام العدلية ، مادة رقم 94 ، ص 33 .

4- محمد الزحیلی استاد و فقیه دارنده سند دکتوراه در فقه مقارن به درجه ممتاز با کسب مقام اول در سال 1971 م از پوهنهی شرعیات و قانون پوهنتون الازهر میباشد، و رئیس پوهنهی شرعیات و علوم اسلامی در پوهنتون شارقه از سال 2000 م تا سال 2006 م بود، کتاب های زیادی را در فقه و اصول فقه و تاریخ اسلامی و تاریخ ادیان و موضوعات دیگر تالیف کرده است. <https://ar.wikipedia.org/>

فاعل مختار مانند: راننده، قائد، سواره، لت و کوب کننده، انگیزه دهنده و یا ترساننده بوقوع نپیوسته باشد، و آنچه را حیوان خودش تلف مینماید بر آن ضمان لازم نیست»¹

علی حیدر میگوید: «معنای قاعده این است اگر حیوان چیزی را تلف نمود و یا سبب خساره و ضرر به یکی از مردم شد پس بر صاحب آن چیزی از ضمان لازم نیست مادامیکه این ضرر به سبب تعدی و تقصیر وی صورت نگرفته باشد»²

ب - اساس این قاعده : دکتور عبدالکریم زیدان میگوید: «اساس این قاعده حدیث نبوی صحیح است که به لفظ (العجماء جرحها جبار)³ آمده است، امام ابن دقیق العید⁴ در شرح حدیث میگوید: جبار یعنی هدر و آنچه ضمان ندارد ، و عجماء یعنی حیوان چهارپا میباشد»⁵

ج - مثالهای این قاعده : 1 - اگر دو نفر حیوانات خود را در جای که حق بستن آن را دارند بسته کردند و یکی از آنها دیگری را از بین برد و تلف کرد بر صاحب آن ضمان لازم نیست.

2 - اگر گربه شخصی پرنده شخص دیگری را غافل گیر کرد و آن را از بین برد بر صاحب آن ضمان لازم نیست.⁶

3 - اگر حیوانی ریسمانی را که به آن بسته شده قطع کرد و گریخت و یا چیزی به پای خود لگد مال کرد و یا به کسی ضرر رساند پس بر صاحبش ضمان نیست.⁷

4 - ضرری را که حیوان خودش به میان می آورد صاحب آن ضامن نیست، اگر حیوانی رها شد و لو در راه یا ملک کس دیگر باشد و مال یا انسان را در روز یا شب از بین برد، در این حالات

1- الزحیلي، محمد مصطفى: القواعد الفقهية و تطبيقاتها في المذاهب الأربعة، ص 570، دار الفكر، دمشق - سوریه، ط 1، 1427 هـ 2006

2- حیدر، علی: درر الحکام شرح مجلة الأحكام، تعریب: المحامي فهني الحسيني، ج 1 ص 95.

3- صحیح: رواه البخاري برقم 6401 و مسلم برقم 3226 كلاهما عن أبي هريرة رضي الله عنه.

4- ابوالفتح محمد بن علی بن وهب بن مطيع قُشَيْرِي منفلوطي مصري مالكي شافعي، ملقب به تقی الدین محدث، فقیه، اصولی، قاضی، ادیب و شاعر بود. و دقیق العید لقب جد او وهب است. ابن دقیق العید در سال 625 هـ در یبُئع حجاز متولد شد و در قوص (مصر) مسکن اصلی پدرش نشو و نما یافت و مقدمات علوم از جمله قرانت قرآن مجید را در آنجا فرا گرفت و فقه مالکی را نزد پدر و نیز فقه شافعی را از پدر و بهاء الدین هیة الله قفطی - شاگردان پدرش - آموخت. ابن دقیق العید در سال 702 هـ قاهره درگذشت و در تشییع جنازه وی بسیاری از مردم و نیز امرا و اعیان دولت و نایب السلطنه مصر شرکت کردند. جنازه او در قراة الصغری کنار آرامگاه استادش ابن عبدالسلام به خاک سپرده شد. مهم ترین آثار وی: احکام الاحکام، شرح عمدة الاحکام، الامام فی احادیث الاحکام، و غیره میباشد. ابن تیمیه آن را کتاب الاسلام نامیده و گفته که کسی مانند آن ننوشته است. <http://wikifeqh.ir/>

5- زیدان: همان، ص 166.

6- الزرقاء، أحمد بن محمد: شرح القواعد الفقهية، مثال های 1 و 2 ص 458.

7- الزحیلي، محمد مصطفى: القواعد الفقهية و تطبيقاتها في المذاهب الأربعة، ص 571.

ضمان نیست؛ چون جرم حیوان هدر است، و اگر اسبی داکتر حیوانات را در حالیکه او را معالجه میکرد به لگد زد پس بر صاحب اسب ضمان نیست.¹

د - استثناءات این قاعده : 1 - اگر کسی حیوانات خود را در کشت زار دیگران رها نمود و آنچه را حیوان تلف مینماید ضامن میباشد، و اگر کسی حیوان خود را در کشت زار دیگران دید و او را منع ننمود، بنا براین هر ضرری را که حیوان بوجود می آورد ضامن میباشد؛ چون او در حالت اولی متجاوز و در حالت دومی مقصر میباشد.

2 - اگر کسی حیوان خود را به طور مطلق در راه عام رها نمود و او از جمله حیواناتی بود که در خیابان ها رها نمی شد، سپس مالی را تلف نمود یا انسانی را به قتل رساند، پس دیت مقتول و قیمت مال تلف شده بر او لازم میشود، در ماده 929 آمده است که صاحب گاو شاخ زننده و صاحب سگ دیوانه، در صورتیکه یکی از اهالی محل یا قریه به نزد وی آمد و برایش گفت: مواظب حیوان خود باش ولی او مواظبت ننمود بنا بر این در مورد آنچه حیوانات شان تلف مینمایند ضامن هستند.²

مطلب دوم : اجتماع مباشر و متسبب :

در مورد شراکت مباشر و غیر مباشر در فصول قبلی توضیحات کافی داده شد و حکم آن از لحاظ احکام فقه و قواعد فقهی این است که هر یکی از آنها در صورت منفرد بودن و در صورت تاثیر فعل وی در احداث عمل جرمی مسئول میباشد، اما بعضی اوقات مباشر و متسبب هر دو در اجرای عمل جرمی دخیل اند درین صورت فقهاء میگویند که مسئولیت متوجه کسی است که تاثیر فعل وی بر دیگری غالب باشد و در صورت مساوی بودن تاثیر شان هر دو مسئول هستند، درین مورد دکتور عبدالکریم زیدان در کتاب خود المفصل میگوید: « و قتیکه فعل مباشر با متسبب جرم در یک محل با هم یکجا جمع شوند ، احکام آنها به شکل زیر است:

1 - اگر فعل سبب بر فعل مباشرت غالب باشد به نحوی که مباشرت تعدی و تجاوز نباشد، پس در این صورت مسئولیت جرم بر عهده متسبب میباشد نه بر عهده مباشر، مانند قتل محکوم علیه توسط جلاد بنا بر شهادت دروغ که بر علیه او اداء شده بود، چون قتل محکوم علیه توسط جلاد تجاوز از طرف او نیست اگر چه او مباشر قتل است، بلکه متسبب قتل، شاهدان دروغ هستند که بر علیه او شهادت دادند .

1- زیدان : همان ، ص 167 .

2- حیدر ، علی : همان ، ج 1 ص 95 .

2 - اینکه فعل مباشر بر فعل سبب غالب شود، و این زمانی است که عمل سببیت عمل مباشرت را قطع نماید، مانند کسی که انسانی را در آب به قصد غرق نمودن او پرتاب نماید و کسی دیگری که در آب شنا مینمود او را خفه نمود، پس در این حالت مسئولیت قتل بر عهده مباشر آن است اما متسبب تعزیر کرده میشود.

3 - اینکه فعل سبب و فعل مباشرت متعادل باشند به نحوی که اثر آن در احداث قتل مساوی باشد، مانند حالت اکراه بر قتل که در این حالت تاثیر مکره و مکره هر دو در احداث قتل برابر است، پس هر دو نفر مسئول قتل عمد هستند. و در نزد امام ابوحنیفه مسئولیت بر اکراه کننده بوده و اکراه شده مسئولیت ندارد، چون او اکراه شده را به عنوان آله دست اکراه کننده میداند که آنرا در قتل استعمال نموده است و مسئولیت بر آله نبوده بلکه بر استعمال کننده آله است¹

مولانا محمد تقی عثمانی بعد از ذکر قواعد و مسایل فقهی مربوط به اجتماع مباشر و مسبب در بوجود آوردن ضرر و اینکه کدام یک مسئول ضرر و خسارت است نتایج آن را چنین خلاصه کرده است:²

1 - اگر مباشر تنها یگانه سبب اتلاف باشد پس او ضامن است برابر است که متعدی باشد یا متعدی نباشد، و غیر متعدی به این معنی که فعلی را که در ذات خود ممنوع باشد انجام نداده است.

2 - اگر مباشر و مسبب در اتلاف شیء با هم جمع شدند و هیچ یکی از آنها متعدی به معنای فوق نبودند پس ضمان بر مباشر است.

3 - اگر مباشر و مسبب در اتلاف شیء با هم جمع شدند، و مباشر متعدی بود اما مسبب متعدی نبود بنا بر این ضمان بر مباشر است.

4 - اگر مباشر و مسبب در اتلاف شیء با هم جمع شدند و هر یکی از آنها متعدی بود، در این صورت نیز ضمان بر مباشر است.

5 - اگر مباشر و مسبب در اتلاف شیء با هم جمع شدند، و مسبب متعدی بود اما مباشر متعدی نبود، در این صورت ضمان بر مسبب است.

1- زیدان، الدكتور عبدالکریم: المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم، ج 5، ص 334.

2 - العثماني، محمد تقی: بحوث فی قضايا فقهية معاصرة، ص 310، مكتبة معروفة، کوئته - پاکستان 1428 هـ 2007 م.

مطلب سوم : مسئولیت مباشر و متسبب جرم :

در مورد اینکه مباشر و متسبب جرم هر دو مسئول یک عمل جرمی باشند، قاعده خاص فقهی وجود ندارد، اما قواعدی که در مورد مباشر و متسبب ذکر گردید، فقهاء استثنائاتی در مورد آن ذکر کرده اند که در مورد همین عنوان صدق مینماید، مثلاً فقهاء وقتیکه قاعده ضامن بودن مباشر جرم را بیان مینمایند استثنائات آن را که در آن مباشر و متسبب هر دو مسئول هستند چنین ذکر کرده اند:

دکتور مصطفی الزحیلی می گوید: « اگر سبب به تنهایی خود بدون مباشر در اتلاف یک شیء عمل میکرد، مانند راندن حیوان همراه با سوار شدن بر آن، در این صورت مباشر و متسبب هر دو در ضمان شیء که حیوان آن را تلف مینماید شریک هستند؛ چون حرکت دهنده حیوان اگر چه متسبب است و شخص سوار شده بر حیوان اگر چه مباشر است، و سبب در این جا که عبارت از راندن حیوان است به تنهایی در اتلاف شیء که از شخص سوار شده بر آن جدا شود عمل مینماید بنا بر این به طور مساوی ضامن شیء تلف شده هستند اگر شخص محرم شخص دیگر راه به شکار راهنمایی کرد یا بسوی آن اشاره کرد یا کرد و مانند اینها را بدست او عاریت داد، بنا بر این ضمان بر مباشر و متسبب هر دو است»¹

پس چنین نتیجه میگیریم که زمانیکه تاثیر مباشرت و سبب هر دو در ارتکاب عمل جرمی بصورت متعادل و مساوی باشد در این صورت ضمان بر مباشر و متسبب هر دو میباشد.

دکتور وهبه زحیلی میگوید: « وقتیکه سبب به تنهایی خود بدون مباشرت در اتلاف شیء تاثیر داشته باشد در این صورت متسبب و مباشر هر دو ضامن شیء تلف شده میباشند، یعنی زمانیکه قوت سبب و مباشرت متعادل باشند یا اینکه اثر سبب و مباشرت در فعل مساوی شود، متسبب و مباشر هر دو مسئول قتل هستند مانند اینکه بر قیادت یک حیوان صاحب آن و یک سواری دیگری جمع شود و آنچه را تلف مینماید ضمان بر هر دو آنهاست؛ چون راندن حیوان به تنهایی منجر به تلف شدن میگردد اگر چه شخصی بر آن سوار نباشد، و هم چنین اگر شخصی حیوانی را به امر سوار شده بر آن به چوب زد ضمان بر هر دو است چون چوب زننده حیوان به مانند راندن حیوان است، و در نزد جمهور غیر از احناف در حالت اکراه بر قتل از مکره و مستکره هر دو قصاص گرفته میشود؛ چون مکره متسبب و مستکره مباشر است، و در نزد مالکی ها غیر از مذاهب دیگر از گیرنده شخص و قاتل هر دو قصاص گرفته می شود؛ چون گیرنده متسبب و قاتل مباشر است»²

1- الزحیلی ، محمد مصطفی : القواعد الفقهية و تطبيقاتها في المذاهب الأربعة ، ص 482 - 484 .
2- الزحیلی ، الدکتور وهبه ، الفقه الإسلامي وأدلته ، ج 7 ص 5647 .

مبحث سوم : مجازات شریک غیر مباشر در فقه و قانون

مطلب اول : مجازات معاون جرم در فقه و قانون :

مفهوم معاون را قبلاً در فصل اول ذکر نمودیم و آن اینکه یک شخص، مجرم اصلی یا فاعل جرم را به شکل سببیت کمک نماید، و خودش در ارتکاب رکن مادی جرم دخالت و شرکت نمی نماید، در فقه اسلامی معاون زمانی به مجازات جرمی که در آن معاونت نموده محکوم میگردد که اراده و قصد ارتکاب جرم و ضرر رساندن به مجنی علیه را داشته باشد و هم چنان اگر سبب به تنهایی خود سبب تلف شدن شی و هلاکت شخص میگردد، در غیر آن به کدام مجازاتی محکوم نمیگردد.

امام سرخسی می نویسد: «تسبب زمانی که تعدی و تجاوز باشد موجب ضمان و تاوان است مانند حفر نمودن چاه در راه عام، و اگر تعدی و تجاوز نباشد موجب ضمان و تاوان نیست مانند حفر نمودن چاه در ملکیت شخصی»¹

شیخ محمد بن صالح العثیمین در الشرح الممتع می نویسد: «اگر کسی دروازه قفس را باز کرد و پرنده از آن پرید، تاوان آن بر او است؛ چون او متسبب است و متسبب زمانی که همراه وی مباشر نباشد ضامن است»²

و در جای دیگر می نویسد: «هر کسی که انسانی را به اساس مباشرت یا سبب تلف نمود دیت آن بر وی لازم است، برابر است که دیت نفس یا جزئی از بدن یا منافع باشد، اگر دو مباشر در تلف کردن آن یکجا شدند بر هر دوی آنها لازم است و اگر دو متسبب در آن یکجا شدند بر هر دوی آنها لازم است و اگر متسبب و مباشر با هم یکجا شدند در صورتیکه تضمین مباشر امکان داشت تنها بر او لازم است، و اگر تضمین مباشر امکان نداشت تنها بر متسبب لازم است»³

دکتر مصطفی الخن⁴ در الفقه المنهجي می نویسد: «قطع عضوی از اعضای بدن و لت و کوب شدید که منجر به الحاق اذیت شدید به مجنی علیه شود، از لحاظ حرمت و جائز نبودن آن به

1- السرخسی، الإمام شمس الدین أبوبکر محمد بن أحمد بن أبي سهل: المبسوط، ج 5 ص 154 .

2- العثیمین، الشیخ محمد بن صالح: الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ج 10 ص 198، دار ابن الجوزي، الطبعة الأولى، 1422 هـ .

3- العثیمین: همان، ج 14 ص 91-93 .

4- مصطفی فرزند سعید الخن عالم مربی شافعی، میدانی، دمشق و شیخ اصول فقه در سرزمین شام میباشد وی از خانواده اصیل دمشق بود، که از سالیان دراز ریاست و مرجعیت محله میدان را داشتند، و در سال 1923 م در دمشق تولد گردید، و در روز جمعه 23 محرم 1429 هـ موافق با 2008 م در مسجد حسن در منطقه میدان دمشق در حالیکه در نماز جمعه شرکت کرده بود وفات نمود. از مهم ترین آثار وی: اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیه فی اختلاف الفقهاء، الأدله الشرعیه و موقف الفقهاء من الاحتجاج بها، الفقه المنهجي عند مذهب الامام الشافعی و غیره میباشد. <https://ar.wikipedia.org/>

اکراه مانند قتل است، چون این کار تعدی است و تعدی حرام است، الله تعالی فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (الاحزاب/58) ترجمه: و کسانی که مردان و زنان مومن را بدون کدام جرمی اذیت مینمایند بدون شک بهتان و گناه آشکار را متحمل میشوند.

بنا بر این اگر کسی بر چیزی از آن مکره واقع شد و بر آن اقدام نمود، به اتفاق فقهاء در نزد الله متعال گناهکار است برابر است که اکراه تام باشد یا ناقص، اما از لحاظ احکام دنیوی به اساس قول صحیح فقهاء مکره و مستکره هر دو قصاص میشوند؛ چون مستکره مباشرت قتل را نموده است و توسط او حقیقتاً قتل بوجود آمده است، و مکره متسبب قتل و وادار کننده بر آن است و متسبب مانند مباشر است پس از هردو آنها به علت سختگیری در مورد خون ها و منع از تعدی به آنها قصاص گرفته میشود¹»

در التاج والاکلیل آمده است: «ابن شاس² گفته است: سبب بر مباشرت زمانی غالب میشود که مباشرت تعدی نباشد مانند اینکه شخصی همراه با یک حیوان درنده در یکجای تنگ انداخته شود و یا او را به مار بگیرد و از بین برود»³

کود جزای کشور ما معاون را به مجازات محکوم نموده، اما جزای وی یک درجه پائینتر از جزای فاعل یا مباشر جرم است، چنانچه فقره سوم ماده 59 چنین مشعر است: «معاون به جزای یک درجه پائین تر از مجازات جرم مرتکبه محکوم میگردد. مگر اینکه در این قانون طور دیگری حکم شده باشد»⁴

در شرح کود جزا آمده است: «اصل کلی در مسئولیت جزایی معاون جرم در جنایت، جنحه و قباحت آن است که جزای معاون یک درجه از مجازات تعیین شده برای مباشر آن جرم، کمتر است و جزاهای اصلی خفیف و شدید در برابر انواع جرایم عبارتند از: جزای نقدی، حبس قصیر، حبس متوسط، حبس طویل، حبس دوام درجه 2، حبس دوام درجه 1 و اعدام. هرگاه جزای جرمی اعدام

1- الخن، مصطفی و آخرون: الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي، ج 7 ص 155، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، ط 1، 1433 هـ .

2- عبدالله بن محمد بن نجم بن شاس بن نزار جذامی سعدي مصری، جلال الدين ابو محمد شيخ مالکی ها در زمان خود در مصر و از اهل دمیاط بود، و در آنجا در حالیکه دمیاط در محاصره انگلیس ها بود و وی مشغول مرزبانی بود در سال 616 هـ وفات نمود، از جمله کتاب های وی الجواهر الثمینه فی فقه أهل المدینه است و پدر کلان وی شاس از جمله امراء بود. الأعلام للزركلی ج 4 ص 124 .

3- المواق، محمد بن یوسف العبدري: التاج والاکلیل لمختصر خلیل، ج 11 ص 347، دار الفکر، بيروت - لبنان، ط 2، 1398 هـ .

4- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا .

باشد معاون آن جرم به حبس دوام درجه 1، و هرگاه جزای جرمی حبس دوام درجه 1 باشد معاون آن جرم به حبس دوام درجه 2 محکوم خواهد شد، و به همین طریق سایر موارد قابل محاسبه است»¹

بطور خلاصه از اقوال فقهاء مذاهب سه گانه چنین برداشت میشود که مسبب قتل زمانیکه قصد تعدی و تجاوز و انجام جرم را داشته باشد، یا مسئول بودن مباشر به شکلی از اشکال امکان نداشته باشد، یا سبب به تنهایی خود در اتلاف شیء مؤثر باشد، در همه این حالات به اتفاق فقهاء مسئول جرم میباشد و به جزای معینه جرم مذکور محکوم میگردد، ولی همانطوریکه معلوم میگردد فقهاء جزای وی را به شکل کامل در نظر گرفته اند، مثلاً جزای جرم قتل به سبب، دیت کامل و جزای جرم قطع اعضاء به سبب، دیت اعضاء میباشد، اما دکتور مصطفی الخن که از علمای شافعی است اشاره کرده است که جزای مسبب و مباشر جرم در جرایم قتل و قطع اعضاء برای هر دو قصاص است مانند آمر و مامور در جرم قتل، اما قانون جزای مسبب یا معاون را یک درجه پایین تر از جزای جرم مرتکبه در نظر گرفته است چنانچه در فوق ذکر شده است.

مطلب دوم : مجازات سازمانده جرم در فقه و قانون :

سازمانده جرم در حقیقت کسی است که یک گروه جرمی را سازماندهی یا رهبری مینماید، در فقه اسلامی دو نوع جرم وجود دارد که اغلباً به شکل گروهی ارتکاب می یابد که عبارتند از قطع طریق که مرتکبین این جرم را راهزنان یا محاربین مینامند و بغی یا خروج از اطاعت امام عادل که مرتکبین آنرا بغاوت کننده گان یا خوارج مینامند .

امام کاسانی در مورد راهزنی چنین میگوید: « راهزنی عبارت از قطع راه مسافران به غرض گرفتن اموال شان به طریق قهر و غلبه میباشد به شکلی که عابری از عبور کردن امتناع نمایند، و راه عبور بسته شود برابر است که بسته کردن راه از طرف یک گروه باشد یا یک فرد زمانیکه قوت و نیروی قطع راه را داشته باشد، و برابر است که قطع راه توسط سلاح باشد یا غیر سلاح مانند عصا و سنگ و چوب و مانند اینها، چون راهزنی به هر یکی از اینها صورت میگیرد، و برابر است که این جرم به مباشرت بعضی و تسبب بعضی دیگران به کمک کردن و گرفتن مال باشد؛ چون قطع راه به همه اینها حاصل میشود»²

1- بنیاد آسیا : شرح کود جزا ، ج 1 ص 208 ، چاپ خانه سعید ، کابل - افغانستان ، چاپ اول 1398 هـ ش .
2- الکاسانی ، الإمام علاء الدین ابی بکر بن مسعود : بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع ، ج 15 ص 241 .

اما در مورد جزای قاطع طریق شیخ تویجیری چنین می نگارد: « قاطع طریق دارای چهار حالت اند :

- الف - اگر مردم را کشتند و مال را گرفتند در این صورت کشته میشوند و به دار آویخته میشوند.
 ب - اگر مردم را کشتند و مال را نگرفتند ، در این صورت کشته میشوند و به دار آویخته نمیشوند.
 ج - اگر مال را گرفتند و مردم را نکشتند ، دست راست و پای چپ هر یکی از آنها قطع میگردد.
 د - اگر مردم را نکشتند و مال را نگرفتند ، لکن راه را نا امن کردند از زمین نفی میشوند.

و امام میتواند بخاطر قطع دامنه شر و فساد در جزای آنها آنچه موجب منع و بازدارندگی آنها و دیگران از این جرم شود اجتهاد نماید، الله تعالی در مورد جزای آنها فرموده است: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ

يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ

يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا

عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿ (المائده/33-34) ترجمه: بدون شک جزای کسانی که با الله و رسول او

میجنگند و کوشش فساد بروی زمین مینمایند این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست ها و پاهای شان به خلاف یکدیگر قطع کرده شود یا از روی زمین نفی شوند، این رسوایی شان در دنیا است و در آخرت برای شان عذاب بزرگ است، مگر کسانی که قبل از غلبه شما بر آنها توبه کردند پس بدانید که الله جل جلاله بخشنده و مهربان است.

و از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: (چند نفری از قبیله عکل به حضور نبی علیه السلام آمدند و مسلمان شدند، و هوای مدینه بالای آنها تاثیر بد نمود، نبی علیه السلام آنها را امر نمود که به شتران صدقه بروند و از بول و شیر آنها بنوشند و آنها چنین کردند و صحت یاب شدند، سپس مرتد شدند و ساربانان را کشتند و شتران را با خود بردند، بنا براین نبی علیه السلام به تعقیب شان کسانی را فرستاد و آنها را آوردند بعد از آن دست ها و پاهای شان را قطع نمود و چشم های شان را کشید بعد از آن دست ها و پاهای شان را داغ نمودند تا اینکه مردند) 1 «2

1- صحیح : متفق علیه ، رواه البخاري برقم 6304 و مسلم برقم 3163 .

2- التويجيري ، الشيخ محمد بن إبراهيم : مختصر الفقه الإسلامي ، ص 945 - 946 .

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله بعد از ذکر جزای محاربین به نقل از امام شافعی چنین مینویسد: «و این قول بسیاری از اهل علم مانند شافعی و احمد است و نزدیک به قول ابوحنیفه است، و بعضی از آنها به امام اجازه میدهد تا در مورد آنها اجتهاد نماید، پس به قتل برساند کسی را که مصلحت چنین تقاضا مینماید و لو کسی را به قتل نرسانده باشد مانند اینکه رئیس مطاع در نزد آنها باشد و دست کسی را قطع نماید که مصلحت چنین تقاضا مینماید ولو که مال را نگرفته باشد مانند اینکه کسی در گرفتن مال صاحب قوت و نیرو باشد، همانطوریکه بعضی دیگر از فقهاء نظر دارند که اگر آنها مال را گرفتند به قتل میرسند و دست ها و پاهای شان قطع میشود و به دار آویخته میشوند، و رأی اول قول اکثر فقهاء است، اگر کسی از محاربین قتل را مرتکب شده باشد امام او را به اساس حد به قتل میرساند و عفو کردن او به هیچ حال به اجماع علماء همانطوریکه ابن المنذر نقل نموده جائز نیست»¹

بغاوت نیز از جمله جرایمی است که به اساس سازماندهی یک شخص و به منظور خلع امام یا حاکم راه اندازی میشود، و این جرم در ذات خود بدون همکاری و اشتراک چند نفر که یکدیگر را حمایت و پشتیبانی نمایند بوجود نمی آید، بنا براین اشتراک تعدادی از مردم در آن به یک سازمان دهنده ضرورت دارد تا این جرم بوقوع بپیوندد، و این نوع سازمان دهی شراکت غیر مباشر در جرم نامیده میشود، و حال تعریف و مجازات این جرم را از لحاظ فقه بررسی مینمائیم .

در مورد تعریف بغاوت شیخ محمد التویجیری چنین می نویسد: «بغاوت کننده گان گروهی هستند که دارای قدرت و شوکت بوده، و بر اساس تأویل جائز بر ضد امام خروج مینمایند و اراده خلع وی، و مخالفت و تمرد از اطاعت وی را دارند»²

امام کاسانی می گوید: «بغاوت کننده گان همان خوارج هستند و آنها قومی هستند که به نظر آنها هر گناه چه کبیره باشد و چه صغیره کفر است، بر ضد امام اهل عدل خروج مینمایند و به اساس این تأویل جنگ، اموال و خون را مباح میدانند و دارای قدرت و شوکت میباشند»³

در مورد جزای اهل بغی، امام عبدالله بن محمود الموصلی می نویسد: «زمانیکه گروهی از مسلمانان از اطاعت امام بیرون شدند و بر منطقه ای حاکم شدند، امام آنها را به پیوستن به گروه مسلمانان و رفع شبهات آنها دعوت نماید، و جنگ با آنها را شروع ننماید اگر آنها جنگ را شروع

1- ابن تیمیه، شیخ الإسلام تقي الدين أحمد بن عبدالحليم: السياسة الشرعية في إصلاح الراعي والرعية، ص 99 - 100، دار عالم الفوائد، جدة - السعودية، د ط - د ت .

2- التویجیری، الشیخ محمد بن إبراهيم: مختصر الفقه الإسلامي، ص 949 .

3- الكاساني، الإمام علاء الدين أبي بكر بن مسعود: بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج 15 ص 443 .

نمودند و تا متفرق شدن جمع شان با آنها بجنگد، اما اگر جمع شدند و لشکر آماده کردند جنگ با آنها را قبل از آنان شروع نماید، و در وقت جنگ نمودن اگر آنها گروهی دیگری داشتند زخمی های شان را به قتل برساند و فرار کننده گان را تعقیب نماید، و زنان و اطفال شان به اسارت و برده گی گرفته نمی شوند و اموال شان به غنیمت گرفته نمی شود بلکه آن را حبس نموده تا توبه نمایند بعد از آن به آنها واپس رد نماید، و جنگ نمودن به سلاح و حیوانات شان در وقت احتیاجی جائز است»¹

طبق کود جزای کشورسازمانده شخصی است که یک گروه جرمی را تشکیل و رهبری می نماید، فقره 1 ماده 60 کود جزا درین مورد چنین مینگارد: «سازمانده شخصی است که گروه سازمان یافته جرمی را تشکیل، رهبری، هدایت یا سازماندهی نماید» و مجازات سازمانده جرم این است که به یک و نیم چند مجازات جرم مرتکبه محکوم میگردد، فقره 2 ماده 60 چنین مینگارد: «سازمانده به یک و نیم چند حداکثر مجازات جرم مرتکبه محکوم میگردد، مشروط بر اینکه مدت حبس از سی سال تجاوز نماید»²

بطور خلاصه کتاب های فقه راجع به سازمانده یک گروه جرمی مجازات خاصی را در نظر نگرفته است، اما جای تردیدی نیست که سازمانده جرم باید جزای وی بیشتر از اعضای آن گروه باشد، چنانچه الله تعالی جزای عبدالله بن اُبی که سرکرده گروه قاذفین أم المؤمنین بود بزرگتر از دیگران بیان کرده است و کسیکه بین جماعت مسلمانان تفرقه می اندازد مثلاً برای خود یک گروه مستقل را بر ضد امام عادل بوجود آورده و او رئیس آن است جزای وی باید بیشتر از دیگران باشد و امام باید در جزای وی اجتهاد نماید چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه به آن اشاره کرده است و لو که گروه مذکور جرم را مرتکب نشده باشد اما برای سازمانده این گروه حتماً جزایی در نظر گرفته شود، و در صورت ارتکاب جرم از طرف آنها سازمانده این گروه ولو قتل را انجام نداده باشد سیاستاً باید کشته شود تا فساد از بین برود، و قانون کشور ما برای وی مجازات را یک و نیم چند آن جرم در نظر گرفته است.

1- الموصلي، الإمام عبدالله بن محمود: الاختيار لتعليل المختار، ج 2 ص 410 - 412.

2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا.

مبحث چهارم : مجازات شریک غیر مباشر در جرایم مختلف

مطلب اول : مجازات شریک غیر مباشر در جرم قتل :

اما شراکت سببی در جرم قتل یا به سبب اعانت و کمک کردن است و یا به سبب تشویق نمودن است و یا به سبب اکراه میباشد که در ذیل برای هر یکی مثالی را همراه با اقوال فقهاء و دلایل آن ذکر مینمائیم:

شراکت سببی در جرم قتل به اساس اعانت شرکاء : فقهاء شراکت سببی در جرم قتل به اساس اعانت را در مسئله ای بنام (من أمسك رجلا حتى قتله الآخر) ذکر کرده اند و به اساس آن حکم هر یک از دو نفر شریک جرم و جزای را مشخص کرده اند.

شیخ ابومالک در صحیح فقه السنه می نویسد: « احناف، شافعی ها و حنبلی ها میگویند اگر کسی شخصی را به دیگری بگیرد و او آنرا کشت در این صورت شخص گیرنده قصاص نمیگردد و عمل وی مشارکت گفته نمیشود و از باب قتل یک گروه به سبب قتل یک نفر هم نیست، بلکه جزای او فقط حبس است، و به دلایل ذیل استدلال کرده اند:

الف – فرموده الله تعالی: ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾ (البقره/194)

ترجمه: اگر کسی بر شما تعدی نمود پس به اندازه تعدی او بر او تعدی نمائید.

ب – آنچه از ابن عمر رضی الله عنه مرفوعا روایت شده است: (إِذَا أَمْسَكَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ وَقَتَلَهُ

الْآخَرَ يُقْتَلُ الَّذِي قَتَلَ وَيُجَبَسُ الَّذِي أَمْسَكَ)¹ و این اثر ضعیف است. اگر مردی مرد دیگری را بگیرد و کسی دیگر او را کشت، کسیکه آن مرد را به قتل رساند کشته میشود و کسیکه آن مرد را گرفت زندانی میشود.

ج – آنچه از علی رضی الله عنه روایت شده است که شخصی کسی دیگر را قصداً به قتل

رسانده بود و کس دیگر او را گرفته بود حکم کرد و گفت: (يُقْتَلُ الْقَاتِلُ وَيُجَبَسُ الْآخَرُ فِي السِّجْنِ حَتَّى

1- مرسل : رواه البيهقي في السنن الكبرى والدارقطني برقم 3318 والسيوطي في جمع الجوامع برقم 1518 كلهم عن عبدالله بن عمر رضي الله عنهما . قال ابن حجر في بلوغ المرام : رجاله ثقات و روي موصولا و مرسلا ص 353 ، و قال شعيب الأرناؤوط في تخريج زاد المعاد : رجاله ثقات لكن رجح البيهقي المرسل ج 5 ص 6 ، و صححه ابن القطان في الوهم والإيهام ج 5 ص 415 .

یَمُوت¹) و اسناد این روایت ضعیف است. یعنی قاتل کشته میشود و گیرنده تا زمان مرگ در حبس انداخته میشود.

اما امام مالک و لیث² به این نظر اند که گیرنده به مانند مباشر قتل کشته میشود، چون هر دو نفر آنها شریک هستند به نحویکه اگر گرفتن شخص نمی بود قتل واقع نمیشد³

این بود دلایل طرفین در مورد این مسئله، و با توجه به دلایل زیر قول راجح نظریه اول که جمهور فقهاء به آن قائل هستند میباشد:

الف - امام صنعانی میگوید: «نص حدیث نبوی الحاق (حکم شخص گیرنده به قاتل را همانطوریکه امام مالک و دیگران به آن قائل هستند) را منع مینماید، و حکم آن مانند حکم حفر کننده چاه و پرتاب کننده به آن است که به اساس آن به اتفاق علماء ضمان برپرتاب کننده بوده و بر حفر کننده چیزی نمیباشد⁴»

ب - ابومالک میگوید: «و قول اول همراه با ضعف دو اثر فوق راجح تر میباشد، چون صحابه کرام مباشرت را بر سبب مقدم دانسته اند، چنانچه عمر بن الخطاب رضی الله عنه در مورد شخص نابینای که شخص بینا او را راهنمایی مینمود و هر دو در چاه افتادند و شخص نابینا بالای شخص بینا افتاد و به سبب ثقل نابینا وفات نمود چنین حکم کرد که شخص نابینا دیت مقتول که شخص بینا است را بپردازد. پس دانسته شد که سبب با وجود مباشرت کدام حکمی ندارد تا زمانیکه عمل مشارک به تنهایی منجر به قتل نشود، و گفته شده تا زمانیکه مشارک توافق قبلی بر قتل نداشته باشد، اگر اراده قتل او را داشت او هم چنان کشته میشود و این نظر با مفهوم و قوی میباشد⁵»

ج - امام شوکانی میگوید: «حدیث ابن عمر دلیلی بر این است که گیرنده مقتول در حال قتل قاتل قصاص نمیگردد و فعل وی مشارکت گفته نمیشود و از باب قتل جماعت به سبب یک نفر هم

1- رجاله ثقات : ذكرهنا شعيب الأرنؤوط في تخريج زاد المعاد ج 5 ص 6 ، رواه عبدالرزاق في مصنفه برقم 17893 و 18089 و البيهقي في معرفة السنن والآثار برقم 5075 عن علي بن أبيطالب رضي الله عنه.

2- لیث فرزند سعد فرزند عبدالرحمن الفهمی القلقشندی فقیه و محدث و امام اهل مصر زمان خود و صاحب یکی از مذاهب زوال یافته اسلامی میباشد، در شعبان سال 94 هـ در خانواده ای که از اصول فارس اصفهان و از موالی خالد بن ثابت بن طاعن الفهمی بود در قفقشده دلتای مصر متولد شد، و امام لیث علم را از علمای مصر فرا گرفت، بعد از آن در سال 113 هـ از مصر در بیست سالگی بخاطر حج به مکه سفر کرد، از علمای حجاز علم را آموخت بعد از آن در حالیکه شهرتش بالا رفته بود به مصر بازگشت و بر کرسی فتوا نشست تا اینکه در فتوی دادن در زمان خود مستقل شد و مورد تعظیم اهل مصر قرار گرفت ، وی در روز جمعه 15 شعبان سال 175 هـ در مصر وفات نمود و جنازه وی مشهد بزرگی بود که اهل مصر بر آن غمگین شدند و در مقبره صدقیین در قرافه صغری دفن شد و قبرش مشهور است .

<https://ar.wikipedia.org/>

3- کمال ، الشیخ أبو مالک : صحیح فقه السنة ، ج 4 ص 181 - 182 . و السید سابق : فقه السنة ، ج 3 ص 28 - 29 .

4 - الصنعانی، محمد بن إسماعیل الأمير الیمینی: سبل السلام شرح بلوغ المرام، ج 3 ص 336، دار الفجر للتراث، القاهرة - مصر، 1426 هـ

م 2005

5- کمال : همان ، ج 4 ص 182 .

نیست، بلکه واجب فقط حبس کردن وی است و قول حق عمل کردن به مقتضای حدیث مذکور است؛ چون معلول بودن آن به ارسال سبب قرح در آن نمیشود همانطوریکه امامان اصول و جماعتی از امامان حدیث آن را ذکر کرده اند و این قول راجح است؛ چون روایت نمودن یک قول با سند زیادت تأیید شده ای است که عمل کردن به آن را حتمی میگرداند¹

د - ابن عبدالبر میگوید: « شخص گیرنده مُعین یا کمک کننده بوده و قاتل نیست، و قول عمر بن الخطاب رضی الله عنه (لَوْ تَمَّالًا عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتَهُمْ بِهِ)² هر دو وجه کمک و مباشرت را دارد و علماء اجماع کرده اند بر اینکه اگر کسی قاتل را کمک نمود ولی در قتل حاضر نشد بواسطه آن کشته نمیشود³»

ه - در این مسئله سبب به تنهایی خود زمانیکه از مباشرت جدا گردد سبب قتل نمیگردد، بنا براین در این مسئله گرفتن شخص به تنهایی خود سبب قتل نمیگردد بلکه مباشرت در از بین بردن شخص موثر واقع شده است و در نتیجه مباشرت قتل، قصاص میگردد اما شخص گیرنده به جزای تعزیری محکوم میگردد، چنانچه این مسئله قبلاً در بحث قواعد فقهی گذشت.

شراکت سببی در جرم قتل به اساس تشویق شرکاء : فقهاء شراکت در جرم قتل به سبب تشویق را در مسئله ای بنام امر به قتل ذکر نموده اند و احکام هر یک از امر و مامور و مسئولیت جزایی شان را واضح ساخته اند.

دکتور وهبه زحیلی می نویسد: « فقهاء بین اکراه به قتل و امر به آن به علت اختلاف طبیعت هر یک از این دو حالت فرق کرده اند، در حالت اکراه، مباشر بر تنفیذ فعل مجبور مییاشد و در حالت امر، مباشر در ارتکاب جرم مختار مییاشد، به این سبب در حکم آن تفصیل وجود دارد:

الف - اگر مامور ممیز نباشد مانند طفل و یا دیوانه، در این صورت در نزد احناف بر امر قصاص وجود ندارد؛ چون این قتل قتل به تسبب است و قتل به تسبب در آن قصاص نبوده بلکه در آن دیت لازم است. اما جمهور علماء یعنی مالکی ها و شافعی ها و حنبلی ها میگویند که از امر قصاص گرفته میشود؛ چون او متسبب قتل است و مباشر آن به منزله یک آله در دست وی بوده و به هر صورتی که میخواهد آنرا حرکت میدهد.

1- الشوکانی، الإمام محمد بن علی: نیل الأوطار شرح منتهی الأخبار، ج 11 ص 37، مکتبة دار التراث، القاهرة - مصر، د ط، د ت.

2- صحیح: قبلاً تخریج آن گذشت.

3- ابن عبدالبر، الإمام یوسف بن عبدالله: الاستذکار، ج 8 ص 155، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، ط 1، 1421 هـ 2000 م.

ب - اگر مامور طفل ممیز باشد یا شخص بزرگ عاقل و بالغ باشد، در این صورت امر بر او دارای قدرت و نفوذ بوده و یا نمیباشد. اگر امر بالای مامور تسلط نداشت، امام مالک، شافعی و احمد میگویند که شخص مباشر و مامور قصاص میگردد و امر تعزیر میشود.

اما اگر امر بر مامور تسلط و حاکمیت داشت مانند تسلط پدر بر فرزند کوچکش و تسلط پادشاه بر افراد تحت امرش به نحویکه در صورت نافرمانی مامور، خوف کشتن وی توسط امر وجود داشته باشد، در این صورت در نزد امام مالک از امر و مامور هر دو قصاص گرفته میشود؛ چون امر در این حالت اکراه شمرده میشود.

و شافعی ها و حنبلی ها میگویند: اگر مامور بداند که قتل بدون حق است پس در این صورت از مامور مباشر قصاص گرفته میشود؛ چون در عمل خود معذور نیست نظر به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: (لا طاعةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ)¹ یعنی در نافرمانی خالق از مخلوق اطاعت نمیشود، و امر به علت قتل ناحق و ارتکاب معصیت تعزیر کرده میشود. و اگر مامور نمیدانست که قتل بدون حق است در این صورت قصاص بر امر است؛ چون مامور به سبب واجب بودن اطاعت از امام در غیر از معصیت معذور میباشد و ظاهر حال او اینست که او جزء به حق به چیز دیگری امر نمی نماید.

و در نزد امام ابوحنیفه بر امر قصاص نیست مگر اینکه مکره باشد همانطوریکه بر مامور نیز قصاص نیست در صورتیکه امر از کسی صادر شده باشد که حق آن را داشته باشد؛ چون امر و یا اجازه شبیه ای است که قصاص را دفع مینماید، و اگر امر از کسی که حق آن را ندارد صادر شده بود بنابر این مامور قصاص میگردد²

شراکت سببی در جرم قتل به اساس اکراه : دکتور وهبه زحیلی در مورد اکراه بر قتل چنین می نویسد: « اگر مردی کسی دیگری را بر قتل اکراه نمود یعنی او را به آنچه در نفس و مال وی ضرر میرساند تهدید نمود، امام ابوحنیفه و محمد میگویند که بر مکره قصاص واجب میگردد نه مستکره و مباشر قتل، نظر به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: (رفع عن أمتي الخطأ والنسيان

1- صحیح : رواه ابن أبي شيبة برقم 192 عن الحسن والطبراني 14795 والشهاب القضاعي 814 عن عمران بن حصين والسيوطي 1237 والبيهقي في شرح السنة عن النواس بن سمعان . صححه الألباني في السلسلة الأحاديث الصحيحة برقم 179 ج 1 ص 178 و صححه أيضا في صحیح و ضعيف الجامع الصغير برقم 13477 ج 28 ص 49 .

2 - الزحيلي ، الدكتور وهبة ، الفقه الإسلامي وأدلته ، ج 7 ص 5640 - 5641 .

و ما استکرهوا علیه¹ یعنی از امت من گناه خطا و فراموشی و آنچه بر آن اکراه میشوند برداشته شده است. و چون مستکره به منزله آله دست مکره مییابد، و قاتل در معنی مکره است و چیزی که از مستکره صادر شده است فقط شکل قتل است.

و امام ابو یوسف میگوید: بر هیچ کس به سبب وجود شبهه قصاص نیست، برابر است که مکره باشد یا مستکره؛ چون مکره مباشر جرم قتل نیست بلکه مسبب آن است و مستکره قاتل مییابد.

و امام زفر میگوید: بر مستکره قصاص لازم است؛ چون در حقیقت و واقعیت قتل از او صادر شده است. و به این اساس معلوم میگردد که در مذهب حنفی سه نظریه وجود دارد و مشهورترین شان نظریه اول است.

و جمهور علماء یعنی مالکی ها و شافعی ها در قول مشهور شان و حنبلی ها میگویند: بر مکره و مستکره هر دو قصاص لازم است؛ چون مکره به آنچه غالباً منجر به قتل میشود مسبب قتل است، و مستکره مباشر قتل با قصد و تعدی مییابد و با فعل خود بقای نفس خود را ترجیح داده است و من این نظریه را ترجیح میدهم²

کود جزای کشور در صورت ساقط شدن قصاص به اساس شبهه و یا سبب دیگر نظریه جمهور علماء در مسئله اکراه بر قتل را تایید نموده ولی مکره و مستکره را به جزای مساویانه محکوم ننموده بلکه برای مستکره یک درجه پایین تر از مکره جزا تعیین نموده است، چنانچه ماده 549 چنین صراحت دارد:

« 1 - اکراه در قتل موجب رفع مسئولیت از اکراه شونده نمیگردد.

2 - هرگاه شخصی، دیگری را به قتل شخص دیگری اکراه کند، در صورت وقوع قتل اکراه کننده به حبس دوام درجه 1 و اکراه شونده به حبس طویل تا هفت سال محکوم میگردند³»

با توجه به اقوال مختلف فقهاء مذاهب اسلامی و ماده قانون نظریه جمهور علماء که قاتل به قصاص از مکره و مستکره هستند نظر به دلایل زیر ترجیح داده میشود:

الف - در این مسئله تاثیر مکره و مستکره یا مسبب و مباشر قتل با هم برابر و متعادل مییابد و در بحث قواعد فقهی گذشت که درین صورت ضمان بر هر دوی شان است، استاد عبدالقادر عوده

1- صحیح: قبلا تخریج آن گذشت.

2- الزحیلی، الدكتور وهبة، الفقه الإسلامي وأدلته، ج 7 ص 5639.

3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: کود جزا.

میگوید: «برابری سبب و مباشرت زمانی است که عمل شان برابر شود مانند اکراه بر قتل، چون مکره کسی است که مباشر را به حرکت میآورد و او را بر ارتکاب جرم وادار میسازد و اگر اولی نمیبود دومی هیچ چیزی را انجام نمیداد و اگر فعل دومی نمیبود اکراه منجر به قتل نمیشد»¹

ب - به اجماع علماء اکراه بر قتل آنرا مباح نگردانیده و نه هم جزا را از قاتل دفع مینماید، بر فتاوی یسألونک آمده است: «بدون شک اهل علم اتفاق دارند بر اینکه قتل مسلمان تحت هیچ نوع وضعی از اوضاع اکراه و اضطرار مباح نمیگردد، بنا براین اکراه و یا اضطرار قتل مسلمان را حلال نمیسازد، امام قرطبی میگوید: «علماء اجماع نموده اند بر اینکه اگر کسی بر قتل دیگری اکراه گردید برایش اقدام نمودن به قتل او جایز نیست و نه هم هتک حرمت وی به شلاق زدن و غیره جواز دارد و بر مصیبت که بر وی وارد شده صبر نماید و برایش جایز نیست که دیگران را فدای خود نماید» و فقیه حنفی امام زیلعی میگوید: «اگر کسی بر قتل دیگری مکره واقع شد برای زنده نگه داشتن خود کشتن وی برایش مجاز نیست چون دلیل رخصت که ترس از تلف شدن است در حق وی و شخص سومی برابر است» پس زمانیکه قتل به اساس اکراه جواز نداشته باشد در صورت وقوع آن مکره و مستکره هر دو در جرم شریک بوده و قصاص میگردند»²

ج - قصاص نمودن مکره و مستکره هر دو موافق با مقاصد شریعت اسلامی در حفظ جان انسانها است همانطوریکه شراکت چند نفر در قتل عمد موجب قصاص همه اشتراک کننده گان میگردد همینطور شراکت مکره و مستکره به اساس سببیت و مباشرت موجب قصاص هر دو آنها میگردد و برای اینکه دروازه شر و فساد بطور گسترده باز نشود و مجرمین به اساس اکراه از قصاص فرار ننمایند لازم است تا مکره و مستکره هر دو شان مجازات گردند تا اینکه دروازه قتل و خون ریزی به طور کامل بسته گردد و کسی ادعای سببیت و یا آمر یا مامور بودن یا تحت اکراه واقع شدن را مطرح ننماید و قصاص تعطیل نگردد.

د - حدیث: (رفع عن أمتي الخطأ والنسيان، وما استكروها عليه)³ بطور مطلق نیست، بلکه حکم

این حدیث منحصر به حقوق الله میباشد یعنی حقوق الله به اثر خطا، فراموشی و اکراه ساقط میگردند، اما حقوق بنده گان توسط اکراه ساقط نمیگردند بنابراین جرایمی مانند قتل، جرح، قطع اعضاء، اتلاف

1- عودة، عبدالقادر: التشریح الجنائی الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي، ج 1 ص 370.

2- عفانة، دكتور حسام الدين موسى: فتاوی یسألونک، ج 6 ص 342، دارالکتب العلمیة، بیروت - لبنان، ط 2، 1417 هـ 1997 م.

3- صحیح: قبلا تخریج آن گذشت.

مال غیر و مانند اینها که حق بنده گان به آن وابسته است ولو که در حالت اکراه واقع گردند شامل حکم این حدیث نمیشوند و مکره یا مستکره به اساس این حدیث از مجازات معاف نمیگردند.

شیخ محمد بن صالح العثیمین در شرح الأربعین مینویسد: «تمامی محرمات در عبادات و غیر عبادات را اگر انسان به اساس جهل یا فراموشی یا اکراه انجام دهد، مادامیکه متعلق به حق الله باشد بر او چیزی نیست، اما حق آدمی از لحاظ ضمان و تاوان قابل عفو نمیشود اگر چه شرعا از لحاظ گناه معاف مییاشد»¹

مطلب دوم : مجازات مسبب جرم در جرم جرح اعضاء :

فقهاء اتفاق دارند بر اینکه اگر چند نفر کسی را مجروح نمودند، و به سبب این جرح از بین رفت، بر همه جارحین دیت او طور مساویانه واجب است، و دیت آن به تعداد جراحات که بر شخص وارد نموده اند بستگی ندارد بلکه شراکت جارحین در آن معتبر است هر کسیکه به نحوی در جرح شخص دخالت داشته باشد، در تاوان و دیت شریک است ولو که تعداد ضربات یا جراحاتی را که بر شخص مجروح وارد نموده بود کمتر از دیگران باشد، حال بطور نمونه چند قول از اقوال فقهاء را درین جا ذکر مینمایم :

امام سرخسی میگوید: «اگر کسی شخصی را یک مرتبه جرح نمود و دیگری او را ده مرتبه جرح نمود، و به سبب آن کشته شد بنا براین نصف دیت بر هر یکی از آنها لازم است»²

امام نووی در المجموع میگوید: «اگر کسی شخصی را یکبار مجروح نمود و شخص دیگری او را صد مرتبه مجروح نمود، بر هر دو آنها قصاص لازم است؛ چون جرح سبب سرایت در بدن میگردد، و احيانا شخص به سبب یک جرح از بین میرود و به سبب چندین جرح از بین نمیرود، و نسبت دادن قتل به هیچ یکی از آنها بطور مشخص امکان ندارد و ساقط کردن قصاص هم امکان ندارد بنا براین بر همه لازم است»³.

ابن قدامه می نویسد: «کسیکه سبب سرایت را به اختیار خود انجام دهد، تاوان آن بر وی لازم است مانند کسیکه انسانی را زخمی نماید و جرح او به مرگ او سرایت نمود؛ چون مباشرت وی به

1- العثیمین، الشیخ محمد بن صالح: شرح الأربعین النوویة، ص 415، دارالثریا للنشر والتوزیع، الریاض-السعودیة، ط 3، 1425 هـ 2004 م

2- السرخسی، الإمام شمس الدین أبوبکر محمد بن أحمد: المبسوط، ج 32 ص 334 .

3- النووی، الإمام أبو زکریا محی الدین: المجموع شرح المذهب، ج 18 ص 368 .

آنچه سرایت مینماید و تسبب وی در لزوم حکم سرایت آن یکی است بدلیل برابر بودن تاثیر انگیزه دهنده و پرتاب کننده در تاوان کسیکه در چاه پرتاب شده است»¹.

از اقوال فقهاء فوق چنین فهمیده میشود که در صورتیکه چند نفر در جرح یک نفر شریک شوند و هرکدام شان ضربه یا ضرباتی را بر بدن مجروح وارد نمایند و به اثر آن از بین برود و این ضربات از یکدیگر تفکیک نگردد که کدام یکی کشنده بود یا در هلاک مجنی علیه تاثیر داشت در این صورت دیت شخص مقتول بر همه آنها بطور مساویانه تقسیم میگردد و باید آنرا بپردازند. اما اگر ضربات آنها قابل تفکیک بود هر یک از آنها مسئول عمل جرمی خود میباشد و از عمل جرمی شریک خود مسئول نخواهد بود.

مطلب سوم : مجازات مسبب جرم در جرم سرقت :

اگر چند نفر در جرم سرقت شریک شوند، بعضی از آنها مباشر جرم باشند و بعضی دیگر معاون آنها باشند، درین صورت فقهاء میگویند که دست های همه آنها یعنی مباشرین و معاونین شان قطع میگردد، در صورتیکه به هر یکی از آنها نصاب کامل برسد؛ چون به اساس همکاری و تعاون یکدیگر این جرم را انجام میدهند و فقهاء میگویند که همانطوریکه مباشر و معاون در جرم راهزنی با هم فرقی ندارند همین طور در اینجا نیز فرقی ندارند، البته بعضی جزئیات در اقوال فقهاء درین مورد وجود دارد ولی من از ذکر جزئیات خود داری مینمایم و صرف اقوال فقهاء که بطور عموم درین مسئله ذکر شده نقل مینمایم.

امام کاسانی میگوید: « اما تسبب در جرم سرقت این است که جماعتی از سارقین به منزل کسی وارد شوند و اثاث خانه وی را بگیرند و یک نفر آن را به خارج حمل نماید، از لحاظ قیاس دست هیچ کس قطع نمیگردد مگر کسیکه اثاث خانه را حمل کرده است و این قول امام زفر است ، و از لحاظ استحسان دست همه آنها قطع میگردد؛ چون اخراج مال از لحاظ معنی از همه آنها صورت گرفته است و شخص حمل کننده بدون کمک و نگرهبانی دیگران مال را حمل کرده نمیتواند، به این سبب عمل اخراج از لحاظ معنی از همه آنها صورت گرفته است و به این سبب کمک کننده به مباشر جرم در راهزنی و غنیمت ملحق شده است و همین طور در این جا نیز عین حکم را دارد»².

1- ابن قدامه ، موفق الدین عبدالله بن أحمد المقدسی : المغنی ، ج 24 ص 44 .

2- الکاسانی ، الإمام علاء الدین أبي بكر بن مسعود : بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ، ج 15 ص 157 .

ابن قدامه در المغنی میگوید: «امام احمد در مورد دو نفر مرد که به خانه ای وارد شدند و یکی از آنها در پائین خانه اثاث را جمع آوری نمود و آنرا به ریسمان بسته نمود و دیگری در بالای خانه ریسمان را کش نموده وسایل را به بیرون از خانه پرتاب نمود، بنابراین دست هر دوی شان قطع میگردد؛ چون هر دو در اخراج مال اشتراک نمودند، و اگر هر دو شان داخل شدند و یکی از آنها به تنهایی اثاث را بیرون آورد، اصحاب ما میگویند که قطع دست بر هر دو آنها لازم است»¹.

بطور خلاصه از اقوال فقهاء چنین برداشت میشود که مباشرین و معاونین جرم سرقت زمانی دست های همه آنها قطع میگردد که برای هر یکی به اندازه نصاب کامل جرم سرقت مال برسد و نکته مهم دیگر اینکه همه آنها یعنی مباشرین و معاونین در اخراج مال شرکت داشته باشند بنا بر این اگر کسی وارد خانه ای شود و اثاث خانه را به بیرون پرتاب نماید و سپس شخص دیگری آنرا بردارد درین صورت دست هیچ یک از آنان قطع نمیگردد؛ چون شخص دومی مال را از محل محفوظ برنداشته است و شخص اولی مال را از محل محفوظ خارج نکرده است؛ چون دست شخص دومی بالای آن ثابت است، بنا بر این دست کسی قطع میشود که در اخراج مال از محل محفوظ بصورت فزیکتی و معنوی سهم داشته باشد در غیر این صورت دست شان قطع نمیگردد همانطوریکه این نکته از اقوال و عبارات فقهای مذکور فهمیده میشود.

مطلب چهارم : مجازات مسبب جرم در جرم راهزنی :

در مورد مجازات مسبب جرم در راهزنی فقهاء اختلاف نظر دارند، علمای مذهب احناف و مالکی ها میگویند که مسبب و مباشر جرم هر دو در مجازات برابر اند، اما علمای مذهب شافعی میگویند که مسبب جرم مانند مباشر بطور کامل مجازات نمیگردد بلکه تعزیر میشود .

امام سرخسی درین مورد میگوید : «مباشر و غیر مباشر در حد راهزنی در نزد ما برابر است و در نزد امام شافعی بغیر از کسی که مباشرت قتل و گرفتن مال را کرده است حد تطبیق نمیگردد؛ چون حد جزای عمل شان است و این جزا بغیر از کسیکه آنرا مباشرت نموده است بالای کس دیگری واجب نمیگردد و دلیل ما این است که این حکم متعلق به محاربت است و حمایت کننده و

1- ابن قدامه : همان ، ج 20 ص 282 .

مباشر جرم در آن برابر هستند مانند مستحق شدن سهم در غنیمت و تاثیر آن این است که همه شان مباشر سبب هستند که عبارت از محاربه و قطع راه است»¹

این قدامه در المغنی میگوید: «و حکم حمایت کننده (متسبب) راهزنان مانند مباشرین آن است و این گفته امام مالک و ابوحنیفه است، و امام شافعی میگوید: بر حمایت کننده بغیر از تعزیر چیزی نیست، چون حد به ارتکاب معصیت واجب میگردد، و مانند سایر حدود به کمک کننده تعلق نمیگیرد، و دلیل ما این است که این حکم به محاربت تعلق میگیرد و حمایت کننده و مباشر در آن برابر است، مانند مستحق شدن مال غنیمت، و چون محاربت بر مبنای قوت، حمایت، کمک و همکاری استوار است و مباشر کار خود را بدون حمایت کننده برخلاف سایر حدود انجام داده نمیتواند»²

« اگر یکی از محاربین گرفتن مال را بدوش گرفت، بعد از آن کس دیگری گرفتار شد، تاوان همه مالی را که گرفته بودند بر او لازم است، خواه حصه ای از آن را گرفته باشد یا نگرفته باشد، امام مالک گفته است: (اگر یکی از آنها توبه نمود، و هر یکی از آنها حصه ای از مال را گرفته بودند، تاوان همه اموال بر این توبه کننده است؛ چون او توسط آنها قوی شده است). این رشد میگوید: اگر گروهی در غضب، سرقت و محاربت متحد شدند، پس هر یکی از آنها مسئول تاوان تمامی اموال است که آنرا گرفته بودند؛ چون آنها یکدیگر را تقویت نموده اند مانند گروهی که بر قتل یک نفر اتفاق مینمایند و همه آنها بواسطه او کشته میشوند»³

« و کسیکه راهزنان را کمک نماید، و گروه آنها را زیاد نماید و زیادتر از آن چیزی را مانند مال نگرفت و کسی را نکشت، مانند مجازات دیگر گناهان به حبس یا تبعید و مانند آن تعزیر کرده میشود، و در حدیث آمده است: (مَنْ كَثُرَ سَوَادَ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ)⁴ کسیکه جماعت یک قوم را زیاد نماید او از جمله آنها است»⁵.

1- السرخسي، الإمام شمس الدين أبوبكر محمد بن أحمد: المبسوط، ج 11 ص 463 .

2- ابن قدامه: همان، ج 20 ص 307 .

3- منح الجليل شرح مختصر خليل، ج 20 ص 117 .

4- رواه البوصيري في اتحاف الخيرة المهرة برقم 3297 باب فيمن دعي إلى وليمة.... ج 4 ص 44 - ورواه السيوطي في جمع الجوامع عن الديلمي عن ابن مسعود رضي الله عنه برقم 6433 باب حرف الميم ج 1 ص 24336 .

5- الشرييني، الشيخ محمد الخطيب: مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، ج 17 ص 75، دار الفكر، بيروت - لبنان، د ط، د ت

بطور خلاصه از اقوال فقهای مذاهب چهارگانه چنین برداشت میشود که معاون جرم راهزنی به هر حال مستحق مجازات است، اما فقهاء در مجازات وی اختلاف نظر دارند، جمهور فقهاء (احناف، مالکی ها و حنبلی ها) به این نظر هستند که مجازات مباشر جرم راهزنی و معاون وی یکسان است و کدام فرقی در بین شان وجود ندارد؛ چون آنها با همکاری و معاونت یکدیگر این جرم را تکمیل مینمایند و به هدف خود از این طریق که همانا گرفتن اموال مردم میباشد میرسند، اما فقهای مذهب شافعی به این قائل هستند که مجازات معاون جرم راهزنی صرف تعزیر است و آن هم به حبس یا تبعید هر کدام را که امام یا حاکم مسلمانان مصلحت ببیند.



فصل چهارم

مبحث اول : اسباب تشدید ، تخفیف و سقوط مجازات شراکت در جرم

تمامی جرایم در ذات خود سبب وارد شدن ضرر به افراد، به هم خوردن نظم و آرامش جامعه، تلف شدن اموال و دیگر ضررها میگردد، اما این ضررها نظر به اختلاف جرایم و طبیعت مجرمین متفاوت میباشد، مثلاً کسانیکه جرم راهزنی را مرتکب میشوند ضرر آنها به افراد و جامعه به مراتب بالاتر و شدیدتر از جرم سرقت عادی میباشد، چون در جرم راهزنی خطر تلف شدن جان و مال و ابرو برای همه مردم وجود دارد، در حالیکه در جرم سرقت تنها خطر متوجه مال یک شخص میباشد.

بنابر این لازم است تا حالات که به اثر آن مجازات مجرم یا شریک وی تشدید می یابد و یا حالاتی که به اثر آن جزای آنها تخفیف می یابد و یا بالآخره مجرم و یا شریک وی از مجازات معاف میشوند تحت بررسی قرار گرفته و تذکر داده شود تا بالای مجرم جزای عادلانه مطابق به جرمی که مرتکب شده تنفیذ گردد.

مطلب اول : اسباب تشدید مجازات شریک جرم در فقه اسلامی :

مجازات هر شریک به شرایط خاص وی بستگی دارد، و اصل این است که مجازات هر شریک به صفت فعل وی و صفت فاعل و قصد وی بستگی دارد، مثلاً اگر دو نفر در لت و کوب یک نفر شرکت نمایند و یکی از آنها به مقصد جرح وی او را لت و کوب مینماید و دیگری به مقصد کشتن وی او را لت و کوب مینماید و به اثر همین لت و کوب از بین میرود، در این صورت مجازات شخص اولی قابلیت تخفیف را دارد و مجازات شخص دومی قابلیت تشدید را دارد، و هم چنان اگر یک شخص به منظور دفاع از خود شخص مهاجم را کشته باشد در صورتیکه از حدود دفاع تجاوز نکرده باشد این عمل وی مشمول حالت خفیفه میباشد و اگر مهاجم با چوب به او حمله کرد و شخص دفاع کننده با چاقو و یا سلاح در مقام دفاع از خود برخاست و او را با یک ضربه از بین برد، در این صورت چون از حدود دفاع شرعی تجاوز کرده است این عمل وی شدت مجازات را در پی دارد.

استاد عبدالقادر عوده میگوید: « شخص قصد کننده و خطاکار اگر در جرم قتل با هم شریک شدند هر یکی از آنها به اساس قصد شان مجازات میشوند، بر شخص قصد کننده مجازات قتل عمد میباشد و بر شخص خطاکار مجازات قتل خطا میباشد؛ و جزای شخص اولی به تخفیف جزای دومی

متاثر نمی شود؛ چون اساس تخفیف نبود قصد در مجرم است و این معنی در مجرم قصد کننده وجود ندارد. این یک قاعده اساسی در شریعت اسلامی بوده که کدام اختلافی بین فقهاء در مورد آن وجود ندارد، و اگر آنها در تطبیق این قاعده در جرایم حدود و قصاص اختلاف کرده اند، این اختلاف شان در تطبیق این قاعده وجود ندارد بلکه اختلاف شان در تطبیق قاعده دیگری است که عبارت از قاعده دفع تطبیق حدود به شبهات میباشد همانطوریکه این اختلاف در حالاتی که احتمال دارد فعل یکی از دو شریک منجر به نتیجه جرمی شده باشد مانند حالت قتل از طرف خطاکار و قصد کننده، و قتل از طرف دفاع کننده و متجاوز، و قتل از جانب عاقل و دیوانه، و از طرف طفل و بالغ و از طرف عمل داکتر و تجاوز مجرم»¹.

مطلب دوم : اسباب تشدید مجازات شریک جرم در قانون :

در کود جزای کشور ما بعضی از جرایم با حالات خاص ذکر شده اند و موجودیت شریک در آن با فاعل اصلی آن سبب تشدید مجازات برای فاعل و شریک جرم میگردد ، که ما به بعضی از آنها اشاره مینمائیم :

الف - قصد دنی یکی از شرکاء از جرم : مثلا دو نفر در قتل یک شخص اشتراک مینمایند، قصد یکی از آنها بدست آوردن میراث مقتول میباشد ولی شخص دومی چنین هدف ندارد، بنا براین برای اولی این وصف جرمی از حالات مشدده و برای دومی چنین نیست، ماده 66 کود جزا چنین میگوید : « هرگاه نظر به قصد فاعل یا چگونگی علم وی ، در وصف جرم تغییر وارد گردد، سایر شرکاء ، معاونین و فاعلین مطابق قصد و چگونگی علم شان به ارتکاب جرم مجازات میگردند»²

ب - شراکت در جرم ضرب یا جرح : بند 4 ماده 578 در مورد احوال مشدده جرم ضرب و جرح چنین صراحت دارد: « در حالتی که عمل توسط بیش از یک نفر صورت گرفته باشد »³ یعنی اگر چندین نفر در ضرب یا جرح یک شخص با هم اشتراک نمایند، این عمل شان سبب تشدید مجازات شان میگردد و آن این است که به حد اکثر مجازات جرم مذکور محکوم میگردند.

ج - شراکت در جرم هتک حرمت مسکن : بند 3 ماده 622 کود جزا در مورد حالت مشدده جرم هتک حرمت مسکن چنین مشعر است: « توسط شخص مسلح یا دو نفر یا بیشتر از آن »⁴ یعنی

1- عودة ، عبدالقادر : التشریح الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی ، ج 1 ص 364 .

2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : کود جزا .

3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

4- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

اگر جرم هتک حرمت مسکن توسط شخص مسلح یا دو نفر و بیشتر از آن صورت گیرد، به این معنی که با استخدام زور یا اشتراک چند نفر صورت گیرد، در این صورت مرتکبین طبق حکم همین ماده به حداکثر حبس متوسط محکوم میگردند.

د - شراکت در جرم تجاوز جنسی : ماده 641 کد جزا در مورد حالت مشدده جرم تجاوز جنسی چنین مشعر است: « هرگاه تجاوز جنسی بالای مجنی علیه توسط بیش از یک نفر ارتکاب یابد، هر یک از مرتکبین با رعایت احکام مندرج اجزای 4 و 5 ماده 170 این قانون حسب احوال به اعدام یا حبس دوام درجه 1 محکوم میگردند »¹

مجازات تجاوز جنسی حبس طویل است، اما اگر چندین نفر با هم درین جرم شریک باشند و بالای مجنی علیه این جرم را به شکل گروهی انجام دهند، این عمل شان حالت مشدده بوده و به اعدام یا حبس دوام درجه 1 محکوم میگردند و اجزای 4 و 5 ماده 170 به این نکته اشاره دارند که در صورتیکه این جرم باعث مرگ مجنی علیه شود در این صورت جزای فوق بالای شان تطبیق میگردد.

ه - شراکت در گروه سازمان یافته جرمی : فقره اول ماده 61 کد جزا در مورد گروه سازمان یافته جرمی چنین مشعر است: « گروه سازمان یافته جرمی عبارت است از تشکل منسجم سه نفر یا بیش از آن ، که بصورت منظم به هدف ارتکاب یک یا چند جرم جنایت یا جنحه، جهت حصول مستقیم یا غیر مستقیم منفعت فعالیت نماید . فقره دوم : مرتکبین جرایم سازمان یافته به حد اکثر مجازات جرم مرتکبه محکوم میگردند»²

از این ماده قانون چنین برداشت میگردد که کسیکه در یک گروه سازمان یافته جرمی شراکت داشته باشد، و در صورت ارتکاب جرایم از طرف این گروه به حداکثر مجازات جرم مرتکبه محکوم میگردند، یعنی مجازات شدید آن جرم محکوم میشوند.

مطلب سوم : اسباب تخفیف مجازات شریک جرم در فقه اسلامی :

در فقه اسلامی مواردی وجود دارد که به سبب آن جزای فاعل جرم و یا شریک وی تخفیف میابد و این موارد عبارتند از :

¹- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .
²- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

الف - شراکت طفل و دیوانه در قتل عمد همراه با بالغان : اگر در قتل عمد همراه با اشخاص مکلف طفل و دیوانه شراکت داشته باشد، قصاص از همه آنها به سبب وجود شده ساقط می‌گردد و دیت نفس بر آنها لازم می‌گردد، ابن قدامه درین مورد چنین می‌گوید: « اگر در قتل یک شخص طفل، دیوانه و بالغ شرکت کردند هیچ یک از آنها کشته نمی‌شود و ثلث دیت بر شخص عاقل در مالش لازم می‌شود، و بر قبیله هر یک از طفل و دیوانه ثلث دیت لازم است و آزاد کردن دو غلام در مالهای خود طفل و دیوانه لازم است چون نیت قصد شان خطا است»¹

ب - شراکت خطا کار و قصد کننده در جرم قتل : اگر دو نفر که یکی از آنها قصد کشتن شخصی را دارد و دیگری قصد کشتن وی را ندارد با هم در قتل شخصی جمع شوند و در نتیجه جرم قتل به میان آید بر هیچ یک از آنها قصاص نیست، لکن دیت مقتول در اموال شان لازم است، ابن قدامه درین مورد چنین می‌گوید: « اگر دو نفر یک شخص را کشتند و یکی از آنها خطا کار بود و دیگری قصد کننده، پس بر هیچ یکی از آنها قصاص نیست، و بر شخص قصد کننده نصف دیت در مالش لازم است و بر قبیله خطاکار نصف دیت لازم است و بر خود شخص خطاکار آزاد کردن یک غلام مسلمان در مالش لازم است»²

مطلب چهارم : اسباب تخفیف مجازات شریک جرم در قانون :

در کود جزای کشور مواردی ذکر شده که در صورت موجودیت آن در هنگام ارتکاب جرم و یا در شخص مجرم، مجازات از فاعل و شریک جرمی وی تخفیف می‌آید و ما در ذیل این موارد را همراه با ذکر یک مثال برای هر یکی به بحث می‌گیریم :

الف - وادار شدن چند نفر به رشوت دادن : هرگاه رشوت دهنده به دادن رشوت وادار گردیده باشد، درین صورت مجازات وی مشمول حالت خفیفه آن می‌گردد، ماده 386 کود جزا چنین صراحت دارد : «هرگاه رشوت دهنده مستحق اجرای عمل یا امتناع از آن بوده ولی به دادن رشوت وادار گردیده باشد، این عمل حالت مخففه شناخته شده، مرتکب به مجازات بدیل حبس یا جزای نقدی معادل رشوت محکوم می‌گردد»³

ب - تغییر وصف جرم شریک : هرگاه در جریان یک عمل جرمی حالاتی پیش بیاید که وصف جرم تغییر نماید درین صورت جزای جرم مذکور نیز تغییر مینماید، مثلاً دو نفر قصد کشتن یک

1- ابن قدامه، موفق الدین عبدالله بن أحمد المقدسی : المغنی، ج 18 ص 361.

2- ابن قدامه : همان، ج 18 ص 367.

3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان.

شخص را داشتند اما در اثنای این جرم حالاتی پیش آمد که موفق به کشتن وی نشدند اما او را مجروح ساختند درین صورت مجازات شان از قتل به جرح تخفیف میابد، ماده 64 کود جزا درین مورد چنین میگوید: «هرگاه در اثنای ارتکاب عمل جرمی حالات مادی رخ دهد که از اثر آن وصف جرم یا جزا تغییر نماید، نتایج آن بالای همه فاعلین، شرکا و معاونین تطبیق میگردد، مشروط بر اینکه حالات مذکور در نتیجه عمل همه آنها بوجود آمده باشد»¹

ماده 213 کود جزا - فقره اول: احوال مخففه مسئولیت جزایی عبارت از حالات و اوضاعی میباشد که موجودیت یک یا چند مورد آن باعث تخفیف جزای مرتکب میگردد.

فقره دوم: احوال مخففه مسئولیت جزایی قرار ذیل میباشد:

1 - ارتکاب جرم به اساس انگیزه شریفانه. مثلا چند نفر بخاطر نجات از گرسنگی اقدام به سرقت اموال مردم مینمایند، این حالت شان مشمول احوال مخففه جزایی میباشد.

2 - ارتکاب آنی جرم از اثر هیجان قوی روحی که زاده عمل غیرقانونی و تحریک آمیز مجنی علیه یا شخص ثالث باشد. مثلا یک نفر احساسات چند نفر را جریحه دار مینماید و آنها را به زنا متهم مینماید و آنها عکس العمل نشان داده وی را شدیداً لت و کوب مینمایند یا کدام عضو بدن وی را معیوب میسازند، در این صورت این عمل شان مشمول احوال مخففه جزای میباشد.

3 - ارتکاب جرم هنگام دفاع مشروع در صورتی که از حدود دفاع مشروع تجاوز صورت گرفته باشد. مثلا یک نفر بالای دو نفر با چوب حمله مینماید و دو نفر فوق الذکر در مقام دفاع با چاقو بر وی حمله مینمایند و او را مجروح مینمایند، درین صورت در مقام جزا این حالت شان مشمول احوال مخففه میباشد.

4 - ارتکاب جرم از اثر تهدید یا اجبار ناشی از قدرت مادی و معنوی یا اجبار وظیفوی در صورتی که از حدود شرایط اکراه، ایفای وظیفه و تعمیل امر، تجاوز صورت گرفته باشد.

5 - کوشش مرتکب برای جلوگیری از عواقب جرم انجام یافته. مثلا چند نفر میخواهند یک نفر را لت و کوب نمایند ولی قصد کشتن وی را ندارند اما به اثر ضربات وارده شدیداً مجروح گردیده بیهوش میشود، بلافاصله مجرمین او را کمک نموده و او را به شفاخانه میبرسانند که در نتیجه این کمک شان برای جلوگیری از عواقب بعدی جرم مشمول احوال خفیفه میگردد.

¹ - وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: همان.

- 6 - جبران داوطلبانه خساره وارده یا رفع ضرر ناشی از جرم .
- 7 - ارتکاب جرم برای بار اول .
- 8 - اعتراف یا اقرار متهم به ارتکاب جرم و ابراز ندامت جدی وی به نحوی که در تثبیت واقعیت قضیه یا معرفی یا بازداشت یا گرفتاری شرکاء یا معاونین جرمی، مساعدت نماید.
- 9 - ارتکاب جرم توسط زن حامله و یا دارای طفل شیرخوار .
- 10 - ابرای مجنی علیه .
- 11 - کبر سن برای مرد اکمال سن هفتاد و برای زن اکمال سن شصت و پنج .
- 12 - سایر حالات مندرج این قانون و یا حالاتی که محکمه از اوضاع و احوال مربوط به جرم و متهم استنباط میکند.¹

مطلب پنجم : اسباب سقوط مجازات شریک جرم در فقه اسلامی :

در فقه اسلامی موارد زیادی وجود دارد که به سبب آن مجازات شریک جرم ساقط میشود و ما در ذیل چند سبب از اسباب ساقط کننده جزای فاعل یا شریک جرم را به طور گذرا ذکر مینمائیم :

الف - شراکت پدر با سارقین در سرقت مال پسرش : اگر پدر شخصی در سرقت اموال پسرش با سارقین شریک باشد درین صورت حد سرقت از همه آنها بخاطر وجود شبهه ساقط میگردد چون پدر در اموال پسرش حق دارد، علامه ابن قدامه در المغنی چنین میگوید : « اگر یکی از شرکای جرمی سرقت کسی بود که دستش قطع نمیگردید مانند پدر کسی که مال او سرقت شده است دست شریک وی در یکی از اقوال قطع میگردد مثل اینکه در قطع دست پسرش شرکت کرده باشد و در قول دومی که صحیحتر است قطع نمیگردد، چون سرقت همه آنها علت قطع دست های شان است و سرقت پدر واجب کننده قطع دست نیست؛ چون او چیزی را گرفته است که حق دارد آنرا بردارد، و این عمل تجاوز محض است، و بدون شک قصاص بخاطر فضیلت پدر ساقط شده است نه بخاطر کدام صفت در فعلش، و در اینجا عمل وی دارای شبهه میباشد پس لازم است که بواسطه آن قطع نگردد مانند شراکت قصد کننده و خطاکار در قطع دست»²

1- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

2- ابن قدامه : همان ، ج 20 ص 281 .

ب - شراکت خطا کار و قصد کننده در جرم قتل : اگر دو نفر در قتل یک شخص اشتراک نمایند یکی از آنها قصد کشتن وی را دارد و دیگری قصد کشتن وی را ندارد، درین صورت قصاص از هر دو آنها ساقط میگردد، امام نووی در المجموع چنین میگوید : « اگر دو نفر در قتل یک مرد اشتراک کردند و یکی از آنها ولو اگر جدا شود بر او قصاص لازم است و بر دیگری لازم نیست، پس اگر سقوط قصاص از یکی از آنها در معنای فعلش بود مانند اینکه یکی خطاکار و دیگری قصد کننده باشد بر هیچ یک از آنها قصاص لازم نیست و این گفته امام ابوحنیفه و امام احمد است و امام مالک میگوید: بر قصد کننده قصاص لازم است¹»

ج - شراکت شریک با سارقین در سرقت مال شریکش : اگر دو نفر در سرقت مالی شرکت نمایند و یکی از آنها شریک صاحب مال باشد، درین صورت حد سرقت به سبب شبهه شراکت در مال ساقط میگردد، امام سرخسی درین مورد چنین میگوید : « اگر یکی از سارقین از محارم مسروق منه یا شریک وی باشد، به سبب شبهه حد از وی دفع میشود و از دیگری به سبب شبهه شراکت دفع میشود؛ چون بیان نمودیم که یک سرقت است پس امکان ندارد که بعضی از آنها موجب جزا باشد و بعضی دیگر موجب جزا نباشد مانند خطا کننده همراه قصد کننده که در قتل اشتراک نمایند²»

د - شراکت طفل یا دیوانه همراه بالغین در جرایم حدود و قصاص :

1 - شراکت طفل یا دیوانه همراه بالغین در جرم سرقت : اگر طفلی همراه اشخاص بالغ در جرم سرقت اشتراک نماید، حد سرقت به علت وجود شبهه از همه آنها ساقط میگردد، درین مورد امام کاسانی چنین میگوید : « اگر جماعتی که در میان شان طفل و دیوانه است بنا بر قول امام ابوحنیفه حد سرقت از همه آنها دفع میشود و ابو یوسف میگوید : اگر طفل و دیوانه خارج کردن اشیاء را بدوش گرفتند حد قطع دست از همه آنها دفع میشود و اگر غیر از آنها دیگران خارج کردن اشیاء را بدوش گرفتند دست همه آنها غیر از طفل و دیوانه قطع میگردد³»

1- النووی ، الإمام أبو زکریا محی الدین : المجموع شرح المذهب ، ج 18 ص 370 .

2- السرخسی، الإمام شمس الدین أبوبکر محمد بن أحمد : المسوط، ج 11 ص 326 .

3- الكاسانی ، الإمام علاء الدین أبي بکر بن مسعود : بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ، ج 15 ص 158 .

2 - شراکت طفل یا دیوانه همراه بالغین در جرم راهزنی : امام سرخسی در مورد شراکت طفل با اشخاص بالغ در جرم راهزنی چنین میگوید : « و اگر همراه راهزنان طفل و یا دیوانه بود بر هیچ یک از آنها حد راهزنی تطبیق نمیشود»¹

3 - شراکت طفل یا دیوانه همراه بالغین در جرم قتل : امام کاسانی در مورد سقوط قصاص از قاتلین بالغ به اثر شراکت طفل در قتل یک شخص چنین میگوید : «اگر دو نفر در قتل شخصی اشتراک نمودند و یکی از آنها اگر جدا شود بالایش قصاص لازم است و دیگری بالایش قصاص لازم نیست مانند طفل همراه شخص بالغ، دیوانه همراه عاقل، خطاکار همراه قصد کننده، و پدر همراه بیگانه، و سید همراه بیگانه در نزد ما بر هیچ یک از آنها قصاص لازم نیست»²

مطلب ششم : اسباب سقوط مجازات شریک جرم در قانون :

همانطوریکه در فقه اسلامی موارد سقوط مجازات برای شریک جرم ذکر شده، به همین منوال در کود جزا نیز مواردی وجود دارد که سبب سقوط مجازات برای شریک جرم میگردد که ما در ذیل بطور خلاصه آنرا بیان مینمائیم :

قره اول ماده 62 کود جزا چنین مشعر است: « هرگاه فاعل به دلیل موجودیت اسباب اباحت مجازات نشود، شریک و معاون نیز مجازات نمیگردد»³

شرح کود جزا در شرح ماده فوق مینویسد: « عواملی باعث میشود که شخص مرتکب جرم، مجازات نشود و این عوامل اگر زوال کننده عنصر قانونی جرم باشد دارای اثر عینی و موضوعی است و عمل ارتکاب یافته را مباح دانسته و از حالت پدیده مجرمانه خارج میسازد یا اصلاً مجرمانه نمیداند که در مواد 118 تا 132 کود جزا تحت عنوان اسباب اباحت جرم بیان شده است که شامل رضایت مجنی علیه در بازی های ورزشی و عملیات جراحی و درمانی، ایفای وظیفه، تعمیل امر امر قانونی و دفاع مشروع میشود..... به عنوان مثال باید گفت هرگاه فاعل به تشویق معاون جرم از جان خود یا دیگری دفاع مشروع نموده و مهاجم را به قتل رسانیده است و در این جا فاعل (مدافع) به حیث قاتل جرم قتل مجازات نمیشود و کسی که او را در دفاع مشروع تشویق کرده است نیز قابل مجازات نیست؛ چون اصل دفاع را قانون گذار اجازه داده است و ارتکاب قتل با رعایت شرایط دفاع

1- السرخسی : همان ، ج 11 ص 454 .

2- الكاسانی : همان ، ج 16 ص 285 .

3- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان : همان .

مشروع، عمل مجرمانه نیست بلکه یک عمل مباح محسوب میشود و زمانی که خود عمل مباح و جایز باشد هیچ شخص به خاطر دخالت یا سهم داشتن در آن، مجازات نمیشود چه آن شخص فاعل باشد یا شریک و یا معاون¹

کود جزا در ماده 72 در مورد معافیت متفق جرم از جزای پیش بینی شده در قانون چنین صراحت دارد: «فقره اول: مجازات مندرج ماده 71 این قانون بر اشخاصی تطبیق نمیگردد که از اتفاق در جرم به مراجع مربوط اطلاع دهند، مشروط بر اینکه اطلاع قبل از وقوع جرم صورت گرفته باشد.

فقره دوم: اطلاع دهنده بعد از آغاز جستجو و تفتیش مراجع ذیصلاح به شرطی از مجازات معاف میگردد که اطلاع وی سبب تثبیت هویت متهم یا متهمینی گردد که نزد مراجع مذکور معلوم نباشد²

شرح کود جزا در مورد ماده فوق چنین می نویسد: «دلیل معافیت مجرم با وجود مسئولیت جزایی او برابر جرم ارتكابی، آن است که فایده اجتماعی معافیت بیش از مجازات متهم است. به بیان دیگر در این گونه موارد، قانون گذار با بررسی اوضاع و احوال به این نتیجه میرسد که پیشگیری از جرم و مصلحت اجتماع با عفو مجرم بهتر تامین میشود تا مجازات او؛ به همین جهت مجرم را از مجازات معاف میکند³

فقره اول ماده 519 کود جزا در مورد معافیت شریک در جرم قاچاق انسان یا ارتباط با گروه جنایتکار سازمان یافته چنین می نویسد: «شخصی که به نحوی از انحا با قاچاقبر انسان یا گروه جنایتکار سازمان یافته ارتباط و همکاری داشته ولی قبل از ارتكاب آن مراجع مسئول را در افشاء یا گرفتاری مرتکبین مساعدت نماید، از مسئولیت جزایی معاف میگردد⁴

شرح کود جزا در مورد چنین می نویسد: «فقره 1 ماده مذکور این افراد را از مسئولیت جزایی معاف میداند به شرط این که قبل از ارتكاب جرم در افشاء یا گرفتاری مرتکبین به مراجع مسئول مساعدت نماید، مانند اینکه فاعلان جرم میخواهند چند روز بعد، مرتکب جرم قاچاق انسان شوند و برای رفت و آمد و انجام کارهای خویش، موتری را کرایه میکنند، در خلال حمل و نقل ها، راننده موترا از گفتگوهای آنها در می یابد که آنها در یک باند قاچاق انسان دخیل میباشند، راننده مذکور

1- بنیاد آسیا: شرح کود جزا، ج 1 ص 217.

2- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: همان.

3- بنیاد آسیا: شرح کود جزا، ج 1 ص 242.

4- وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان: همان.

مامورین امنیتی را در جریان قرار میدهد و این باند گرفتار میگردند، در این مورد راننده یاد شده از مسئولیت جزایی معاف می باشد»¹



1- بنیاد آسیا: همان، ج 3 ص 168.

مبحث دوم : مناقشه

بعد از اینکه به توفیق الله متعال موضوعات و مسایل عمومی شراکت در جرم را از لحاظ فقه اسلامی و کود جزای کشور ما افغانستان بیان نمودم لازم میبینم یک مروری کوتاه بر قواعد و احکام جزایی فقه اسلامی و کود جزای کشور داشته باشم و آنها را با هم مقایسه نمایم تا مزایا و کاستی هر یک از آنها برای خوانندگان ظاهر شود :

مزایای احکام فقه اسلامی در ممانعت از اشتراک در جرم :

1 - جنبه اخلاقی فقه اسلامی در ممانعت از اشتراک در جرم : فقه اسلامی شراکت در جرم را از هر لحاظ نادرست و حرام میدانند، شراکت در جرم را از موافقت زبانی گرفته تا معاونت بدنی به هر شکلی از اشکال خواه به تشویق باشد یا اتفاق یا تهیه وسایل برای مرتکبین جرم را همه حرام میدانند و از همه شدیدتر شراکت در تنفیذ رکن مادی جرم را حرام میدانند و در صورت وقوع آن جزای مباشر جرم را یعنی جزای کامل همان جرم را بر وی تطبیق مینمایند ، الله تعالی میفرماید: ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائده/2) و بر گناه و تجاوز یکدیگر را یاری ننمائید.

و نبی علیه السلام در حدیثی میفرماید: (مَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِ مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ)¹

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه بر قتل یک مومن به نصف کلمه ای معاونت نماید، در حالی با الله جل جلاله ملاقات مینماید که میان دو چشم وی نوشته شده که از رحمت الله جل جلاله ناامید شده است .

بنا بر این در شریعت اسلامی قتل یک مسلمان گناه بزرگ بوده که شراکت در آن نیز انسان را از رحمت الله جل جلاله دور مینماید به نحوی که شخص مذکور مورد قهر و غضب الله جل جلاله واقع میگردد.

2 - جنبه مجازات اخروی در ممانعت از شراکت در جرم :

الله صلی الله علیه وسلم در احادیث زیادی شراکت در جرم را تقبیح نموده و فاعل آن را به

1- ضعیف : رواه ابن ماجه برقم 2610 باب التغلیظ فی قتل مسلم ظلما ، عن ابی هریره رضی الله عنه ج 8 ص 49 . وضعفه الالبانی فی صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه برقم 2620 ج 6 ص 120 - و فی السلسلة الضعیفة برقم 503 ج 2 ص 1 .

مجازات شدیدی در آخرت وعده داده است، و هر نوع همکاری با مجرمین را جرم قلمداد کرده است، چنانچه الله تعالی میفرماید: ﴿وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ (النساء/105) و دفاع کننده خائنان مباش . یعنی از خائنان و مجرمین به هر شکلی از اشکال دفاع نمودن جرم است؛ چون دفاع نمودن از آنان در حقیقت همکاری با آنان میباشد و همکاری با خائنان و ظالمان در ذات خود خیانت و ظلم است و خیانت و ظلم هر دو در آخرت عواقب بدی را دارد .

و الله متعال در آیت دیگری میفرماید: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود/113)

یعنی به ظالمان و مجرمین رکون و میلان ننمائید که آتش جهنم به شما میرسد.

رکون و میلان نمودن به ظالمان در حقیقت شریک شدن با اعمال و کردار جرمی شان میباشد که از شرک و کفر به الله جل جلاله گرفته تا قتل انسانها، تجاوز بر اموال و ابروی مردم و هر نوع فساد نمودن در زمین را شامل میشود، که در نتیجه عاقبت این همه ظلم و جرایم شریک شدن با جزای اعمال شان در آخرت است که الله رب العزت آن را به رسیدن آتش جهنم به بدن های مجرمین تعبیر کرده است.

و نبی علیه السلام در مورد شراکت اهل آسمانها و زمین در قتل یک مسلمان همه آنها را به عذاب جهنم وعده داده است چنانچه از او صلی الله علیه وسلم روایت است که میفرماید: (لَوْ أَنَّ أَهْلَ

السَّمَاءِ وَأَهْلَ الْأَرْضِ اشْتَرَكُوا فِي دَمِ مُؤْمِنٍ لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ فِي النَّارِ)¹

از ابوسعید خدری و ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: اگر اهل آسمان و زمین در ریختن خون یک مسلمان اشتراک نمایند الله تعالی آنها را در آتش جهنم سرنگون خواهند نمود.

بنا بر این آیات و احادیث زیادی در مورد تقبیح شراکت در جرم وارد شده که حکم این آیات و احادیث عام بوده و تنها بر جرم قتل منحصر نیست، هر کس در کدام جرمی کس دیگر را اعانت نماید یا همراه وی شریک گردد در حقیقت خود را مستحق عذاب الهی گردانیده است که این یک رسوایی بزرگ در آخرت است .

1- صحیح لغیره : صححه الألبانی فی صحیح و ضعیف سنن الترمذی برقم 1398 ج 3 ص 398 ، رواه الترمذی برقم 1318 باب الحكم فی الدماء، عن ابی سعید الخدری و ابی هریره رضی الله عنه ، ج 5 ص 279 و قال هذا حدیث غریب .

3 - جنبه مجازات دنیوی در ممانعت از شراکت در جرم : یکی دیگر از قواعد فقه اسلامی در ممانعت از اشتراک در جرم مقرر نمودن مجازات دنیوی برای اشتراک کننده گان در جرم است، چنانچه الله تعالی در مورد جرم قتل چنین حکم مینماید: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ﴾ (البقرة/178) یعنی بر شما قصاص گرفتن در کشته شده ها فرض شده است .

و قصاص گرفتن همانطوریکه از یک نفر قاتل گرفته میشود همچنین در مورد چندین نفر در صورتیکه در یک عمل جرمی مثلاً قتل عمد شریک باشند قابل اجراء است . در این مورد عمر بن الخطاب رضی الله عنه در قتل یک پسر توسط هفت نفر از اهل یمن حکم قصاص را صادر کرده و چنین فرمودند: (لَوْ تَمَالَأَ عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَفَتَنَتْهُمْ جَمِيعًا)¹

از سعید بن المسیب رضی الله عنه روایت است که عمر بن الخطاب رضی الله عنه پنج یا هفت نفر را بخاطر قتل یک مرد که غافلگیرانه او را کشته بودند قصاص نمودند و گفت : اگر اهل صنعاء در قتل وی همکاری و اشتراک نمایند همه آنها را قصاص خواهم نمود.

و از مظاهر رحمت و عدل الله تعالی این است که اگر کسی در این دنیا بواسطه زور و قوت بر کسی ظلم نماید الله تعالی او را به مجازات ظلمش میرساند و آن هم جزای مثل ظلمش است که یک ظالم دیگر را بالای وی مسلط مینماید چنانچه نبی علیه السلام میفرماید : (مَنْ أَعَانَ عَلَى حُصُومَةٍ بِظُلْمٍ أَوْ يُعِينُ عَلَى ظُلْمٍ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ)²

از نافع و او از ابن عمر رضی الله عنه روایت مینماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه بر کدام دعوی به ظلم کمک نماید و یا بر ظلم کمک مینماید، همیشه در غضب الله متعال است تا اینکه از آن دست بکشد .

4 - تعیین نمودن مسئولیت جزایی شریک جرم : و برای معلوم شدن مسئولیت جزایی شریک جرم فقهاء قواعد فقهی را از آیات قرآنکریم و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم استخراج کرده اند و برپایه آن مسئولیت هر شریک را مشخص نموده اند، طوریکه فقهاء شریک جرم را به دو نوع تقسیم

1- صحیح: رواه مالك في الموطأ برقم 1368 عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه، باب ما جاء في الغيلة والسحر ج 5 ص 317 و ابن أبي شيبة 145 و عبدالرزاق 18075 في مصنفيهما والدارقطني برقم 3511 . صححه الألباني في مختصر إرواء الغليل برقم 2201 ج 1 ص 437 .

2- حسن : رواه ابن ماجه برقم 2311 باب من ادعى ما ليس له و خاصم فيه ، عن ابن عمر رضي الله عنه ج 7 ص 112 . حسنه الالباني في السلسلة الصحيحة برقم 1021 ج 3 ص 19 .

نموده اند، شریک مباشر یا مستقیم جرم و شریک غیر مباشر یا شریک معنوی جرم، و گفته اند که شریک مباشر یا مستقیم جرم به هر حال مسئول عمل جرمی میباشد خواه قصد تجاوز و ضرر رساندن به دیگران را داشته باشد یا نداشته باشد، اما شریک غیر مباشر یا شریک معنوی جرم زمانی مسئول عمل جرمی میباشد که قصد ضرر رساندن به دیگران را داشته باشد یا عمل وی زمانیکه از مباشر جدا گردد به تنهایی در ضرر رساندن به دیگران موثر باشد و یا مجازات مباشر به هیچ شکلی امکان نداشته باشد.

5 - پرداختن به جزئیات احکام مسئولیت جزایی شرکای جرمی : از مزایای فقه اسلامی

پرداختن به تمامی جزئیات و احکام مسئولیت جزایی شرکای جرمی میباشد، مثلاً در مبحث شراکت مباشر گفته اند که این نوع شراکت به سه شکل صورت میگیرد و عبارتند از: شراکت اتفاقی و شراکت توافقی و شراکت تعاقبی در جرم و احکام زیادی را بر آن بنا کرده اند و در جزئیات شان اختلاف دارند که این اختلاف شان نمونه بارزی از درک عمیق و فکر باز شان در نصوص شریعت اسلامی میباشد مسائلی مانند اتفاق شرکاء بر قتل، قطع اعضاء و جرح یک شخص، توافق شرکاء بر قتل، قطع اعضاء و جرح یک شخص و تعاقب شرکاء بر قتل یا قطع اعضاء یا جرح یک شخص همه از جمله مسائلی است که فقهاء به جزئیات آن پرداخته اند.

و در مورد شراکت غیر مباشر یا معنوی گفته اند که به اشکال مختلف صورت میگیرد مانند: تشویق نمودن شریک به ارتکاب جرم، مورد اکراه قرار دادن شریک به ارتکاب جرم، امر نمودن شریک به ارتکاب جرم، سازماندهی نمودن مجرمین، تهیه اسباب و وسایل جرم برای شریک، زهر دادن شخص، محبوس نمودن شخص تا زمان مرگ، در معرض حیوانات درنده قرار دادن شخص، تهدید نمودن شریک به ارتکاب جرم، جایزه تعیین نمودن برای شریک جرم و مانند اینها صدها مسائل دیگری وجود دارد که فقهاء جزئیات آن را ذکر کرده اند که این همه دلالت بر غنای فقه اسلامی و احکام آن میباشد که در هر عصر و زمان قابل تطبیق میباشد.

احکام شراکت در جرم در کود جزای کشور ما :

کود جزای کشور ما مسائل بسیار اندکی را در مورد شراکت در جرم بیان داشته است که برخلاف احکام فقه اسلامی دارای ویژه گیهای زیر میباشد:

1 - بیان ننمودن جنبه اخلاقی در مورد جرایم: بدیهی است که کود جزای کشور ما صرف از مجازات تعزیری صحبت مینماید، اما در مورد حدود و قصاص، مسایل عقیده و عبادات و مسایل اخلاقی بحث نمی نماید.

2 - کود جزای کشور ما در مورد احکام و مسائلی بحث مینماید که فقط درین دنیا بر مجرمین و شرکای جرمی آنها قابل تطبیق باشد، بنا براین احکام آن از هشدار دادن به مردم در مورد مجازات اخروی بسیار دور بوده و کدام دخالتی به آن ندارد. به این لحاظ احکام این قانون کدام سلطه و هیبتی بر نفس های مردم ندارد و هر زمانیکه آنها از سلطه حکومت خارج گردند بر زیر پا کردن احکام آن قدرت پیدا مینمایند و آن را نقض مینمایند.

3 - احکام شراکت در جرم که در این قانون ذکر گردیده است بسیار عام بوده و به جزئیات آن نپرداخته است، مثلاً شراکت مباشر به اساس اتفاق، توافق و تعاقب شرکاء را بیان نکرده است و صرف حکم عام را در مورد شریک مباشر چنین ذکر کرده است که به مجازات جرمی محکوم میگردد که در آن اشتراک نموده است و این حکم آن در موافقت با حکم فقه اسلامی میباشد، اما احکام شراکت غیر مباشر را تحت عنوان معاون جرم بیان داشته است .

ارتکاب جرم به اثر تحریک، تهدید، تطمیع یا تشویق، یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت ، موافقت با دیگری در ارتکاب جرم، کمک در اعمال تجهیزاتی یا تسهیلاتی همه موارد شراکت سببی میباشد، که این موارد نمونه ای از شراکت سببی در جرم میباشد و همه موارد آن را به بحث نگرفته است مواردی مانند امر به ارتکاب جرم ، اکراه نمودن شخص به ارتکاب جرم ، منع نمودن غذا و آب از مجنی علیه ، محبوس نمودن تا وقت مرگ و موارد دیگری هم وجود دارد که کود جزاء از آن صحبت نکرده است .

با مقایسه احکام شراکت در جرم در فقه اسلامی و کود جزای کشور ما در میابیم که در موارد زیر آنها با هم فرق های زیادی دارند :

الف - احکام ممنوعیت از مشارکت در جرم در فقه اسلامی از آیات قرآنی و احادیث نبوی سرچشمه گرفته است که این احکام دارای هیبت و سلطه بر نفوس کسانی که به آن ایمان دارند میباشد و به آن احترام دارند، و احکامی که دارای چنین خصوصیت باشد هیچ وقت معتقدین آنرا نقض نمیکنند ولو که از دید حکومت و مردم پنهان باشند. اما احکام شراکت در جرم در کود جزا دارای چنین خصوصیت نبوده، و هر زمانیکه مردم از دید نهاد های حکومت پنهان شوند و یا از سلطه آنها خارج شوند بر نقض این احکام جرأت پیدا مینمایند و جرم را مرتکب میشوند .

ب - احکام شراکت در جرم در فقه اسلامی بر مبنای قواعد کلی فقهی استوار است که این قواعد را فقهاء از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی استنباط نموده اند و این قواعد دارای احکام کلی بوده که بر تمامی جرایم که در آن اشتراک صورت میگیرد قابل تطبیق میباشد، و تمامی جزئیات شراکت را در برمیگیرد، اما کود جزا دارای چنین قواعد کلی نبوده صرف شریک مباشر و سببی را تعریف نموده و مجازات آنها را ذکر کرده است ولی بصورت دقیق مانند احکام فقه اسلامی دارای قواعد کلی نبوده که تمامی جزئیات را مورد بررسی قرار دهد.

ج - احکام فقه اسلامی در مورد شراکت در جرم دارای چنین خصوصیت است که اگر مجرمین به سببی از اسباب مانند فرار کردن از سلطه دولت، متوجه نشدن ارگانهای دولتی به جرم آنها و مانند اینها مجازات نشوند در آخرت به مجازات جرم خود میرسند، چون احکام آن از جانب الله جل جلاله وضع شده است که بر تمام احوال انسانها آگاه است و ذره ای از این کاینات از علم او خارج نیست و هر جا یا هر زمان که انسان جرم را مرتکب میشود به آن علم دارد.

اما احکام کود جزا در مورد شراکت در جرم دارای چنین خصوصیت نیست، اگر مجرمین و شرکای جرمی آنان از سلطه دولت فرار نمایند و یا از دید آنان پنهان باشند و کسی متوجه اعمال جرمی آنان نگردد در نتیجه کسی وجود ندارد که آنان را مجازات نماید. بنا بر این احکام فقه اسلامی در مورد شراکت در جرم کامل تر و جامع تر بوده و در ممانعت از جرم و شراکت در جرم بسیار موثر میباشد .



نتیجه گیری

بعد از مروری مختصر بر موضوع شراکت در جرم و مسایل مربوط به آن در فقه اسلامی و قانون وضعی میتوان نتایج ذیل را ذکر کرد :

1 - شراکت در جرم در اصطلاح فقه عبارت از این است که افراد متعدد عنصر مادی جرم را مرتکب شوند و هر یکی در تنفیذ آن سهم بگیرد یا همراه دیگری در تنفیذ آن معاونت و مساعدت نماید، یعنی شریک مباشر یا مسبب جرم باشد . و در اصطلاح قانون شریک آن است که در ارتکاب یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم، آگاهانه و بطور مستقیم با فاعل یا فاعلین دیگر سهیم باشد .

2 - جرایم در اصطلاح فقه عبارت از امور ممنوعه شرعی است که الله تعالی توسط حد یا تعزیر آن را منع کرده است . و در اصطلاح قانون جرم عبارت از ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام قانون جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدابیر تأمینی تعیین گردیده باشد .

3 - تمامی جرایم در فقه اسلامی و قانون دارای سه رکن یا عنصر عمومی میباشند که عبارت اند از : الف - عنصر قانونی جرم . ب - عنصر مادی جرم . ج - عنصر معنوی جرم .

اما شراکت در جرم چه مباشر باشد یا غیر مباشر دارای دو رکن عام میباشد و عبارت اند از : الف - تعدد مجرمین . ب - نسبت داده شدن ارتکاب عمل جرمی به آنها .

4 - بطور عموم در فقه اسلامی و قانون شراکت در جرم بر دو نوع است، یکی مباشر یا مستقیم و دیگری غیر مباشر یا سببی نامیده میشود، شراکت مباشر آن است که همه مجرمین یا شرکای جرمی در تنفیذ رکن مادی جرم سهم داشته باشند، اما شراکت غیر مباشر یا سببی آن است که مجرمین یا شرکاء بطور غیرمستقیم در تنفیذ رکن مادی جرم با فاعل یا فاعلین اصلی جرم مساعدت، معاونت و همکاری داشته باشند .

5 - شراکت مباشر در فقه اسلامی و قانون به سه شکل صورت میگیرد، شکل اول آن اتفاق در جرم است و آن اینکه شرکاء بر مبنای تصمیم و پلان قبلی جرم را مرتکب شوند و در فقه و قانون همه آنها بطور مساوی مسئولیت جزایی دارند و اندازه سهم آنها در جرم مد نظر گرفته نمیشود. شکل دوم آن توافق در جرم است و آن اینکه مجرمین بدون تصمیم و پلان قبلی در ارتکاب جرم سهیم شوند، در این صورت هر مجرم مسئول عمل جرمی خود به اندازه ای که آن را مرتکب شده میباشد.

و شکل سوم آن تعاقب در ارتکاب جرم است و آن اینکه مجرمین یکی بعد از دیگری جرم را بطور نوبت وار مرتکب شوند، در این صورت مسئولیت جزایی بر عهده کسی است که اتلاف شیء یا شخص توسط عمل وی صورت گرفته است .

6 - جرایم از لحاظ امکان اشتراک در آن و عدم آن در فقه اسلامی و قانون به سه دسته تقسیم میشوند : دسته اول جرایمی اند که بدون اشتراک صورت نمیگیرند و وقوع آن به شکل انفرادی نادر است، مانند جرم حرابت یا قطع طریق . دسته دوم جرایمی اند که مشارکت در آن صورت نمیگیرد و اگر بالفرض چند نفر در ارتکاب آن همدست و یا جمع شوند، هر یک از آنها به عنوان فاعل اصلی جرم مجازات میگردند، مانند جرایم زنا، قذف و نوشیدن شراب . دسته سوم جرایمی اند که با اشتراک و عدم آن هر دو صورت گرفته میتواند، مانند جرایم قتل و سرقت .

7 - در فقه اسلامی یک سلسله قواعد کلی وجود دارد که مسئولیت مباشر و مسبب جرم را تعیین مینمایند، و بطور کلی مفهوم قواعد به این شکل است که مباشر جرم به هر حال ضامن خسارتی است که به سبب عمل وی به میان آمده است خواه قصد ضرر رساندن را داشته باشد یا نداشته باشد، اما مسبب جرم صرف در حالت تعدی و تجاوز ضامن بوده در غیر آن ضامن نیست، و در صورت اجتماع مباشر و مسبب، اگر مسبب به فرض جدا بودن از مباشر، بصورت انفرادی و متمایز از مباشر در اتلاف شیء یا شخص تاثیر داشت، در این صورت مباشر و مسبب هر دو ضامن خسارت هستند .

8 - در صورت اجتماع مباشر و مسبب، اگر سبب بر مباشرت غالب بود مسئولیت خسارت بر عهده مسبب است، مانند قتل محکوم علیه توسط جلاد بنا بر شهادت دروغ شاهدان. و اگر مباشرت بر سبب غالب بود مسئولیت خسارت بر عهده مباشر است، مانند پرتاب نمودن شخصی در آب توسط کسی و خفه نمودن آن توسط شناگر. و اگر مباشرت و سبب هر دو در اتلاف شیء یا شخص تاثیر مساوی داشتند در این صورت مسئولیت بر عهده هر دوی آنها است، مانند اکراه بر قتل که مکره و مستکره هر دو مسئول آن هستند .

9 - الف - فاعل جرم در فقه اسلامی و قانون به جزای معینه جرمی که مرتکب شده محکوم میگردد .

ب - شریک جرم در فقه اسلامی و قانون به جزای جرمی که در آن اشتراک نموده است محکوم میگردد .

ج - معاون جرم در فقه اسلامی زمانی به مجازات جرمی که در آن معاونت نموده محکوم میگردد که اراده و قصد ارتکاب جرم و ضرر رساندن به مجنی علیه را داشته یا سبب به تنهایی خود در اتلاف شیء یا شخص مؤثر باشد، اما قانون او را به هر حال مستحق جزا میداند ولی جزای وی یک درجه پائین تر از مجازات جرم مرتکبه میباشد .

د - متفق جرم در فقه اسلامی به مجازات جرمی که مرتکب شده محکوم میگردد، اگر جرم قتل نفس باشد همه شرکاء به سبب آن به اتفاق فقهاء قصاص میگرددند، اما اگر جرم قطع و یا جرح اعضاء باشد در نزد جمهور علماء همه شرکاء به سبب جرم مذکور قصاص میگرددند، و در نزد احناف قصاص ساقط گردیده و تنها دیت لازم میگردد .

ه - سازمانده جرم یا کسیکه رهبری گروه جرمی را به عهده دارد، در فقه اسلامی مجازات وی شدیدتر از دیگران است، مثلاً در جرم راهزنی اگر مصلحت تقاضا نماید تعزیرا کشته میشود ولو که کسی را به قتل نرسانده باشد همانطوریکه شیخ الاسلام ابن تیمیه به آن اشاره نموده است، و جزای عبدالله بن ابی بن سلول کسیکه رهبری گروه قاذفین أم المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها را به عهده داشت به مراتب بیشتر از دیگران است چنانچه قرآن کریم به آن صراحت نموده است. در قانون نیز جزای سازمانده جرم نسبت به اعضای دیگر گروه جرمی بیشتر است و آن عبارت از یک و نیم چند حداکثر مجازات جرم مرتکبه میباشد .

10 - شریک یا در جرایم قصاص و دیات شریک فاعل جرم میباشد یا در جرایم حدود و تعزیرات، و در همه این حالات از لحاظ فقه اسلامی قابل مجازات میباشد و مقدار جزای وی بنا به کیفیت جرم ارتکابی متفاوت میباشد، مثلاً در جرم قتل عمد به اساس اتفاق شرکاء جزای کامل آن که عبارت از قصاص است شامل وی میشود، و در صورت توافق شرکاء اگر ضربه وی قابل تمییز از ضربات دیگر بوده و در عین حال کشنده باشد جزای وی قصاص است و در نزد مالکی ها ولو که ضربات از هم متمایز نگردد جزای آن قصاص همه شرکاء میباشد، و در صورت تعاقب شرکاء ضربه شریکی که سبب مباشر موت مجنی علیه شود جزای آن قصاص و برای دیگران حصه شان از دیت است .

در جرایم قطع و یا جرح اعضاء، جزای وی بنا بر قول جمهور علماء قصاص که عبارت از قطع و جرح عضو وی در برابر قطع و جرح عضو مجنی علیه است میباشد و بنا بر قول احناف تنها دیت لازم است .

در جرم سرقت اگر حصه مال مسروقه برای هر شریک به حد نصاب کامل برسد به اتفاق فقهاء جزای وی قطع دست است، و اگر برای هر شریک نصاب کامل نمی رسد در نزد مالکی ها و حنبلی ها جزای وی قطع دست است و در نزد احناف و شافعی ها تعزیر است، و در جرم قطع طریق جزای وی بنا بر اختلاف حال جرم متفاوت میباشد .

و در جرایم تعزیری در حق وی جزای که بازدارنده وی از ارتکاب دوباره جرم و موجب عبرت دیگران گردد در نظر گرفته میشود، حتی بعضی اوقات تعزیر وی به قتل نیز جایز است .

اما قانون برای هر جرم جزای خاص را در صورت ساقط شدن جزای قصاص، دیت یا حدود را وضع کرده است که طبق احوال اعدام، حبس با انواع مختلف آن و یا غرامت مالی میباشد .

11 - از جمله اسباب تشدید مجازات شریک جرم در فقه اسلامی صفت جرم، صفت فاعل و قصد جرمی شریک جرم میباشد.

در قانون نیز بعضی از حالات مشدده برای شریک جرم ذکر شده، از جمله آن قصد دنی یک از شرکای جرم، شراکت در ضرب و جرح، هتک حرمت مسکن، تجاوز جنسی و شراکت در گروه سازمان یافته جرمی و موارد دیگر میباشد.

12 - از جمله اسباب تخفیف مجازات شریک جرم در فقه اسلامی، شراکت طفل و دیوانه در قتل عمد با بالغان، شراکت خطاکار و قصد کننده در جرم قتل و مانند اینها میباشد.

در قانون نیز بعضی از حالات سبب تخفیف مجازات برای شریک جرم میگردد، مانند وادار شدن شرکاء به رشوت دادن، تغییر وصف جرم و موارد دیگر میباشد.

13 - از جمله اسباب سقوط مجازات شریک جرم در فقه اسلامی، شراکت پدر با سارقین در سرقت اموال پسرش، شراکت خطاکار با قصد کننده در جرم قتل، شراکت شریک با سارقین در سرقت اموال شریکش و شراکت طفل و دیوانه در جرایم حدود میباشد.

در قانون نیز بعضی موارد سقوط مجازات برای شریک جرم ذکر شده که از جمله آنها : معاف شدن فاعل از جزا، رضایت مجنی علیه در بازی های ورزشی و عملیات جراحی و درمانی، ایفای وظیفه، تعمیل امر آمر قانونی، دفاع مشروع، اطلاع دادن به مراجع ذیربط قبل از وقوع جرم و تثبیت هویت متهمین به اثر اطلاع بعد از وقوع جرم میباشد .

پیشنهادهات

بعد از اینکه به توفیق الله متعال نوشتن این رساله را به پایان رساندم، لازم می بینم چند نکته را به عنوان توصیه ها برای محصلین و محصلات دوره لیسانس و ماستری ذکر نمایم :

1 - پیشنهاد مینمایم که کودکان جزای کشور ما نیز مانند فقه اسلامی مجازات کامل را به تمامی شرکای جرمی چه مباشر و چه غیر مباشر در نظر بگیرد، تا امنیت و آرامی در کشور ما بوجود آمده و بساط جرم و مجرمین و شرکای جرمی بطور کامل برچیده شود.

2 - پیشنهاد مینمایم که قانون گذاران کشور ما برای بعضی از جرایم مجازات شدیدی که عبارت از اعدام است در نظر بگیرند و مجرمین و شرکای آنان به هیچ وجه مورد عفو قرار نگیرند؛ چون این جرایم بسیار خطرناک بوده و امنیت جانی، مالی و شرف مردم را کاملاً از بین میبرد و امنیت کشور از بین میرود، مانند: جرایم اختطاف، قتل و سرقت مسلحانه.

3 - پیشنهاد مینمایم که احکام شراکت مباشر و غیر مباشر در جرم همانطوریکه در فقه اسلامی بیان شده است به شکل ماده وار ذکر گردد و انواع و اقسام هر یک از آنها بطور شماره وار و مختصر در ماده های جداگانه ذکر گردد.

4 - برای عموم محصلین و محصلات توصیه مینمایم که در موارد زیر بحث های علمی داشته باشند و آنرا به عنوان رساله یا پایان نامه جهت گرفتن سند لیسانس یا ماستری به اداره پوهنتون ارائه نمایند : الف - احکام اشتراک در جرایم قصاص و دیات در فقه اسلامی و قانون .

ب - احکام اشتراک در جرایم حدود در فقه اسلامی و قانون .

ج - احکام اشتراک در جرایم تعزیری در فقه اسلامی و قانون .

د - قواعد کلی ضمان در فقه اسلامی .

ه - مسئولیت جزایی و احکام آن در فقه اسلامی و قانون .

و - مقاصد جزا در فقه اسلامی و قوانین وضعی .

ز - احوال مشدده ، مخففه و مسقطه جزایی در فقه اسلامی و قانون .

ح - نظام توبه و اثر آن در اسقاط جزا در فقه اسلامی و قانون.

فهرست آیات قرآنی

شماره	آیت	سوره	صفحه
سوره بقره			
1	﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى﴾	البقره/178	114
2	﴿الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى﴾	البقره/178	62 – 61
3	﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾	البقره/179	63
4	﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلَ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾	البقره/194	92
سوره نساء			
5	﴿فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ﴾	النساء/12	9
6	﴿وَلَا تَكُنْ لِلخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾	النساء/105	113
سوره مائده			
7	﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾	المائده/2	112 – 27
8	﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نِ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا﴾	المائده/8	12
9	﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾	المائده/33	– 70 – 31 89
10	﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾	المائده/38	68 – 32
11	﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ﴾	المائده/45	61 – 56
12	﴿عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ﴾	المائده/95	41
سوره انعام			
13	﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾	الأنعام/82	2
سوره انفال			
14	﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ﴾	الانفال/65	19
سوره هود			
15	﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾	هود/113	113
سوره نحل			

41	النحل/106	﴿إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾	16
سوره طه			
9	طه/32	﴿وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي﴾	17
سوره انبياء			
51 – 1	الأنبياء/107	﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾	18
سوره نور			
32	النور/2	﴿الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾	19
40	النور/59	﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾	20
سوره لقمان			
9	لقمان/13	﴿يَا بُيَّيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾	21
سوره احزاب			
87	الاحزاب/58	﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾	22
سوره صافات			
10	الصافات/33	﴿فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ﴾	23
سوره نجم			
41	النجم/38 – 39	﴿أَلَا تَرَىٰ وَازِرَةً وَّرَزَّٰةً أُخْرَىٰ * وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ﴾	24

فهرست احاديث نبوی

شماره	حديث	راوي	كتاب	درجه حديث	صفحه
1	إِذَا أُقِيمَ عَلَى السَّارِقِ الْحُدُّ فَلَا غُرْمَ عَلَيْهِ	المسور بن إبراهيم	التمهيد	منقطع	71
2	إِذَا أَمْسَكَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ وَقَتَلَهُ الْآخَرَ يُقْتَلُ الَّذِي قَتَلَ وَيُجَسَّدُ الَّذِي أَمْسَكَ	عبدالله بن عمر رضي الله عنهما	السنن الكبرى للبيهقي	مرسل	92
3	إِنَّ أَعْظَمَ الْمُسْلِمِينَ فِي الْمُسْلِمِينَ جُرْمًا مَنْ سَأَلَ عَنْ شَيْءٍ لَمْ يَحْرَمْ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فَحَرَّمَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَجْلِ مَسْأَلَتِهِ	عامر بن سعد عن أبيه	صحيح البخاري و صحيح مسلم	صحيح	12
4	إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَتَعَابُونَ فِيكُمْ	أبو هريرة رضي الله عنه	صحيح ابن خزيمة	صحيح	24
5	أَنَّ نَفْرًا مِنْ عُكْلٍ ثَمَانِيَةَ قَدَمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَبَايَعُوهُ عَلَى الْإِسْلَامِ.....	أنس رضي الله عنه	صحيح البخاري و صحيح مسلم	صحيح	89
6	أنا رحمة مهداة	أبو هريرة رضي الله عنه	المستدرک علی الصحیحین	صحيح	51 - 1
7	إنما أنا رحمة مهداة	أبو هريرة رضي الله عنه	المستدرک علی الصحیحین	صحيح	51
8	إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لِعَانًا وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً	أبو هريرة رضي الله عنه	صحيح مسلم	صحيح	51
9	رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ	علي بن أبي طالب رضي الله عنه	سنن أبي داود	صحيح	40
10	رفع عن أمي الخطأ والنسيان، وما استكروها عليه	ثوبان رضي الله عنه	المعجم الكبير للطبراني	صحيح	41 - 96 - 97

82	صحیح	صحیح البخاری و صحیح مسلم	أبو هريرة رضي الله عنه	العجماء جرحها جبار	11
60	ضعيف	مصنف ابن أبي شيبة	علي بن أبي طالب رضي الله عنه	قتل ثلاثة قتلوا رجلا اثر على بن أبي طالب رضي الله عنه	12
52	صحیح	السنن الكبرى للبيهقي	أبو سعيد الخدري رضي الله عنه	لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ	13
95	صحیح	المعجم الكبير للطبراني	عمران بن حصين رضي الله عنه	لا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ	14
73	صحیح	صحیح البخاری و صحیح مسلم	أبي بردة بن نيار رضي الله عنه	لَا يُجْلَدُ فَوْقَ عَشْرِ جَلْدَاتٍ إِلَّا فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى	15
29	ضعيف	المستدرک علی الصحیحین	ثوبان رضي الله عنه	لعن الله الراشي والمرثي والرائش الذي يمشي بينهما	16
28	صحیح	صحیح مسلم	جابر رضي الله عنه	لَعَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكِلَ الرَّبَا وَمُؤَكَّلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ وَقَالَ هُمْ سَوَاءٌ	17
- 27 113	صحیح	سنن الترمذي	أبو سعيد الخدري و أبو هريرة رضي الله عنهما	لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَأَهْلَ الْأَرْضِ اشْتَرَكُوا فِي دَمِ مُؤْمِنٍ لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ فِي النَّارِ	18
60	إسناده واه جدا	مصنف عبدالرزاق	ابن عباس رضي الله عنهما	لو أن مئة قتلوا رجلا قتلوا به اثر عبدالله بن عباس رضي الله عنهما	19
62	صحیح	الموطأ	سعيد بن المسيب رحمه الله	لَوْ تَمَّالًا عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتُهُمْ اثر عمر بن الخطاب رضي الله عنه	20
- 56 - 57 94	صحیح	الموطأ	سعيد بن المسيب رحمه الله	لَوْ تَمَّالًا عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتُهُمْ بِهِ اثر عمر بن الخطاب رضي الله عنه	21
- 22 - 57 - 60 114	صحیح	الموطأ	سعيد بن المسيب رحمه الله	لَوْ تَمَّالًا عَلَيْهِ أَهْلُ صَنْعَاءَ لَقَتَلْتُهُمْ جَمِيعًا اثر عمر بن الخطاب رضي الله عنه	22

66	صحیح	صحیح البخاری	عمر الشعبي رضي الله عنه	لو علمتُ أنكما تَعَمَدْتُمَا لَقَطَعْتُكُمَا اثر علي بن أبي طالب رضي الله عنه	23
114	حسن	سنن ابن ماجه	عبدالله بن عمر رضي الله عنهما	مَنْ أَعَانَ عَلَى خُصُومَةٍ يَظْلِمُ أَوْ يُعِينُ عَلَى ظُلْمٍ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ	24
112	ضعيف	سنن ابن ماجه	أبو هريرة رضي الله عنه	مَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِ مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ	25
8	ضعيف	مسند الإمام أحمد	رجل من الصحابه	الناس شركاء في ثلاث في الماء والكلا والنار	26
92	رجالہ ثقافت	مصنف عبدالرزاق	علي بن أبي طالب رضي الله عنه	يُقْتَلُ الْقَاتِلُ وَيُجَبَسُ الْأَخْرُ فِي السَّجَنِ حَتَّى يَمُوتَ	27

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
1	ابراهيم بن خالد ابو ثور	60
2	ابن دقيق العيد	82
3	ابن غانم البغدادي	46
4	ابومالك كمال بن السيد سالم	60
5	اسحاق بن ابراهيم	60
6	ربيعة بن ابي عبدالرحمن	61
7	سيد سابق	65
8	عبدالرحمن الجزيري	77
9	عبدالرحمن بن احمد بن رجب الحنبلي	52
10	عبدالرحمن بن ناصر السعدي	10
11	عبدالروف المناوي	72
12	عبدالقادر عوده	11
13	عبدالكريم زيدان	14
14	عبدالله بن سعد المحارب	68
15	عبدالله بن محمد بن شاس	87
16	عروه ابن الزبير	55
17	عزالدين بن عبدالسلام	50
18	علي بن محمد الجرجاني	72
19	علي حيدر	17
20	ليث بن سعد الفهمي	93
21	محمد ابوزهره	13
22	محمد بن ابراهيم التويجيري	73
23	محمد بن ابراهيم بن المنذر	61
24	محمد بن سيرين	61
25	محمد بن صالح العثيمين	57
26	محمد بن عبدالله الخرشي	53

55	محمد بن مسلم الزهري	27
68	محمد بن هبيرة الشيباني	28
46	محمد تقى العثماني	29
70	محمد سعيد الصاغري	30
32	محمد على السائس	31
10	محمد على الصابوني	32
86	مصطفى الخن	33
81	مصطفى الزحيلي	34
46	مصطفى الزرقاء	35
14	وهبه الزحيلي	36
57	يحيى بن سعيد	37

فهرست مصادر و مراجع

قرآن كريم

الف - تفسير :

1. ابن كثير ، أبو الفداء عماد الدين : تفسير القرآن العظيم ، دار طيبة ، الرياض - السعودية ، الطبعة الثانية 1420 هـ 1999 م .
2. السايس ، محمد علي : تفسير آيات الأحكام ، دار احياء التراث العربي ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1421 هـ 2001 م .
3. السعدي ، الشيخ عبدالرحمن بن ناصر : تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان ، دار السلام للنشر والتوزيع ، الرياض - السعودية ، الطبعة الثانية 1422 هـ - 2002 م .
4. الشنقيطي ، الشيخ محمد الأمين : أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، بيروت - لبنان 1428 هـ - 2007 م .
5. الصابوني ، الشيخ محمد علي : روائع البيان في تفسير آيات الأحكام من القرآن ، د ط - د ت
6. الصابوني ، الشيخ محمد علي : صفوة التفاسير ، دار القلم العربي حلب - دار النمير ، دمشق - سورية ، د ط - د ت .
7. الصابوني ، الشيخ محمد علي : مختصر تفسير ابن كثير ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، بيروت - لبنان ، د ط - د ت .
8. الطبري ، الإمام محمد بن جرير : جامع البيان عن تأويل آي القرآن ، مؤسسة الرسالة ، بيروت - لبنان ، الطبعة الثالثة 1404 هـ .
9. القرطبي ، أبو عبدالله محمد بن أحمد : الجامع لأحكام القرآن ، دار الكتب المصرية ، القاهرة - مصر ، الطبعة الثانية 1384 هـ 1964 م .

ب - حديث :

10. ابن أبي شيبة ، الإمام عبدالله بن محمد : الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، دار الكتب العلمية ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1416 هـ .
11. ابن حبان ، أبو حاتم محمد بن حبان البستي : صحيح ابن حبان ، مؤسسة الرسالة ، بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1414 هـ 1993 م .
12. ابن حنبل ، الإمام أحمد : مسند الإمام أحمد بن حنبل ، المكتبة الإسلامي ، بيروت - لبنان ، الطبعة الخامسة 1416 هـ 1985 م .

13. ابن خزيمة ، الإمام أبوبكر محمد بن إسحاق : صحيح ابن خزيمة ، المكتب الإسلامي ، بيروت – لبنان ، الطبعة الأولى 1395 هـ .
14. ابن رجب ، الإمام زين الدين بن شهاب الدين : جامع العلوم والحكم ، دار ابن كثير ، دمشق – بيروت ، الطبعة الثانية 1432 هـ 2011 م .
15. ابن ماجة ، الإمام أبو عبدالله بن يزيد القزويني : سنن ابن ماجة ، دار إحياء التراث العربي ، بيروت – لبنان ، د ط ، 1975 م .
16. أبوداود ، الإمام سليمان بن أشعث السجستاني : سنن أبي داود ، المكتبة العصرية ، بيروت – لبنان ، د ط ، 1412 هـ .
17. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل ، المكتبة الشاملة .
18. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : سلسلة الأحاديث الصحيحة و شئ من فقهها و فوائدها ، المكتبة الشاملة .
19. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة و أثرها السيئ في الأمة ، المكتبة الشاملة .
20. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : صحيح و ضعيف الترغيب والترهيب ، المكتبة الشاملة .
21. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : صحيح و ضعيف الجامع الصغير ، المكتبة الشاملة .
22. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : صحيح و ضعيف سنن ابن ماجة ، المكتبة الشاملة .
23. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : صحيح و ضعيف سنن أبي داود ، المكتبة الشاملة .
24. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : صحيح و ضعيف سنن الترمذي ، المكتبة الشاملة .
25. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : صحيح و ضعيف سنن النسائي ، المكتبة الشاملة .
26. الألباني ، الشيخ محمد ناصرالدين : مختصر إرواء الغليل ، المكتبة الشاملة .
27. الإمام مالك بن أنس : الموطأ ، دار الحديث ، القاهرة – مصر ، د ط ، 1421 هـ .
28. البخاري ، الإمام محمد بن إسماعيل : الجامع الصحيح ، دار السلام ، الرياض – السعودية ، الطبعة الثانية 1421 هـ 2000 م .
29. البيهقي ، الإمام حسين بن مسعود : شرح السنة ، المكتب الإسلامي ، بيروت – لبنان ، د ط 1403 هـ .
30. البيهقي ، أبوبكر محمد بن الحسين بن علي : السنن الكبرى ، دار الفكر ، بيروت – لبنان ، الطبعة الأولى 1410 هـ 1990 م .

31. الترمذي ، الإمام محمد بن عيسى بن سورة : **جامع الترمذي** ، مطبعة مصطفى البابي الحلبي ، القاهرة - مصر ، الطبعة الثانية 1398 م .
32. الحاكم ، أبو عبدالله محمد بن عبدالله : **المستدرک علی الصحیحین** ، دارالکتب العلمیة ، بیروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1411 هـ 1990 م .
33. الدار قطني ، الإمام علي بن عمر : **سنن الدار قطني** ، دار الکتب العلمیة ، بیروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1417 هـ .
34. الشوكاني ، الإمام محمد بن علي : **نیل الأوطار شرح منتقى الأخبار** ، مكتبة دار التراث ، القاهرة - مصر ، د ط ، د ت .
35. الصنعاني ، الإمام أبوبكر عبدالرزاق بن همام : **المصنف** ، المكتب الإسلامي ، القاهرة - مصر ، الطبعة الثانية 1403 هـ .
36. الصنعاني ، محمد بن إسماعيل الأمير اليمني : **سبل السلام شرح بلوغ المرام** ، دار الفجر للتراث ، القاهرة - مصر ، 1426 هـ 2005 م .
37. الطبراني ، الإمام سليمان بن أحمد : **المعجم الكبير** ، دار إحياء التراث العربي ، بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1406 هـ .
38. العثيمين ، الشيخ محمد بن صالح : **شرح الأربعين النووية** ، دارالثریا للنشر والتوزيع ، الرياض-السعودية ، الطبعة الثالثة ، 1425 هـ 2004 م .
39. القشيري ، الإمام مسلم بن الحجاج : **صحيح مسلم** ، دار احياء التراث العربي ، بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1392 هـ .
40. اللحيدان ، الشيخ عبدالله بن عبدالعزيز : **أضواء السنة** ، مكتبة التوبة ، رياض - السعودية ، الطبعة الثانية 1437 هـ .
41. المنذري ، الإمام الحافظ زكي الدين : **الترغيب والترهيب من الحديث الشريف** ، دار الکتب العلمیة ، بیروت - لبنان ، الطبعة الثالثة 1424 هـ 2003 م .
42. النسائي ، الإمام أبو عبدالرحمن أحمد بن شعيب : **سنن النسائي** ، دار الفكر ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1348 هـ .

ج - فقه و اصول فقه :

43. ابن المنذر ، أبوبكر محمد بن إبراهيم : **الإجماع** ، مكتبة الفرقان ، عجمان - الإمارات العربية المتحدة ، الطبعة الثانية 1420 هـ 1999 م .
44. ابن الهمام ، الإمام كمال الدين محمد بن عبدالواحد : **فتح القدير على الهداية** ، مطبعة مصطفى البابي الحلبي ، القاهرة - مصر ، الطبعة الأولى 1389 هـ .
45. ابن باز ، عبدالعزيز بن عبدالله : **مجموع فتاوى و مقالات متنوعة** ، دار القاسم للنشر ، الرياض - السعودية ، د ط ، 1420 هـ .
46. ابن تيمية ، شيخ الإسلام تقي الدين أحمد بن عبدالحليم : **السياسة الشرعية في إصلاح الراعي والرعية** ، دار عالم الفوائد ، جدة - السعودية ، د ط - د ت .
47. ابن تيمية ، شيخ الإسلام تقي الدين أحمد بن عبدالحليم : **مجموع الفتاوى** ، جمع و ترتيب: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم و ابنه محمد ، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف ، المدينة المنورة - السعودية ، د ط ، 1416 هـ 1995 م .
48. ابن رشد ، القاضي أبو الوليد محمد بن أحمد : **بداية المجتهد و نهاية المقتصد** ، دار الفكر ، بيروت - لبنان ، د ط ، د ت .
49. ابن عابدين ، محمد امين : **رد المحتار على الدر المختار** ، دار الفكر ، بيروت - لبنان ، د ط 1412 هـ 1992 م .
50. ابن عبدالبر ، الإمام يوسف بن عبدالله : **التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد** ، دار الفاروق الحديثة للطباعة والنشر ، بيروت - لبنان ، الطبعة الرابعة 1429 هـ 2008 م .
51. ابن عبدالبر ، الإمام يوسف بن عبدالله : **الاستذكار** ، الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار و علماء الأقطار ، دار الكتب العلمية ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1421 هـ 2000 م .
52. ابن قدامه ، موفق الدين عبدالله بن أحمد المقدسي : **المغني** ، دار الفكر ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1405 هـ .
53. أبو زهرة ، محمد : **الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي** ، دار الفكر العربي ، القاهرة - مصر ، 1998 م .
54. التويجيري ، الشيخ محمد بن إبراهيم : **مختصر الفقه الإسلامي** ، دار أصدقاء المجتمع ، القصيم - السعودية ، الطبعة الخامسة عشرة 1435 هـ 2014 م .
55. الجزيري ، عبدالرحمن بن محمد : **الفقه على المذاهب الأربعة** ، مكتبة فريديية ، محله جنكي ، بشاور - باكستان ، د ط ، د ت .

56. جماعة من العلماء : موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي ، دار الهدى النبوي ، المنصورة - مصر ، الطبعة الأولى 1434 هـ 2013 م .
57. الخطاب ، أبو عبدالله محمد بن محمد الرعيني : مواهب الجليل في شرح مختصر خليل ، دار الكتب العلمية ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1416 هـ .
58. الخرشبي ، أبو عبدالله سيدي محمد : شرح مختصر خليل ، دار صادر ، - لبنان ، د ط ، د ت .
59. الخن ، مصطفى و آخرون : الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي ، مؤسسة الرسالة ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1433 هـ 2012 م .
60. الدهلوي ، الإمام شاه ولي الله : حجة الله البالغة ، دار ابن كثير ، دمشق - سورية ، الطبعة الأولى 1431 هـ 2010 م .
61. الزحيلي ، الدكتور وهبة ، أصول الفقه الإسلامي ، المكتبة الرشيدية ، كويتة - باكستان ، د ط - د ت .
62. الزحيلي ، الدكتور وهبة ، الفقه الإسلامي و أدلته ، دارالفكر ، دمشق - سورية ، الطبعة الرابعة 1418 هـ 1997 م .
63. الزحيلي ، الدكتور وهبة ، نظرية الضرورة الشرعية ، مؤسسة الرسالة ، بيروت - لبنان ، الطبعة الرابعة 1405 هـ 1985 م .
64. الزحيلي ، الدكتور وهبة ، نظرية الضمان أو أحكام المسؤولية المدنية والجنائية ، دارالفكر ، دمشق - سورية ، الطبعة التاسعة 1433 هـ 2012 م .
65. زيدان ، الدكتور عبدالكريم : المدخل لدراسة الشريعة الإسلامية ، مؤسسة الرسالة ناشرون ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1425 هـ 2005 م .
66. زيدان ، الدكتور عبدالكريم : المفصل في أحكام المرأة والبيت المسلم ، مؤسسة الرسالة ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1413 هـ 1993 م .
67. زيدان ، الدكتور عبدالكريم : الوجيز في أصول الفقه ، دار نشر الكتب الإسلاميه ، لاهور - باكستان ، د ط - د ت .
68. زيدان ، عبدالكريم : أصول الدعوة ، المكتبة الحقانية ، بشاور - باكستان ، د ط - د ت .
69. السرخسي ، الإمام شمس الدين أبوبكر محمد بن أحمد بن أبي سهل : المبسوط ، دار المعرفة ، بيروت - لبنان ، د ط ، 1406 هـ .
70. السيد سابق : فقه السنة ، مكتبة الرشد ، الرياض - السعودية ، الطبعة الأولى 1422 هـ 2001 م

71. الشافعي ، الإمام أبو عبدالله محمد بن ادريس : الأم ، دار المعرفة ، بيروت – لبنان ، الطبعة الثانية 1393 هـ .
72. الشربيني ، الشيخ محمد الخطيب : **مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج** ، دار الفكر ، بيروت – لبنان ، د ط ، د ت .
73. الصاغري ، الشيخ أسعد محمد سعيد : **الفقه الحنفي و أدلته** ، وحيدى كتب خانه ، بشاور – باكستان ، د ط – د ت .
74. العثماني ، محمد تقي : **بحوث في قضايا فقهية معاصرة** ، مكتبة معروفة ، كوئته – باكستان 1428 هـ 2007 م .
75. العثيمين ، الشيخ محمد بن صالح : **الشرح الممتع على زاد المستقنع** ، دار ابن الجوزي ، الطبعة الأولى ، 1422 هـ .
76. عفانة ، الدكتور حسام الدين موسى : **فتاوى يسألونك** ، دار الكتب العلمية ، بيروت – لبنان ، الطبعة الثانية 1417 هـ 1997 م .
77. عودة ، عبدالقادر : **التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي** ، دار الكتاب العربي ، بيروت – لبنان ، د ط .
78. الكاساني ، الإمام علاء الدين أبي بكر بن مسعود : **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع** ، دار الكتاب العربي ، بيروت – لبنان ، الطبعة الثانية 1402 هـ 1982 م .
79. كمال ، الشيخ أبو مالك : **صحيح فقه السنة** ، كتب خانه رشيديه ، بشاور – باكستان ، د ط – د ت .
80. الماوردى ، على بن محمد : **الأحكام السلطانية** ، دار الحديث ، القاهرة- مصر ، 1427 هـ 2006 م .
81. المواق ، محمد بن يوسف بن أبي القاسم العبدري : **التاج و الإكليل لمختصر خليل** ، دار الفكر ، بيروت – لبنان ، الطبعة الثانية 1398 هـ .
82. الموصلى ، الإمام عبدالله بن محمود : **الاختيار لتعليل المختار** ، المكتبة الحقانية ، بشاور – باكستان ، د ط – د ت .
83. النووي ، الإمام أبو زكريا محي الدين : **المجموع شرح المهذب** ، دار الفكر ، بيروت – لبنان ، د ط ، د ت .
84. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية : **الموسوعة الفقهية الكويتية** ، طباعة ذات السلاسل ، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية – الكويت ، الطبعة الثانية 1404 هـ 1983 م .

د - قواعد فقهي :

85. ابن نجيم ، العلامة زين الدين بن إبراهيم بن محمد : **الأشباه والنظائر** ، دار الكتب العلمية ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1419 هـ 1999 م .
86. جماعة من العلماء : **مجلة الأحكام العدلية**، المطبعة الأدبية، بيروت - لبنان، د ط، 1302 هـ .
87. حيدر ، علي : **درر الحكام شرح مجلة الأحكام** ، تعريب : المحامي فهمي الحسيني ، دار عالم الكتب ، الرياض - السعودية ، طبعة خاصة 1423 هـ 2003 م .
88. الزحيلي ، محمد مصطفى : **القواعد الفقهية و تطبيقاتها في المذاهب الأربعة** ، دار الفكر ، دمشق - سورية ، الطبعة الأولى 1427 هـ 2006 م .
89. الزرقاء ، أحمد بن محمد : **شرح القواعد الفقهية** ، دار القلم ، دمشق - سورية ، الطبعة الثانية 1409 هـ 1989 م .
90. زيدان ، الدكتور عبدالكريم : **الوجيز في شرح القواعد الفقهية** ، مؤسسة الرسالة ناشرون ، بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1432 هـ 2011 م .
91. السيوطي ، الإمام جلال الدين عبدالرحمن : **الأشباه والنظائر** ، دار الكتب العلمية ، بيروت - لبنان ، الطبعة الأولى 1403 هـ 1983 م .

هـ - لغت نامه ها و معاجم :

92. ابن منظور ، محمد بن مكرم بن علي : **لسان العرب** ، دار المعارف ، د ط - د ت .
93. الجرجاني : **التعريفات** ، دار الفضيلة ، القاهرة - مصر ، د ط - د ت .
94. الزبيدي ، محب الدين السيد مرتضى : **تاج العروس** ، دار الهداية ، د ط - د ت .
95. قلنجي ، دكتور محمد رواس : **معجم لغة الفقهاء** ، دارالنفايس ، بيروت - لبنان ، الطبعة الثانية 1408 هـ 1988 م .
96. مصطفى ، إبراهيم : **المعجم الوسيط** ، دارالدعوة ، استانبول - تركيا ، د ط - 1410 هـ 1989 م .
97. المناوي ، عبدالرؤف : **التوقيف على مهمات التعاريف** ، دار عالم الكتب ، القاهرة - مصر ، الطبعة الأولى 1410 هـ 1990 م .

و - رساله ها و قوانين :

98. أحمد الشيخ، إبراهيم سند إبراهيم: **مكافحة الإسلام للجريمة**، بحث منشور على موقع الألوكة في الشبكة الدولية.
99. أمين ، الدكتور عبدالباقي : **قانون كذاري** ، مركز تحقيقاتي قاصد ، كابل - افغانستان ، چاپ اول 1397 هـ 2018 م.
100. بنياد آسيا : **شرح كود جزا** ، چاپ خانه سعيد، كابل - افغانستان ، چاپ اول 1398 هـ ش.
101. دراغمة ، محمد عبدالمنعم : **أثر الظروف في تخفيف العقوبة** ، رسالة ماجستير من جامعة النجاح الوطنية ، نابلس - فلسطين 2006 م .
102. عبدالله حامد ، كامل محمد حسين : **أحكام الاشتراك في الجريمة في الفقه الإسلامي** ، رسالة ماجستير من جامعة النجاح الوطنية ، نابلس - فلسطين 2010 م .
103. العرفج ، فهدبن مبارك : **التحريض على الجريمة في الفقه الإسلامي والنظام السعودي** ، رسالة ماجستير من جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية رياض - السعودية 2006 م
104. القططي ، رائد أحمد : **المساهمة الجنائية في الشريعة الإسلامية** ، رسالة ماجستير من الجامعة الإسلامية بغزة - فلسطين 2001 م .
105. الكربولي ، أحمد عبيد جاسم : **المساهمة الجنائية بين الشريعة و القانون** ، بحث منشور في مجلة جامعة الأنبار للعلوم الإسلامية ، الأنبار - العراق ، المجلد الثالث ، العدد الثاني عشر ، كانون الأول 2011 م .
106. المطيري ، ضاوي جزاع : **المسؤولية الجنائية للاشتراك بالمساعدة** ، رسالة ماجستير من جامعة الشرق الأوسط ، 2011 م .
107. النمر ، علي السيد : **منهج الإسلام في مكافحة الجرائم** ، بحث منشور على موقع الألوكة في الشبكة الدولية .
108. وزارت عدليه جمهورى اسلامى افغانستان : **كود جزا** ، مصوب سال 1396 هـ ش .



خلاصة البحث

لاشك أن معرفة مفهوم الاشتراك في الجريمة، أنواعه و مدى مسئولية كل شريك لها دور مهم في تأمين مصالح الأفراد و المجتمعات و مكافحة الجرائم، و جدير بالذكر أن تعقيب و مطاردة شركاء الجريمة يلعب دورا هاما في تأمين الأمن الداخلي للبلد، و منع الاضطرابات والفوضى إذا ما وقعوا في قبضة رجال الأمن، فتشتت جمعهم و تخيب خططهم الإجرامية و ينتشر الأمن في ربوع البلاد.

والمنهج الذي اتبعته في كتابة البحث هو منهج الوصفي التحليلي الاستقرائي، ولإغناء البحث راجعت الكتب الموثوقة والمعتمدة لمصادر أحكام الشريعة الإسلامية، مثل التفسير، والحديث، والفقه، وأصول الفقه والقواعد الفقهية، كما أنني استفدت من أطروحات جامعية، والمعاجم اللغوية وقانون العقوبات الأفغاني، وإذا كان هناك خلاف في موضوع ما، فقد ذكرته بأقواله المختلفة مع دلائله، وأذكر الرأي الراجح فيه بعد المقارنة والمقايضة بين الدلائل قدر المستطاع وجدير بالذكر أنني أذكر المواد القانونية عقب كل مسألة فقهية، و أحيانا استنتج بعض المسائل من الأحكام الفقهية و المواد القانونية و ذلك بمتابعة المنهج التحليلي في ذلك.

في فصل الأول من هذا البحث أوضحت المفاهيم الكلية لموضوع الاشتراك في الجريمة و هي عبارة عن تعريف الاشتراك في الجريمة، بيان معاني الألفاظ ذات الصلة والأركان العامة للجريمة و للاشتراك فيها، والاشتراك في الجريمة هو أن يتعدد المجرمون و يساهم كل منهم في تنفيذ الركن المادي لها بالمباشرة أو بالاتفاق و التحريض والاعانة عليها، والأركان العامة للجريمة هي الركن الشرعي أو القانوني والركن المادي والركن الأدبي و هي متفقة عليها في الفقه والقانون، و في موضوع الاشتراك في الجريمة يضاف ركنان آخران هما تعدد المجرمين و وحدة الجريمة و نسبة اقترافها إليهم.

و في الفصل الثاني بينت جميع أحكام الاشتراك المباشر في الجريمة و هو أن يساهم جميع الشركاء في تنفيذ الركن المادي للجريمة بشكل مباشر و بدون واسطة، و نظرا للأحكام الفقهية والقواعد الفقهية فإن الشريك المباشر للجريمة يتحمل مسؤولية عمله الإجرامي على كل حال، سواء قصد الإضرار بالغير أم لم يقصد ذلك، و يوافق قانون العقوبات الأفغاني أحكام الفقه الإسلامي في معاقبة الشريك المباشر حيث يعاقبه بالعقوبة الكاملة للجريمة التي ارتكبها مع غيره.

و في الفصل الثالث أوضحت الاشتراك غير المباشر للجريمة و جميع أحكامه، و هذا الاشتراك هو عبارة عن تنفيذ الركن المادي للجريمة مع مباشرها بالاتفاق والتحريض والإعانة سواء كان الشريك فردا عاديا او زعيما للفرقة الإجرامية، و نظرا للقواعد الفقهية فإن الشريك غير المباشر للجريمة لا

يسأل عن عمله الإجرامي و لا يطالب بالضمان إلا إذا كان قاصدا للجريمة أو ناويا التعدي على حقوق الآخرين، أو أن يكون فعله مؤثرا في إحداث الضرر إذا انفرد عن المباشر أو أن يستحيل معاقبة المباشر بشكل من الأشكال، و في حالة اجتماع الشريك المباشر و المسبب للجريمة تقع المسؤولية والضمان على عاتق من كان أثر فعله في إحداث الجريمة على الآخر غالبا، و أما إذا استوى أثرهما في إحداث الجريمة فيكون الاثنان مسؤولين عن نتيجة عملهما الإجرامي أو الإضرار بالآخرين. و يخالف قانون العقوبات الأفغاني أحكام الفقه الإسلامي في معاقبة الشريك غير المباشر حيث يعاقبه بدرجة أقل من عقوبة مباشر الجريمة و يستثنى منها بعض المجرمين كأن يكون زعيما لعصابة المجرمين فيشدد عليه العقوبة.

و في الفصل الرابع ذكرت أسباب تشديد عقوبة الشريك و تخفيفها و اسقاطها، فأسباب تشديدها عبارة عن صفة الفعل الإجرامي و صفة الشريك و قصده، أو الاشتراك في ضرب الرجل و جرحه و التعدي على حرمة المسكن والعنف الجنسي و مساعدة الفرقة الإجرامية وغيرها. و أسباب تخفيفها عبارة عن صفة الفعل الإجرامي و صفة الشريك و قصده، أما أسباب سقوطها فعبارة عن اشتراك الأب مع غيره في سرقة أموال ابنه أو اشتراك الشريك مع غيره في سرقة أموال شريكه أو اشتراك الصبي والمجنون مع غيرهما في جرائم الحدود والقصاص، و كذلك إخبار الجهات الأمنية بما يخطئه المجرمون قبل وقوع الجريمة أو مساعدتهم في التعرف على هوية المجرمين بعد وقوع الجريمة.

في النهاية أتمنى أن تكون هذه الرسالة قد ساعدت على إزالة الغموض و رفع الستار عن جميع موضوعات الاشتراك في الجريمة و أن تكون مفيدة للطلاب والطالبات ومحبي العلم والمعرفة.



Summary of the Research

Certainly, recognizing complicity in crime, its types and the degree of criminal responsibility of each partner has an important role in ensuring the security of individuals, communities and crime prevention. The involvement of their criminal partners disintegrates their core and their conspiracies are thwarted, which plays a very important role in preventing other crimes and preventing the internal unrest of the country.

The method used in the research is the descriptive method, which I have done comparatively, and for information, refer to the authoritative and reliable sources of the rules of Islamic Sharia, such as Tafsir, Hadith, Fiqh, Principles of Jurisprudence and Jurisprudential Rules. In addition, I have used scientific treatises, dictionaries and domestic penal code besides the analytical method, which has taken rulings from jurisprudential issues and legal materials.

The first chapter clarifies the general concepts of complicity in crime, the definition of complicity and related concepts, the general elements of crime and the general principles of complicity in crime, and I have clarified such crimes based on the possibility of participating in it and not having it. Partnership in crime is that multiple individuals commit a crime and each participates in its implementation or the director of the crime helps, encourages and assists in its implementation, and the general elements of the crime are its legal, material and spiritual elements. However, complicity in crime has two general elements, one is the multiplicity of criminals and the other is the attribution of a criminal act and its commission to them.

The second chapter discusses the direct involvement in the crime and all related concepts, and this type of partnership is the participation of all criminal partners in enforcing the material element of the crime directly and without intermediaries, and in terms of jurisprudential rules of the direct partners. In any case, the partner is responsible for their own criminal act, whether they intend to commit a crime or harm others. Based on the penal code, the partner is responsible and will be punished.

The third chapter examines the non-direct participation in the crime and all its related provisions, and this type of partnership is the participation of the partner with the criminal in committing the criminal act or encouraging and assisting him, or organizing the criminal group. In addition, it indicates the

significance of occurring crimes' material element. According to the jurisprudential rules, a non-direct partner is responsible for a criminal act when he intends to rape others and commit a criminal act, or if he separates from the criminal director, it is effective in harming the victim and the direct punishment is possible. In terms of the penal code, the non-direct partner is also responsible for his criminal act, however, contrary to the provisions of Islamic jurisprudence, he is sentenced to a lower degree than the punishment of the first criminal. In other words, the non-direct partner faces half of the punishment.

The fourth chapter indicates the causes of aggravation, reduction and fall of the partner's punishment, including the causes of aggravation of the partner's punishment in Islamic jurisprudence and the penal code, criminal adjective, perpetrator and intent of the crime partner, participation of several people in assault and beating Defamation of housing is the vicious intention of one of the accomplices, gang rape, etc. Among the reasons for mitigating the punishment of a partner in Islamic jurisprudence and the penal code is the partnership of a child and a madman with an adult in murder or complicity of the wrongdoer and the perpetrator. Bribery is a change in the description of a partner's crime, and causes such as the father's involvement with others in the murder of his son, the partner's involvement in the theft of his partner's property, the child's participation or insanity in adult crimes and retribution with adults, and the perpetrator not being punished.

As a conclusion, I hope this research assists in remove the ambiguity related to the concepts of complicity in crime, and will be useful for students and lovers of science and knowledge.





Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in
Jurisprudence & Law



Islamic Republic
of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Private Universities Presidency

Coopration in comiting crimes

A compariting study bettween

Islamic Jurisprudence and Law

A Master's thesis

Student: Mohammad Mosa (Shaker)

Supervisor: Dr. Rafiullah (Atta)

Year:2020



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in
Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Private Universities Presidency

Coopration in comiting crimes **A compariting study between** **Islamic Jurisprudence & Law**

A Master's Thesis

Student: Mohammad Mosa (shaker)

Supervisor: Dr. Rafiullah (Atta)

Year: 2020